



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# استبداد، استثمار و یهابیت

امیرعلی حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# استبداد، استعمار و بهائیت

نویسنده:

امیرعلی حسنلو

ناشر چاپی:

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۹	استبداد، استعمار و بهائیت
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۹	مقدمه
۲۱	فصل اول : مفاهیم، پیشینه و کلیات
۲۱	اشاره
۲۳	مفهوم شناسی
۲۳	اشاره
۲۳	الف) باب
۲۶	ب) بهاء
۲۷	ج) استبداد
۲۷	د) استعمار
۲۸	پیشینه مدعیان دروغین بابیت
۲۸	اشاره
۲۹	الف) مدعیان بابیت در دوره غیبت صغری
۳۱	ب) مدعیان بابیت در دوره غیبت کبری
۳۸	زمینه های شکل گیری بهائیت
۳۸	اشاره
۳۹	۱.نگاهی به وضع ایران معاصر در دوره قاجاریه
۴۶	۲.ویژگی حاکمان قاجاریه
۵۱	فصل دوم : نقش استبداد در پیدایش بهائیت
۵۱	اشاره

۵۴	حاکمان قاجاریه و بهائیت
۵۴	اشاره
۵۶	الف) بنیان بهائیت در عهد قاجار
۶۴	ب) همسویی بهائیت با استبداد و استعمار در انحراف مشروطه
۶۷	پهلوی ها و بهائیت
۶۷	اشاره
۶۸	الف) ویژگی پهلوی ها
۷۰	ب) اوضاع فرهنگی در دوره پهلوی
۷۳	ج) بهائیت در دوره پهلوی ها
۷۹	د) رشد فعالیت های تبلیغی بهائیت در عصر پهلوی
۹۱	فصل سوم : ترویج بهائیت نقش استعمار در پیدایش
۹۱	اشاره
۹۴	الف) رویارویی با توسعه قلمرو اسلامی
۹۴	اشاره
۹۴	۱. فرهنگی
۹۵	۲- نظامی
۹۵	ب) طرح های راهبردی
۹۵	اشاره
۹۶	۱. تجزیه قلمرو جهان اسلام
۹۷	۲. بحران های پایدار مرزی
۹۸	۳. تشدید اختلافات نژادی، قومی و فرهنگی
۱۰۲	روسیه و بهائیت
۱۰۲	اشاره
۱۰۴	الف) سیاست بیگانگان و زمینه های انحراف
۱۱۰	ب) روسیه و پیدایش بهائیت
۱۱۰	اشاره

۱. باب، در پناه عامل روس ..... ۱۱۱
۲. تصویربرداری از جسد باب ..... ۱۱۲
۳. حفظ جسد باب ..... ۱۱۲
۴. یاری جستن بابیان زنجان از روس ها ..... ۱۱۲
۵. دشمنی با امیر کبیر ..... ۱۱۳
۶. گزارش هدف دار آشوبها ..... ۱۱۴
۷. کوشش برای نجات باب و بها از اعدام ..... ۱۱۶
۸. اظهار خوشنودی از توهین بابی ها به علمای شیعه ..... ۱۱۸
۹. جذب نیرو برای باب ..... ۱۱۸
۱۱. مجوز تأسیس مشرق الاذکار و آزادی تبلیغ در خاک روسیه ..... ۱۲۰
۱۲. استقبال روسها از بهائیان ..... ۱۲۲
۱۳. تلاش سفیر روس، برای آزادی بهاء از زندان ..... ۱۲۲
۱۴. نام گذاری فرقه با پسوند بهیه (بهاء) ..... ۱۲۴
۱۵. پناه دادن سفارت روس به بهاء و وابستگی خاندان بهاء به روس ها ..... ۱۲۵
۱۶. جاسوسی بهاء برای دولت روس و همراهی سفیر با او در تبعید ..... ۱۲۶
۱۷. حفظ آثار بهاء ..... ۱۲۷
- ج) علت حمایت روس ها از بهائیت ..... ۱۲۸
- اشاره ..... ۱۲۸
۱. ایجاد خدشه در وحدت تشیع ..... ۱۲۸
۲. حذف کارگزاران استعمارستیز ..... ۱۲۹
۳. محو فرهنگ امید ..... ۱۲۹
۴. وهن جایگاه مرجعیت ..... ۱۳۰
۵. قداست زدایی از معارف و ارزش های دینی ..... ۱۳۱
۶. توسعه ارضی و راهیابی به آبهای آزاد ..... ۱۳۲
- انگلیس و بهائیت ..... ۱۳۵
- اشاره ..... ۱۳۵

۱. سلطه جویی انگلیسی ها در ایران ..... ۱۳۶
۲. انگلیس و پیدایش بهائیت ..... ۱۴۱
۳. تعامل بهائیت با انگلیس ..... ۱۴۷
۴. گسترش بهائیت و استعمار پیر ..... ۱۵۹
۵. بهائیسیم و صهیونیسم، دست ساخته انگلیس ..... ۱۶۲
- فرانسه و بهائیت ..... ۱۶۹
- آمریکا و بهائیت ..... ۱۷۶
- اشاره ..... ۱۷۶
- الف) نگاهی به تاریخ آمریکا و رابطه با ایران ..... ۱۷۷
- اشاره ..... ۱۷۷
۱. پیدایش آمریکا ..... ۱۷۷
۲. سلطه جویی آمریکا ..... ۱۸۰
۳. رابطه ایران و آمریکا ..... ۱۸۱
- ب) گونه های تعامل آمریکا با بهائیت ..... ۱۸۶
- اشاره ..... ۱۸۶
۱. پیدایش بهائیت و آمریکا ..... ۱۸۸
۲. ستیز با همبستگی اسلامی ..... ۱۹۱
۳. هم گرایی در شعارها ..... ۱۹۵
۴. راه اندازی تشکیلات بهائیت در آمریکا ..... ۱۹۸
۶. جاسوسی بهائیان برای آمریکا ..... ۲۰۷
۷. ترویج بهائیت با ترویج مفاسد اخلاقی ..... ۲۱۰
۸. حمایت های سیاسی آمریکا در مجامع بین المللی ..... ۲۱۵
- توصیه ها و راهکارها ..... ۲۲۷
- منابع و مأخذ ..... ۲۳۲
- درباره مرکز ..... ۲۵۲



سرشناسه : حسنلو، امیرعلی، 1349 -

عنوان و نام پدیدآور : استبداد، استعمار و بهائیت/ امیرعلی حسنلو؛ تهیه کننده مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات [ مرکز مدیریت حوزه های علمیه ].

مشخصات نشر : قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1394.

مشخصات ظاهری : 240ص.؛ 14/5×21/5س م.

شابک : 978-600-7550-34-2

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه : ص. [221] - 240 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : بهائیگری -- ایران -- تاریخ

بهائیگری -- ایران -- تاریخ -- 1304-1357

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه. مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رده بندی کنگره : BP330/ح47الف5 1394

رده بندی دیویی : 297/564

شماره کتابشناسی ملی : 4111485

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان

ص: 1

اشاره







مقدمه ..... 9

فصل اول: مفاهیم، پیشینه و کلیات

مفهوم شناسی ..... 13

الف) باب ..... 13

ب) بهاء ..... 16

ج) استبداد ..... 17

د) استعمار ..... 17

پیشینه مدعیان دروغین باب ..... 18

الف) مدعیان بابیت در دوره غیبت صغری ..... 19

ب) مدعیان بابیت در دوره غیبت کبری ..... 21

زمینه های شکل گیری بهائیت ..... 28

1. نگاهی به وضع ایران معاصر در دوره قاجاریه ..... 29

2. ویژگی حاکمان قاجاریه ..... 36

فصل دوم: نقش استبداد در پیدایش بهائیت

حاکمان قاجاریه و بهائیت ..... 44

الف) بنیان بهائیت در عهد قاجار ..... 46

ب) همسویی بهائیت با استبداد و استعمار در انحراف مشروطه ..... 54

پهلوی ها و بهائیت ..... 57

الف) ویژگی پهلوی ها.....58

ب) اوضاع فرهنگی.....60

ج) بهائیت در دوره پهلوی ها.....63

د) رشد فعالیت های تبلیغی بهائیت در عصر پهلوی.....69

فصل سوم: نقش استعمار در پیدایش و ترویج بهائیت

الف) رویارویی با توسعه قلمرو اسلامی.....84

1- فرهنگی.....84

2- نظامی.....85

ب) طرحهای راهبردی.....85

1. تجزیه قلمرو جهان اسلام.....86

2. بحرانهای پایدار مرزی.....87

3. تشدید اختلافات نژادی، قومی و فرهنگی.....88

روسیه و بهائیت.....92

الف) سیاست بیگانگان و زمینه های انحراف.....94

ب) روسیه و پیدایش بهائیت.....101

1- باب، در پناه عامل روس.....101

2- تصویربرداری از جسد باب.....102

3- حفظ جسد باب.....102

4- یاری جستن بایبان زنجان از روسها.....102

5- دشمنی با امیر کبیر.....103

- 6- گزارش هدف دار آشوب ها.....104
- 7- کوشش برای نجات باب و بها از اعدام.....106
- 8- اظهار خوشنودی از توهین بابی ها به علمای شیعه..... 108
- 9- جذب نیرو برای باب.....108
- 10- اقرار بهاء به حمایت روس تزار.....110
- 11- مجوز تأسیس مشرق الاذکار و آزادی تبلیغ در خاک روسیه..... 110
- 12- استقبال روس ها از بهائیان.....112

ص: 6

13. تلاش سفیر روس، برای آزادی بهاء‌از زندان.....112
14. نام‌گذاری فرقه با پسوند بهیه (بهاء).....114
15. پناه دادن سفارت روس به بهاء و وابستگی خاندان بهاء به روسها .... 115
16. جاسوسی بهاء برای دولت روس و همراهی سفیر با او در تبعید.....116
17. حفظ آثار.....117
- ج) علت حمایت روس‌ها از بهائیت.....118
1. ایجاد خدشه در وحدت تشیع.....118
2. حذف کارگزاران استعمارستیز.....119
3. محور فرهنگ امید.....119
4. و هن جایگاه مرجعّت .....120
5. قداست زدایی از معارف و ارزشهای دینی.....121
6. توسعه ارضی و راهیابی به آبهای آزاد.....122
- انگلیس و بهائیت .....125
1. سلطه جویی انگلیسی‌ها در ایران.....126
2. انگلیس و پیدایش بهائیت.....131
3. تعامل بهائیت با انگلیس.....137
4. گسترش بهائیت و استعمار پیر.....149
- ه. بهائیسیم و صهیونیسم، دست ساخته انگلیس.....152
- فرانسه و بهائیت.....160
- آمریکا و بهائیت .....166
- الف) نگاهی به تاریخ آمریکا و رابطه با ایران .....167



1. پیدایش آمریکا.....167
2. سلطه جویی آمریکا در ایران.....170
3. رابطه ایران و آمریکا.....171
- ب) گونه های تعامل آمریکا با بهائیت.....176
1. پیدایش بهائیت و آمریکا.....178
2. ستیز با همبستگی اسلامی.....181

ص: 7

3. هم‌گرایی در شعارها.....185
4. راه اندازی تشکیلات بهائیت در آمریکا.....188
5. همکاری در سرقت آثار تاریخی.....194
6. جاسوسی بهائیان برای آمریکا.....196
7. ترویج بهائیت با ترویج مفاسد اخلاقی.....199
8. حمایت های سیاسی آمریکا در مجامع بین المللی.....204
- توصیه و راهکارها.....216
- منابع و مآخذ.....221

ص: 8

بی تردید ارزش های دینی در طول تاریخ از خطر تحریف در امان نبوده است،

حتی توحید که اصل اولیه تمام ادیان آسمانی است، در مقاطعی مورد هجوم مدعیان دروغین خدایی قرار گرفته است و قرآن با بیان سخن فرعون در سوره نازعات، که گفت «أنا ربکم الاعلی»، به صراحت بر این امر گواهی می‌دهد.

نبوت و امامت نیز که از اصول و ارکان دین هستند، از این خطر، مصون نبوده اند؛ امامت به دلیل اهمیتش در استمرار احکام دینی، بیش از همه، مورد طمع ورزی و دست یازی مدعیان دروغین قرار گرفته است؛ مهدویت که استمرار امامت است نیز، هم قبل و هم بعد از تولد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مدعیان فراوانی داشته که به علل و انگیزه های مختلف، فرقه سازی کرده و باعث انحراف عقیدتی در جامعه گردیدند.

پس از غیبت صغری، عدّه ای مدّعی باییت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کشته شدند که با هشیاری شیعیان، سرکوب گردیدند؛ پس از غیبت کبرا، مدّعیان فراوانی به انحراف و فرقه سازی پرداختند که در نهایت در قرن سیزدهم، با ظهور پدیده شوم استعمار و تقارن حضور آنها در کشورهای اسلامی، فرقه منحرف شیخیه شکل گرفت و باییت مورد حمایت استبداد و استعمار، از آن جوانه زد و در نهایت، بهائیت در دامن استبداد و زیر چتر استعمار، از رسوب باییت بوجود آمد.

این پژوهش با توضیح واژه «باب» که بنیان و اساس فرقه بهائیت است و نیز تاریخچه و معانی آن آغاز شده است و در ادامه با بحثی اجمالی از مدعیان باییت در دوره غیبت صغری و کبری به زمینه های شکل گیری بهائیت و بررسی نقش استبداد و استعمار و اهداف آنها در دامن زدن به فرقه گرایی با بهره گیری از شیوه های تأثیرگذار؛ پرداخته است. بررسی حمایت عوامل قاجار، پهلوی، روس،

انگلیس، صهیونیسم، فرانسه و آمریکا از بهائیت، نیز در این پژوهش مغفول نمانده است و از آنجا که بستر حوادث تاریخی، جامعه و تحولات آن است بررسی زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... در رویش اندیشه باییت و رشد بهائیت نیز، در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

به هر حال روند تاریخی شکل گیری بهائیت، بیانگر آن است که این جریان از برنامه های بیگانگان بوده و با هدف تخریب دین، اعتقاد به منجی، نهاد مرجعیت به عنوان کانون وحدت و انسجام اسلامی، صورت پذیرفته است. دولتهای استعماری بیگانه نیز از این راه، جهت آسیب زدن به فرهنگ غنی و امیدبخش مهدویت در شیعه، از تمام امکانات خود، سود جسته اند تا از وجود وابستگان بهائیت، منافع مادی خود را تامین نمایند.

در پایان بر خویش لازم می دانم از محقق محترم حجت الاسلام امیر علی حسنلو و از همه عزیزانی که در شکل گیری این اثر تلاش نموده اند، به ویژه حجت الاسلام علیرضا روزبهانی و دکتر سید حسین فلاح زاده، تقدیر و تشکر نمایم.

حسن رضایی مهر رئیس مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات





تحقیق پیش رو در بردارنده مفاهیم و اصطلاحاتی است که به تبیین و توضیح آنها پرداخته می شود:

### الف) باب

«باب» واژه‌ای عربی است، به معنای «در»، ورودگاه منزل، قلعه و مانند آن، به طوری که نتوان به جز از آن وارد شد. (1) این واژه، معانی دیگری هم دارد، از جمله به برخی از چیزها که در جامعه رواج می یابد، «باب شدن» یا «مد شدن» می گویند. (2) در این تحقیق، منظور از باب علی محمد شیرازی است که مدعی بابت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود.

درباره معانی اصطلاحی باب و اینکه به چه کسی اطلاق شده و چه کسی شایستگی آن را دارد، باید گفت باب به کسی گفته می شود که مراجعات مردم جهت ارتباط با مقام عالی رتبه با اجازه او صورت گیرد، اما در دین اسلام، «تّبوت» بالاترین مقامی است که می تواند متضمن چنین معنایی و باب الی الله محسوب شود، (3) تّبوت، دری به سوی ماورای طبیعت است و به اصطلاح، عالم ملکوت به وسیله باب تّبوت با هستی فروتر از خود، مرتبط شده است. خداوند نیز این مقام عالی را بر عهده برخی بندگان شایسته خود نهاده است تا از این

ص: 13

- 
- 1-1. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج 2، ص 10؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 150.
  - 2-2. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج 3، ص 3785.
  - 3-3. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 217.

طریق راهی به عالم بالا، برای بندگان زمینی باز شود. (1) در حقیقت، پیامبران الهی،

باب وحی الهی هستند. بعد از مرتبه نبوت، مرتبه امامت قرار دارد، مقام شامخ امیر مؤمنان پس از رتبه پیامبر خاتم است، رسول خدا صلی الله علیه و آل هی و سلم بر اساس روایت متواتر درباره علی علیه السلام چنین فرمودند:

«یا علی أنت منی بمنزلة هارون من موسی»؛ (2) «ای علی! نسبت تو به من، همانند نسبت هارون به موسی است» و فرمود: «أنا مدينة العلم و علی بابها»؛ (3) «من شهر علم هستم و علی در آن است». در جایی دیگر فرمودند: «اهل بیت معدن علم و درهای حکمت هستند و روشنائی از آنها است». (4)

امیر مؤمنان علیه السلام درباره اهل بیت علیه السلام عطا فرمود: «درهای حکمت و نور، ما اهل بیت هستیم.»

(5) وقتی اهل بیت خود را باب علوم و حکمت الهی معرفی می کنند، دیگر نیازی به باب ندارند و تنها باب العلوم، خود ائمه هستند؛ آنها، هر ادعای بابی گری را با این بیانات، باطل کرده اند. غیر اهل بیت، نمی توانند باب العلم الالهیه باشند، از این رو باب علم، انبیاء، امیر مؤمنان و اهل بیت هستند. غیر از این سه گروه، دیگران به دروغ، مدعی باب علوم الهی و باب ائمه می باشند. ائمه، وکیل، نایب و نماینده داشته اند، اما هیچ گاه «باب» نداشته اند. اصطلاح باب، در روایات به ائمه اطلاق شده و این مقام از سوی خداوند به آنها داده شده است. (6)

در تمام معارف، علوم هستی و ماورای طبیعت بر روی اهل بیت باز است؛

از این رو امام علی علیه السلام در صدد معرفی و بیان شمه ای از فضایل خویش، برای

ص: 14

1-1. کلینی، الکافی، ج 1، ص 197.

2-2. درباره حدیث منزلت ر.ک: سید جعفر مرتضی عاملی، الغدير و المعارضون، ص 66\_62؛ محمدبن مشهدی، المزار، ص 74؛ احتجاج، ص 155.

3-3. شیخ مفید، ارشاد، ج 1، ص 33؛ بحار الانوار، ج 40، ص 202؛ المزار، ص 576.

4-4. «عندنا أهل البيت معاقل العلم وأثواب الحكم و ضياء الأمر»؛ صفار قمی، بصائر الدرجات، ص 362.

5-5. نهج البلاغه ص 177؛ ارشاد، ج 1، ص 261.

6-6. نظیر آنچه در دعای ندبه درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم آمده «أین باب الله الذي منه یوتی» در روایت دیگر آمده است «نحن باب الله»؛ کافی، ج 1، ص 143\_145.



اینکه روزنه ای از حقیقت برای جویندگان دانش، معلوم باشد و از درک آن بی بهره نباشند، می فرماید: «تالله لقد علمت تبلیغ الرسالات و إتمام الودات و تمام الکلمات»؛ (1) «به خدا سوگند، دانش تبلیغ آئین ها و وفای به همه وعده ها و تفسیر کلمات وحی به من [توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل هی و سلّم] آموخته شده است.»

بنابراین اگر نبوت، باب وحی و علم پیوسته به دریای بی کران است، امامت باب و ورودگاه منحصر به فرد آن است. از آنجا که امیر مؤمنان علیه السلام، پیوسته با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل هی و سلّم می زیسته و در حضور او علم آموخته است، باب علم نبوی به شمار می رود و اهل بیت عصمت و طهارت هم، ابواب حکمت ها معرفی شده اند و آنچه به پیامبران رسیده و به تمام وعده ها، آموختنیها و علوم، آگاه هستند.

از منظر معارف اسلامی و در مبانی معرفتی، مهم ترین منابع شناخت اهل بیت، ادعیه و نیایش های دقیق، بلند و ژرف هستند؛ در این ادعیه ائمه با واژه های رسا و کاملی معرفی شده اند، یکی از نمونه های عالی آن، زیارت جامعه کبیره است که از نظر سند و محتوا، اعتبار قطعی دارد؛ در بخشی از این زیارت، ائمه چنین معرفی شده اند

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة.. و أبواب الإیمان.. أنتم الصراط الأقوم... و الباب المبتلی به الناس من أتاکم نجی و...»؛ (2) «درود بر شما ای خاندان نبوت و درهای ایمان، شما صراط مستقیم اید و تنها دروازه نجات مردم و هرکس به سوی شما آید نجات یابد.»

بر اساس بسیاری از اخبار و احادیث، باب حکمت الهی و علوم نبوی که متصل به وحی است، در هر زمانی وجود دارد، او همان حجت و خلیفه الهی بر روی زمین است که هستی به وجود او وابسته است؛ بنابراین «باب» خاستگاه دینی دارد و مخصوص مقام و مرتبه معصوم است و حقیقتاً کسی غیر از معصوم نمی تواند چنین ادعایی نماید؛ چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل هی و سلّم، اولین امام را به صراحت

ص: 15

---

1-1. نهج البلاغه، خطبه 120، ص 233.

2-2. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، زیارت جامعه کبیره، ج 6، ص 96.

معرفی نمود که من شهر علمم و این علی، دروازه شهر دانش است. (1) در عصر ما نیز این باب الهی به دوازدهمین جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل هی و سلّم (حجة بن الحسن) اختصاص دارد که او را با این نیایش می جوییم: «أین باب الله الذي منه یؤتی»، (2) کجاست آن باب خداوندی که با آن به خدا می رسیم؟» چنان که در زیارت جامعه آمده است، ائمه باب هایی هستند که ورود و رسیدن به ایمان از طریق آنها میسر است.

بنابراین، واژه باب، از مقدّس ترین القاب پیامبران الهی و ائمه به شمار می رود، بدین معنا که آنها در ورودی سعادت و کمال، معرفی شده اند، اما فردی به نام سیدعلی محمد شیرازی در دوره حکومت قاجاریه به دروغ خود را باب امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نامید و ابتدا مدّعی بابت بود اما بعد ادعای امامت و مهدویت کرد و سرانجام توبه نامه ای از همه گفتارهایش نوشت.

## ب) بهاء

واژه «بهاء» که به معنای نور و روشنایی است، برگرفته از دعای سحر و ادعیه دیگر و از نام ها و اوصاف خداوند است. (3) مؤسسان فرقه بهائیت و پیش از آنها، علی محمد شیرازی، به هر کس لقب خاص می داد؛ از این رو سران این فرقه، خود را بهاءاله و عبدالبهاء و... نامیدند. میرزا حسینعلی نوری، لقب «بهاء الله» را در دشت بدشت به خود اطلاق کرد؛ (4) یا اینکه قره العین (5)

این لقب را به او داد.

ص: 16

---

1-1. ارشاد، ج 1، ص 33؛ امیر مؤمنان در نهج البلاغه خطبه 154 می فرماید: «نحن الشعار و الأصحاب و الخزنة و الأبواب و لا تؤتی البیوت الا- من أبوابها فمن آتاهها من غیر أبوابها می سارقا؛ ای مردم، ما چونان پیراهن پیامبر و یاران راستین او و خزانه داران علوم و معارف الهی و درهای ورود به آن معارفیم که جز از طریق درهای آن، هیچ کس نمی تواند وارد خانه ها شود و در صورت ورود، دزد نامیده می شود).

2-2. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه: «أین باب الله الذي منه یؤتی؛ زیارت جامعه کبیره: و الباب المبتلی به الناس)، المزار، ص 579.

3-3. میرزا جواد ملکی تبریزی، ترجمه المراقبات، ج 1، ص 516.

4-4. عبدالحمید اشراق خاوری، خلاصه تاریخ نبیل، ص 269.

5-5. درباره قره العین ر.ک: محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ قاجاریه، ج 3، ص 997.

عبدالحسین نوائی، در مقالاتی که به ضمیمه کتاب «فتنه باب» منتشر نمود، گفته است: «این لقب در دشت دشت به پیشنهاد قرة العین به میرزا حسینعلی داده شد.»<sup>(1)</sup> نوائی در این باره گفته است: «نویسنده کواکب الدریه، تردید دارد و معتقد است خود میرزا حسینعلی این لقب را به خود داد، چون هیچ سندی دال بر داده شدن این لقب توسط باب یا قرة العین نیست؛ چرا که میرزا حسینعلی، پس از داستان بدشت، به این لقب معروف گردیده است.»<sup>(2)</sup> تا به ظاهر، اساس و بنیان و مشروعیتی برای مسلک خود دست و پا کند؛ نام این فرقه و حزب سیاسی، از این لقب، اقتباس و به آن شهره شده است؛ همان طور که فرقه های دیگر در طول تاریخ به نام مؤسسان آنها نامیده شده است مانند کیسانیه، فطحیه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و...»<sup>(3)</sup>.

### ج) استبداد

«استبداد» در لغت به معنای خودکامگی و رفتار خودسرانه است، در اینجا به معنای نوعی حکومت است که قدرت سیاسی در دست یک حاکم یا نظامی باشد که در آن نظام اختیارات نامحدود به شخص ظالمی همچون سلطان یا شاه واگذار شده باشد.<sup>(4)</sup> حکومت ایران از دوره باستان تا پیروزی انقلاب اسلامی از این نوع بود که با پیروزی انقلاب اسلامی این سیستم حکومتی فروپاشید.

### د) استعمار

«استعمار» در لغت به معنای خواستاری آبادی و پیشرفت است؛ اما این کلمه امروزه از معنای اصلی خود، فاصله گرفته و به رفتار ظالمانه و غارتگریانه کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم استعمار گفته می شود؛ چرا که آنان ذخایر فرهنگی و مادی کشورهای جهان سوم را پس از تسلط بر آنان به

ص: 17

1-1. اعتضادالسلطنه، فتنه باب، ص 164؛ حسین رحمانی نوش آبادی، بیان الحق، ص 118.

2-2. فتنه باب، ص 150.

3-3. ر.ک: عبد الکریم، شهرستانی، ملل و نحل؛ محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق و مذاهب اسلامی.

4-4. علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص 179.

یغما بردند، به بیانی دیگر به سیاست مبتنی بر سودجویی از منابع طبیعی و برده داری و بهره‌کشی از مردم کشورهای کمتر رشد یافته، استعمار گفته می‌شود. قدرت‌های استعماری مانع رشد و پیشرفت فنی، اقتصادی و فرهنگی دیگر کشورها می‌شوند؛ جریانی قدرتمند که از طریق آن، کشورهای ضعیف، زیر سلطه سیاسی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن قرار گرفته و مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. (1). پس از تجزیه امپراطوری عثمانی، استعمارگرانی چون پرتغال، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان و... اقمار عثمانی را جزء مستعمرات خود قرار دادند. در این کتاب به نقش استعمارگران در پیدایش بهائیت پرداخته می‌شود.

## پیشینه مدعیان دروغین بابیت

### اشاره

در تاریخ اسلام، عده‌ای برای منحرف کردن مسیر حقیقت، هر نمادی از جمله خلافت و وصایت را تحریف کردند و با وجود مشخص بودن خلیفه و وصی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مدت‌ها غاصبانانه بر مسند خلافت، تکیه زدند؛ به سبب همین انحراف، عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از حق مسلم الهی، محروم و امویان و عباسیان خود را از عترت به شمار آورده و بر مسلمانان حکمرانی کردند. (2).

گاهی تحریف‌گران در برابر امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام که سرور جوانان بهشت هستند، دوپیر برای بهشت ساخته و حتی در پی آن بودند که «باب الی الله» را نیز که به صراحت نبوی، تجلی عینی آن در امامت است، تحریف کنند؛ به همین جهت همه مدعیان بابیت و مهدویت، به رسوایی، تحقیر و فضاحت گرفتار شدند. در طول تاریخ اسلام مدعیان بابیت به صورت فراوان سر بر آورده‌اند؛ چنان که این واقع‌نمایی را عده‌ای که از هر لحاظ دارای مشکل بوده‌اند، مدعی شده‌اند و جمعی نیز گرد آنها جمع شده و بهره‌گیری مادی

ص: 18

---

1-1. همان، ص 110.

2-2. ر.ک: ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج 1 و 2؛ ابن قتیبه دینوری، الامامة و السياسة.

نموده اند و گروهی نیز در این راه گمراه شدند. بدون استثنا، هیچ یک از این مدعیان، شخصیت علمی و امتیاز ویژه ای نداشته اند بلکه برخی مانند علی محمد باب، متهم به خبط دماغ و خارج از اعتدال روحی و دارای مشکل روانی بودند.<sup>(1)</sup>

سعی مدعیان در آغاز، معرفی خود به عنوان رابط با امام بوده که این کار را با خواب و اوهام و تخیلات شروع می کردند، این افراد معمولاً قبل از آغاز انحراف، دچار افراط و تفریط بودند، برای مثال، عبادت ها و ریاضت هایشان خارج از چهار چوب دین بود و انزواطلب و گوشه گیر بوده اند، آنان برای جبران این مشکلات، به دروغ پردازی روی آوردند تا شناخته نشوند. ائمه اطهار (علیه السلام) در عصر حضورشان، آنها را تکذیب نمودند. در زمان غیبت کبری نیز امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به آخرین سفیر و نایب خود فرمود:

پس از مرگ خویش نایب و جانشینی برای خود انتخاب نکن که غیبت کبری آغاز می شود و هر کس در این دوره طولانی، ادعای رؤیت یا نیابت خاصه نماید، دروغ گوست».<sup>(2)</sup>

تکلیف مدعیان بابت با این پیش بینی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روشن شد، اما همواره برخی از مردم، به علت پایین بودن سطح آگاهی و نداشتن شناخت کافی از حضرت حجت، اطراف مدعیان بابت و حتی مدعیان مهدویت گرد آمدند و برخی نیز برای رسیدن به اغراض دیگر، در این ناهنجاری های مذهبی شرکت کردند، حتی در زمان غیبت صغری، برخی مدعی بابت و ارتباط با آن حضرت شدند که آن حضرت آنان را لعن و طرد کرد.

### الف) مدعیان بابت در دوره غیبت صغری

1. اولین فردی که در عصر غیبت صغری، ادعای بابت نمود، فردی به نام

ص: 19

- 
- 1-1. نوشته اند: علی محمد باب، بر بام ها بر می آمد و در برابر آفتاب با سر برهنه می ایستاد و اوراد [ورد و ذکر] مجعول می خواند و چندان بر این عمل مواظبت نمود که دماغش علیل و مغزش فاسد گشت. فتنه باب، ص 11.
- 2-2. «و لا توص إلى أحد فيقوم مقامك بعد وفاتك .. ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفیانی والصحة فهو كذاب مفتر»؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص 395.

«ابو محمد حسن شریعی» بود که خود را از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهم السلام می دانست. از آنجا که این فرد به خداوند و ائمه عل نسبت های ناروایی می داد، شیعیان به مقابله با او برخاسته، او را لعن نموده و ارتباط خویش را با او قطع کردند. از طرف حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز، توقیعی در لعن و دوری از او صادر گردید. (1)

2. دومین فرد مدعی باییت، «محمد بن نصیر النمری» بود که خود را از اصحاب امام عسکری علیه السلام می دانست. او پس از رحلت آن امام، ادعای ارتباط با حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را مطرح کرده و مدعی شد که نایب اول ایشان است، ولی سرانجامش به فضاحت کشید. او حتی ادعای نبوت نمود و امام هادی علیه السلام را در مقام الوهیت دانست و خود را از طرف او پیامبر خواند. (2) پس از او، طرفداران گمراه او، به فرقه های مختلفی تقسیم شدند.

3. سومین مدعی باییت، «احمد بن هلال کرخی» بود که از طرف نایب امام (علیه السلام)

طرد شد. (3)

4. چهارمین نفر، «ابوطاهر محمد بن علی بن بلال» است او که اموالی را از مردم به عنوان وجوهات و سهم امام گرفته بود مدعی شد آن اموال از آن امام است و او نایب و راه ارتباط با امام به شمار می رود. البته مردم با دیدن این گونه ادعاها از او بیزار می گشتند. (4)

5. پنجمین مدعی باییت و وکالت، «حسین بن منصور حلاج» است که گاهی خود را شیعیان و زمانی از صوفیان می دانست.

(5)

6. «ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی» معروف به «ابن ابو العزاقر» نیز بنابر اظهار شیخ طوسی، از جمله مدعیان باییت بوده است. وی با سومین نایب خاص امام،

ص: 20

---

1-1. الغیبة، ص 267.

2-2. همان، ص 268.

3-3. همان.

4-4. همان، ص 269.

5-5. همان، ص 272؛ ابن مسکویه، تجارب الأمم، ج 5، ص 5.

در دوره غیبت صغری، معاصر بوده که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را لعن و طرد نمودند. (1) ابوالقاسم بن روح نیز او را که می خواست عقیده اش را در بین پیروانش ترویج دهد، رسوا نمود. (2)

## ب) مدعیان بابت در دوره غیبت کبری

ادّعی بابت برای امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زمان غیبت صغری آغاز شده و این ادّعاهای دروغین و انحرافی، تا عصر حاضر ادامه داشته است؛ بیش از پنجاه نفر، قبل از علی محمد باب، ادّعی مهدویت کرده اند. (3) برخی از علمای بزرگ شیعه، نتیجه این ادعاهای را، با همه صدماتی که به اسلام و عقاید دینی داشته اند، مؤیدی برای وجود حضرت صاحب دانسته اند. (4) مدعیان در آغاز، مدّعی بابت و ارتباط با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما بوده و در نهایت، ادعای مهدویت کرده و خود را مهدی معرفی کرده اند و به آشوب ها و اختلافات و درگیری ها دامن زده اند. در طول تاریخ غیبت کبری، مدعیان متعددی ظهور کرده اند که مهدی سودانی، و سنوسی و غلام احمد قادیانی (رهبر فرقه قادیانی گری) از آن جمله اند. پیش از علی محمد باب که خود را باب نامید، فردی در شیراز ادعای بابت کرد که با برخورد بازدارنده مردم روبرو گردید. (5) علی محمد باب، از مهم ترین مدعیان بابت و مهدویت در قرن سیزدهم بوده است، او با این ادعا، بحران اجتماعی دامنه دار و شکاف عظیمی ایجاد کرد که علاوه بر خونریزی، پیامدهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متعددی داشت.

معرفی اجمالی شخصیت سید علی محمد باب و دیگر بنیان گذاران بهائیت به

شناخت عمق انحراف این جریانات کمک زیادی خواهد کرد.

ص: 21

---

1-1. الغیبة، ص 273 و 274.

2-2. همان، ص 276 278.

3-3. بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص 48.

4-4. الغیبة، ص 281.

5-5. میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص 60.

علی محمد باب، مدّعی بابیت (1299-1235)(1) فردی است که سید کاظم رشتی، (2) ظهور او را همواره به پیروان و نزدیکان خود وعده داده است؛ (3) وی در شهر شیراز متولد شد. از آنجا که در کودکی پدرش را از دست داده بود، دایی او سرپرستیش را به عهده گرفت، او هیچ علاقه ای به تحصیل نداشت، ولی به اجبار مدت کوتاهی در مکتب خانه، به تحصیل پرداخت (4) در دوران نوجوانی و جوانی به ریاضت های خشک روی آورد که این کار اختلال روحی و روانی او را در پی داشت. (5) او پس از مدتی از شیراز مهاجرت کرده و در بوشهر که محل تجمع و رفت و آمد انگلیسی ها بود به مدت پنج سال به تجارت پرداخت، (6) پس از آن برای زیارت عتبات، راهی عراق شد و سه سال در کلاس درس فردی به نام سید کاظم رشتی حضور یافت. (7) تنکابنی، از نزدیک او را در درس رشتی دیده و نوشته است که او ریش خود را کاملاً می تراشید (8) که خلاف سنت و رسم طلبگی است و در زیارت نیز، روش خاصی، بر خلاف روش علما و طلبه ها داشت. (9) این گونه رفتارها نشان می دهد که وی تعادل روحی نداشته و پایبند

ص: 22

- 
- 1-1. ناسخ التواریخ قاجاریه، ج 2، ص 828. این منبع به لحاظ معاصر بودن با علی محمد باب، اهمیت بسیاری دارد.
  - 2-2. سید کاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسائی مؤسس شیخیه بود که پس از او بر این مسلک تاکید داشت؛ علی محمد باب مدتی در کلاس درس او حاضر شد و گفته های او را می نوشت. ر.ک: قصص العلماء، ص 59-60.
  - 3-3. سید احمد کسروی، بهائی گری، ص 15 و 19؛ اگرچه سید کاظم به اسم تصریح نکرد، اما تلویح می گفت ظهور امام نزدیک است همین اظهارات او در رونق کار باب بین پیروان سید کاظم مؤثر بود اگرچه ممکن است برخی بگویند قصد سید کاظم او نبود، اما همین گفتار نامتوازن او از اسباب فتنه بود.
  - 4-4. تاریخ جامع بهائیت، ص 60.
  - 5-5. فتنه باب، ص 11؛ ناسخ التواریخ قاجاریه، ج 2، ص 829-83
  - 6-6. .. لغت نامه دهخدا، ج 3، ص 3790.
  - 7-7. قصص العلماء، ص 59. نویسنده کتاب قصص العلماء هم دوره علی محمد و خود از نزدیک شاهد حضور او در درس رشتی بوده و مدّتی نیز خودش شرکت داشته است.
  - 8-8. همان.
  - 9-9. ناسخ التواریخ قاجاریه، ج 2، ص 860-909؛ قصص العلماء، ص 59.



شرعیات و سنن نبوده است. شرکت در درس سید کاظم رشتی که از یک سو علما را سب کرده و ناسزا می گفت،<sup>(1)</sup> و از سوی دیگر به تکرار و ترویج اندیشه و افکار شیخ احمد احسائی (1166-1262) می پرداخت فضای تربیتی خاصی را پیش روی سید علی محمد قرار می داد. تنها هنر و توانمندی برجسته علی محمد تندنویسی و نوشتن گفته های رشتی بود.<sup>(2)</sup> رشتی با او مأنوس شد و نوشته هایش را اصلاح کرده، در تربیت او برای آینده و اجرای اهداف استعمارگران تلاش می نمود. بنابراین، افکار و برنامه های نامأنوس، ابداعی، بی سابقه و بدعت آلود احسائی، گفتارهای سید کاظم رشتی (م 1259 ق) آمدن سید علی محمد از شیراز به بوشهر (که سالها پایگاه استعمارگران انگلیسی در جنوب ایران بود)، مسافرت او به عتبات، حضور در مجالس رشتی تا ادعای باییت (1290 ق) و همه این برنامه ها، در راستای اجرای پروژه دین سازی استعماری بود که می توان این روند را از گزارشات سفیر روس، نیکولای دالگورکف<sup>(3)</sup> و دیگر سفرای کشورهای بیگانه، استنباط کرد؛ تعاملی که بین سران بهائیت و دولت های بیگانه به صورت مستند، گزارش شده است و رویدادهای دیگر که پس از وقایع مختلف پیش آمد، نتیجه داد و در تاریخ تشیع، گرایشی به نام شیخیه با طرح رکن رابع و از دل آن فرقه ای موسوم به باییت و بهائیت، شکل گرفت. به گفته آیتی: «تخم این فتنه (باییت که به بهائیت انجامید) را بدون شک، سید کاظم رشتی کشت»<sup>(4)</sup>

ص: 23 که آشوب فرهنگی گسترده و اغفال جوانان و آسیب رسانی به اندیشه ناب مهدویت را در پی داشت. به انصاف می توان گفت، این جریان اتفاقی نبوده و همه با برنامه ریزی منظم، از سوی استعمارگران به وقوع پیوسته است.

ص: 23

- 
- 1-1. قصص العلماء، ص 58.
  - 2-2. همان، ص 59. علی محمد در جلسه محاکمه علما در تبریز اظهار کرد: «من روزی دو هزار بیت کتابت می کنم»، همان، ص 64.
  - 3-3. سید محمدباقر نجفی، بهائیان، ص 919 به نقل از کتاب شورش باییان در ایران؛ مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج 9، ص 504-505.
  - 4-4. عبدالحسین آیتی، کشف الحیل، ص 365.

پس از اینکه علی محمد شیرازی از سال 1260 به ترتیب مدعی ذاکریت مفسر، باییت، مهدویت، نبوت و در سال 1265 الوهیت شد، توسط علما،

محکوم و در تبریز محاکمه شد، گرچه او توبه نامه ای نوشته و از همه ادعاهای خود، دست برداشت ولی در سال 1266 به اعدام محکوم گردید. (1) پس از اعدام علی محمد شیرازی، دو برادر به نام های میرزا یحیی (2). (1246-1330ق) و میرزا حسینعلی نوری (1233-1309 ق) از اهالی روستای تاکر از بخش نور مازندران (3). که با روس و انگلیس ارتباط داشته، به دنبال جانشینی او بودند. آنان فرزندان میرزا عباس نوری (معروف به میرزای بزرگ، از منشیان و مستوفیان زمان محمدشاه قاجار بودند. به ادعای پیروان علی محمد شیرازی، او، میرزا یحیی را جانشین خود کرد؛ (4) اما حسینعلی (برادر بزرگ) گوی سبقت را از او ربود و خود را جانشین باب، معرفی نموده و برادر کوچک را از صحنه رقابت کنار زد. رقابت و درگیری بین دو برادر، با ادعای «من یظهره الله» توسط میرزا حسینعلی، (5) در ادرنه، سبب انشعاب در باییت، به دو فرقه ازلی (لقب میرزا یحیی، صبح ازل بود) و بهائی (لقب میرزا حسینعلی، بهاء بود) گردید. (6) هر یک از آنان، به نقطه ای از قلمرو عثمانی (قبرس و عکا) تبعید گردیدند. زرنگی میرزا حسینعلی سبب گردید که حمایت بیگانگان به سوی او جلب شده و مسلک او که بهائیت نامیده شده بود، رونق گرفته و در عکا و حیفا و نقاط دیگر، به ساختن معبد و ترویج بهائیت پردازد.

بهائیت تا آخر دوره قاجار با حمایت مالی انگلیس، روس و عثمانی در ایران و خارج از آن به حفظ هویت خود، جهت تفرقه در میان شیعیان پرداخت. رهبری

ص: 24

- 1-1. اعتضادالسلطنه، المآثر و الاثار، ج 63، ص 629.
- 2-2. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 436.
- 3-3. همان، ج 1، ص 434.
- 4-4. فتنه باب، ص 156.
- 5-5. اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، ص 83.
- 6-6. شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 436.

این جریان، غیر از میرزا حسینعلی، بر عهده شخص دیگری نبود. پس از اعدام باب، بایبان با مشارکت در طرح ترور ناصرالدین شاه، (1) می خواستند طرحهای استعماری را در سایه آشوب کامل داخلی، با حذف شاه، سریع تر عملی کنند، اما در این نقشه ناکام ماندند و نتوانستند انتقام باب را از شاه بگیرند. (2)

پس از قتل امیرکبیر و به صدارت رسیدن میرزا آقاخان نوری (همشهری میرزا حسینعلی میرزا حسینعلی که از ایران به عراق رفته بود، به تهران برگشت، پس از آن غائله ترور شاه به پا شد که بر اساس شواهدی، همکاری میرزا حسینعلی، در این فتنه روشن گردید؛ از این رو اعدام او در نظر شاه قطعی بود، اما او با پناهندگی به سفارت روس و حمایت و جانب داری شخص سفیر روس از مرگ حتمی نجات یافت. (3) سرانجام او را راضی به مهاجرت از ایران به بغداد کردند. بهاء الله از دولت روس و سفیر آن کشور، به دلیل این حمایت، بسیار قدردانی نمود؛ کنسول انگلیس، روسیه و فرانسه در بغداد با وی دیدار کردند و حمایت و همدلی خود را به این صورت از وی به عمل آوردند تا بهاء الله (4) از پشتیبانی آنان مطمئن شود و با دل گرمی کامل، کار را تا رسیدن به نتیجه مطلوب ادامه دهد. (5) بایبان، پس از استقرار در بغداد، در شهرهای مقدس به ایجاد فتنه و آشوب پرداختند (6) چندین نفر از بانیان که از متن کتاب بیان، آگاهی داشتند، مدعی مقام «من یظهره الله» (7) شدند که برخی به تحریک میرزا یحیی و

ص: 25

- 
- 1-1. بایبان در طرح ترور ناموفق ناصرالدین شاه که در سال 1268 هجری قمری واقع گردید نقش داشتند. ر.ک: علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار و ناسخ التواریخ قاجاریه.
  - 2-2. شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 434.
  - 3-3. همان ص 436.
  - 4-4. ر.ک: انشعاب در بهائیت، ص 387، سفیر روس از بها الله به امانت یاد می کند و به میرزا آقاخان نوری می نویسد: «در حفظ این امانت، بسیار کوشش نما، اگر آسیبی به او برسد تو مسئول هستی».
  - 5-5. تاریخ جامع بهائیت، ص 312-314.
  - 6-6. بهائیان، ص 962.
  - 7-7. فتنه باب، ص 162.

برادرش حسینعلی، به قتل رسیدند(1)؛ حضور بایبان در بغداد، جوی از ناامنی و آشوب را در شهرهای مقدس نجف و کربلا پدید آورد که زائران عتبات مقدسه از موج این ناامنی ها در امان نماندند؛ دزدی و غارت زائران و راهزنی در این مسیر (شهرهای مرکزی به شدت ادامه یافت.(2) سرانجام دولت ایران از این وضع بحرانی، به دولت عثمانی شکایت کرد که به انتقال بایبان از عراق به استانبول انجامید. میرزا یحیی رهبر بایبان نیز با آنان به استانبول رفت.(3)

پس از اخراج بایبان از عراق، میرزا حسینعلی، در فضای به وجود آمده، مدعی مقام «من یظهره الله» شد.(4) اگرچه غیر از او، هشت نفر دیگر نیز این ادعا را کردند، اما برخی از آنان با توطئه میرزا حسینعلی کشته شدند.(5) بدین صورت، تجزیه و اختلاف بزرگ در باییت، با این حرکت آغاز شد و پیروان میرزا یحیی که خود را به صبح ازل ملقب ساخته بود، معروف به ازلی شدند و پیروان میرزا حسینعلی بهاء الله را، بهائی نامیدند. با این انشقاق بزرگ، بهائیت به رهبری میرزا حسینعلی شکل گرفت؛ میرزا حسینعلی بایبان را به دین خود دعوت می کرد که پس از مدتی، دعوت او استقبال چشمگیری یافت؛ منازعات بین دو گروه، در ادرنه شدت گرفت و به کشتار، قتل، غارت و جنایت های بسیاری انجامید؛ اختلاف بین دو برادر بر سر دین خرافی برآمده از فساد و نقشه های استعماری،

خونهای بسیاری را به هدر داد. بهاء الله با نوشتن کتاب «بدیع»، منکر جانشینی برادرش صبح ازل شد و به او و پیروانش دشنام گفت؛ خواهرش نیز در مقام افشای بهاء الله، از رسوایی های او پرده برداشت و کتاب «تنبیه النائمین» را در این باره تحریر نمود. حکومت عثمانی برای پایان دادن به این غائله بهاء الله و

ص: 26

- 
- 1-1. همان.
  - 2-2. تاریخ جامع بهائیت، ص 300-302؛ بهائیان، ص 641.
  - 3-3. تاریخ جامع بهائیت، ص 303. ناصرالدین شاه از دولت عثمانی خواست که آنها را به مناطق دیگر، منتقل سازند. بهائیان، ص 643-642.
  - 4-4. فتنه باب، ص 161.
  - 5-5. همان، ص 162. از جمله، سید بصیر هندی، اولین گرونده به باب.

پیروانش را از قلمرو خود، به عکا در فلسطین و میرزا یحیی و ازلیان را به قبرس تبعید کرد.<sup>(1)</sup>

بدین صورت، بهائیت بر اساس رسوب های آلوده فکری بابیت و شیخیه، شکل گرفت و بهاء الله طی اقدامی فراگیر، با نوشتن نامه هایی به سران جهان، آنان را به دین جدید خود فراخواند و خود را پروردگار جهان معرفی کرد که ظهور کرده و دوره های نوین از تاریخ انسانیت را آغاز نموده است.<sup>(2)</sup> پیروان جاهل و نادانش نیز با باور ادعاهای او، به ترویج این اندیشه پرداختند. حسینعلی با گرفتار شدن در آشوب فکری و روحی، در نقض ادعاهای پیشین خود، به نوشتن کتاب جدید «اقدس» پرداخت و آن را نسخ کننده و مبطل تمام کتاب های پیشین انبیای الهی نامید که جامع تمام مصالح، مفاسد، اوامر و نواهی است؛ البته او در حال عدم تعادل فکری و غافل از اینکه گفته ها و ادعاهای او در معرض دید دیگران قرار گرفته است، نسخ کتاب علی محمد باب را منکر شد حال آنکه نبوت ادعایی او مستند به کتاب علی محمد است. وی با تناقض گویی های بسیار، گاهی مدعی نبوت و گاهی مدعی ربوبیت بود، تا بدین وسیله، بر اساس مأموریت استعماری که بر عهده او گذاشته شده بود، تمام ارزش های انسانی و ادیان را به استهزا گرفته و به وهن آنها پردازد، او نیز مثل علی محمد، معجزه خود را نوشتن و خط زیبا می دانست؛ غافل از اینکه اگر این دو ویژگی برای ادعای نبوت و الوهیت کافی بود، باید تمام خوشنویسان، خطاطان و قلم فرسایان، یا پیامبر و یا خدا می بودند؛ بدین سان، پوچ ترین و متزلزل ترین عقیده و مذهبی که در طول تاریخ انسان ظاهر گردیده، دستاورد علی محمد باب و جانشینان اوست که دستاویز خوبی برای دشمنان اسلام، جهت آسیب زدن به اساس دین اسلام و اندیشه های ناب شیعه گردیده است؛ به هر روی، حسینعلی نوری مازندرانی در سال 1309 ق در عکا در سن 76 سالگی، پس از ادعاهای دروغین و نشر افکار باطل و گمراه کردن عده زیادی از مردم، از دنیا رفت؛ با اینکه او چندین

ص: 27

---

1-1. فتنه باب، ص 160-164.

2-2. تاریخ جامع بهائیت، ص 268.

فرزند پسر داشت، اما عباس افندی، معروف به عبدالبهاء (غصن اعظم) جانشین او شد. با این جانشینی، دومین درگیری و انشعاب در این مسلک روی داد، چرا که عده‌ای از برادرش که معروف به (غصن اکبر) بود، پیروی کردند. عباس افندی نیز در سال 1360ق، با وجود ادعای الوهیت، از دنیا رفت. پس از او، شوقی افندی، نوه دختری حسینعلی، بر جای او نشست؛ در این زمان نیز، اختلاف و انشعابی در بهائیت پدید آمد و رفتارهای ناشایست شوقی، سبب شد افراد زیادی از بزرگان بهائی، از این مرام و حزب جدا شده و به تشیع روی آورند و کتاب‌هایی علیه این مسلک بنویسند و از رسوایی‌های سران این مسلک استعماری سخن گفته و حقایقی را بیان نمایند. پس از شوقی، بهائیت به چند گروه تقسیم گردید (1) و مرام بهائیت رسماً با تدبیر استعمارگران به شورایی موسوم به «بیت العدل» (2) سپرده شد. این طرح توسط انگلیسی‌ها به شوقی، املاء گردید و او برای ادامه بهائیت، آن را اعلان نمود. از آن تاریخ به بعد، دولتهای استعماری به صورت مستقیم، اداره بهائیت را عهده دار شده و برای توسعه آن در جهان، سرمایه‌گذاری کرده و به حمایت از آن پرداختند.

## زمینه‌های شکل‌گیری بهائیت

### اشاره

تمام حوادث و پدیده‌های اجتماعی، تحت تأثیر شرایط و اقتضائات خاص و در بستر جامعه، شکل می‌گیرد. پدیده‌ها یا معلول فرهنگ جامعه و اوضاع اجتماعی هستند یا نتیجه موقعیت‌ها و بسترهای مناسب سیاسی؛ عناصری چون فرهنگ، عقاید مذهبی، قدرت، حکومت، حاکمان و مردم، عناصر مهم تأثیرگذار در این

ص: 28

- 
- 1- 1. فضل‌الله صبحی مهتدی، خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی‌گری و بهائی‌گری) ص 13. اگرچه بابیت نیز در بغداد و ادرنه و پس از آن غیربهائی‌ها و ازلی‌ها چندین فرقه شد؛ محمد محمدی اشتهاردی، بابی‌گری و بهائی‌گری، ص 70.
  - 2- 2. تاریخ جامع بهائیت، ص 576. «بیت العدل» نامی است که برای مرکز تشکیلات بهائیت که مانند دیگر سرقت‌های بهائیت از اخبار و روایات شیعه مبنی بر اینکه امام زمان علی‌ظهور می‌کند و جهان را پر از عدل داد می‌کند، گرفته شده تا در جهت انحراف افکار، معادل‌سازی نمایند.

رویدادها هستند؛ دین، عقاید و ایدئولوژی جامعه نیز در شکل‌گیری فرهنگ و تحول آن نقش مستقیم و سازنده ای دارند.

از این رو، ارزش‌ها و باورهای دینی، اگر به درستی به جامعه عرضه نشود، فرهنگ جامعه و ارزش‌های آن در معرض آسیب‌های جدی قرار خواهند گرفت؛ لذا خداوند برای ابلاغ وحی، انسان‌هایی بر می‌گزیند که از خطا مصون باشند و برای استمرار دین، متولیان دارای شرایط خاص (مثل عصمت) قرار می‌دهد. در نگرش ارزشی شیعه، در دوره غیبت، متولیان دین، فقها و علمای شیعه هستند که حراست و تبیین دین را بر عهده دارند؛ وگرنه انحرافات بدعت‌گران، دین و فرهنگ دینی را وارونه خواهد کرد؛ براین اساس متولیان فرهنگ و دین، باید با تمام نیرو در مقابل این انحرافات بایستند، آنها در بیان دقیق و منطقی باورهای دینی و ارزش‌های اسلامی، مسئولیتی سنگین دارند که یکی از مهم‌ترین آنها، مسئله امامت است؛ جایگاه امامت و امام‌زمان باید به درستی به مردم معرفی شود، تا هر کسی نتواند مدعی این مقام خطیر شود و عده‌ای را منحرف سازد و نظم فرهنگی و اجتماعی را به هم بزند؛ فقدان معرفت منطقی و شناخت این ارزش‌ها، خسارات جبران‌ناپذیری به حوزه دین وارد

خواهد کرد که متولیان باید زمینه‌های پیدایش این بحران‌ها را بررسی کنند.

### **1. نگاهی به وضع ایران معاصر در دوره قاجاریه**

حکومت قاجاریه مانند همه حکومت‌های گذشته ایران، از سوی مردم انتخاب نمی‌شد، بلکه حکومتی سلطنتی، مانند حکومت‌های پیش از اسلام بود. با ظهور پدیده استعمار، دوره جدیدی از حکومت‌های استبدادی، در ایران آغاز گردید؛ از این رو دوره قاجاریه را می‌توان دوره نوینی از استبداد دانست که با حضور و دخالت بیگانگان پررنگ شد.

استیلا طولانی ظلم و استبداد بر تاریخ ایران، از عوامل تأثیرگذار بر ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران است. از جمله موارد مهمی

که از سیطره استبداد بر تاریخ ایران، تأثیر منفی به خود گرفته و غیر واقعی نمایان شده، فرهنگ است که شامل دین نیز می شود. دین از عناصر مهم و یکی از لایه های حجیم فرهنگ ها محسوب می شود که همواره در طول تاریخ بشر خودنمایی کرده و در متن زندگی انسان ها بوده است؛ از سوی دیگر، حکومت ها در شکل گیری و تکامل فرهنگها تأثیر قابل توجه و انکار ناپذیری دارند؛ چنانچه حکومت ها با فرهنگ و مسئله دین تعامل صحیح و منطقی داشته باشند، فرهنگ و لایه های آن رنگ و بوی دینی خواهند گرفت؛ اما اگر توجه به دین و آموزه های دینی از سوی حکومت ها صرفاً ابزاری برای حفظ حکومت آنها باشد، آنگاه فرهنگ چیز دیگری (غیردینی) خواهد بود. قاجاریه نیز از جمله حکومت هایی است که در پوشش دین، برای حفظ تاج و تخت کوشیده اند، اما برای حفظ دین، فرهنگ دینی و حراست از آموزه های تشیع، هیچ گونه تشویش ذهنی، دغدغه خاطر و برنامه های مصون بخش نداشته اند و از قدرت، حاکمیت و ثروتهای مادی ایران، برای گسترش اندیشه دینی، بهره وری کامل نکرده اند.

از آن جهت که بنیان و اساس فرقه بهائیت در دوره قاجاریه، با ادعاهای آشوب های علی محمد باب بنیان گذاشته شد، مناسب است عوامل سیاسی شکل گیری و رونق این فتنه بزرگ، مورد بررسی قرار گیرد و نقش استبداد سیاه شاهان قاجار، در این فرآیند، مورد بازبینی واقع شود. این دوره از تاریخ، به جهت شرایط و رویدادهای مهم جهانی، از حساس ترین دوره های تاریخی ایران است، چرا که رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بزرگی در پیش روی ایران قرار داشت. (1)

در دوره قاجاریه، هرگز اقتدار سیاسی دوره های پیشین تاریخ، بر ایران حاکم نشد، (2) به ویژه آنکه وحدت و انسجام دوره صفوی، در ایران به وجود نیامد. علاوه بر این عامل که در ضعف اقتدار سیاسی، نظم اجتماعی و ترقی مؤثر بود،

ص: 30

---

1-1. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 18.

2-2. جورج کرزن، ایران و قضیه ایرانی، ج 1، ص 361.



تغییر وضع سیاسی و اقتصادی جهان نیز، در ضعف و دگرگونی سیاسی و اجتماعی ایران مؤثر بود؛ در این دوره، کشورهای غربی و اروپایی با رویکردی متفاوت و با اهداف مشخص، در عرصه بین‌المللی حضور یافتند. پس از آقامحمدخان که از اقتدار و همت بالاتری برخوردار بود، دیگر شاهان مستبد قاجار، در اداره امور کشور تدبیر نداشتند؛ فتحعلی شاه، به خاطر ضعف مدیریت، در اداره امور کشور ابتکاری نداشت، تنها امتیاز او در دوره حاکمیت خود، برخورداری از وزارت و مشاورت دانشمندی ادیب چون قائم مقام بود که در پیشرفت علم و دانش و ادبیات، با جذب شاعران و هنرمندان، گام‌های مؤثری برداشت. (1) در تدبیر امور و تربیت نیرو نیز، قائم مقام اقدامات قابل توجه و تأثیرگذاری داشت که تربیت وزیر شایسته و صدراعظم لایقی چون امیر کبیر نمونه‌ای از آن است که توانست در مقطعی دربار قاجار را سامان بخشیده و اصلاحاتی که دامنه آن به اصلاح امور اجتماعی منتهی می‌شد، انجام دهد. محمدشاه قاجار، دیگر شاه ایرانی دارای ضعف مزاج و سست اراده بود؛ از این رو تدبیر امور در اختیار قائم مقام بود، او به خاطر محدود کردن درباریان، در بسیاری از امور، با دشمنی درباریان روبرو گردید. در این زمان، مدعیان تاج و تخت، دست به آشوب زدند و ظل السلطان که مدعی قدرت بود، نود روز حکومت یافت؛ اما تدبیر قائم مقام، قدرت را به ولیعهد برگرداند. (2) محمدشاه، علی‌رغم اعتمادی که عباس میرزا به قائم مقام داشت، با تلاش اطرافیان به قتل قائم مقام تحریک شد. (3) پس از قتل قائم مقام، رشته امور و تدبیر به دست افرادی افتاد که فاقد توانمندی و شایستگی لازم بودند؛ بنابراین چندین شورش در سراسر ایران روی داد، مثلاً آفاسی معلم دوران کودکی محمدشاه که مورد علاقه شدید وی بوده به گونه‌ای که در نامه‌هایش، با عباراتی چون «روحی فداک» مورد ملاحظت

ص: 31

---

1-1. تاریخ اجتماعی ایران، ج 8، ص 170-172.

2-2. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 125.

3-3. همان، ص 128.

قرار میداد(1)سیزده سال، صدارت و اختیار تام داشت. در همین دوره ضعف اقتدار آقاخان محلاتی و در پی آن، فتنه باب آغاز شد.(2)از این رو قدرت سیاسی ایران تحت تأثیر این ضعف سیاست و تدبیر داخلی و تحولات جهانی و کشورهای همسایه در نوسان بود.

پس از اینکه تاج و تخت به ناصرالدین شاه رسید، نفوذ درباریان و بیگانگان در امور ایران که از زمان صدارت آقاسی رو به فزونی بود، استمرار یافت. علاقه مندی ناصرالدین شاه به سفر و گشت و گزار در فرنگ باعث افول بیشتر اقتدار او و حاکمیت گردید و اسبابی را فراهم آورد تا بیگانگان به غارت کشور که نتیجه اش استیلا فقر و جهالت مردم بود، پردازند و در این راستا، به گرفتن امتیازات بیشتر از دربار قاجار، حریص تر باشند.(3)هم زمان با به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه، بحران هرات با دخالت انگلیس روی داد که پیامد آن جداسدن افغانستان و هرات از ایران بود.(4)از طرفی، تحولاتی که در امپراطوری عثمانی و کشورهای همسایه غربی به وقوع پیوست، در امور سیاسی ایران نیز تأثیر گذاشت.(5) فزونی خواهی روس ها در ایران که از دیرباز راهیابی به آبهای آزاد، از طریق ایران رؤیای آنها بود، سبب وقوع جنگ های بزرگی میان ایران و روس گردید.(6) این تنش های نظامی، قدرت مرکزی ایران را دچار چالش جدی و ضعف نمود، در نتیجه ثبات و اقتدار سیاسی لازم حکومت ایران از بین رفت و دولت های روس، انگلیس و برای رسیدن به مطامع خود، به ایران چشم طمع دوخته و بخش هایی از مرزهای شمالی و شمال غرب کشور را میدان تاخت و

ص: 32

- 
- 1-1. همان، ص 130؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج 3، ص 398-402؛ عباس قدیانی، فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج 1، ص 310.
  - 2-2. حسن حبیبی، بررسی اسناد تاریخی بندرعباس، ص 467؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج 2، ص 502؛ تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض، ج 2، ص 486.
  - 3-3. ر.ک: ابراهیم تیموری، عصر بی خبری.
  - 4-4. عزیزالله بیات، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، ص 514.
  - 5-5. همان، ص 506.
  - 6-6. سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص 22-63.

از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز تحوّل بزرگی در ایران به دلیل تأثیر گذاری بیگانگان و افکار غرب گرایانه، در حال شکل گیری بود و اندیشه های مختلفی به نام تجدّد در ایران دیده می شد. علی رغم توصیه اسلام به خواندن و نوشتن، علم آموزی و تعلیم و تربیت، مردم ایران در این دوره از نظر آگاهی و تحصیلات، کمبود داشتند. از آنجا که در این دوره، بیشتر روحیه نظامی گری بر جوامع ایرانی حاکم بود و مردم بیشتر وقت خود را در اردوهای نظامی و دفاعی سپری می کردند، هرگز فرصت علم آموزی، برای عموم جامعه فراهم نبود. از طرفی، امکانات آموزشی نیز توسعه عادلانه نداشت؛ از این رو شاید بتوان گفت که بیشتر مردم ایران، از پایین ترین سطح علمی محروم بودند (2) و امرار معاش، بیشتر از طریق اشتغال به امور نظامی و تا اندازه های زراعت و دامداری بود. تحول کیفیت تعلیم و تربیت و نهاد آموزش و القای فرهنگ های غیر بومی، سایه های فریبنده تمدن غرب و مدرنیته، در جامعه ایرانی، ناهمگونی فرهنگی را به بار آورد؛ (3) تا آنجا که احتمال جایگزینی فرهنگی، در سیر تاریخی ایران وجود داشت. (4) فرهنگ غالب دوران قاجار، فرهنگ دینی بود که اقتدار مرجعیت و رهبران مذهبی در آن، بلامنازع بود و دولت روس و دیگر دولت ها، قدرت نفوذ همه جانبه مرجعیت را در جنگ های خود با ایران تجربه کرده و به انسجام و وحدت مردم، آگاه بودند. قدرت نفوذ مرجعیت نیز چنان که ذکر شد در جامعه ایران و حتی جهان اسلام، در سطح بسیار بالا و چشمگیری قرار داشت، به طوری که حکومت ها و سلاطین، برای پیدا کردن جایگاه اجتماعی و منزلت مردمی، همواره به این مراکز اقتدار و مشروعیت، توجه داشتند و برای مشروع نمودن خود، در برقراری روابط دوستانه با این نهاد، تلاش می نمودند.

ص: 33

- 
- 1-1. عبدالحسین خان سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج 1، ص 340.
  - 2-2. تاریخ اجتماعی ایران، ج 8، ص 268-299 و ج 9، ص 474.
  - 3-3. همان، ج 8، ص 545.
  - 4-4. اقبال قاسمی پویا، مدارس جدید در دوره قاجار، بنیان و پیشروان، ص 90-80 و ص 249-250؛ محمدرضا روحانی، فرهنگ نامه زنجان، ص 54\_65.

از طرفی سطح معلومات و آگاهی مردم در زمینه مسائل سیاسی اجتماعی و آموزه های دینی، محدود و کم بود. اما اعتقادات آنها به ارزش های دینی، بسیار مستحکم و استوار بود. از جمله عقاید مردم، اعتقاد دیرپا و استوار به امامت، مهدویت، حیات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آمدن او برای نجات مظلومان بود، اما آگاهی آنها از کیفیت وقوع این رویداد و اوصاف و شرایط منجی حقیقی، کم و گاهی غیر واقعی و آمیخته با موهومات و خرافات بود. («... عقیده به قرب ظهور، شاید از زیادی فساد بود که در آن روزگار، در ایران حکم فرما بود و مردم انتظار داشتند که حضرت ولی عصر، صاحب الزمان، ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد نماید و همین انتظار مردم، وسیله ای به دست شیادانی مثل باب داد تا ادعای مهدویت نماید.» (1))

از دیگر سو، ظلم و سیطره فقر و محرومیت اقتصادی و استمرار آن در جامعه و وجود انواع محرومیت ها و بلایای اقتصادی مثل قحطی، خشکسالی، بیماریهای واگیردار (2) و فقدان بهداشت (3) در جامعه برای قشرها و توده های عظیم مردمی، حرکت جمعی را برای پیدا کردن راه نجات بر می انگیخت و این عقیده را در مردم زنده می نمود که باید عدالت گستری که در جهان منتظر آمدنش هستند، بیاید و آنان را از ظلم رها سازد و این اجتماع آشفته و ستمدیده را نجات دهد. این انتظار و توقع، ناشی از اعتقاد مردم به مهدویت بود.

آنچه بر اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران حکم فرما بود، هرگز از دید دولت های غربی و همسایگان ایران، پنهان نبود؛ چنان که گردشگران، در سفرنامه های خود به این امور، اشاره و گزارش های مفصل به دولت های تابعه خود، ارائه می کردند. سفرای کشورهای بیگانه نیز، از نزدیک بر این اوضاع آگاه

بودند.؛ (4)

ص: 34

---

1-1. فتنه باب، ص 89.

2-2. برای نمونه: وقتی علی محمد باب در شیراز ادعای بابت کرد، بیماری وبا، شیوع داشت.

3-3. تاریخ اجتماعی ایران، ج 8، ص 206.

4-4. تاریخ جامع بهائیت، ص 323؛ ایران و قضیه ایرانی، ج 1، ص 635-640.

بنابر این، جامعه ایران در عصر قاجاریه، از هر لحاظ در وضعیتی قرار داشت که به راحتی آسیب پذیر و شکننده بود. چون آموزه های دینی، بر اساس منطق و با پشتوانه عقلی محکم، به مردم آموخته نشده بود؛ از این رو خرافات به راحتی در عقایدشان راه می یافت و جزء فرهنگشان می گردید. با تأسیس مدارس به سبک جدید، مخالفت و مبارزه شد و تنش ها و درگیری های فراوانی به وجود آمد. (1) با مظاهر بهداشت، مثل لوله کشی، برق رسانی و حمام های جدید بهداشتی، مخالفت شدید بود. امر تعلیم و تعلم سستی، متعلق به طبقه ویژه و جنسیت خاص بود و زنان عموماً از تحصیل علم محروم بودند. (2) همچنین بیماریهای واگیردار، مثل وبا، سرخک و... جان بسیاری را گرفت. (3)

وقتی امیرکبیر برای ریشه کن کردن برخی از این بیماری ها، به واکسینه کردن

کودکان اقدام نمود و از مردم خواست تا به مراکز درمانی مراجعه کنند، هیچ کس مراجعه نکرد. وی مجبور شد، با جریمه پنج تومانی که آن زمان مبلغ زیادی بود، مردم را به این کار وادار نماید؛ ولی مردم به حدی خرافی بودند که حاضر به پرداخت پنج تومان شدند تا از این دستور بهداشتی سرپیچی نمایند، تا جایی که امیرکبیر به علت این وضع، در پشت میز کارش به حال مردم گریست؛ (4)

در چنین وضع فرهنگی و اجتماعی و دوری مردم از آگاهی های لازم دولتهای استبدادی نه تنها تلاشی جهت بهبود اوضاع نداشتند، بلکه هزینه های زندگی آمیخته با تشریفات آنها و وابستگان سیاسی، نظامی، درباریان و... به مردم تحمیل می شد. از دیگر سو، هزینه جنگ ها، ویرانی ها و حوادث نیز به این مبلغ افزون می شد. اقتضای حاکمیت مستبدانه، آنان را وادار می کرد که مردم را در جهالت و زندگی فلاکت بار فقیرانه، نگه دارند، تا بتوانند آسوده بر آنان حکومت نمایند.

ص: 35

---

1-1. فرهنگ نامه زنجان، ص 54\_65.

2-2. مدارس جدید در دوره قاجار بانیان و پیشروان، ص 80 و 127.

3-3. تاریخ اجتماعی ایران، ص 189.

4-4. محمدرضا حکیمی، داستان هایی از زندگی امیر کبیر، ص 18؛ علی اکبر هاشمی رفسنجانی، امیر کبیر قهرمان مبارزه با استعمار، ص 112.

استعمارگران نیز با وجود چنین زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی،

به آسانی، اقدام به تأسیس فرقه انحرافی کردند و عواملی مانند پایبندی سخت مردم به مهدویت، سادگی، محدود بودن آگاهی مردم درباره امام زمان و ناهنجاری‌های اجتماعی و طبیعی، بهترین زمینه را برای ترویج خرافات و ایجاد تفرقه فراهم ساخت و سبب گردید فرقه‌ای چون بابیت شکل بگیرد. در ادامه، ناهنجاری‌های اجتماعی، اختلافات و خونریزی‌های تفرقه افکنانه‌ای به راه افتاد و بحران‌های سیاسی، قومی و مذهبی به وجود آمد، تا بیگانگان به خواسته‌های شوم خود برسند.

## 2. ویژگی حاکمان قاجاریه

پس از افول قدرت و انقراض سلطنت صفویان، رهبران و سران این ایل، در شغل نظامی‌گری، به خدمت نادر شاه درآمده و با او در به دست آوردن استقلال جغرافیایی و سیاسی ایران همکاری کردند و تا انحلال سلسله افشاریه به این شغل مهم ادامه دادند. آنان در کنار کریم خان زند، برای ساماندهی اوضاع ناامن کشور و بهبود ساختار سیاسی، تلاش کردند؛ بزرگان این سلسله، در این راه تا حدی می‌کوشیدند که گویی برای قدرت یافتن، در نوبت قرار گرفته‌اند. سرانجام آقامحمدخان، این آرزوی دیرینه را محقق نمود، او که در کنار کریم خان پرورش یافته بود، پس از درگذشت وی، با تضعیف جانشینان او، توانست با حمایت ایل بزرگ قاجار، حکومت فراگیری در ایران تشکیل داده و مرزها را پس از ناآرامی و اشغال مهاجمان شرق و غرب، بازابد و سلسله قاجاریه را در ایران تأسیس کند که جانشینان او (شاهان قاجار)، بیش از یک قرن بر ایران حکومت کردند.

از ویژگی‌های مشترک شاهان قاجار، نداشتن پایگاه مردمی بود؛ چرا که خاستگاه حکومت آنان، ایل و قبیله بود و شاه با تکیه بر قدرت ایل بزرگ قاجار که از عهد صفوی در قدرت، سیاست و حاکمیت دست داشت، می‌توانست به مسند قدرت تکیه زند؛ قاجاریان یکی از هفت قبیله تأثیرگذار، در به قدرت

رسیدن صفویان و استمرار حکومت آنها بودند و یکی از شاخه های مهم نظامی صفویه، محسوب می شدند. (1)

دیگر ویژگی مشترک، وابستگی آنان از نظر مدیریت به دیگران بود. اقتدار ذاتی در شاهان قاجار، به ویژه پس از مؤسس آن، در جانشینان کمتر دیده می شود؛ از این رو در این دوره، مدیریت کشور وابسته به لیاقت و تصمیم صدراعظم هایی است که به عنوان تصمیم گیرنده و اداره کننده کشور، محسوب می شوند؛ لذا وقتی صدراعظمی لایق، کاردان و شایسته ای چون قائم مقام، در رأس امور است، تدبیر امور از نظم خاصی برخوردار است، وقتی فرد شایسته ای چون امیرکبیر، در رأس امور است، برنامه های اصلاحی برای ترقی و پیشرفت دارد، اما وقتی درباریان، چنین افراد شایسته ای را برنرفته و کنار می زنند و منصب صدارت به افرادی چون آقاسی، میرزا آقاخان و امثال آنها می رسد، سرنوشت کشور در همه ابعاد (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) دچار بحران شده و مردم گرفتار انواع نابسامانی ها می شوند. شاهان سست عنصر، برای اداره کشور، نه برنامه دارند و نه فرصت را به شایستگان می دهند. نخبه کشی از ویژگی های مشترک این دوره و برخی از ادوار استیلای استبداد بر ایران است.

پس از قرارداد ترکمن چای و گلستان که با دولت روسیه تزاری منعقد گردید، دولت قاجار استقلال سیاسی خود را از دست داده و قسمتی از خاک ایران، ضمیمه روسیه گردید. پس از این قرارداد بود که پادشاهان سلسله قاجاریه، به طور رسمی، با حمایت دولت روسیه انتخاب می شدند؛ چون روسیه طی این قرارداد ننگین، سلطنت عباس میرزا و جانشینان او را تعهد و تضمین نموده بود؛ عباس میرزا نیز پس از این، در فکر حفظ حکومت جانشینان خود بود؛ او به

جای تکیه به نیروی معنوی مردم و علمای ایران، به روس ها پناهنده شد و با تحقیر و توهین، به سید محمد مجاهد (2) بی حرمتی نمود. روس ها با تجاری که در

ص: 37

---

1-1. قزوینی، لب التواریخ، ص 392.

2-2. سید محمد مجاهد (سید محمد طباطبائی) از مراجع جهان تشیع به حساب می آید که فتوای وی در جهاد با روس معروف است. در دوران زعامت آیت الله سید محمد طباطبائی، دوره دوم جنگ ایران و روسیه آغاز گردید و روحانیت به زعامت آن فقیه گرانقدر در آن نقش مؤثر را به عهده داشت و به همین سبب نیز ایشان به آیت الله مجاهد شهرت یافت. ر.ک: محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب

جنگ ها و مسائل دیگر داشتند، از قدرت روحانیت و مرجعیت در دوره قاجار بیمناک بوده و دلخوشی نداشتند و پس از این واقعه بود که برنامه و طرحهای استعماری خود را برای شکستن حرمت روحانیت پی ریزی و توسط عوامل داخلی، عملی نمودند.<sup>(1)</sup>

ویژگی دیگر همه شاهان قاجاریه، این است که نماینده استعمارگران بودند تا از تاج و تخت خود محافظت نمایند. وابستگی به بیگانه، مهم ترین و چالش برانگیز ترین ویژگی ایل قجر بود که بر این مبنا، هدف قاجاریان اقتضا می کرد تا برای استمرار سیطره استبدادی شان، تمام موانع را از سر راه خود بردارند و بر اساس میل و منافع بیگانگان حکومت کنند و در عزل و نصب مناصب حکومتی، تحت تأثیر و نفوذ مستقیم و غیر مستقیم آنان باشند. این سیاست، در برهه ای از زمان می توانست روحانیت یا افراد لایقی چون قائم مقام و امیر کبیر را که مانع راه نفوذ بیگانگان بودند. از میان بردارد؛ از این رو برای تضعیف دین و نفوذ بیشتر روس ها که رقبای زیادی در ایران داشتند، روحانیت به طور غیر مستقیم مورد تهاجم و توهین واقع شد. از طرفی دین و عقاید و باورهای دینی، از جمله توحید، قرآن، نبوت و امامت را با بدل سازی و جعل، به وهن کشیده و به سخره گرفتند؛<sup>(2)</sup> اگرچه این بدل سازی و انحراف، پیش از این، در تاریخ اسلام بی سابقه نبوده است.<sup>(3)</sup>

ص: 38

---

1-1 محمد علی خادمی، بهائیان دیگر چه می گویند، ص 56-58. اعتضاد السلطنه به صراحت از دلخوری میرزا آغاسی و منوچهر خان گرجی که حاکم اصفهان بود، از دست علما و مراجع اصفهان سخن گفته است. فتنه باب، ص 96-97.

2-2. رضا سلطان زاده، سیری در کتاب های بهائیان، ص 30.

3-3. در دوره حکومت عبدالملک مروان که مگه در تصرف ابن زبیر بود، عبدالملک، جهت روی گردانی مردم از کعبه، در فلسطین و بیت المقدس، بدل کعبه را ساخت، تا مردم به سوی کعبه نروند و جذب ابن زبیر نشوند. اتفاقا بهائیان نیز، قبله ای در همین سرزمین که قبله اول مسلمانان نیز بود، ساخته اند و قبر بهاء را، قبله معرفی می کنند، در حالی که قبله، کعبه و خانه خداست.



از ویژگی های دیگر شاهان قاجاریه، این است که برخی از آنان، علاقمند به تجدد، نوگرایی، تمدن غرب و پیشرفت های صنعتی در اروپا بودند که در این راستا، فرهنگ و تمدن غرب، صنایع غربی و مدارس، به سبک غربی در ایران برقرار شد و سبک زندگی غرب، در زندگی مردم نمود پیدا کرد. زاینده این گرایش ها، غرب زدگی، نوگرایی و مصرف گرایی، گرایش به تشریفات و تجملات بود که عقل برخی از شاهان را ربوده و تسخیر کرده بود. بر همین اساس، برخی از آنان، سفرهای مکرر به غرب داشته و هزینه های هنگفتی صرف کردند. (1)

این ویژگی ها و ویژگی های دیگری چون دخالت زنان قجری در امور کشور داری، اوصاف فردی چون وابستگی به حرم سرا و تفرج، درگیری ها و اختلافات خانوادگی و درباری، هزینه های خوشگذرانی، القاب محوری، تملق جویی و... عواملی بودند که در سوء مدیریت کشور و در نتیجه در بروز پدیده های ناهنجار اجتماعی، امنیتی و فرهنگی، مؤثر بودند. (2)

ص: 39

---

1-1. ر.ک: مهدی فراهانی منفرد، اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار.

2-2. ر.ک: فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ناصر افشار مهر، بررسی دو کتاب القاب رجال دوره قاجاریه و سفرنامه اصفهان.



## فصل دوم : نقش استبداد در پیدایش بهائیت

اشاره

ص: 41



دولتها و حاکمان سیاسی مستبد، در پایه گذاری فرقه ها و مذاهب مختلف، نقش های پنهان و پیدا و گاهی ناخودآگاه، ایفا کرده اند؛ چرا که تشکیل و گسترش فرقه و انجمن، بدون اذن و تأیید دولت حاکم، امکان پذیر نیست. برخی فرقه ها، در دوره های مختلف تاریخ، با حمایت کامل حاکمان سیاسی، موجودیت یافته اند. مذاهب چهارگانه اهل سنت، نمونه بارزی از این سیاست بازی ها است که آنان را در مقابل ائمه اطهار (علیه السلام) و شیعه، برجسته کرده اند و به آنان رسمیت داده اند. منصور عباسی و حاکمان پس از او، در تأسیس این مذاهب، نقش مهمی داشته اند؛ آنان گاهی رهبران فرقه های اهل سنت را به زور، به فتوا و حکم وادار کرده اند (1) و گاهی کتاب های آنان را، در بین مردم ترویج داده اند که منجر به تأسیس این مذاهب شده است. (2) بی تردید، اگر در عهد حکومت قاجاریان و حاکمیت پهلوی ها، برخورد مناسب و محدود کننده، با فتنه علی محمد و مدعیان جانشینی وی وجود داشت، انحرافات و آشوب ها بعدی، صورت نمی گرفت؛ بادرنگ در مورد نوع کنش های حاکمان، درباریان و کارگزاران، در برخورد با این فتنه بزرگ فرهنگی و اجتماعی، می توان به نقش این حاکمان در نضج و روند شکل گیری این فرقه پی برد.

ص: 43

- 
- 1- 1. مثلاً- منصور عباسی ابوحنیفه را به زور و با شلاق مجبور به این کار کرد. شیخ مؤمن شبلیغی، نورالابصار فی مناقب آل النبی المختار، ج 1، ص 323-326.
- 2- 2. همان، ج 2، ص 337-339. هارون به مالک گفت: من با کتاب موطاء کاری می کنم که عثمان با قرآن کرد و آن را ترویج می دهم.

دین اسلام و ادیان پیش از آن در طول تاریخ ایران همواره مورد استفاده ابزاری حکومت های استبدادی بوده است. قبل از اسلام، دین زرتشت ابزاری برای مشروع جلوه دادن حکومت های شاهنشاهی بود، پس از ورود اسلام به ایران، ریشه های استبداد خشکانده نشد، بلکه در اشکال دیگر ادامه یافت تا به صورت دولت های مستقل از خلافت مرکزی شکل گرفت و پس از انقراض خلافت عباسی، ایران به صورت حکومت های ایلخانی تحت سیطره مغولان بود. پس از انقراض مغول و برچیده شدن حکومت های محلی توسط تیمور گورکانی و سپس ضعف تیموریان، دولت صفوی روی کار آمد و ایران یکپارچه و متحد شکل گرفت. حکومت صفویان نیز استبدادی بود؛ اگرچه در آن استقلال سیاسی وجود داشت و سیطره بیگانگان و دخالت آنها در امور سیاسی، یا وجود نداشت یا محسوس نبود.

حکومت نسبتاً طولانی قاجار در ایران، از مصادیق حکومت های استبدادی است که با سستی و اهمال و نوع برخورد با سران فرقه بابیت در زمینه سازی، پیدایش و رشد این فرقه، سهمیم و مؤثر بود،<sup>(1)</sup> تا جایی که شعله های این آتش، تمام ایران را فرا گرفت و فرقه بهائیت از آن به وجود آمد؛ از این روی می توان نتیجه گرفت که دولت استبدادی ایران، در پیدایش بابیت و بهائیت نقش اساسی داشته است.

یکی از برنامه های آشوب برانگیز استعمارگران برای تأمین منافع خود و سست کردن عقاید دینی مردم و تضعیف روحیه اطاعت پذیری از روحانیون و علمای واقعی، راه اندازی و معرفی فرقه های منحرف بود. آنان فردی بی سواد<sup>(2)</sup> که

ص: 44

---

1-1. برای نمونه، آقاسی که با علما و روحانیت، میانه خوبی نداشت، به عمد نخواست زودتر جلوی باب را بگیرد. فتنه باب، ص 96.  
2-2. قصص العلماء، ص 60 درباره بی سوادی باب نوشته است: علی محمد شیرازی، در نامه ای که به من نوشته لوطی را با تاء منقوطة نوشته بود و از من خواسته بود که نام او را در مأذنه ها بگویند.

به ظاهر لباس علمای شیعه و سادات را به تن داشت(1). و منتسب به حوزه علمیه بود،(2) را انتخاب کردند که او ابتدا ادعای باب امام زمان بودن، سپس ادعای نزول کتاب آسمانی بر خود و بعدها ادعای خدایی کرد(3) و بدین وسیله، به وهن توحید، امامت، قرآن و دیگر کتب آسمانی پرداخت. استعمارگران نیز کتاب او را به زبان عربی منتشر ساختند(4) او با ادعای پیامبری، وهن نبوت نموده، تا آن را در انظار مردم بی ارزش جلوه داده و بدین وسیله، دین اسلام را از اساس و بنیان تخریب کند.(5) همچنین وی ادعای امامت نمود و مدعی شد که آخرین امام موعود است(6) تا افکار مردم را نسبت به اندیشه امیدآفرین مهدویت در شیعه که نشان دهنده منزلت رفیع علمای شیعه است، تخریب و منحرف کند. آنان کعبه را که تنها قبله دین مبین اسلام است، با قبله قرار دادن قبر حسینعلی نوری، به سخره گرفتند.(7) تمام ارزش ها و اصول و فروع دینی و احکام شرعی را با نوشتن و جعل اکاذیب و کتاب هایی نظیر بیان و ... استهزاء نمودند. با توجه به انجام چنین اقدامات ناشایستی که با عقاید و افکار دینی مردم مرتبط بود، لازم

ص: 45

- 1-1. همه منابع تاریخی، تحصیلات وی را منحصر به چند دوره می دانند: 1. دوره مکتب خانه در شیراز 2. دوره دو ساله حضور در درس سید کاظم رشتی در کربلا بود؛ از این روی وی از روحانیت و علوم حوزوی، تنها لباس آن را سرقت و به تن کرده بود تا ابزار دست استعمار برای ضربه زدن به مکتب اهل بیت باشد؛ اگرچه به حسب فرهنگ پوشش آن زمان، لباس او همان لباس سادات بود که هنوز نیز برخی از سادات، لباس بلند شبیه لباس روحانیت می پوشند.
- 2-2. حوزه علمیه شیعه، نهادی است علمی، دیرین و مقدس که توسط پیامبر اسلام صلّ الله وعلی واله اهل بیت (علیهم السلام) و ائمه اطهار(علیه السلام) بنیان گذاری شده است؛ از این روی جایگاهی دیرین و رفیع بین مسلمانان داشته است.
- 3-3. گفتار خوش یارقلی، ص 45؛ یوسف فضایی، شیخی گری، بابی گری، ص 88 به نقل از حبیب لوی، تاریخ جامعه یهودیان ایران، ج 3، ص 602؛ امان الله شفا، نامه ای از سن پائولو، ص 285-265.
- 4-4. دکتر مهدی خان، در مفتاح باب والابواب نوشته است: «اگر شما ادعای نبوت می کنید، چرا به زبان خودتان به شما وحی نازل نشده است، در حالی که تمام پیامبران به زبان قوم خود کتاب آورده اند، نه اینکه مانند باب، زبان عربی را غلط بدانند. فتنه باب، ص 99؛ به نقل از مهدی زعیم الدوله، مفتاح باب و الأبواب، ص 193-197.
- 5-5. فتنه باب، ص 97؛ میرزا آقاسی از مقاصد باب و ادعای نبوت او سخن گفته است.
- 6-6. الماثر ولاثار، ص 104-106؛ نامه ای از سن پائولو، ص 209 و 285.
- 7-7. نامه ای از سن پائولو، ص 357.

بود حاکمیت سیاسی در این نابسامانی فرهنگی، برای حفظ همبستگی و نظم اجتماعی اقدامی شایسته و پیشگیرانه انجام دهد، تا گرفتار بحران های داخلی نگردد، اما برخورد قاطعی از طرف عوامل استبدادی و کارگزاران دیده نشد؛ چرا که شاهان مستبد قاجار پس از ناکامی هایی که در جنگ های روس با ایران نصیب آنها شده بود از نظر اقتدار سیاسی به روسها و استعمارگران وابسته شدند و روس ها در قبال تسلط به بخش هایی از خاک ایران، متعهد شدند از

حاکمیت و تاج و تخت شاهزادگان قاجاری حمایت داشته باشند؛ از این روی پایگاه اجتماعی مقتدرانه ای نداشتند، تا قاطعیت چشمگیری در قبال فرونشاندن فتنه باب از خود نشان دهند و ریشه این فتنه، هرچه زودتر خشکانده شود؛ بلکه کارگزاران حکومتی اسبابی فراهم کردند تا این آشوب های فرهنگی و اجتماعی گسترده تر گردد؛ لذا از رسوبات اندیشه و خاکستر باب، میرزا حسینعلی نوری و فرقه دیگری موسوم به «بهاء»، سر بر آورد و بهائیت را تأسیس کرد تا همواره در جامعه شیعی، دامنه و زمینه آشوب، تشویش و بحران، پا برجا باشد. (1)

### الف) بنیان بهائیت در عهد قاجار

برخی شواهد تاریخی، بیانگر ایفای نقش مستقیم یا غیر مستقیم شاهان قاجار و کارگزاران آن در شکل گیری بهائیت است که در این گفتار مورد توجه قرار می گیرد

.. عبدالحسین آیتی که از مبلغان درجه اول بهائیت بود، درباره نقش برجسته دولت قاجار در پیدایش بهائیت می نویسد: «در ابتدای پیدایش باب، دو نفر از دولتیان سوء، سیاستی بروز دادند که هر یک از جهتی خسارت کلی به این ملت وارد کردند و قضیه باب را کاملاً به موقع، اهمیت گذاشتند. اول، حاجی میرزا به صورت مخالفت؛ دوم، منوچهرخان معتمدالدوله به صورت موافقت..... (2)

ص: 46

1-1. احمد سروش، مدعیان مهدویت، ص 174.

2-2. کشف الحیل، ص 364.



2. معتمدالدوله (1) که از طرف دولت استبدادی قاجار، حاکم اصفهان بود نه تنها باب را پنهانی از زندان حاکم شیراز که قصد داشت او را مجازات کند به اصفهان فراری داد (2)، بلکه برای اولین بار پس از شنیدن سخنان باب، چنین گفت:

چنان آیات باب در وجودم تأثیر و کارگر افتاد که تاکنون به دیانت اسلام، قلباً معتقد نبودم، با بیانات این جوان، قلبم به اسلام متحول و متأثر شد و به تصدیق باطنی به آن معترف شدم» (3) چون معتمدالدوله از علما و روحانیون اصفهان، دلخوشی نداشت و علما را مانع حکومت مطلقه خود می دید، حضور باب و ادعاهای او را برای شکستن علمای اصفهان مناسب دید و باب را با تجلیل پذیرفت (4) و در جای امنی پناه داد و به [دروغ] گفت: او را از شهر اصفهان بیرون کردم.

3. میرزا آقاسی، وزیر اعظم دربار قاجار، به جای برخورد جدی با این آشوب فراگیر فرهنگی و خطر اجتماعی، در پی آن بود که باب را به سلامت از ایران خارج کرده و به دولت های بیگانه تحویل دهد تا جان او از خطر مرگ به دور ماند. او که مرامی صوفی مسلک داشت، از علما و فقهاء خصوصاً فقهای اصفهان که صاحب نفوذ بودند. دلخوشی نداشت و می خواست که علی محمد، با این ادعای بزرگ، مایه وحشت علما و اضطراب آنان را فراهم سازد (5)، او چون می ترسید که با آمدن باب به تهران، شاه عصبانی و برانگیخته شده و مقام صدارت را از او بستاند، (6) دستور تبعید باب را صادر کرد (7) و سبب شد او، مدت ها زنده بماند و مردم نسبت به او حساس شده و مریدانش به دیدار او

ص: 47

1-1. منوچهر خان گرجی مسیحی که تظاهر به اسلام می کرد.

2-2. فتنه باب، ص 17.

3-3. اشراق خاوری، خلاصه تاریخ نبیل، ص 188؛ نامه ای از سن پائولو، ص 170.

4-4. فتنه باب؛ ص 95-96.

5-5. همان، ص 96

6-6. خلاصه تاریخ نبیل، ص 106.

7-7. فتنه باب، ص 97.

مشتاق باشند(1)؛ چنان که ناصرالدین شاه، در سخنی به امیر کبیر درباره خیانت بزرگ آقاسی، پرده از تعمد او برداشته است.(2)

4. عوامل دولت استبدادی قاجار، به جای اینکه بی درنگ با چنین غائله و آشوبی که شخص علی محمد باب از جنوب ایران برپا کرده بود، برخورد قاطع نماید، او را به شهرهای مختلف تبعید و حبس کردند(3) حال آنکه حبس او بر ابهتش می افزود و محبوب تر می شد.(4)

گرچه باب در حضور بسیاری از علما، ادعای خود مبنی بر امام زمان بودن را ادعایی واهی دانسته که می بایست با او برخورد قاطع می شد، اما با سهل انگاری دولت، توانست حدود یک سال به فعالیت خود ادامه دهد. او در زندانهای مختلف، اجازه داشت تا با مریدان و همفکران خود از جمله میرزا حسینعلی (مؤسس بهائیت) که با روس ها مرتبط بود، ملاقات داشته و بعدها همین ملاقات دستاویزی برای جانشینی میرزا حسینعلی شد. علی محمد باب، در این ملاقات ها، طرفداران خود را به قیام و آشوب ترغیب می نمود، اما دولت باز هم نسبت به اعدام او تعلل می ورزید و این سهل انگاری باعث شده بود تا طرفداران باب در شهرهای مختلف آزادانه به خرابکاری و آشوب روی آورند؛ حاکمان محلی نیز چون شاهد کوتاهی دولت مردان در برخورد با پیروان باب بودند، سستی کرده و برخورد جدی با آنها نداشتند؛ تنها، زمانی برخورد جدی و درگیری بین دولت و

طرفداران باب روی داد که اکثر شهرهای ایران گرفتار این آشوب شده بود. اگر دولت در ابتدای این آشوب، با شخص علی محمد باب برخورد قانونی و شرعی می کرد، دامنه این طغیان به شهرهای مازندران، زنجان، آذربایجان، قزوین، خراسان و ... گسترش نمی یافت.

ص: 48

---

1-1. همان، ص 98؛ مفتاح باب و الأبواب، ص 190-192

2-2. همان، بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص 185.

3-3. کشف الحیل، ص 397.

4-4. سید احمد کسروی، بابتی گری، ص 90.

چنان که در برخی از منابع تحقیقی گزارش شده است یکی از عوامل مهم ترویج بابت، کوتاهی و سهل انگاری میرزا آقاسی وزیر دولت وقت بود؛ چرا که او جای اینکه با آشوب علی محمد شیرازی برخورد مناسب داشته باشد و به غائله او در شیراز قبل از انتشار خبر(1) خاتمه دهد، پس از انتشار خبر ظهور او، او را با حبس، از انظار دیگران دور داشت و با این کار، مردم بیشتر متوجه او شدند. این برخورد سست، مردم را بیشتر در حیرت فرو برد که نکند او امام زمان باشد. اگر او در بین مردم حضور داشت، چهره واقعی و نادانی او برای مردم، بیشتر شناخته شده و پوچی ادعاهایش معلوم گشته و کسی به او متمایل نمی شد، چرا که هیچ یک از علائمی که در احادیث، برای امام غایب توصیف شده است، در او وجود نداشت و این مسئله، با محاکمه او توسط علما در مقابل دیدگان مردم، روشن می شد.(2) این اشتباه دولت وقت، به جایی منجر شد که دولت امیرکبیر با تمام قوا به سرکوب این غائله گرفتار شد و این مسئله، بسیار مهم جلوه کرد و شهرت جهانی یافت که این امر نیز در موفقیت بهائیت و ترویج افکارشان تأثیر گذار بود. "(3)

6. استبداد قاجاری، نه تنها با این آشوب برخورد جدی نکرد، بلکه امیر کبیر را که توانست با برخورد قاطعش این آشوب ها را مهار کند، از صدارت عزل و او را به قتل رساند.(4)

7. از جمله تأثیر گذارترین عوامل استبداد در شکل گیری بهائیت در عهد قاجار، میرزا آقاخان نوری بود که وابسته و مورد حمایت شدید انگلیس بود.(5) از آنجا

ص: 49

---

1-1. زمانی که علمای تبریز او را محاکمه می کردند، نوشته ها و آثار او به شکل گسترده منتشر شده بود، وقتی از او پرسیدند: این نوشته ها از تو است؟ جواب داد: از خدا است. قصص العلماء، ص 61.

2-2. مشروح محاکمات او در کتاب های مختلف، از جمله در کتاب فتنه باب از ص 19 به تفصیل ذکر شده است. 2. مشروح محاکمات او در کتاب های مختلف، از جمله در کتاب فتنه باب از ص 16 به تفصیل ذکر شده است.

3-3. فتنه باب، ص 101.

4-4. دست داشتن دولت قاجار با تحریکات انسان های سست عنصری چون میرزا آقاسی و میرزا آقاخان نوری، عامل استعمار، چیزی روشن و قطعی است. ر.ک: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص 445\_459؛ فتنه باب، ص 29.

5-5. عباس اقبال آشتیانی، میرزاتقی خان امیر کبیر، ص 106-107. خاندان نوری، اساسا با انگلیس سر و سرداشتند. در خاطرات میرزا فضل الله، برادر میرزا آقاخان نوری به این مسئله تصریح شده است.

او با میرزا حسینعلی نوری هم تبار بوده و خویشاوندی داشت، با حمایت و دلجویی او، میرزا حسینعلی که به دستور امیر کبیر تبعید شده بود به ایران برگشت. (1) بازگشت او به ایران، فتنه‌ها را زنده نمود و دوباره افکار آشفته و انحرافی علی محمد باب در چهره‌ای جدید و با تندیس ابلسی دیگر نمایان شد. با برگشت برخی دیگر از سران بایان، غائله در تهران دوباره شکل گرفت. میرزا آقاخان نوری فردی نبود که درد دین داشته باشد و در فکر حفظ اساس کشور و همبستگی فرهنگی و ملی باشد؛ بلکه او هرگز درک و فهم چنین مسائلی را نداشت؛ بنابراین بدبختی ایرانیان در دوره قاجار، تنها گرفتار شدن به استبداد قاجاریان نبود، بلکه گرفتاری بزرگ و مشکل دیگر مردم ایران، این بود که امورشان را چنین افراد نالایقی تدبیر می‌کردند. صدراعظم کشور، بر اساس سیستم حکومت قاجاری به تمام امور سیاسی و نظامی رسیدگی می‌کرد. بیگانگان به دلیل وجود چنین آدم ساده لوحی، به طور کامل و آزادانه، در تغییر امور کشور به سود خود مداخله همه‌جانبه می‌نمودند و او با صدای طبل روس و انگلیس می‌رقصید. (2)

سران بهائی هرگز از میرزا آقاخان نوری شکایت نمودند، بلکه در کتاب‌های تاریخ و محافل خود قصه‌ها و داستان‌های شیرین از خاطرات آقاخان نوری می‌گفتند و همیشه یاد او را زنده می‌داشتند. این تمجیدها، بیانگر آن است که این صدراعظم، با حمایت از رهبران بهائیت، خدمت بزرگی به تأسیس آن در ایران کرده است. (3)؛ او همشهری خوبی برای میرزا حسینعلی و میرزا یحیی نوری بود و روابط خانوادگی نزدیکی با پدر او داشت و حمایت‌های بی‌دریغی نیز از بهاء‌الله

نمود. (4)

ص: 50

- 
- 1-1. جمال ابهی، ص 115-117.
  - 2-2. ر.ک: خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی‌گری و بهائی‌گری) ص 161-163.
  - 3-3. نامه‌ای از سن پائولو، ص 360.
  - 4-4. تاریخ جامع بهائیت، ص 256؛ فتنه باب، ص 152.

8 پس از اینکه ناصرالدین شاه توسط بایان مورد سوء قصد قرار گرفت و ترور شد، اعمال نفوذ برخی از درباریان و تصمیم نادرست شخص شاه باعث شد تا به جای اعدام سران این فرقه (یحیی و حسینعلی) آنها را تبعید کنند در صورتی که با اعدام آنان این فرقه قلع و قمع و ریشه کن شده و از بین می رفت. (1) از این رو باید اساس شکل گیری بهائیت را در ناکارآمدی و برخوردهای غیرمسئولانه و غیر جدی دولت استبدادی و رئیس حکومت (ناصرالدین شاه) دانست که همت ریشه کن ساختن آشوبگران را نداشتند.

9. حکومت طولانی ناصرالدین شاه، کهولت سن و سستی اراده مظفرالدین شاه، باعث شده بود تا او چندان در جریان اداره کشور نباشد. این تساهل قهری شاه، عرصه را برای آشوبگران، فرصت طلبان و وابستگان انگلیس و غرب، مانند عین الدوله، امین السلطان و... مهیا کرده بود. بهائیان، علاوه بر اینکه در آشوب های مشروطه و درگیری ها و نا امنی ها، آتش بیار معرکه بودند و از فعالیت های سیاسی و جاسوسی کم نمی گذاشتند، همچنان در دربار قاجاریه حضور و با درباریان مرتبط بوده و در کنار تخت مظفرالدین شاه نیز نفوذی هایی چون وزیر همایون و دیگر فراماسون ها را داشتند که پشتیبان بهائیان بودند. پدر همایون، از درباریان قدیمی قجری و عضو فراماسون ها بود که در حبس و عزل امیرکبیر و همچنین در جدایی افغانستان از ایران، نقش برجسته و کلیدی داشت و از خائنان به تمامیت ارضی ایران، به شمار می رود. وزیر همایون، در مقابله با علمای شیعه نیز فعال بود؛ او در زمان مظفرالدین شاه که از سوی عین الدوله مستبد، به حکومت زنجان منصوب شده بود با مجتهد برجسته و فقیه بانفوذ، مرحوم آخوند ملاقربانعلی زنجانی درگیر شد. (2) او، علاوه بر عضویت موروثی که در فراماسونری داشت، در اواخر عمر خود، گرفتار دام بهائیت شد. (3)؛ برخی از اسناد

ص: 51

- 
- 1-1. انشعاب در بهائیت، ص 101 102.
  - 2-2. بهائیت آن گونه که هست، ص 41.
  - 3-3. همان.

مربوط به زمان مظفرالدین شاه نشان می‌دهد که بر اساس بخشنامه ای، کسی حق تعرض و کشتار بهائیان را نداشت؛ این مطلب، نشان می‌دهد که دولت تا چه اندازه، مراقب و حافظ بهائیان بوده است. (1)

10. استبداد دوره قاجار، به همان میزان که در شکل‌گیری بابیت نقش داشت، در شکل‌گیری بهائیت نیز مؤثر بود؛ به همین دلیل سران بهائی، در تمجید و به افتخار، از آل قجر و ناصرالدین شاه، الراحی سیاهه نموده (2) و در دعا به محمدعلی شاه مستبد بیانیه صادر می‌کردند. (3) علی‌رغم حمایت استبداد، مبارزه علمای شیعه، با این فرقه، به شدت ادامه داشت که گاهی نیز به سرکوبی آنها می‌انجامید؛ از این رو رهبران و مبلغان بهائی، برای در امان ماندن از مبارزه علمای شیعه و رشد و گسترش بهائیت، به تبلیغ آئین خود در بین مسلمانان دیگر کشورها پرداختند (4) و نیز فعالیت هایشان را در ایران، هرگز قطع نکردند. بهائیان پس از آنکه از ایران به استانبول، ادرنه و سپس به عکا و کشورهای دیگر منتقل شدند، در وقایع سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی، به ویژه ایران که کانون قدرت تشیع بود، به طور پنهانی دخالت کرده و از هر فرصتی برای تخریب علمای شیعه استفاده نموده و جنبش‌هایی را که دینی بوده و یا قصد حمایت از دین را داشتند، سرکوب می‌کردند. آنان، علاوه بر دوره حضورشان در استانبول که برای بیگانگان هم جاسوسی و هم خرابکاری می‌کردند، در عتبات نیز، به اعتراف خودشان، (5) علاوه بر سرقت از زائران امام حسین (علیه السلام) و آزار آنان، ابزاری در خدمت استعمارگران بودند. آنگونه که از اظهارات خود بهائیان بر می‌آید آنان به فساد و تباهی در بین مردم و حاکمان دنیا، معروفند، میرزا حسینعلی، خود در این باره نوشته است: «... جمیع ملوک، این طایفه را اهل فساد می‌دانند، چه که

ص: 52

---

1- 1. کشف الحیل، ص 653.

2- 2. بهائیان، ص 655.

3- 3. همان، ص 767.

4- 4. ر.ک: خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری)، ص 32 و 35.

5- 4. ر.ک: خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری)، ص 32 و 35.

في الحقيقه در اوائل اعمالی... در اموال ناس تصرف من غير اذن... غارت و سفك دماء را حسنه می شمردند...»(1) در ایران نیز، علاوه بر عضویت در انجمن های مخفی و فراماسونری در سرکوب مشروطه خواهی و نمایندگان مشروطه خواه نیز فعالیت داشتند، آنان در طرحی از پیش تعیین شده، ترور مراجع بزرگ شیعه خصوصا علمایی مثل آخوند خراسانی را که در پیشبرد اهداف مشروطه تأثیر گذار بوده اند در دستور کار خود داشته و نسبت به آن اقدام کرده اند(2) البته سوابق تروریستی آنها از قبل روشن بود، چنان که در ترور امیر کبیر و ناصر الدین شاه نیز نقش داشتند(3).

11. انقلاب مشروطه در پی خواسته های علمای بزرگ برای محدود کردن قدرت استبدادی شاهان در ایران شکل گرفت(4)، از سویی قدرت های استعماری چون مشروطه را خطری برای منافع خود تلقی می کردند با دسیسه و فتنه اقدام به انحراف این انقلاب نمودند؛ روس ها طرفدار استبداد و انگلیسیها مخالف حضور علما بودند؛ از این روی هر دو به نوعی در انحراف مشروطه نقش داشتند. جریان استبداد نیز برای مقابله با مشروطه از آشوب های ضد مشروطه حمایت می کرد، لذا روس ها بایان را برای حمایت از استبداد و انحراف مشروطه به کار گرفتند و دست های مرموز انگلیس از آستین عده ای به نام روشنفکر بیرون آمده و باعث انحراف این جریان گردید. پس از این انحراف برخی از علمای بزرگ شیعه چون شیخ فضل الله نوری و حجت الاسلام آخوند ملاقربان علی زنجانی، در مقابل مشروطه غیر مشروعه مخالفت کردند؛ چرا که هر کدام به نوعی به

ص: 53

---

1-1. بهائیان، ص 643، به نقل از میرزا حسینعلی نوری، مائده آسمانی، ص 130؛ ر.ک: عبدالحمید اشراقی خاوری، مجموعه الواح بهاء الله.

2-2. خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری)، ص 325.

3-3. تاریخ جامع بهائیت، ص 263-256؛ حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 440.

4-4. مشروطه به رهبری و حمایت علمای بزرگی چون آخوند خراسانی، نائینی، طباطبائی، بهبهانی و شاگردان آنها و... و پشتیبانی کسبه و تجار پیروز شد. چنان که ستارخان و باقرخان، خود را پیرو علمای اسلام و انگیزه خود را حمایت از خواست علما و رهایی از استبداد اعلام کردند. بنابراین، مشروطه با حکم مظفرالدین شاه، پذیرفته و پیروز شد؛ اما توسط استعمارگران و مهره های آنان مثل بهائیت، منحرف. مشروطه به رهبری و حمایت علمای بزرگی چون آخوند خراسانی، نائینی، طباطبائی، بهبهانی و شاگردان آنها و... و پشتیبانی کسبه و تجار پیروز شد. چنان که ستارخان و باقرخان، خود را پیرو علمای اسلام و انگیزه خود را حمایت از خواست علما و رهایی از استبداد اعلام کردند. بنابراین، مشروطه با حکم مظفرالدین شاه، پذیرفته و پیروز شد؛ اما توسط استعمارگران و مهره های آنان مثل بهائیت، منحرف شد

مشروطه غربی بدبین بوده و آن را توطئه استعمارگران روس و انگلیس می دانستند.<sup>(1)</sup> بهائیان و همفکران آنان، بازیگران این نقشه و سناریو بودند که به هر روی، برای شکستن حریم علمای شیعه تلاش می کردند و با این موضع گیری، هدف نهایی ایجاد فرقه بهائیت را مشخص می نمودند؛ این مسئله نیز از همکاری بین استبداد و بهائیت سرچشمه می گرفت.

12. بابت و سپس بهائیت، از ابتدا بر نابودی مرجعیت دینی و روحانیون شیعه، تأکید می نمودند. استبداد نیز به خاطر مسائل مختلفی چون مخالفت علما با دادن امتیازات و عقد برخی قراردادها با خارجی ها، از علمای شیعه ناخرسند بود، چنان که استعمارگران پس از درک قدرت بلامنازع مرجعیت شیعه و نفوذ روحانیون در طبقات اجتماعی ایران و پوشیدن طعم تلخ شکست در غارت ذخایر ایران، با فتوای میرزای شیرازی و همچنین برخوردهای قبل از آن، به فکر از بین بردن این جایگاه بودند؛ از این رو فرقه های دست ساز آنها، همواره در رأس برنامه های خود، مبارزه و تخریب چهره مقبول روحانیون را دنبال می کردند؛ استبدادگران با بر آمدن بابت گمان می کردند که جهت محدود کردن علمای شیعه امواجی است که باید بهره بگیرند لذا هماهنگی آنها شاید با هماهنگی استعمارگران صورت می پذیرفت.

### **(ب) همسویی بهائیت با استبداد و استعمار در انحراف مشروطه**

مشروطه، انقلابی مردمی به رهبری روحانیت و مراجع دینی بود که برای انحراف آن استبداد و استعمار همکاری و همگرایی داشتند؛ استعمار شرق برای تخریب بنیان مشروطه که عامل مهم همراهی مردم با مشروطه بود برنامه داشت،

ص: 54

---

1-1. مرحوم آخوند زنجانی که در زنجان و نواحی آن، مرجع تقلید و متصدی امر روحانیت بود، به مشروطه بدبین بوده و احتمال می داد که مسئله ای همسو با سیاست دولت های بیگانه و خارجی باشد، به همین خاطر با مشروطه خواهان همراهی نمی کرد. سید احمد زنجانی، الکلام یجر الکلام، ج 1، ص 117؛ علی ابوالحسنی، سلطنت علم و دولت فقر، دفتر اول، ص 292؛ ابوالفضل شکوری، خط سوم در انقلاب مشروطه، ص 161 و 171-172.



برنامه داشت، وجه مشترک اهداف آنها تخریب بنیان مشروطه و عامل پیوند آن با مردم بود؛ از این رو تخریب روحانیت و حلقه اتصال بدنه اجتماع با انقلاب مشروطه در صدر برنامه های آنان بود، استبداد نیز روحانیت را عامل اصلی محدودیت اقتدار خود می دانست؛ از این رو هم گرای سه عنصر برای از بین بردن وجاهت و مقبولیت و جایگاه اجتماعی علما و مراجع به راه افتاد و اقداماتی در این راستا صورت گرفت که بهائیت به عنوان ابزار استبداد و استعمار بازیگر نقش هایی تخریبی بود از جمله:

1. پوشیدن لباس روحانیون و ظاهر شدن در میان مردم با سیما و قیافه آنان،

با هدف صدمه و آسیب رسانی به وجاهت و جایگاه مردمی روحانیت. (1)

2. اغفال طلاب جوان و جذب آنها به سمت خود، با تطمیع، تظاهر به تجدد،

نوگرایی، مدرنیته، فراماسونری و... (2)

3. نفوذ دادن افراد خود در حوزه های علمیه و کسب علوم حوزوی و آشنایی با متون دینی، با هدف تحریف و تخریب این متون و تأویل آنها به سود خود. آنها، از روایات ائمه، تفسیرهایی سودجویانه نموده و در رسانه های خود، ضد ائمه و شیعه، جهت بر هم زدن وحدت ملی ایرانیان و انحراف جوانان، استفاده کردند و ائمه را ضد ایرانی معرفی نمودند.

4. استفاده از زبان عربی برای بازگویی ادعاهای سخیف و پوشالی باب و بهاء

به مردم.

زبان عربی (زبان قرآن) قرنها در بین تمام مسلمانان، به عنوان زبان علمی جهان اسلام شناخته شده و تمام عبادات و احکام شرعی، به این زبان انجام می گیرد، علمای اسلام و مراجع شیعه نیز، با این زبان آثار خود را به جوامع علمی ارائه می دهند؛ براین اساس فرقه گمراه باب و بهائیت، برای لطمه زدن به تمام آثار دینی و ایجاد شبهه و تردید در آنها، عقاید و افکار باطل خود را با این

ص: 55

---

1-1. تصاویری از مبلغان و مؤسسان این فرقه، مانند شوقی افندی و... موجود است که در هیئت علمای شیعه، خود را به نمایش گذاشته اند. این مسئله، بدون هدف و برنامه نبوده است. 1. تصاویری از مبلغان و مؤسسان این فرقه، مانند شوقی افندی و... موجود است که در هیئت علمای شیعه، خود را به نمایش گذاشته اند. این مسئله، بدون هدف و برنامه نبوده است.

2-2. فتنه باب، ص 122.

زبان و با زبان فارسی که دومین زبان جهان اسلام و تشیع است، نوشته و القا کرده اند. این رویکرد را می توان توطئه ای برای صدمه زدن به قداست اسلام، مرجعیت و متون دینی، مثل قرآن دانست، چنان که یکی از برگشتگان از فرقه بهائیت به این مطلب اشاره می کند که، هر پیامبری به زبان قوم خود برانگیخته می شود و علت اینکه باب و بهاء به زبان عربی غیر فصیح و خودساخته به ادعاهای دروغین اقدام می کردند، نامعلوم است.<sup>(1)</sup> اگر زبانشان فارسی است، چرا به عربی خودساخته و بی قاعده و پر از غلط می نویسند و...

آنان در سرکوبی مشروطه و رهبران روحانی آن، ترور و اعدام شیخ فضل الله نوری و سید عبدالله بهبهانی با نفوذ و تشکیل کمیته مجازات و اموری از این قبیل، نقش داشتند؛ چون اعضای تشکیل دهنده کمیته مجازات، از پیروان بهائیت بودند.<sup>(2)</sup> وابستگی آنها به انگلیس و جاسوسان غرب نیز روشن است.<sup>(3)</sup>

بهائیان برای ایجاد آشوب و وحشت، شب نامه هایی در تهران پخش می کردند،<sup>(4)</sup> تا امنیت اجتماعی را خدشه دار ساخته و حمایت مردم از مشروطه را متزلزل و این انقلاب مردمی را از مردم گرفته و در راه اهداف استعمارگران قرار دهند. روند قدرت گیری پهلوی در ایران، پس از قاجاریه، مؤید این نظریه است.

بدین سان، بهائیت، فرقه دست نشانده استعمار، دست خود را در قضیه مشروطه، به عنوان نهضتی برخاسته از میان مردم و به رهبری علمای شیعه، رو می کند. برخی در بدو پیدایش، تردید دارند که زمینه های تشکیل آن را به بیگانگان نسبت بدهند، اما اگر عملکرد این فرقه و نقش بسیار منفی آن را در سرکوب صدای آزادی و عدالت خواهی ایران، مورد بازبینی و مدنظر قرار دهند، روشن خواهد شد که این گروه، برای ایجاد آشوب در میان مردم و انحراف

ص: 56

---

1-1. مفتاح باب و الأبواب، ص 193؛ فتنه باب، ص 99.

2-2. عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی گری، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره 27، ص 45-46.

3-3. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 440. ارفع و وابستگان به او، در احزاب وابسته به انگلیس فعال بودند. افرادی چون رشتی نیز عضو وابسته آنها بودند.

4-4. علی اکبر ارداقی، اسراری از کمیته مجازات خاطرات علی اکبر ارداقی تبریزی، ص 50-51.

صدای عدالت اجتماعی مردم ایران که با انقلاب مشروطه درصدد پیروزی بود، توسط دولت های استعماری شرق و غرب به وجود آمد. دست استعمار در آغاز پیدایش به قدری پنهان بود که عده ای از اهل پژوهش، به دلیل نبود مدرک معتبر، تردید می کردند که این فرقه ها را به استعمارگران نسبت دهند؛ اما گذشت زمان ثابت کرد که روس و انگلیس، بابت و بهائیت را بنیان نهاده اند. مشروطه نخست با طرح عدالت خانه، توسط علمای بزرگ شیعه شروع شد که با تحصن می خواستند سخن خود را به کرسی بنشانند ولی هر لحظه که پیروزی نزدیک می شد، صف علما و مشروطه خواهان دچار تزلزل می گشت. ترور، کشتار و موضع پنهانی بهائیت، علت اصلی در قلع و قمع مشروطه بود و انگلیس، پشت صحنه این سناریوی از پیش طراحی شده، به شمار می رفت. اینا، همه زمینه را برای قدرت گیری مهره جدید استبدادی دست نشانده انگلیس، آماده می کرد، تا جامعه ایرانی نیز با استقبال از قدرت گیری رضاخان، قدرت او را مشروع بدانند. این طرح در نوع خود تا حدی موفق شد و رضاخان در سال 1919 میلادی، با کودتای تدریجی، قدرت را در ایران به دست گرفت. (1). بدون تردید، بهائیان به عنوان مهره های انگلیس، در کودتای رضاخان نقش داشتند. (2).

## پهلوی ها و بهائیت

### اشاره

بی گمان، رشد بهائیت در دوره پهلوی بدون حمایت و توجه ویژه از سوی سلاطین و کارگزاران این دوره ممکن نبود، زمینه ها و بسترهای رویش بهائیت، در سایه استبداد سیاه، فراهم گردید و توسعه و پایداری آن نیز در سایه ظلمانی استبداد دوره پهلوی و با حمایت های درباریان و مهره های نفوذی دستگاه استبداد پهلوی که در تمام نهادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور حضور داشتند، تحقق یافت.

ص: 57

---

1-1 تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج 1، 230\_235.

2-2 احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی، ص 33.

رضاخان میرپنج سوادکوهی، از طبقه گمنام و غیر اصیل ایران در مازندران(1) و از قزاق های اواخر دوره قاجار و از ژاندارم هایی بود که دوره جوانی خود را تحت تعلیم سخت نظامی، گذرانده بود و از سوی انگلیسی ها، در دوره نظامی گری و قزاقی، به لحاظ برخورداری از روحیاتی چون جاه طلبی، تکبر و... جهت کودتا در ایران، علیه حکومت قاجاریه، از میان سی نفر کاندیدای انتخاب گردید.(2) چنان که گفته شده است عین الملک، پدر هویدا که از بهائیان و مریدان عباس افندی، جانشین بهاء الله بود، رضاخان را به انگلیسی ها، جهت سلطنت ایران و کودتا معرفی کرد.(3) انگلیسی ها، او را در کابینه سید ضیاء، نفوذ دادند و رضاخان در قبال این خدمت، متعهد شد، فرقه بهائیت را مورد توجه قرار دهد. گفته شده است علاوه بر عین الملک، برخی دیگر از بهائیان مانند موقر الدوله و حسن نیکو، در کودتایی که منجر به قدرت رسیدن رضاخان شد، در معرفی او به انگلیسی ها نقش داشتند.(4) رضاخان فردی مستبد و مغرور بود که از طرفی، در آغاز کار، تظاهر به اصلاح کشور و نجات مردم از فقر و فلاکت و از دیگر سو، تظاهر به دین داری و حمایت از اسلام می کرد، تا بدین وسیله، خود را در دلها جای دهد و به اهداف خود که همانا رسیدن به سلطنت بود، نایل شود.

درباره ویژگی های فردی وی نوشته اند: به ظاهر نظم خاص نظامی گری، در زندگی او نمایان بود، شب ها، بالای سرش یک لیوان شراب قرمز و یک لیوان شراب سفید بود که هرگاه خوابش نمی گرفت، از آنها می آشامید، غذای پرچرب می خورد، او شیفته دین زرتشت بود و از قاجاریه نفرت داشت، تریاک می کشید و این به خاطر توصیه ای بود که فکر می کرد مصرف روزانه و اندک تریاک، از هر

ص: 58

---

1-1. تاریخ معاصر ایران (مجمعه مقالات)، کتاب پنجم، ص 272.

2-2. همان. از خاطرات آشتیانی زاده به نقل از فاتح در کتاب تاریخ پنجاه ساله نفت که از زبان کلنل اسمایس، کارگردان کودتای سوم اسفند، این حقایق را بازگو کرده است.

3-3. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 78.

4-4. بهائیت آن گونه که هست، ص 36.

رضاخان با توجه به خلق نظامی گری، به حزب و حزب گرایی علاقه نداشته و دوست نداشت احزاب رشد کرده و قدرت داشته باشند؛ او و فرماندهان دولشکر بزرگ تحت امر او که از همکاران دوره قزاقی او بودند و سایر فرماندهان و نظامیان، مجاز بودند برای خود بدون محدودیت، املاک و ثروت دست و پا کنند. (2). در دوره 16 سال حکومت مستبدانه او، دولت های انگلیس، فرانسه و ...، به او املاء می کردند که چه کاری را در اولویت قرار دهد. شهربانی به دستور او، در

ظلم به مردم و تجسس در زندگی آنان، کوتاهی نمی کرد، (3) بدون تردید، او عامل و مهره گماشته انگلیس بود؛ پدر شاپور جی، معرف او به انگلیسی ها بود، شخص دیگری که واسطه بین او و انگلیسی ها بود، خان اکبر رشتی نام داشت، سلیمان بهبودی (مسئول خرید منزل رضاخان) نیز مهر؛ مخفی دیگری میان رضاخان و انگلیسی ها بود. (4). بی گمان، رضاخان علی رغم خودکامکی و استبدادی که در او متبلور بود و برای ملت ایران خود را شجاع نشان می داد؛ برای انگلیسی ها چون غلامی حلقه به گوش بود؛ او با طرح انگلیس به قدرت رسید و با اشاره آنها نیز از قدرت خلع شد و زمینه حکومت استبدادی فرزندش را فراهم کرد؛ محمدرضا در نوکرمآبی به انگلیس، از پدر خود پیشی گرفت، چون حکومت او، مستقیماً مدیون انگلیسی ها بود؛ در دوره او، ایران میدان تاخت و تاز انگلیس و آمریکا شده بود؛ محمدرضا، علاوه بر اینکه اقتصاد کشور را به یغما سپرد، فرهنگ کشور را نیز به باد فنا داد. محمدرضا به یقین می دانست که قدرت او از انگلیسی ها است؛ به همین خاطر باید جانب آنان را داشته باشد تا قدرتش پایدار بماند؛ از این رو نفت هدیه ای از طرف او به انگلیسی ها، برای حفظ تاج و

ص: 59

---

1-1. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 70-72.

2-2. همان، ص 79.

3-3. همان، ص 80.

4-4. همان، ص 84.

تختش بود. همچنین او با مبارزان ملی کردن نفت، بی مهری می کرد به طوری که این نهضت نیز مثل نهضت مشروطه، به شکست انجامید و بعد از آن علی رغم کمک های خارجی و درآمد نفت در سال های پایانی دهه 30 هـ.ش، وضعیت اقتصادی ایران رو به وخامت نهاد. علت اصلی این اوضاع، سوء مدیریت و فساد

حاکم بر سیستم سیاسی و روی آوردن به پروژه های نمایشی تبلیغاتی بود که

ایران را از رشد اقتصادی باز می داشت. (1)

## ب) اوضاع فرهنگی در دوره پهلوی

فرهنگ و تمدن ایران که حاصل قرن ها تلاش نسل های گذشته، (2) دانشمندان بزرگ و میراث چندین قرن مجاهدت بود، در دوره کوتاه حکومت پهلوی، در معرض

نابودی و محو شدن قرار گرفت؛ بعد از استعفای رضاشاه در 25 شهریور سال 1320 هـ.ش، محمدرضاشاه پهلوی، در ایران قدرت را به دست گرفت (3) و حکومت وی تا 22 بهمن سال 1357 ادامه یافت؛ این دوره 37 ساله، یکی از ادوار ننگین تاریخ ایران محسوب می شود؛ دوره ای که در آن، کشور از لحاظ فرهنگی و علمی در حال رکود بود و مبارزه با فرهنگ اسلامی و مظاهر آن با جدیت دنبال شد و میراث فرهنگی و علمی، به یغما رفت؛ با توجه به اینکه استبداد در قیام 15 خرداد 1392 از اسلام ضربه خورده بود و بزرگترین خطر را از اسلام و روحانیت احساس می کرد، هدف اصلی غالب برنامه های فرهنگی آن، اسلام زدایی و محو اسلام از فرهنگ ایران بود؛ فرهنگی که برای جانشینی فرهنگ اسلامی انتخاب شده بود، فرهنگ شاهنشاهی بود که محتوای آن غرب زدگی و تقلید از اربابان آمریکایی و اروپایی شاه بود؛ هدف این بود که فرهنگ شاهنشاهی، ذهن و زبان مردم را پر کند، تا ارتباط آنان با اسلام گسیخته

ص: 60

---

1-1 . محمدعلی همایون کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت در ایران، ص 257.

2-2 . محمد معین، فرهنگ فارسی، ج 2، ص 2538 و ج 1، ص 1139؛ حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج 1، ص 5346.

3-3 . تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج 1، ص 263.

شود. (1) ترویج بهائیت و میدان دادن به چنین مسلک‌هایی که حمایت بیگانگان را نیز در پی داشت، ابزار مناسبی بود برای این منظور و زدودن فرهنگ اسلام و مقابله با روحانیت. اما روحانیت هوشیار، به این مسئله نیز آگاه بود و مبارزه با بهائیت را هم زمان با مبارزه با فرهنگ غرب، در پیش گرفته بود، بنابراین همه اقدامات و برنامه‌های رژیم، در جهت رسیدن به این هدف بود، به اذعان برخی نویسندگان: «انقلاب سفیدی که شاه دم از آن می‌زد، جنبه تهاجم به اعتقادات و دین و مذهب ملت مسلمان ایران را هم داشت. آنها در صدد بودند ... [آنها را] از بین ببرند». (2) برنامه‌هایی که دستگاه پهلوی، برای محو کردن فرهنگ اسلامی به اجرا گذاشت عبارت بود از:

باستان‌گرایی، تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی، (3) جشن‌های

شاهنشاهی، (4) نظام سربازی برای دختران، (5) رواج فساد و بی بندوباری. (6)

جامعه ایران آن روز، از لحاظ علمی، کاملاً عقب افتاده بود، بسیاری از مردم، بی سواد بوده و امکان ادامه تحصیل برای کودکان فراهم نبود به گونه‌ای که در برخی شهرها بیش از 70٪ کودکان به مدرسه نمی‌رفتند و یا 85٪ مردم بی سواد بودند، در بلوچستان فقط 2٪ مردم سواد خواندن و نوشتن داشتند. (7)

اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران در سالهای 1948-1950 م، به گونه‌ای بود که بیگانگان خصوصاً آمریکا، حضوری کامل در این عرصه داشتند، آنها می‌بایست روی تولیدات، صنایع، معادن، ساختمان، راه‌های ارتباطات، راه آهن، کشاورزی، برق، امور مالی، خرید لوازم و رشته‌های مهم اقتصادی ایران، نظارت کامل

ص: 61

---

1- سعید نفیسی، ایران در دوره معاصر، ص 164.

2- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج 2، ص 8.

3- همان، ص 308.

4- همان، ص 165.

5- همان، ص 25.

6- همان، ص 151.

7- احسان طبری و دیگران، پنجاه سال تبهکاری و خیانت سلسله پهلوی، ص 117.

می داشتند. در مقابل، واردات کالاهای آمریکایی به ایران بسیار زیاد بوده به گونه ای

که به طور تقریبی واردات کالا- از آمریکا به ایران، 20 برابر صادرات از سوی ایران به آمریکا بود؛<sup>(1)</sup> این واردات نیز بیشتر توسط وابستگان بهائی صورت می گرفت و سودهای کلان این تجارت که منجر به نابودی اقتصاد، تولید و کشاورزی داخل می شد، نصیب بهائیان گردیده و در راستای ترویج این مرام، هزینه می شد.<sup>(2)</sup> با توجه به اینکه اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در این دوره، از اقتدار لازم برخوردار نبود، حاکمیت استبداد، فرهنگ و تمدن کشور را در وضعی قرار داده بود که زمینه های رشد و ترقی، از آن گرفته شده بود.

رضاخان برای اینکه فرهنگ غربی را وارد کشور کند، مخالفت با روحانیت و هتک حرمت علما را در برنامه های خود قرار داده و این قشر از جامعه را در تنگنا قرار داد. او با کشف حجاب و فرستادن زن خود با پوششی نامناسب به قم و حرم حضرت معصومه علیه این بی حرمتی ها را به نهایت رساند که رفتار او اعتراض علما و دین داران را در پی داشت، اما او در جواب به این اعتراض ها برخی از علما را با چکمه و لگد مورد ضرب و شتم قرار داده و از قم تبعید نمود.<sup>(3)</sup> در این دوره، نفوذ روحانیون در زندگی اجتماعی سیاسی کشور به شدت محدود گردید و در پی انجام اصلاحات قضایی، روحانیون به طور کلی از حق قضاوت محروم شدند؛ در زمینه آموزش و پرورش همگانی نیز، حضور روحانیت به کلی از میان رفت.<sup>(4)</sup>

از آنجایی که نظام آموزشی دوره پهلوی اول، در تقابل و رویارویی با روحانیت و ساختار مذهبی جامعه بود، تعداد مدارس و حوزه های علمیه نیز کاهش

یافت، به گونه ای که تعداد این مدارس که در سال 1306 ه ش به 282

ص: 62

- 
- 1-1. جمعی از مستشرقین، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ص 512.
  - 2-2. ر.ک: ثریا شهبواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 30.
  - 3-3. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج، 1 ص 240.
  - 4-4. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ص 473.



باب، با 5986 نفر طلبه می رسید، در سال 1320 هـ.ش، به 209 مدرسه با 786 طلبه، کاهش یافت. (1)

هر چند که در این دوره، مطبوعاتی هم در کشور چاپ و نشر می یافت ولی با توجه به فضای حاکم، مطبوعات تنها مطالبی محدود را بیان می کردند و مطالبی که به نفع دربار و سلطنت نبود، نباید انتشار می یافت و اگر تشخیص داده می شد که مطالب روزنامه، خلاف مصلحت دربار است، توقیف می شد. (2)

### ج) بهائیت در دوره پهلوی ها

سران بهائیت نیز، مهره های دیگر انگلیسی ها بودند؛ چنان که رضاخان، مهرهای بود که با دست انگلیسی ها به تخت سلطنت تکیه زد و در زمان اشغال ایران توسط متفقین، بدون مقاومت، از سلطنت سقوط کرد و به تبعیدگاه رفت و تخت و سلطنت استبدادی را به فرزندش محمدرضا، تسلیم کرد؛ محمدرضا از ویژگی های رضاخان، چیز قابل توجهی جز دین ستیزی به ارث نبرده بود؛ محمدرضا از جهت پایبندی به فرهنگ اسلام ولو به تظاهر آن گونه که رضاخان، با این تزویر به قدرت دست یافت. بهره چندانی نداشت. (3) اگرچه گاهی به مشهد می رفت، اما با بی قیدی، بی حجابی همسران خود و فست علنی، در هتک شعارهای دینی و ترویج منکرات قدم بر می داشت؛ برخی از نزدیکان او، گزارش هایی مبنی بر پیوند او با بیگانگان و رفتارهای آلوده او داده اند که همه حاکی از بی قیدی واقعی او به دین و دیانت و فرهنگ اسلام است. او که قدرت و تاج و تخت خود را به اشاره بیگانگان، به دست آورده بود، در برابر اراده بیگانگان، به ویژه انگلیس، تسلیم محض بود و دستورات این فرمانبرداری و اطاعت پذیری از بیگانه و استعمار را مستقیماً از آنها نمی گرفت، بلکه مهره های

ص: 63

---

1-1. محمدرضا خلیلی خو، توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه، ص 159.

2-2. غلامرضا سلامی، اسناد مطبوعات ایران، ج 1، ص 1.

3-3. توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه، ص 204.

واسطه و طراحان با نفوذ، در او اثرگذار بودند.<sup>(1)</sup> از جمله این مهره های با نفوذ، بهائیان بودند که در ارکان تصمیم گیری و نهادهای فرهنگی و سیاسی دارای منصب بودند.<sup>(2)</sup> از این رو در دوره استبدادی خاندان پهلوی، این فرقه رشد چشمگیری یافت، به گونه ای که چنین فضای آزادی را در هیچ دوره ای نداشتند. اگر کارگزاران دولت قاجاریه، بهائیان را حمایت می کردند حمایت های عصر پهلوی بیش از آنان بود. گرچه بهائیان در عهد قاجار از حمایت طرفدارانی چون میرزا آقاخان نوری که پنهانی از آنان حمایت کرده و از اعدام شخص بهاءالله (رهبر بهائیان) جلوگیری نمود؛ برخوردار بودند، اما او نمی توانست آشکارا از آنان حمایت کند یا آنها را در رأس قدرت و حکومت و یا مشاغل مهم دولتی بگمارد؛ چرا که وجود افرادی چون امیرکبیر و فشارهای اجتماعی و مذهبی مانع انجام این کار می شد؛ از این رو بهائیان مجبور بودند به کشورهای مجاور، مهاجرت کنند، چنان که صبحی در خاطرات خود می نویسد که آواره شهرهای مختلف بوده اند،<sup>(3)</sup> اما بدون تردید در دوره پهلوی، از بهائیان حمایت های بی دریغی می شد، و در این برهه، آنها در رأس بسیاری از امور حساس قرار داشتند و از این نفوذ، جهت توسعه و گسترش بهائیت، به وسیله ابزارهای گوناگون استفاده کردند.<sup>(4)</sup>

ارتشبد فردوست، در خاطرات خود از گرایش و علاقه شدید رضاخان به بهائیان پرده برداشته و از روابط حسنه او با بهائیان یاد می کند. به گفته فردوست، رضاخان، اسدالله صنیعی را که از بهائیان به شمار می رفت، آجودان مخصوص

ص: 64

- 
- 1-1. همان، ص 95-10. فروغی مهره ای بود که جهت به قدرت رسیدن محمدرضا، با انگلیسی ها هماهنگی داشت، همان گونه که در زمان استقرار رضاخان، مشاور بزرگ و مهم او بود. از افراد دیگری چون مرتضی قلی بیات، هژیر، علی منصور و پسرش حسنعلی، قوام و... می توان نام برد. همان، ص 247-248.
  - 2-2. برای نمونه می توان از عبدالکریم ایادی بهائی، به عنوان مهرهای مهم یاد کرد که پس از مرگ ارنست پرن، همه کاره محمدرضا بود. همان، ص 201\_204.
  - 3-3. خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایی گری و بهائی گری)، ص 50\_57.
  - 4-4. بهائیان در عصر پهلوی، ص 30. به گزارش فردوست در دوران قدرت ایادی، تعداد بهائیان ایران به 3 برابر رسید.

محمدرضایا کرد، صنیعی بعدها فردی بانفوذ شده و در زمان نخست وزیری علم، حسن علی منصور و هویدا، به وزارت جنگ و وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی (خواروبار) رسید. (1) رضاخان، قصد داشت مجید آهی را که از منسوبان حسینعلی بهاء بود به عنوان وزیر، انتخاب کند. (2) به نظر برخی محققان معاصر، رضاشاه همانند محمدعلی پاشا، خود را حکمرانی بیگانه با پیکره و سنن جامعه ایرانی می دانست؛ از این رو کسانی را در مناصب مهم دولتی می گمارد که مانند خود او، بیگانه یا معارض با این بافت بودند؛ افراد وابسته به گروههای دینی خاص به ویژه بایی ها و بهائی ها یا افرادی از خاندان و خانواده های مشکوک که در سده هفدهم، هجدهم و نوزدهم میلادی در ایران سکنی گزیده بودند، جایگاه های اصلی را در اداره دیوان سالاری پهلوی به دست گرفتند و به قدرت برتر سیاسی و اقتصادی ایران بدل شدند. (3) با این وجود، نفوذ اصلی بهائیت در نهادها و ارگان دولت، در دوران عبدالکریم ایادی که از خانواده های طراز اول بهائیت بود، شکل گرفت او به این دلیل «ایادی» نام داشت که پدرش از «ایادی امرالله» یعنی جزء چند نفر خواص اطراف عباس افندی بود. ایادی با نفوذی که نزد محمدرضایا کسب کرد، بهائیان را به مقامات عالی رساند، او مسلماً در رساندن امیر عباس هویدا (بهائی) به نخست وزیری، نقشی مهم داشت. در زمان هویدا، کار بهائی ها، پررونق بود و در اکثر نهادهای فرهنگی، دارای مناصب و مشاغل بودند و مقامات عالی مملکت، توسط آنها به راحتی اشغال می شد. میرزارضا قناد، پدر بزرگ هویدا، از بهائیان مخلص، ارادتمند، فداکار و مجذوب

عباس افندی بود که به خاطر ترس از خشم مسلمانان به عکارت رفت و نوکری افندی را عهده دار شد. افندی، حبیب الله خان (پدر هویدا) را مورد حمایت مالی خود قرار داد و او را تشویق به فراگیری زبان های مهم دنیا کرد و او را به تهران

ص: 65

---

1-1. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 374.

2-2. بهائیان در عصر پهلوی، ص 30.

3-3. عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، ص 78.

و به دستگاه سردار اسعد بختیاری فرستاد، او به خاطر خوش خدمتی به سردار اسعد، به عین الملک<sup>(1)</sup> ملقب گردید و در وزارت خارجه، مشغول به کار شده و سمت کنسولگری ایران در چند کشور عربی را عهده دار گردید سپس، به ملک سعود نزدیک شد و عهده دار مسئولیتی در جده شد، اما مطبوعات عربی به خاطر تبلیغ بهائیت، به او اعتراض کرده و او را مجبور به ترک عربستان نمودند. او در لبنان به دروغ تظاهر به توبه از بهائیت در پیش قاضی شیعه کرد؛ اما بعداً به خدمت افندی رسید؛ از این رو روشن می شود که پدر امیرعباس هویدا نیز، مثل پدر ایادی، از خواص عباس افندی و گویا نویسنده مخصوص او بوده است.<sup>(2)</sup> مخالفت علما و مراجع با بهائیت و حملات شدیدی که در منابر علیه آنها صورت می گرفت.<sup>(3)</sup> یکی از دلایل دشمنی رضاخان با علما و مراجع بود،<sup>(4)</sup> او از سوی اربابان خود، دستور داشت که با بهائیان به نرمی برخورد کند، چون سرچشمه قدرت استبدادی رضاخان و پیدایش بهائیت، از یک جا (انگلستان) بود؛ بنابراین لازم بود که رضاخان با بهائیان که همچون برادر تنی بودند، سازش داشته باشد. بر همین اساس، رضاخان چهره های بیدار روحانیت، مثل شهید مدرس و بسیاری از مبارزان و مخالفان مذهبی را از میان برداشت و در مقابل برای فرزندش که ولیعهد و پادشاه آینده ایران بود، مربی و آجودان باشی بهائی استخدام کرد تا او را بهائی تربیت کنند یا شاید تحت نظر کامل استعمارگران قرار بگیرد. با مطالعه روند تخریبی ارزش های مذهبی در عصر پهلوی، چنین بر می آید که بهائیان در ایران، کاملاً از طرف خاندان پهلوی حمایت می شدند و مأموریت مهم خاندان پهلوی و بهائیان، نابودی کامل تمام مؤسسات اسلامی و سرکوب مبارزه ها و نهضت های دینی بوده است. محمدرضا، با مخالفت گسترده

ص: 66

---

1-1. ابراهیم حسن بیگی، یک مهره کوچک، ص 22-23.

2-2. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 375

3-3. همان، ج 1، ص 374؛ مسعود کوهستانی نژاد، روحانیت و بهائیان، ص 112-118.

4-4. دفتر پژوهش های موسسه کیهان، سایه روشن بهائیت، ص 102؛ بهائیان در عصر پهلوی، ص 212.

علمای بزرگ و مراجع دینی شیعه، به اقتضای مصلحت، مجبور شد که دستور تخریب حَضْرَة الْقُدْس، مرکز تجمع بهائیان تهران را صادر کند. (1) به طور کلی، در دوران محمدرضا، بهائیان ترقی بسیار کرده و ثروتمند شدند، آنان در انحطاط اقتصاد ایران بسیار کوشیدند. در حدود سال های 51 و 52 شمسی، سرلشکر ضرغام که مدتی وزیر دارایی و مدتی هم مدیر عامل بانک اصناف بود، به ریاست اتکا (سازمان تدارکاتی ارتش) منصوب شد با وجود آنکه اجناس ارزان تر، در ایران قابل تهیه بود، ایادی او را از کار برکنار کرد و افسر دیگری را به این سمت گمارد تا او، اجناس مورد نیاز را، بی واسطه از خارج وارد کند. (2) ضربه مهمی که آنان به تخریب مراکز تولیدی وارد کردند، در هیچ دوره ای سابقه نداشته است؛ سود حاصل از این واردات، به کیسه بهائیان ریخته می شد و آنان در واردات مواد غذایی و... دخیل بودند. بهائیان دارای شرکت های اقتصادی فروش انواع نوشابه های پستی کولا بودند و از فروش این نوشابه، سودهای کلانی عایدشان می شد. (3) ثروت هایی که بهائیان در عصر پهلوی، به چنگ آوردند و به سرمایه های جهانی دست یافتند، عامل ترویج و بقای تشکیلات آنان بوده است، آنان از طریق همین ثروتهای نامشروع و باد آورده، به جذب فقیران و مستمندان به بهائیت اقدام کرده و به ساختن معابد و تشکیلاتی در کشورهای مختلف، مانند هندوستان و فلسطین (عکا و حیفا) پرداختند.

بهائیان بدون اجازه تشکیلات عکا، حق پذیرفتن مشاغل سیاسی را نداشته اند و تنها باید تلاش آنها در فعالیت های تجاری و کشاورزی متمرکز باشد، بر اساس همین اصل، وقتی فردوست از سپهبد صنیعی پرسید که چگونه شغل سیاسی پذیرفته اید؟ سپهبد به اجازه تشکیلات عکا اشاره کرد که در موارد استثنایی و مهم این نوع مشاغل را می پذیرفته اند. در واقع بهائیت، بر این باور

ص: 67

---

1-1. روحانیت و بهائیان، ص 43-42.

2-2. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص 374؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 107-135.

3-3. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، آیت الله میلانی به روایت اسناد ساواک، ج 3، ص 56.

است که ایران سرزمین موعود است همان گونه که صهیونیسم ها و غرب با ایده سرزمین موعود، در قلب جهان اسلام (فلسطین)، برای تشکیل کشوری جعلی، به قتل و خونریزی مسلمانان و بحران آفرینی در منطقه خاورمیانه پرداخته اند. به گفته فردوست، بهائی ها، احساس ایرانی بودن نداشته اند و این افراد، جاسوس های بالفطره بوده اند.<sup>(1)</sup>

رضاخان و پسرش، نه تنها به نفوذ بهائی ها حساسیت نداشتند، بلکه خود محمدرضا گفته بود که افراد بهائی، در مشاغل مهم و حساس مفیدند چون علیه دولت توطئه نمی کنند.<sup>(2)</sup> بهائینی که به مقامات حساس می رسیدند، از موقعیت خود برای ثروتمند شدن جامعه بهائیت استفاده می کردند تا از این طریق اقتصاد مملکت را به دست گیرند، به گفته فردوست، بهائیان بسیار ثروتمند بودند؛ مانند نعیمی (پدرزن خسروانی) که از مقامات مهم بهائیت بوده است. آبادی حدیقه

روستایی در شرق اقدسیه تهران) متعلق به بهائیان بوده است و بر خلاف سنت دهداری که اراضی بین دو روستا از سمت شمال به جنوب متعلق به روستای شمالی است، بهائی ها اراضی شمالی حدیقه تا قله کوه را، دیوارکشی و تصرف کرده بودند. آنان در مسیر تهران به سمت کرج، اراضی وسیعی را تصرف کرده و گنبد آبی رنگی به پا کرده بودند. آنان با حمایت افرادی مثل هژبر یزدانی و ایادی زمین های وسیعی از کشاورزان را تصرف می کردند. هژبر با حمایت ایادی دارای زمین های زیادی در ایران شده بود و از زمین داران عمده به شمار می رفت. او زمین های وسیعی را در باختران، مازندران، اصفهان، سمنان و...، با همین شیوه زورگیری و حمایت های قانونی ایادی، تصاحب کرده بود.<sup>(3)</sup>

بهائیت در دوران رضاخان به دربار پهلوی نفوذ کرد و محمدرضا تحت نظر آنان تربیت یافت؛ بهائیت در دوران او، توسعه اقتصادی فوق العاده ای یافت و

ص: 68

- 
- 1- همان، ص 375، سایه روشن بهائیت، ص 113-162؛ بهائیان در عصر پهلوی، ص 134.
  - 2- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص 379.
  - 3- همان.

گروهی از مردم فقیر، بر مبنای انگیزه و مشکلات مالی، به بهائیان روی آوردند.<sup>(1)</sup> در سال 1329 ه‍.ش، نبیل زرنندی (یکی از اعضای برجسته بهائیان) رئیس دفتر فرح بود، ریاست دفتر فرح، منصب بزرگی بود که می توانست اختیارات فراوان و اعمال نفوذهای موثری در عزل و نصبها، امور فرهنگی سیاسی و تصمیم گیری های کلان کشوری داشته باشد. بهائیان با نفوذ گسترده در امور مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی، موقعیت خود را در ایران و دیگر نقاط جهان، گسترش دادند. در این روند، دست های حمایتگر آمریکا و انگلیس، بی تاثیر نبود.<sup>(2)</sup>

### **د) رشد فعالیت های تبلیغی بهائیت در عصر پهلوی**

علاوه بر حمایت سیاسی، تشکیلاتی و مالی دولت از بهائیان که عامل مهم رونق کار بهائیان بود. فقر و گرفتاری های مالی مردم نیز یکی از عوامل مهم گرایش افراد به بهائیان بود، بهائیان، با استفاده از این شرایط بسیاری از نیازمندان و مستمندان مالی را تطمیع نموده و آنان را گرفتار بهائیت می کردند.<sup>(3)</sup> از سوی دیگر، زنان و دختران زیبا و آراسته بهائی، دام فریبنده ای بر سر راه جوانان، به شمار می رفتند که بهائیان برای تبلیغ و ترویج مرام خود، از آنان بهره گرفته و از این راه جوانان زیادی را به دام انداختند. آنان برای نیل به این مقصود، احکام فریبنده شرعی نیز از خود ساختند تا بدین وسیله، به تخریب آینده کشورهای اسلامی و خالی کردن آنها از نخبگان و جوانان برومند، دست یابند. بهائیان به خوبی می دانستند که جوانان، آینده سازان کشورها و مدیران و دانشمندان آینده هر کشورند؛ از این رو آنان علاوه بر اینکه با سلاح اختلاط فکری، به جنگ تشیع آمدند، با از بین بردن غیرت، شهامت، عفت و پاکی جوانان و با ترویج انواع

ص: 69

1-1. همان.

2-2. بهائیان در عصر پهلوی، ص 127-133.

3-3. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص 376.

حمایت حکومت استبدادی از استخدام بهائیان در امور دولتی، عامل مهم دیگر در گرایش به بهائیت بود، افرادی چون سپهبد خادمی، به عنوان آجودان (2). محمدرضا در خدمت او و بهائیان بود. (3). پهلوی‌ها، بهائیان را بی‌خطر و برای مقابله با براندازی نیروهای آشوبگر مناسب می‌دانستند؛ از این رو مدتها بهائیان با آزادی کامل، در فرم‌های استخدامی، مذهب خود را بهائی می‌نوشتند و آن را با افتخار تلقی می‌کردند. شرکت نفت، از جمله مراکز مهم استخدام بهائیان به شمار می‌رفت (4) و این روند به گونه‌ای بود که در دوره پهلوی، حتی یک بهائی بیکار، در ایران وجود نداشت. (5) امام خمینی (ره) که در همین زمان درباره حمایت دولت از بهائیان چنین هشدار داد:

لازم است توجه حضرات آقایان را جلب کنم به اعمال گذشته و حاضر دستگاه جبار. در گذشته، به اسلام و قرآن اهانت کرد و خواست قرآن را در ردیف کتب ضاله قرار دهد. اکنون با اعلام تساوی حقوق، چندین حکم ضروری اسلام محو می‌شود. اخیراً وزیر دادگستری در طرح خود، شرط اسلام و ذکوریت را از شرایط قضات لغو کرده است؛ از چیزهایی که سوءنیت دولت حاضر را اثبات می‌کند، تسهیلاتی است که برای مسافرت دو هزار نفر یا بیشتر از فرق ضاله قائل شده است و به هر یک پانصد دلار ارز داده‌اند و قریب هزار و دویست تومان تخفیف در بلیت هواپیما داده‌اند؛ به مقصد آنکه این عده در محفلی که در لندن از آنها تشکیل می‌شود و صد درصد ضداسلامی است،

ص: 70

- 
- 1-1. درباره شورش بابیه در زنجان نوشته‌اند، محمد علی زنجانی، مردان و زنان مجرد را به عقد هم درآورد و بیش از دویست دختر و پسر ازدواج کردند. خلاصه تاریخ نبیل، ص 499.
  - 2-2. منصب و عنوانی نظامی است که در ادبیات دوره قاجاریه در مورد افسر یا هر فرد نظامی که همراه یا همیار مقامات عالی رتبه و یا شاه بود به کار برده می‌شد. ر.ک: لغتنامه دهخدا و دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
  - 3-3. تاریخ معاصر ایران، ص 34.
  - 4-4. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص 377.
  - 5-5. بهائیان در عصر پهلوی، ص 147؛ سعید زاهدانی، بهائیت در ایران، ص 239.



شرکت کنند. در مقابل، برای زیارت حجاج بیت الله الحرام، چه مشکلاتی که ایجاد نمی کنند و چه اجحافات و خرج تراشیها که نمی شود. آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست های حساس، به دست این فرقه است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می شود. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم، سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیره سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره گیری، همه چیز را از دست خواهیم داد. اسلام بر ما حق دارد، پیغمبر اسلام حق دارد. باید در این زمان که زحمات جان فرسای آن سرور، در معرض زوال است، علمای اسلام و وابستگان به دیانت مقدسه، دین خود را ادا نمایند. من مصمم هستم که از پانوشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم؛ و یا در پیشگاه مقدس حق تعالی با عذر و فود کنم. شما هم، ای علمای اسلام، مصمم شوید و بدانید پیروزی با شماست: واللہ متہ ثورہ ولو کرة الکافرون خداوند! عظمت اسلام و مسلمین و علمای اسلام را روزافزون فرما. والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ» (1) ایشان به عنوان مرجعی بیدار، فریاد مبارزه با این حزب را سر داد و فرمود: «در تهران ما، مراکز تبلیغات سوء کلیسائی، صهیونیسم و بهائیت به وجود آمده که مردم را گمراه می کند و از احکام و تعالیم اسلام دور می سازد. آیا هدم این مراکز که به اسلام لطمه می زند وظیفه ما نیست» (2).

این فرقه در دوره حکومت محمدرضا پهلوی در ایران موقعیتی ممتاز یافت و

در سیاست خارجی ایران و تأمین منافع صهیونیسم، تأثیر عمدهای نهاد. (3)

عامل دیگری که رشد و رونق بسیار چشمگیر بهائیت را موجب شد، این بود که ایران در دوره پهلوی به طور کامل به دست افراد خودفروخته و بیگانگان افتاده

ص: 71

1-1. صحیفه نور، ج 1، ص 187.

2-2. امام خمینی، ولایت فقیه، ص 129.

3-3. همان.

بود. دستیابی بهائیان ایران به قدرت، در توسعه جمعیتی آنان در خارج از کشور نیز تأثیر مستقیم داشت، چون از نظر مالی، از طرف بهائیان ایران که بسیاری از آنها در مناصب دولتی نفوذ داشتند، حمایت می شدند و از طرف دربار پهلوی نیز کمک های مالی دریافت می کردند.<sup>(1)</sup>

صبحی، یکی از مبلغان و رجال مهم بهائی که بعدها از آنان جدا شده و پرده

از کارهای بهائیان برداشت می گوید: بهائیان در دوره پهلوی با حمایت های درباریان، با آزادی کامل در تمام نقاط ایران مبلغ داشتند؛ آنان حتی در روستاهای نفوذ داشتند و پیروانی برای خود دست و پا کرده بودند. مردم ساده دل در شهرهای مختلف و روستاها با این خیال که بهائی گری جنبش جدیدی است که همه باید با آن آشنا گردند، فریفته سخنان مبلغان منحرف بهائی شدند، بدون اینکه از مفاسد و عواقب شوم این عضویت با خبر باشند. روشنفکران مذهبی در عصر پهلوی که در مقابل بهائیت مقاومت می کردند، همه سرکوب می شدند و محدود بودند. ولی مبلغان بهائی، با آزادی کامل در ایران تبلیغ می کردند. برخی از رجال دربار پهلوی، نقش بسزایی در رشد بهائیت در ایران داشتند. نقش هویدا بسیار مهم تر و آشکارتر از نقش میرزا آقاخان نوری بود.<sup>(2)</sup>

عامل دیگر رونق بهائیت در ایران دوره پهلوی، حضور افراد بهائی در مناصب مهم فرهنگی، مذهبی، نظامی، اجرایی و اقتصادی است به گونه ای که بسیاری از مراکز حساس مانند دبیرستان ها، دانشگاه ها، سینما و تئاتر، مطبوعات، چاپخانه ها، انتشارات، صدا و سیما و..، تحت سیطره و نفوذ آنان بود، برای نمونه می توان به دکتر منوچهر شاهقلی به عنوان وزیر علوم و بهداری، هوشنگ نهاوندی به عنوان وزیر علوم و ریاست دانشگاه تهران، شیراز، فرخ روی پارسا به عنوان وزیر آموزش و پرورش اشاره کرد که همگی بهائی بودند. وزیر آموزش پرورش

ص: 72

---

1-1. همان، ص 173\_200.

2-2. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص 99.

نقش استبداد در پیدایش بهائیت 73 بهائی می توانست به صورت گسترده، در مسائل عقیدتی و فرهنگی دانش آموزان، با نفوذ و استخدام معلمان، تأثیر گذار باشد.<sup>(1)</sup> هوشنگ سیهون، رئیس دانشکده هنرهای زیبا، دکتر محمد ورقا، مدیر گروه جغرافی دانشگاه تربیت معلم، دکتر ایرج ایمن، رئیس مؤسسه تحقیقات تربیتی، دکتر منجذب و دکتر علی توانگر، استادان دانشگاه اراک،<sup>(2)</sup> شماری چند از سران نظامی و ارتش بودند که ثروت و نفوذ قابل توجهی در قدرت داشتند و از بهائیان به شمار می رفتند.<sup>(3)</sup> در اواخر سلطنت محمدرضا، دکتر جعفر شفقت، از عناصر شاخص بهائی بود که مسئولیت مهمی چون ریاست ستاد ارتش را بر عهده داشت، ساواک در دوران سرتپیی وی، در تاریخ 6 شهریور 1392 چنین گزارش داده است: «... با تحقیقات وسیع و موثقی که به عمل آمده است و تحقیقات مذکوره مورد نهایت وثوق و اطمینان می باشد، انتساب و وابستگی نامبرده به فرقه بهائی تأیید گردیده است و ضمناً مشارالیه، از جمله افراد معدود و متنفذی است که بهائیان ایران، مانند دکتر ایادی، پزشک مخصوص اعلی حضرت همایونی، به وجودش افتخار می کنند و به نفوذ و قدرتش اتکا دارند و عملاً هم دیده می شود که از همان ابتدای انتساب وی به ریاست ستاد ارتش، افسران وابسته به اقلیت مذهبی بهائی، در تظاهر به دیانت خویش، بی پروایی بیشتری نشان می دهند...».<sup>(4)</sup> پس از سخنرانی شهید مطهری مبنی بر اینکه در صورت بهائی بودن مرد، زن مسلمان او مطلقه است؛ زنی از همسر بهائی خود جدا شد اما چون شوهر این زن ارتشی بود، زنش را به قتل رساند؛<sup>(5)</sup> این رویدادها، نشانگر نفوذ گسترده بهائیان در ارکان حکومت عصر پهلوی بود. با این نفوذ، مبلغان بهائی در نهادهایی مانند ارتش و... به تبلیغ و اغفال پرسنل و

ص: 73

---

1-1. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 102.

2-2. بهائیت آن گونه که هست، ص 35.

3-3. همان، ص 141-171.

4-4. مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره 3، ص 321-322.

5-5. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، عالم جاودان یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص 208؛ رسول جعفریان، جریان ها و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران، ص 378.

کارمندان می پرداختند. بی دلیل نبود که در جریان راهپیمایی های مردم و دسته های عزاداری، سران ارتش به راحتی دستور شلیک و قتل عام مردم را صادر می کردند و برخی از نظامیان از این دستورات سرپیچی و برخی اطاعت کرده و مردم را به خاک و خون می کشیدند. به نظر می رسد این بی مهری به هم وطنان، تنها از کسانی بر می آید که حب وطن(1) و مهر هم وطن در دل آنها ریشه نداشته است؛ از این رو در کشتار انسان های بی گناه بی باک بودند. بدون تردید، بهائیان در مراکز امنیتی چون ساواک و مناصب عالی سیاسی، نفوذ کرده بودند و از این مناصب در راه ترویج مسلک باطل، سود می بردند، تا آمار جمعیتی خود را بالا ببرند.(2) بررسی اسناد و گزارشات تاریخی مربوط به آن دوران به خوبی از وابستگی و ارتباط دربار پهلوی و بهائیان پرده برمی دارد،(3) برای نمونه فدائیان اسلام، در بیانیه ای که علیه رژیم صادر کردند، درباره نفوذ بهائیان در امور دولتی و مناصب عالی اعلام کردند: «... یک عده بهائی را که خطرناک ترین دشمن جان، مال، ناموس دین، وطن و استقلال ماست، بر سر پست های حساس کشور گماشته...»(4)

بنابر گزارشات مستند ساواک، بهائیان ساکن ایران که از نخست وزیری هویدا خوشنود بودند، می کوشیدند با استفاده از این فرصت و امکانات مردم مسلمان، نفوذ خود را گسترش داده و در جهت تبلیغ بهائیت، سود ببرند.(5) از این رو، در دوره پهلوی، به ویژه دوره محمدرضا، بهائیان با آزادی کامل از هر راهی، به جمع آوری ثروت روی آوردند و این ثروت ها را در عکا و حیفا و سرزمین های اشغالی و مناطق دیگر، از جمله هندوستان و... در ساختن معابد و سرمایه گذاری

ص: 74

---

1-1. یکی از آموزه های مهم بهاء الله، ترویج بی وطنی است. بهائیان، ص 747.

2-2. همان، ص 121 و ص 209.

3-3. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 105.

4-4. رسول جعفریان، رسائل حجاییه، ج 2، ص 1078.

5-5 یک مهره کوچک، ص 77.

شهرت وسیع هویدا در دوران صدارت و ابقای او در منصب نخست وزیری، علی رغم تنفر و انزجار توده مردم مذهبی و متدین نسبت به او، نشان دهنده عمق بی‌اعتنایی شاه به افکار عمومی و خواست مردم است. در زمینه ارتباط هویدا با فرقه ضاله بهائیت، به ذکر دو سند بسنده می‌کنیم

سند اول، نامه مورخ

1393/7/12

است که گویا یکی از سران جامعه بهائیت به نام قاسم اشراقی به مناسبت تصادف هویدا در جاده شمال و شکسته شدن پای او برای دکتر فرهنگ مهر، ارسال کرده و در آن تأسف خود را از این حادثه، ابراز داشته است. (1) جناب آقای دکتر فرهنگ مهر، معاون محترم وزارت دارایی به مناسبت پیش آمدی که برای جناب آقای هویدا، وزیر محترم دارایی رخ داده، خواهشمند است مراتب تأثر و تأسف اینجانب و برادرانم را به عموم هم مسلکان بهائیان) و به خصوص جناب آقای ثابت پاسال، مدیر محترم تلویزیون ایران که

بزرگ ترین خدمتگزار فرقه ما هستند، ابلاغ فرمایید.

احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد. قاسم اشراقی از این سند مهم می‌توان استنباط کرد که، نه تنها هویدا مهم ترین عنصر حکومتی وابسته به بهائیان بود، بلکه بسیاری از مدیران ادارات و سازمانها نیز، بهائی بوده‌اند. ثابت، مدیر صدا و سیما ایران که از او به عنوان بزرگترین خدمتگزار فرقه یاد کرده، بهائی مسلک بوده است و هیچ بعید نیست که با این گرایش

حاکمان به بهائیت، هیئت حاکمه ایران یا بدنه اصلی تشکیلات سیاسی ایران نیز،

بهائی بوده باشند، چنان که معاون وزارت خانه ای مهم مثل وزارت دارایی وقت

فرهنگ مهر، بهائی بوده و برای حمایت از بهائیان، اقدامات مهمی انجام داده است؛ وزارت دارایی، در تشکیلات اداری، از مهم ترین ادارات دولتی ایران به شمار می‌رفته که با ریاست بهائیان اداره می‌شده است. ایادی که یک بهائی

ص: 75

بسیار مرموز بود، خود را به عنوان پزشک علیرضا، برادر محمدرضا، جازد، اگرچه او ابتدا در فرانسه، در رشته دامپزشکی تحصیل می کرد، اما تغییر رشته داد و پس از دو سال تحصیل در پزشکی عمومی، خود را به دربار پهلوی نزدیک کرد و پس از اندکی، با مهارت خاص و نفوذ در محمدرضا، تمام اختیارات مملکت را غیر مستقیم به عهده گرفت و بدین روش بود که بهائیت، در عصر محمدرضا در هر نقطه، جولان می داد و از آزادی کامل برخوردار بود. او

جاسوس آمریکا و انگلیس نیز بود، چندین وزیر بهائی، با نفوذ او در کشور، به قدرت رسیدند. در دوره وزارت هویدا، نفوذ ایادی، بیشتر از هر زمان در دربار و شخص محمدرضا نمایان بود به نحوی که فردوست می گوید: «نمی دانم ایادی در کشور حکومت می کند یا محمدرضا». (1) از هاری نیز بهائی بود و وزارت داشت. با توجه به نفوذ گسترده بهائیان در دوره پهلوی دوم، آنان در تصمیم گیری های گسترده دولت دخالت داشتند. شاه نیز، تأیید کننده دخالت های آنان بود، (2) فردوست می گوید: یکی از فرقه هایی که توسط اداره کل ساواک، با دقت دنبال می شد، بهائیت بود. بولتن هایی که درباره آنان تهیه می شد، به حضور محمدرضا عرضه می شد. این بولتن گسترده تر از بولتن فراماسونری بود. محمدرضا از حضور آنان در امور سیاسی و تشکیلاتی، با خبر بود و نسبت به آنان حسن ظن نشان می داد و بهائیت به عنوان بازوی شاه به شمار می رفت. اختیار دارو خانه ها، شیلات، صیادی، سازمان اتکا، بیمارستان های ارتش و... به دست افرادی مانند ایادی بود. او بیش از هشتاد شغل در دوره استبداد پهلوی داشت. لذا می توان گفت: سلطنت واقعی، از آن ایادی بهائی بود. به حدی در این زمان، بهائیان در دولت و کارهای دولتی اشتغال داشتند که می توان گفت، هیچ فرد بیکاری در بین بهائیان نبود و جمعیت آنان در این دوره، در ایران به سه برابر رسید و بر خلاف گذشته که برای پنهان کردن هویت خود، در فرم های

ص: 76

---

1-1. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 202؛ بهائیت در عصر پهلوی، ص 142.

2-2. همان، ص 168؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 374.

استخدام، خود را مسلمان معرفی می کردند، در این دوره گرایش عقیدتی خود بهائی بودن را کاملاً اظهار می کردند؛ ایادی بهائی، در ایران علاوه بر ترویج بهائیت، در مطب خود نیز به ترویج مفاسد اخلاقی می پرداخت،<sup>(1)</sup> به گفته پروین غفاری، ایادی پزشک مورد اعتماد شاه به این دلیل که بهائی بوده، مورد توجه خاص شاه قرار داشته است؛ در مدتی که وی به دربار رفت و آمد داشته و از نزدیک با شخص شاه مراوده و دوستی برقرار کرده بود، شاهد بود که شاه به دوستان بهائی خود، اهمیت بیشتری می داده است؛ به خاطر علاقه مندی شاه به وی، همراه ایادی، در جلسات بهائیان نیز حضور می یافت و از نزدیک شاهد بود که چه میزان از بهائیان، در مناصب قدرت و تصمیم گیری و صنایع کشور، حضور دارند.<sup>(2)</sup>

سند دوم گزارشی است که فردوست (از نیروهای مهم و مهره های اساسی

ساواک) ارائه می دهد، در گزارش مورخ

1350/5/19

درباره جلسه مشترک

بهائیان با صاحب منصبان پهلوی چنین آمده است:

جلسه ای با شرکت دوازده نفر از بهائیان ناحیه دو شیراز، در منزل آقای هوشمند وزیر نظر آقای فرهنگی تشکیل گردید. پس از قرائت مناجات، شروع، خاتمه و قرائت صفحاتی از کتاب لوح احمد و ایقان (کتاب بهائیان)، فرهنگی و هوشمند پیرامون وضع اقتصادی بهائیان در ایران صحبت کردند. فرهنگی اظهار داشت: بهائیان در کشورهای اسلامی پیروز هستند و می توانند هر چیزی را که می خواهند بگیرند. تمام سرمایه های بانکی، ادارات و رواج پول در ایران، مربوط به بهائیان و کلیمیان می باشد. تمام آسمان خراش های تهران، شیراز و اصفهان مال بهائیان است. چرخ اقتصاد این مملکت، به دست بهائیان و کلیمیان می چرخد. شخص هویدا، بهائی زاده است. عده ای از مأمورین مخفی ایران که در دربار شاهنشاهی می باشند، می خواهند هویدا را محکوم کنند، ولی او یکی از بهترین خادمین امر الله است. امسال مبلغ 25 هزار تومان به محفل ما (بهائیان) کمک نموده است آقایان بهائیان، نگذارید کمر مسلمانان راست شود.

ص: 77

---

1-1. همان، ج 1، ص 202-203؛ بهائیان در عصر پهلوی، ص 147.

2-2. بهائیت در ایران، ص 240.

نام شرکت کنندگان جلسه: 1. فرهاد روحانی؛ 2. دانیال روحانی؛ 3. ثناء الله زارعیان، ک.

قاسم کریمیان؛ 5. هدایت؛ 6. مسیح الله؛ 7. ناصر؛ 8 ضیاء الله فرهنگی، 9. قدرت الله کمالی، 10. محمد علی هوشمند(1).

اکثر فرماندهان و رجال عصر پهلوی، با هر عقیده ای که داشتند، به انتصاب هویدای بهائی، به مسئولیت کابینه و نخست وزیری اعتراض کردند.(2)دستگاه تبلیغاتی تلویزیون، متعلق به یک دسته اقلیت منفور بهائی بود."(3).

در عصر پهلوی، بهائیان در رده های آموزشی، مناصب، جمع اهل فرهنگ،

مراکز آموزشی (از مدارس ابتدایی گرفته تا دانشگاه ها نفوذ کرده بودند و از این طریق، به نشر افکار و کسب درآمد و املاک، کوشش داشتند.

یهودیان، با تظاهر به بهائی گری و با استفاده از نفوذ سران بهائی، در اداره ها و نهادها نفوذ کردند و در تصمیم گیری های فرهنگی دخیل بودند. امام خمینی مقاله با هوشیاری خاص، از توطئه آنان خبر داد و مردم را آگاه کرد ایشان در این خصوص فرمود: «هدف اجانب، هدم قرآن و کشور مسلمین است... ما تا به حال، به دولت نصیحت کرده و بنای مسالمت داشتیم، ولی دولت با ما حيله می کند. دولت باید بداند که علمای اسلام، اهل اطلاع هستند و انسان بصیر و بادیانت، نمی تواند قرآن و دیانت را در خطر ببیند و ساکت باشد. و آن مسلمانی که احتمال دهد ولو به نحو یک در هزار قرآن در خطر است نباید آرام باشد. ذخایر مردم را بردند؛ تحمل کردند. مادیات را بردند؛ صبر کردند. حالا دست دراز کرده اند به قرآن و نوامیس مسلمین استان های این کشور را که باید مسلمانان حفظ و اداره نمایند. اینها می خواستند با تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و الغاء شرط اسلام از رأی دهنده و انتخاب شونده، مقدرات مسلمین را به دست غیر مسلمانان، مانند یهودی های بهائی بسپارند. اگر استان های این کشور، به دست غیر مسلمان بیفتند، چه بسا ممکن است از حلقوم

ص: 78

---

1-1. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 385.

2-2. همان.

3-3. منظور از «اقلیت منفور، بهائیت ایران است. تلویزیون توسط ثابت پاسال (یهودی بهائی شده) اداره می شد.



خبیث آنان صدایی غیر از قرآن شنیده شود و آن روز است که خطرهای بزرگی متوجه می شود. نه تنها اسلام و قرآن حفظ نخواهد شد، بلکه تمام حیثیات شما خواهد رفت. اقتصادیات، بازار، ذخایر مملکت، همه و همه خواهد رفت. ای مؤمنین، بیدار باشید. اجانب به فکر از بین بردن ایران و کشور مسلمین افتاده اند. جز قرآن مانعی نمی بینند. عمال خود را وادار کردند به هر حيله ای که ممکن است، قرآن را از بین ببرند. غافلند قرآن با چه خونهای مقدسی و رفتن چه عزیزی به دست مسلمین رسیده است. الآن روز جمعه است، هر گوشی که سخنان را بشنود لازم است به دیگران بگوید، مردم را متوجه کنید تا به دولت بگویند: ما حاضر نیستیم استان های این کشور تحت تصرف بهائی نماهای یهود درآید. آگاه باشید، خطر بزرگ و تکلیف مهم است. قرآن و دیانت اسلام بر مردم حقها دارد. ادا کردن این حق مشکل است. به هر حال، دشمنان دین و کشور باید بدانند که با یک ملتی روبه رو هستند که دانشمندان بصیر، تاجر اقتصادی و دکتر دارند و ممکن نیست گول بخورند؛ بلکه با کمال توانایی از اسلام و کشور خود دفاع خواهند کرد.»<sup>(1)</sup>

تملك اموال و كارخانه ها، یکی از روش هایی بود که بهائیان برای دوام این حزب در ایران و سایر نقاط جهان در پیش گرفتند، آنان با استفاده از فضایی که در سایه حکومت پهلوی فراهم شد، به تملك و ثروت اندوزی پرداختند تا جایی که دست درازی به املاک و تهدید به فروش املاک مالکین بزرگ، از جمله روش های آنان در دوره پهلوی، برای ثروت اندوزی بود. هژبر یزدانی، با پشتیبانی ایادی، به تملك كارخانه ها با پول هایی که از مراکز بهائیان حواله می شد می پرداخت؛ طبق سندی که وجود دارد، هژبر یزدانی، در دوره پهلوی، كارخانه هایی در اصفهان و زمین های فراوانی در اطراف کرج، تهران و ... را تملك کرده و مالک كارخانه آلومینیوم را، تهدید به فروش كارخانه نموده بود.<sup>(2)</sup>

ص: 79

---

1-1. صحیفه نور، ج 1، ص 104.

2-2. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا، ص 394.







مستشارالدوله، در مخالفت با قرارداد 1919 که وثوق الدوله آن را با انگلستان بست، جهت بیان نقش استعمارگران در فرقه سازی، گفته بود: «هر وقت خارجی ها، یک خواب هایی برای اغفال مردم ایران می بینند، دستگاه دین سازی درست می شود و یک قسم سرگرمی ها برای مردم درست می شود که به هم مشغول باشند ... یکی، دینی برای خودش درست می کرد؛ شیخی می شد، بابی می شد. خارجی ها هم برای استفاده خودشان که ستون پنجم را تقویت کرده باشند، از این حرف ها استفاده می کردند ... در اغلب شهرستان ها، آنچه من تحقیق کردم، عوامل غیر مستقیمی که روس ها یا انگلیسی ها داشتند، از همین ها بود».<sup>(1)</sup>

بی گمان، دولت های استعماری، برای مقابله با نفوذ و گسترش اسلام و

جلوگیری از توسعه قلمرو حکومت های مسلمین و اجرای طرحهای استعماری خود در خاورمیانه و آسیا، به ترفندهای گوناگون روی آوردند.<sup>(2)</sup> از جمله کارهای مبنایی و تهاجمی آنها، ایجاد موج وسیع فرهنگی و تبلیغی اسلام هراسی است. از روش های خزننده و مؤثری که با توجه به گسسته های موجود در میان فرهنگ ها به کار بسته اند، فرقه سازی است؛ اکثر صاحب نظران و نویسندگان، درباره استعماری بودن پیدایش بهائیت و نقش استعمارگران در روند شکل گیری این گروه، اتفاق نظر دارند.<sup>(3)</sup> انگیزه ها و اهداف شکل دهی این مرام سیاسی را در یک نگاه کلی می توان چنین دسته بندی و تحلیل نمود:

ص: 83

---

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 136 (بخشی از نطق حائری زاده، در جلسه 16 مجلس شورای ملی، دوره هیجدهم).

2-2. سید احمد موثقی، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص 73-76.

3-3. مانند دکتر شیخ الاسلامی در یک صد سال اخیر، بایان و بهائیان ایران، همیشه از خط مشی سیاسی انگلستان و... پیروی کرده اند. سر آرتور هاردینگ، خاطرات سیاسی؛ ج 1، ص 102؛ بهائی گری؛ انشعاب بهائیت، ص 299؛ امیرکبیر و ایران ص 207\_208؛ احسان طبری، جامعه ایران در دوران رضاشاه، ص 117-119.

جهان غرب، از آغاز گسترش اسلام در جهان، به هراس افتاده و به مبارزه با اسلام پرداخت. مبارزه و رویارویی آنان در ابعاد گوناگون، نمود پیدا کرد که به برخی از آنها اشاره می شود:

### 1. فرهنگی

تهاجم فرهنگی و مقابله نرم غرب، با تخریب و تکذیب شخصیت های اسلامی و ارائه چهره ای خشن از شخص پیامبر اسلام و اظهار نسبت های ناروا به شخصیت حضرت، شروع شد. این جریان که به جریان استشراق و شرق شناسی در غرب معروف است، برخورد دوگانه با اسلام داشته است. مقابله فرهنگی غرب با اسلام، از اسپانیا شروع شد؛ چرا که استیلای نسبتاً طولانی حکمرانان اموی در اسپانیا، آن هم بدون پشتوانه دینی محکم و به دلیل برخوردهای غیر منطقی آنان در این منطقه از جهان اسلام، سبب گردید غرب برای بازیابی اسپانیا، به شگردهای گوناگونی دست بزند که تنها عامل پیروزی آنان و بیرون راندن مسلمانان و پیشگیری از توسعه قلمرو اسلامی در اروپا، ایجاد انحرافات اخلاقی و مبارزه فرهنگی بود که امروز به جنگ نرم تعبیر می شود، آنان با اعمال نفوذ، جوانان جامعه اسلامی را از درون تهی کرده و پس از استیلای فرهنگی، به شکستن هیمنه ظاهری پرداخته و پیروز شدند.<sup>(1)</sup> پس از این دوره، مبارزه با اسلام جدی تر شد، تا دیگر قلمروهای اسلامی را از مسلمانان باز ستانند، در این مرحله نیز هجوم فرهنگی از سوی شماری از کشیشان معاند اسلام آغاز شد<sup>(2)</sup> و درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تاریخ اسلام، کتاب های مغرضانه و توهین آمیزی نوشته شد. ستیز سرسخت کلیسا با اسلام، با توهین به مقدسات مسلمانان و با نیش قلم و بیان، از این دوره، شروع گردید<sup>(3)</sup> که تا امروز در

ص: 84

1-1. سلیم حسینی، عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص 37-38.

2-2. محسن الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ص 35-37.

3-3. همان.

سطوح وسیع رسانه ای استمرار یافته است که برجسته ترین آنها، آثار سلمان رشدی و... است.

## 2- نظامی

بعد سخت رویارویی غرب با اسلام، مبارزه خونین و جنگ است که از اسپانیا و جنگ های پیش از آن شروع شد و سرانجام انگیزه مذهبی را جهت رویارویی با اسلام تحریک نمودند و از این طریق به مبارزه با اسلام پرداخته و کلیسا را در مقابل اسلام قرار داده و جنگ های صلیبی را که قرنها ادامه داشت، برای نابودی اسلام و جلوگیری از پیشرفت جغرافیایی و فرهنگی اسلام، شروع کردند. (1) می توان گفت: داستان اسلام هراسی و مقابله با اسلام، از این دوره به صورت جدی مطرح گردیده و همچنان استمرار دارد، اکنون در تاریخ معاصر، وارد دور تازه ای از این سیاه نمایی غرب، علیه اسلام شده ایم. امروز، علاوه بر جنگ نرم گسترده و شیخون فرهنگی بزرگ، دوره نوینی از جنگ ها و تهاجم نظامی به جهان اسلام، با اشغال عراق، افغانستان و پاکستان، توسط نیروهای غرب شروع شده است و ابعاد تازه ای از بحران در قلب خاورمیانه (فلسطین) پدیدار می گردد و چه بسا این مسئله، در آینده آستان حوادث سرنوشت سازی برای امت اسلام گردد.

## (ب) طرح های راهبردی

### اشاره

پس از ظهور دولت عثمانی؛ دور دیگری از مبارزه با اسلام و مقابله با گسترش قلمرو اسلامی و به عبارت دیگر، اسلام هراسی نوین، در غرب و اروپا شروع شده است که اهداف و مقاصد سیاسی و اقتصادی را برای غرب در پی داشت. این انگیزه ها و اهداف، آنان را برای مبارزه با گسترش اسلام در کنار هم یکدست نمود و به شکل دادن اتحادیه ها و شرکت های بزرگ غارت و استعمار کمک کرد. آنان به سوی مناطق مختلف اسلامی، جهت مطالعه و تحقیق گسیل

ص: 85

شدند و هدف عمده آنان، متوقف کردن پیروزی های نظامیان مقتدر عثمانی در پیشروی به فرانسه بود،(1). تا مانع گسترش قلمرو اسلامی شده و اهداف استراتژیک خود را نیز پیگیری کنند که مهم ترین این اهداف را می توان این گونه دسته بندی و مورد بحث قرار دادن

## 1. تجزیه قلمرو جهان اسلام

قلمرو عثمانی، به منزله میراث دار خلافت بزرگ اسلامی، بسیار وسیع بود؛ در این قلمرو وسیع، ملیت ها، نژادها و اقوام مختلفی اعم از عرب، ترک، فارس، گرد، بلوچ، هندی، اروپایی، آفریقایی، قبطی، بربر و... و پیرو ادیان مختلف اعم از اسلام، مسیحیت، یهود، بودا، زرتشت و فرقه های مختلف اسلامی از شیعه و سنی، در کنار هم و در سایه اسلام و در بستر تمدن بزرگ اسلامی، زندگی مسالمت آمیزی داشتند و اسلام از نظر جمعیتی و جغرافیایی، روز به روز در حال گسترش بود، اما این مسئله غریبان را نگران می کرد؛ از این رو برای مقابله با رشد فزاینده اسلام و گستره تمدن اسلامی در کنگره برلین، اعلامیه ای، از سوی کشورهای اروپایی به امضا رسید که طی آن، تقسیم قلمروی عثمانی، بر مبنای قومیت ها، انجام گرفت.(2) آنان با این طرح، مناطق و قلمرو وسیع جهان اسلام را تصرف، تصاحب و غارت کردند؛ روسیه به استان های مهمی در شرق آناتولی، قفقاز و قسمت هایی از بلغارستان دست یافت.(3) این علاوه بر مناطقی بود که در

جنگ هایی که با ایران داشت، به دست آورد؛ اتریش، بوسنی و هرزگوین را اشغال نمود، بریتانیا، بر جزیره قبرس تسلط یافت و بعداً در ایران، عراق، شامات، هندوستان، مناطقی از شبه قاره و، توانست بر قلمرو استعماری و حکمرانی خود بیفزاید؛ فرانسه بر تونس چیره شد و به تبع آن در آفریقا، مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه، دست اندازی کرده و مستعمراتی از این مناطق برای

ص: 86

---

1-1. ر.ک: اسماعیل حقی، تاریخ امپراطوری عثمانی.

2-2. عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص 3837.

3-3. همان.



خود دست و پا نمود؛<sup>(1)</sup>کنگره برلین، آغازی بر رسمیت تجزیه قلمرو جهان اسلام بود که به تضعیف قدرت واحده کشورهای اسلامی منجر گردید. بعد از کنگره برلین، هر یک از این کشورها با توافقاتی که پنهانی انجام دادند، به مناطق دیگری چون لیبی، مراکش، الجزایر و سلطه خود را گستراندند<sup>(2)</sup> و دولت عثمانی را تجزیه کردند. عباس افندی، در جنگ جهانی اول، در این پروسه با نیروهای انگلیس، همکاری های شایانی داشت.<sup>(3)</sup>

## 2. بحران های پایدار مرزی

پس از تجزیه قلمرو بزرگ اسلامی و تشکیل کشورهایی با محوریت قومی، نژادی و زبانی، کشورهای جدیدی در جهان اسلام، با اداره غربی ها و استعمارگران، شکل گرفت و نقشه پیکر واحد و بزرگ را به پاره هایی تقسیم و نقشه های کوچکی ایجاد گردید. این مسئله، برای کشورهای اسلامی، پیامدهای شوم و آثار خون باری را فراهم نمود؛ علاوه بر تشدید زمینه تنش و چالش های قومی و نژادی مستمر، مناقشات مرزی و جغرافیایی میان کشورهای اسلامی را فراهم آورد؛ این بحران ها، منازعات و مناقشات مرزی می توانست زمینه ساز حضور بیش از پیش استعمارگران باشد. ایجاد فاصله روانی بین ملت اسلام و جنگ های خونین، جای همزیستی مسالمت آمیز و همگرایی عاطفی را گرفت و تجارت آزاد و روابط دوستانه در گستره وسیع اسلامی را محدود کرد؛ این مسائل به تدریج مانع از رشد اقتصادی و مبادلات فرهنگی و همدلی مسلمانان که خود عاملی برای جلوگیری از وابستگی آنان بود، گردید و آنان به مبادلات بیرونی روی آورده و منافع سرشار تجارت و بازار بزرگ اسلامی، به دست استعمارگران افتاد.<sup>(4)</sup> از نظر سیاسی نیز، حاکمانی مستبد، بر این کشورهای

ص: 87

---

1-1. حسین آبادیان، امپریالیسم روس و انگلیس و مسئله ایران و عثمانی، ص 2-7.

2-2. ساطع حصیری، البلاد العربیة و الدولة العثمانیة، ص 174-177.

3-3. نامه ای از سن پائولو، ص 17.

4-4. هرایرد کمیجان، اسلام در انقلاب، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص 42.

کوچک با مرزهای مصنوعی اختلاف برانگیز حاکم شدند؛ سلاطین عربستان، اردن، عراق (صدام) و امیر نشین‌هایی مانند عمان، امارات، بحرین، کویت، قطر و... همه از این دست بوده و دست‌نشانده استعمار در منطقه بوده اند.<sup>(1)</sup>

اکنون پس از سالها تجزیه خاک عثمانی و اختلافات مرزی، جنگهای منطقه‌ای و قومی در کشورهای اسلامی ایجاد گردیده است؛ جنگ تحمیلی هشت ساله عراق با ایران<sup>(2)</sup>، اختلافات عربستان با یمن، تهاجم عراق به کویت، ادعاهای امارات بر سر جزایر سه گانه ایران، اختلاف بین ترکیه، عراق و سوریه، ایجاد اختلاف در کشورهای استقلال یافته آسیای میانه که در گذشته جزء خاک ایران بودند، همه این عوامل را، می‌توان بحران‌های مرزی پایدار دانست که تنها با اتحاد دویاره جهان اسلام، قابل حل است.

### 3. تشدید اختلافات نژادی، قومی و فرهنگی

آنها علاوه بر شگردهای گذشته، از اختلاف فرهنگی، قومی و نژادی نیز برای پایدار کردن بحران و اختلاف، برای تجزیه جهان اسلام سود جستند<sup>(3)</sup> و با طرح مسائلی مانند پان ترکیسم و پان عربیسم<sup>(4)</sup> احساسات وطن پرستانه مردم را در کشورهای اسلامی برانگیختند آنگاه شورش‌ها و اختلافات داخلی، در قلمرو عثمانی، برای رهایی از سیطره ترکها آغاز شد و همین مسائل بهانه گردید تا غربیان خود را منجی ملت‌ها معرفی کنند، قوای نظامی خود را به کشورهای اسلامی گسیل دارند و مناطقی از کشورهای عربی و اسلامی را تصرف کرده و به تقسیمات جغرافیایی بپردازند.<sup>(5)</sup> در مقابل، به فکر وحدت و یکپارچگی اروپا و

ص: 88

1-1. همان، ص 227-263.

2-2. همان، ص 256؛ مهم‌ترین بهانه صدام در حمله به ایران، الحاق خوزستان به عراق بود. در این جنگ، دو کشور مهم شیعی، در طول هشت سال درگیری خونین، هزاران نفر از مردم که غالباً شیعه بودند، کشته شدند و استعمارگران توانستند با ادامه بحران در عراق، تمام زیر ساخت‌های این کشور را نابود و منابع آن را به یغما ببرند. دامنه این بحران همچنان باقی است.

3-3. احمد سامعی، انقلاب اسلامی و نهضت‌های ملی مذهبی معاصر ایران، ص 112.

4-4. این شعار، محرک اعراب در مصر، عربستان و... برای استقلال و مبارزه با دولت عثمانی بود.

5-5. سید احمد موثقی، استراتژی وحدت، ص 308-392.

اتحادیه اروپایی بودند که در راستای آن سازمان های نظامی و دفاعی، مثل «ناتو» را تشکیل دادند. تا جایی که ترکیه، مرکز خلافت جهان اسلام در آن زمان، به دنبال عضویت در اتحادیه اروپا، از تمام ارزش های فرهنگی و ملی کناره گرفت و هنوز نیز پس از سال ها در انتظار عضویت در این اتحادیه، به سر می برد.

اختلافات فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیکی نیز، از مهم ترین عوامل آسیب پذیری جهان اسلام به شمار می رود که به راحتی بهانه های درگیری های داخلی را پروراند است؛ وجود فرقه های مذهبی در جهان اسلام (شیعه و سنی)، دستاویزی برای اختلافات بیشتر بوده است (1) و غربیان نیز، با حمایت از فرقه های جدید، (2) بر تنش های مذهبی افزوده اند، (3) آنها با این اهداف، می توانستند اساس و اصول اسلامی را نیز هدف قرار دهند، اسلام را به چالش بکشاند و کتاب آسمانی مسلمانان و ارزش های مهم عقیدتی را مشتبه نمایند؛ از جمله این اقدامات، ساختن کتاب آسمانی به تقلید از قرآن کریم بوده است؛ مدعیان دروغین مذاهب جدید، تا مرحله ادعای خدایی، پیش رفته اند. (4)

طرح های استعماری، در کشورهای اسلامی روز به روز شکل تازه ای به خود می گیرد. مسئله تکنولوژی و پیشرفت نیز، برای استعمارگران ابزاری است که عقب ماندگی کشورهای اسلامی را که نتیجه شوم اقدامات قبلی آنها است، در پی داشته است و این کشورها برای رسیدن به آن باید هزینه گزافی را پردازند. در این باره، نماینده رسمی سازمان ملل در کشورهای توسعه نیافته، چنین می نویسد:

ص: 89

- 
- 1-1. اسلام در انقلاب، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص 192.
  - 2-2. انگلیسی ها در هند به سید احمد خان نشان عالی دادند و به بهاء، لقب سر دادند ... مستشارالدوله گفته است: هر وقت خارجیها یک خوابهایی برای اغفال مردم ایران، می بینند، دستگاه دین سازی درست می شود. انشعاب در بهائیت، ص 131-128.
  - 3-3. اسلام در انقلاب جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص 263.
  - 4-4. درباره رهبران بهائیت که مدعی الوهیت شده اند، ر.ک: سیری در کتاب های بهائیان، ص 24، 35، 47، 73 و 79.

... حضور استعمار در این کشورها (جهان سوم)، روز به روز پیچیده تر می شود. امروز برخی از نخبگان سیاسی در کشورهای اسلامی و...، با طرح توسعه و پیشرفت، به تقلید از غرب و جهان سرمایه داری توجیه پذیر شده اند و تاکنون هیچ گونه نتیجه ای از این شعارها برای جهان اسلام و کشورهای عقب مانده به دست نیامده است و این کشورها به کشورهای جهان سومی و توسعه نیافته موسوم شده اند و بحران های جدیدتری در انتظار آنها است» (1).

طرح مسائل اختلاف برانگیز بین ادیان و تمدن های بزرگ جهان، در مناطق اسلامی نیز به صورت اساسی پایه ریزی شده است. ایجاد کشور مستقل یهود و فراخوان یهودیان از نقاط مختلف جهان به حساس ترین منطقه جهان اسلام و قلب خاورمیانه (فلسطین)، اختلاف بین پیروان سه دین مهم اسلام، مسیح و یهود را در پی داشته است که این بحران تاکنون ضربات مهلکی بر پیکره کشورهای اسلامی وارد نموده است. (2) این توطئه دیرین، امروزه با طرح برخورد تمدن ها عنوان می گردد.

استعمارگران برای رویارویی با گسترش عقیدتی اسلام و ایدئولوژی اسلامی نیز، قطب های مقابله و طرح های ایدئولوژیک در پیش گرفته اند که زمینه آن، از دو علت سرچشمه می گیرد: مقابله با اسلام و رقابت بین خودشان.

گسترش اسلام در جهان، (3) رو به فزونی نهاده بود که کشیشان و رهبران مذهبی کلیساها، با تبلیغات و روش های سنتی، از عهده مقابله با آن برنیامدند. بلوک شرق و غرب، با نو کردن این اندیشه ها و آوردن مکاتب جدید فکری آمیخته با اندیشه های اقتصادی، برای مبارزه با اسلام مهیا شدند و نتیجه آن، پیدایش مکاتب فکری و اقتصادی مختلف بود که رقابت بین آنها نیز، به رویارویی با اسلام انجامید.

ص: 90

---

1-1. ر.ک: اوسوالدور ریورو، افسانه توسعه، ص 25-27.

2-2. ر.ک: محمد حسین کاشف الغطاء المثل العليا في الاسلام، ص 76؛ همو، نامه ای از امام، ص 117.

3-3. ر.ک: سید کاظم موسوی بجنوردی، اسلام، پژوهشی تاریخی و فرهنگی، ص 157 و 254.

اندیشه امپریالیستی و سرمایه داری غرب، بر محور ماتریالیستی، سودجویی و غارت ثروت(1)دیگر ملل شکل گرفت که استمرار استعمار کهنه بود؛ لذا لیبرالیسم و سکولاریسم، از این تفکر در غرب زائیده شد.

اندیشه صهیونیستی که از شاخه های نو در نظام سرمایه داری است، در یکی از مناطق مهم کشورهای اسلامی، با طرح اختلاف برانگیز دولت اسرائیل، نمود و عینیت یافت که مهم ترین حامیان شکل گیری آن، دولت های غربی از جمله انگلیس و آمریکا بودند.

اندیشه الحادی سوسیالیستی و کمونیستی،(2)جهت مقابله با سرمایه داری و امپریالیسم بود و در کشورهای اسلامی نیز از جهات فکری، آسیب های بزرگی وارد نمود و بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی را به سوی خود جذب و عقاید مذهبی مسلمانان را متزلزل کرد و تا حدود زیادی، فرهنگ و برخی ارزش های اجتماعی جوامع اسلامی را به انحراف کشید و سبب نابسامانی اجتماعی و آشوب های فراوانی گردید.(3)

رشد کمونیسم، در دهه های چهل و پنجاه در ایران، خطری جدی، در جهت انحراف جوانان بود که علمای بزرگ اسلام در راه دفاع از عقاید مردم، با کمونیست ها مبارزه کردند. کمونیست ها در ناکام گذاشتن انقلاب مردم، مورد حمایت استبداد و استعمارگران بودند و در کودتاهای مختلف، مثل کودتای 28 مرداد در ایران، نقش اساسی داشتند(4)(کودتاهایی شبیه آن، در کشورهای دیگر هم انجام گرفت).

آنچه در سایه به کارگیری این شگردها از سوی غرب، دامن گیر جهان اسلام

شد، عبارتند از

ص: 91

---

1-1. استراتژی وحدت، ج 2، ص 362\_364.

2-2. همان، ص 362-364.

3-3. محمد حسین کاشف الغطا، این است آئین ما، ص 69-53.

4-4. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص 481.

1. پیدایش درگیری های مذهبی و ایجاد جنگ داخلی میان مسلمانان. 2. از بین رفتن همبستگی فرهنگی و انسجام جهان اسلام. 3. از بین رفتن امنیت عمومی در جهان اسلام با ایجاد آشوب های دامنه دار.

. تشکیک در باورهای دینی، ایجاد شبهات گوناگون فکری در میان مردم، به چالش کشیدن اصول ارزشی و ایدئولوژی در جهان اسلام و جایگزین کردن اندیشه های منحرف غربی و الحادی.

5. پیدایش هرج و مرج عمومی و به وجود آمدن زمینه های ضعف و سیطره آن به تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه آسیب پذیر بودن یکپارچگی جهان اسلام

6. حضور نیروهای استعمارگر در کشورهای اسلامی و از هم گسیختن

وحدت و انسجام مسلمانان.

پیامدهای این طرحها، اکنون در کشورهای اسلامی به طور مستمر وجود دارد؛ اختلافات مذهبی، هزاران قربانی در کشورهای مختلف مثل افغانستان، عراق، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی می گیرد و هر روز بسیاری از پیروان فرقه های مختلف مسلمان کشته می شوند.

## روسیه و بهائیت

### اشاره

روسیه پهناورترین کشور جهان در شمال اور سیاست؛ این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع شده و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوسی منجمد شمالی و دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک مرز آبی دارد؛ پتر کبیر بنیانگذار روسیه تزاری، حکومتی شاهنشاهی را در این منطقه تشکیل داده بود که تا انقلاب روسیه (اکتبر 1917) بر سر کار بود، با تجزیه قلمروهای تحت سلطه آن که بخشی از خاک ایران را نیز شامل می شد و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، منقرض گردید؛(1) منظور از روسیه در این کتاب همان روسیه تزاری

ص: 92

---

1-1. نیکلای برنچانوف، تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب کبیر، ص 1\_25.

است؛ دولت استعماری روس تزاری، در اندیشه گسترش قلمرو خود و از طرفی ایجاد سد در مقابل توسعه طلبی غرب و انگلیس در ایران بود تا در رسیدن به اهداف مهم استراتژیک خود موفق شود. مهم ترین هدف آنها، گسترش مستعمرات و رسیدن به آبهای آزاد از طریق ایران بود. (1) پس از نفوذ در ایران، به راحتی توانستند آرزوی دیرین پطر کبیر و... را که از دیرباز مرزهای شمالی و غربی ایران را مورد تاخت و تاز قرار می دادند، عینیت ببخشند. (2) مناطقی از ایران، سال ها تحت سیطره روس ها بود. (3) جنوب ایران تا مرکز در دست انگلیس و بخش هایی از شمال نیز در اشغال روس ها بود. (4) امتیازاتی که روس ها از دولت ایران پس از جنگ های متعدد گرفتند، به تجزیه قسمت مهمی از خاک ایران انجامید.

(5) عهدنامه های ترکمن چای و گلستان، از ننگین ترین عهدنامه های دوران شاهنشاهی ایران به شمار می رود (6) که بخشی از ساحل دریای خزر را به روسها سپرد (7) و از آن زمان، این مناطق دائما برای ایران مشکل ساز بوده است. (8)

بهائیت، ریشه های خود را در دوران ضعف قدرت و آشفتگی فرهنگی قاجاریه، با حمایت استعمارگران، به صورت خزنده، محکم کرد و هرگز در طول این دوره، از حمایت استعمارگران محروم نشد. (9) بر اساس اعتراف بسیاری از

طرفداران این مرام، حمایت روس ها هرگز از اعضای آن قطع نشد، میرزا حسینعلی که تجربه بیشتر داشت، با برادر کوچکش درگیری و اختلاف پیدا کرد، این اختلاف سبب شد که بابت به طور رسمی، با میرزا یحیی به انزوا برود و

ص: 93

---

1-1. محمد تقی نوری، اشرف التواریخ، ص 16.

2-2. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 83.

3-3. لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ص 94، 157، 190.

4-4. همان، ص 553

5-5. محمدرضا والی زاده، تاریخ لرستان روزگار قاجار، ص 393.

6-6. ر.ک: عصر بی خبری، ص 142.

7-7. محمدرضا نصیری، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره افشاریه، ص 4 و 11.

8-8. ایران و قضیه ایرانی، ج 2، ص 976؛ سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج 1، ص 34.

9-9. فتنه باب، ص 72.

کتاب بیان که بشارت دهنده ظهور «بهاء» بود، در این باره وعده خود را عملی نماید. مأموریت میرزا یحیی (صبح ازل) طی مناقشاتی تند با برادر به پایان رسید، (1) در این میان، او هیچ نقش فعال و تعیین کننده ای نداشت؛ زیرا اجرای طرح، به عهده کسانی بود که در پشت پرده این سناریوی بزرگ عمل می کردند. سفیر روس معترف است که انگلیس اختلاف بین دو برادر را به راه انداخت، (2) تا زمینه کاری میرزا حسینعلی، به خوبی فراهم گردد.

## الف) سیاست بیگانگان و زمینه های انحراف

سیاست بیگانگان و دولت های خارجی که با انگیزه استعماری در ایران حضور داشتند، رسیدن به اهداف خاص بود، اما انسجام اجتماعی و هوشیاری علمای شیعه، با اهداف آنها در تضاد بود، (3) از این رو با هر روشی، زمینه آشوب و شکستن وحدت ملی را فراهم می کردند که از جمله روش های آنها، برای شکستن این اقتدار و انسجام، این بود که با بیت را بر اساس مطالعات دیرین خود، در اندیشه شیعه، به وجود آورده و از آن حمایت نمودند.

سفارتخانه ها و وابستگان خارجی و داخلی، در قلمرو حکومت ایران، عثمانی،

فلسطین و...، حافظ منافع دولت های خود بودند و از هیچ گونه تلاشی در رقابت با یکدیگر بر سر قدرت و نفوذ و بهره گیری از هر واقعه و حادثه ای به نفع خود، دریغ نداشته اند. احساسات مذهبی اسلامی، به طور عمومی و عقاید تشیع و کانونهای شیعی، به طور ویژه، مورد توجه سفارتخانه های خارجی بوده است.

پس از ادعاهای شیخ احمد احسایی، چشم و گوش سیاست بازان خارجی به تداوم شیخیه دیدگاهی که می توانست تهدیدی برای تشیع و روحانیت به شمار

ص: 94

---

1-1. سیری در کتاب های بهائیان، ص 82 میرزا حسینعلی، برادرش یحیی را گوسفند و... خطاب می کرد و او را بنده خود و خود را خدا و رب او می دانست. نزاع دو برادر در میان بایان، شهره بود و تبعات داشت.

2-2. بهائیان، ص 75.

3-3. مانند مقابله میرزای شیرازی و آیه الله کاشانی. فرهنگ جامع تاریخ ایران؛ ج 1، ص 611؛ روحانیت و اسرار فاش نشده، ص 40.



آید باز گردید به نحوی که پس از مرگ سید کاظم رشتی و ظهور مدعیان جدید، پرورش و تحریک مهره ها و افراد مورد تأیید دولت های متبوع، آغاز گردید و تا آنجا پیش رفتند که مسیر حرکت را به سوی شکل دهی فرقه هدایت کردند.<sup>(1)</sup> برخی از صاحب نظران، بر این عقیده اند که اندیشه شیخیه که احمد احسائی و سید کاظم رشتی مؤسس آن بوده اند اساس و مبنای باییت و ریشه بهائیت است،<sup>(2)</sup> تحت هدایت و راهنمایی استعمارگران، در حوزه بزرگ شیعی عراق تاسیس گردید که تمایل برخی افراد و گرایش به این فرقه مخالف با اصول و مبنای تشیع را در پی داشت؛ از این رو اندیشه و فکر شیخیه، در آغاز پیدایش با مخالفت شدید مراجع بزرگ شیعه و علمای نجف نظیر شیخ انصاری، مرحوم صاحب جواهر و... روبرو شد چرا که افکار و اندیشه های شیخ احمد احسائی و اظهارات او در تاریخ اندیشه و از نظر اندیشمندان اسلامی، بدعت آلود و بی سابقه و در میان تشیع، تنش های خون باری را فراهم آورد؛<sup>(3)</sup> بدین خاطر در جلسه ای که علما تشکیل دادند این افکار مورد تکفیر قرار گرفت.<sup>(4)</sup> اندیشه او در فضای فکری شیعه، همسان افکار ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب در میان اهل سنت است؛ چرا که هر دو سخنان آشفته و ادعاهای حیرت انگیزی در اسلام و اصول آن طرح کرده و روشی مغایر با دین، ابداع کردند که ثمره این ابداعات و اندیشه ها، بهائیت در شیعه و وهابیت در اهل سنت است که هر دو به عنوان معضل و بستر همایش استعمار گردیده اند.

احسائی که در مسافرت به ایران، گوشه هایی از عقاید خود را آشکار نموده بود با مخالفت علمایی چون برغانی (از علمای قزوین) روبرو شد اما بعدها

ص: 95

---

1-1. بهائیان، ص 589. «منظور این است که جنبش شیخیه کاملاً زیر نظر آنها بود؛ به گونه ای که هدف خاصی را از ابتدا دنبال کردند و از آن به نام بهائیت نتیجه گرفتند. چنان که باییت را رها کردند و به دیگر فرقه های منشعب از شیخیه توجه چندانی ننمودند، چون دنبال هدف خاصی بودند).

2-2. قصص العلماء، ص 42.

3-3. بهائیان، ص 102.

4-4 همان، ص 7872.

پیروان باب همین عالم بزرگ را به خاطر مخالفت با این افکار به قتل رساندند.<sup>(1)</sup> این رویداد، علاوه بر اینکه جنایتی بزرگ بود، خود حاکی از پیوند بین بابت با شیخیه و رهبران آن مثل احساسی و رشتی با علی محمد شیرازی است، همان سان که پاره ای از افکار شیخ احمد احساسی مانند آنچه در شرح زیارت جامعه مطرح کرده، سبب گردید تا قبور ائمه در عتبات عالیات (مرقد سید الشهداء) مورد هجوم و اهانت قوم وهابی نجد قرار گیرد و وحدت اسلامی، از این ناحیه نیز آسیب پذیرد.<sup>(2)</sup> این گرایشات فکری منحرف هم نوا با سیاست استعمارگران بود؛ آنان همواره در پی چنین زمینه های اختلاف انگیزی بوده و از خونریزی و درگیری های فرقه ای،

<sup>(3)</sup> سود برده و به اهداف استعماری خود در میان کشورهای اسلامی، دست می یافتند.

مرحوم خالصی، از علمای بزرگ نجف که در مبارزه با خرافات، استعمارستیزی و بسیج مردم علیه استعمارگران، نقش

برجسته ای داشته است.<sup>(4)</sup> مؤسسان شیخیه را عامل استعمار در حوزه نجف می داند و معتقد است که آنها مجهول الحال و هویت و افکارشان التقاطی و اقتباس از مسیحیت و صوفیه بوده است تا از این طریق، جوامع شیعه را تخریب و ارزش های فرهنگی و اعتقاد مردم به امامت را متزلزل نمایند؛ او معتقد است که سید رشتی، نه رشتی بوده و نه سید؛ بلکه او از فلاذی فستک (ولادی وستک) روسیه آمده بوده<sup>(5)</sup> و به خاطر شباهت لهجه اش با لهجه مردم شمال ایران، خود را

ص: 96

1-1. فتنه باب، ص 13-175؛ قصص العلماء، ص 46-42.

2-2. سیدضی الدین روحانی، مزدوران استعمار در لباس مذهب، ص 9، 14، 17، 48 و 55؛ بابی گری، ص 36؛ احمد رحیمی کاشانی، پنجه خونین استعمار در آستین باب، ص 170؛ بهائیان، ص 102.

3-3. نجم الدین طبسی، فرقه ای برای تفرقه، ص 87.

4-4. ر.ک: جریان ها و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران، ص 642.

5-5. برخی، این دیدگاه خالصی را با استدلالهایی، مردود دانسته و گفته اند که منطقه ولادی وستک، 17 سال بعد از مرگ رشتی به وجود آمده است؛ البته ممکن است منظور خالصی، شهری به این اسم نبوده، بلکه منظورش منطقه ای است که وجود داشته است و خالصی به خاطر علم (مشهور) بودن، نام این منطقه را ذکر کرده است تا مخاطبان آن را بشناسند؛ چون ممکن است از اهالی روستاهای این منطقه باشد. اما در منابع دیگر، این گونه گفته شده است: سید کاظم رشتی، فرزند سید قاسم بن سید احمد است که سیداحمد، فرزند سید حبیب، از سادات حسینی و از اهالی مدینه منوره است. او پس از شیوع طاعون در مدینه، عازم ایران شد و در رشت اقامت گزید. سید کاظم رشتی، در سال 1212 هـ.ق، در رشت به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات مقدماتی، عازم یزد گردید و به درس شیخ احمد رفت و ملازمت خدمت ایشان را اختیار کرد و طبق تصریح سرکار آقا، شیخ احمد سید را امر به توطن کربلای معلی فرمودند». بهائیان، ص 106.

در حوزه نجف، رشتی جازد و به این وسیله، جانشین احساسی در بین شاگردان او معرفی شد تا زمینه ظهور فرقه منحرف بایت را فراهم نماید، چنان که بر اساس اسناد و مدارکی که برخی از منابع اشاره نموده اند، این فرد با سفارت روس و عثمانی مرتبط بوده است.

(1) او به علمای بزرگ شیعه، ناسزا می گفت و صاحب جواهر را احمق و مستضعف می نامید. (2)

نکته قابل تأمل آن است که پس از توهین احساسی به مقدسات اهل سنت و حمله وهابیون به عتبات مقدسه و تخریب قبور مطهر ائمه، امام زادگان و قتل شیعیان، با اینکه احساسی در عراق حضور داشت، هیچ تعرضی به او نشد و حتی پس از مرگش، در قبرستان بقیع مدفون گردید؛ چگونه ممکن است، کسی که به مقدسات اهل سنت توهین کرده، آزاد باشد و بعد از مرگ، در مرکز وهابیت و قبرستان معروف بقیع، مدفون شود و مورد تعرض قرار نگیرد، اما مرقد ائمه شیعه، تخریب شده و شیعیان و نوامیس آنان مورد اهانت قرار گیرد؟ این رویداد، حاکی از آن است که وهابیت و شیخیه، با هدف مشترک، برای کوبیدن اسلام و تشیع، توسط استعمارگران، راه اندازی شدند و این دستگاه، یک صدا علیه تشیع و مهدویت، تأسیس گردیده است. اگر رویدادهای تاریخی گذشته، با وقایع کنونی، مورد تأمل و تحلیل قرار گیرد، نتیجه ای جز این موضوع به دست نخواهد آمد که دو نهال و بذری که دولت روس و انگلیس، با همدستی دیگر استعمارگران، در نیمه دوم قرن نوزدهم کاشتند، اکنون به بهترین صورت، برای آنها در نقاط مختلف، به بار نشست است و در طی این قرن‌ها، به اندازه ای از ثروتهای مادی و معنوی ملل شرق و اسلام یغما برده اند که هنوز ابعاد آن

ص: 97

---

1-1. مزدوران استعمار در لباس مذهب، ص 59؛ علماء الشیعه و الصرایع مع البدع و الخرافات، ص 177 و ص 181-189.

2-2. قصص العلماء، ص 57-58.

در تأیید کلام خالصی، می توان به این مطلب اشاره کرد که این فرد (سید کاظم

رشتی) به دلایلی کسی را به جانشینی خود انتخاب نکرد، اما به شاگردانش سفارش می نمود که منتظر ظهور و خروج فردی باشند که حجت را بر آنها تمام خواهد کرد؛ وقتی از او درباره جانشینی اش سؤال می شد؛ جواب می داد: «موعود در میان شما است و شما او را نمی شناسید».(1) این گونه افکار، هرگز در میان علمای بزرگ شیعه سابقه نداشته است که درباره امام زمان، چنین اظهار نظر کنند. به علاوه، روایات معتبری هم درباره امام زمان وجود دارد که با صراحت از تعیین وقت برای ظهور منع نموده و تعیین کنندگان وقت را، دروغ گو معرفی کرده است.(2) از زمینه سازی های این فرد موسوم به رشتی، چنین بر می آید که او برای ظهور سید علی محمد باب، افکار و توجه شاگردان را آماده می کرده است. برخی از منابع نوشته اند که او برای سید علی محمد باب، احترام فوق العاده ای قائل بوده است.

(3) اگر این گزاره ها درست باشد در این صورت باید گفت: سران شیخیه نیز در ایجاد فتنه و آشوب بابت با استعمارگران همدست بودند، اما اگر این گزاره ها نادرست باشد می توان گفت اندیشه شیخیه زمینه ای بود برای تبیان بهائیت بدون اینکه قصد رهبران شیخی این باشد.

در صورت صدق گزاره ها، می توان گفت: سید کاظم، پیوسته مبشر ظهور منجی و رسما پایه گذار این فرقه بوده است.(4) چنان که امان الله شفا - که خود از مبلغان

ص: 98

---

1-1. کسروی در کتاب بهائی گری، ص 19\_25، می گوید: او می گفت ظهور نزدیک است و خود را نایب و باب امام می دانست؛ فتنه باب؛ مقالات عبدالحسین نوائی، مقاله اول، ص 88-89 «عمده گروندگان باب، از شیخیه و شاگردان سید کاظم رشتی بودند. سید، معتقد به قرب ظهور بود و در مجالس درس، بدان اشاره می نمود...». نامه ای از سن پائولو، ص 7-73، به نقل از خلاصه تاریخ نیل ص 28. بهترین گواه بر صدق سخن امان الله شفا، این است که چند تن از شاگردان رشتی، هم زمان مدعی جانشینی باب شده اند؛ مانند علی ترشیزی. فتنه باب، ص 63.

2-2. در این باره ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه.

3-3. نامه ای از سن پائولو، ص 72 به نقل از خلاصه تاریخ نیل.

4-4. فتنه باب، ص 89.

بهبایت بود و از این مرام برگشت بعد از تأمل و تنبه و تحقیق، این فرقه را از اساس، پوچ و از هر گونه اصول انسانی خالی دانسته است و ریشه آن را، بر گفتار احساسی و رشتی استوار می‌داند و آنها را مؤسس این فرقه معرفی می‌کند. (1) سید کاظم، به شاگردانش توصیه می‌کرد که در تمام نقاط جهان پراکنده شوند و به جست و جوی موعود پردازند. (2) شاید هدف او از این توصیه، این بوده است که می‌خواست، این فتنه به صورت گسترده در میان مناطق شیعه نشین، منتشر شود و باور به امامت را، به صورت عمومی متزلزل نماید. اگر از این وقایع بگذریم و به وقایع بعدی توجه کنیم که چگونه شاگردان او در نقاط مختلف، به حمایت از او پرداختند و صحنه‌هایی را درست کردند، تا ظهور سید علی محمد باب را با ظهور امام زمان در افکار مردم مشتبه سازند و او را به جای امام زمان به مردم معرفی نمایند؛ به عمق توطئه و نقشه‌های استعمارگران، در جهت تخریب اندیشه مهدویت و نقش آنها، آگاهی کامل پیدا خواهیم کرد چنان که برخی از شاگردان او مثل حسین بشرویه، در خراسان حضور داشتند تا بخشی از علایم ظهور (خروج بیرق‌ها سیاه از خراسان را که در روایات آمده، محقق سازند، او حتی خود را نیز سید معرفی کرد (3) تا با سید خراسانی که در اخبار و علائم ظهور آمده، منطبق باشد و مردم را اغفال کند و امنیت سراسر ایران و جهان اسلام را برهم بزند، تا حضور استعمارگران را در ایران، موجه نماید. استعمارگران نیز، از رهبران این فرقه‌ها حمایت‌های جدی و لازم را به عمل می‌آوردند. رهبران باییت و شاخه‌های دیگر آن، بعدها سرسپردگی کامل خود را به بیگانگان و سفارتخانه‌های خارجی نشان دادند، (4) و از این طریق، در سایه حمایت سیاست‌های بیگانه، مجری طرح‌ها و توطئه‌های آنها شدند تا از سویی، کارشان رونق گیرد و از سوی دیگر، رضایت بازیگران و سیاست‌گذاران خارجی را

ص: 99

---

1-1. ر.ک: نامه ای از سن پائولو، ص 70-71.

2-2. همان، ص 111.

3-3. همان، ص 151\_159 و 161-162.

4-4. انشعاب دربهبایت، ص 106، 112-113.

فراهم سازند. بی شک در چنین حرکت مزورانه ای، کوشش طرفین، حفظ شیوه اهل سیاست است که اسرار را پنهان و از اظهار هرگونه روابط دوستانه شدید پرهیز می نمایند؛ از این رو «هدایت کنندگان»، «واسطه ها» و «مجریان» این برنامه ها، هر موضوعی که بر چنین سازشی دلالت کند مثل گزارش های محرمانه را نابود ساخته و یا از دسترس دیگران، دور نگه داشتند؛<sup>(1)</sup> لذا مؤسسان فرقه شیخیه، افکار خود را به اسلام منتسب کرده و با توصیه رشتی، این فتنه در شهرها ترویج یافته و باعث شورش ها، درگیری ها و جنگ های مسلحانه در اکثر شهرهای ایران می شود و خون هزاران بی گناه ریخته شد و آتش اختلافات بین مردم شعله گرفت.<sup>(2)</sup>

در حقیقت، دولت های استعماری روس، انگلیس و حاکمان عثمانی، در پیدایش بابت نقش کامل داشته اند؛<sup>(3)</sup> چون آنچه از واقعیات خارجی، اوضاع فعلی بهائیت و حمایت علنی استعمارگران بر می آید، نتیجه ای غیر از این نمی تواند داشته باشد. مسیری که شیخیه طی نمود، از این واقعیت پنهان خبر می دهد که دست بیگانگان در دین سازی و فرقه سازی، در کار بوده است؛ اگرچه احتمال دارد خود مدعیان و طرفداران آنها که طعمه شیطان شده اند و در دام انگلیس افتاده اند، از این قضایا و خیمه شب بازی ها و سناریوهای استعمارگران، بی خبر باشند.

## (ب) روسیه و پیدایش بهائیت

### اشاره

دولت روس تزاری، در آغاز پیدایش، حمایت های زیادی از بابت و سرانجام از بهائیت داشته است، سران بهائیت، همیشه از این نقش روسیه قدردانی و در

ص: 100

1-1. ر.ک: بهائیان، ص 614-615.

2-2. ر.ک: فتنه باب، ص 69؛ تاریخ جامع بهائیت، ص 615\_614.

3-3. نامه ای از سن پائولو، ص 247.

## 1. باب، در پناه عامل روس

آقامحمدخان قاجار، در سال 1209 هجری منوچهر خان گرجی ارمنی مذهب اعتمادالدوله را که جزء اسرا بود، از تقلیس به ایران آورد و در دربار فتحعلی شاه قاجار جزء خواجگان حرم سرا و بعد غلام پیش خدمت خاص خود کرد. به سبب هوش سیاسی و حمایتی که روس ها در ایران از او به عمل آوردند، مقرب دستگاه شاه شد و به مناصب بزرگی چون خواجه باشی (رئیس خواجگان حرم) و اشیگ آقاسی (مسئول امر بیرونی دربار) ارتقا یافت. وی در زمان محمدشاه، به حکومت اصفهان منصوب شد،<sup>(2)</sup> علی رغم مخالفت علمای اصفهان با این انتصاب، اما به سبب نفوذ عمیق او و روس ها در دربار، در این مقام ابقا گردید.<sup>(3)</sup> مورخان معاصر اعتمادالدوله نوشته اند او با روس ها، ارتباط داشت؛ از این رو روس ها از حکمرانی او، شدیداً حمایت کرده و از نفوذ خود در ابقای او به حکمرانی، استفاده می نمودند؛ از این رو او، باب را از دست علما رهناید و از اصفهان به سلامت خارج کرد.<sup>(4)</sup> از مسائل مسلم و قطعی تاریخ، آن است که او از علی محمد باب حمایت کرده،<sup>(5)</sup> از دین جدیدش استقبال نموده، او را از شیراز به اصفهان آورده و همواره در اصفهان و تحت محافظت بوده است. در تاریخ نبیل زرنندی بهائیان، تصریح کرده اند که اعتمادالدوله در حضور باب گفت:

خداوند ثروت زیادی به من عنایت نموده است که نمی دانستم در کجا خرج کنم. اگر اجازه بفرمایید، در نصرت شما و ترویج دین شما در شرق و غرب،

ص: 101

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 104، به نقل از قرن بدیع، ج 2، ص 151.

2-2. فتنه باب، ص 94.

3-3. همان، ص 95.

4-4. المآثر و الآثار، ج 1، ص 627.

5-5. ملاحظه کنید باب بدون اینکه کوچک ترین سابقه ارتباطی با منوچهرخان داشته باشد بعد از فرار از شیراز یک سره (در اصفهان به جانب او می رود و تحت حمایتش قرار می گیرد و مدتها در منزل او مخفی می ماند. او ارمنی، از تبعه روس و اسلامش نیز تظاهری بوده است؛ چنان که طبق آنچه در کتاب خلاصه تاریخ نبیل، ص 188 آمده است «او به این مطلب اقرار می کند.» نامه ای از سن پائولو، ص 266؛ فتنه باب، مقاله اول، ص 95-96.

## 2. تصویربرداری از جسد باب

پس از اعدام باب و همراهش در تبریز، کنسول روس از جسد آنها تصویر برداری کرد که این واکنش در کتاب بهائیان نیز منعکس شده است. این موضوع، یکی از دلایل حمایت روس از بابت و علی محمد باب است (2) در کتاب نبیل زرنندی نیز این مطلب آمده است (3) به هر صورت اگر روس در این امر دخیل نبود، چرا این گونه قضایا را تعقیب می نمود و غرض دولت روس و سفرای آن در ایران، از این اعمال مشکوک چه بوده است؟

## 3. حفظ جسد باب

پس از اعدام باب، سعی بر حفظ جسد او یا انتقال آن به فلسطین اشغالی، بدون برنامه ریزی های قبلی، مسئله قابل تأملی است، فردی به نام احمد میلانی بابی که جسد علی محمد باب را مخفی نمود، از افراد مورد حمایت دولت روس در تبریز بود و با کنسول روس ارتباط داشت (4) محافظت از جسد باب و تشکیل مقبره ای برای او در خارج از ایران که امروزه دستاویزی برای بهائیان شده است و از این نماد، در گسترش اندیشه خود کمک می گیرند نشان می دهد که همه این مسائل، طبق طرحی از پیش تعیین شده بود و روس ها دنبال همین هدف

بودند.

## 4. یاری جستن بایبان زنجان از روس ها

در وقایع فتنه و شورش مردم زنجان، ملا محمد علی زنجانی (5) معروف به حجت رهبر این فتنه در دارالخلافه تحت نظر بود و برای شفاعت و رهایی خود، نامه ای به وزرای خارجه، از جمله سفیر روس و انگلیس در تهران نوشت؛

ص: 102

---

1-1. بهائیان، ص 616.

2-2. عباس افندی، مقاله شخصی سیاح، ص 49.

3-3. خلاصه تاریخ نبیل، ص 553.

4-4. عبدالحسین آیتی، الکوکب الدریه فی مآثر البهائیه، ج 1، ص 249.

5-5. ناسخ التواریخ، قاجاریه، ص 1060\_1069؛ المآثر والآثار، ج 1، ص 632.



از این روفرستاده روس و انگلیس، هر دو درباره سخت گیری امیر کبیر در مقابل بابت، شدیداً انتقاد و از امیر درخواست می کنند که از آزار و اذیت ضعفای ملت، دست بردارد؛<sup>(1)</sup> بنابراین اعتراف خود بهائیان و برخی منابع تحقیقی، پادشاه روس نیز، دائماً از سفیر روس، حال سید علی محمد باب را جو یا می شد و از اوضاع ایران گزارش می خواست.<sup>(2)</sup> یکی از مبلغان معروف بهائی به نام میرزا حسین زنجانی که دامادش مترجم روس ها بود وقتی در زندان حاکم زنجان بود، برای رهایی از زندان، حاکم را تهدید کرد که دامادم عامل روس هاست اگر کشته شوم شما نیز توسط روس ها کشته خواهید شد.<sup>(3)</sup>

## 5. دشمنی با امیر کبیر

امیر کبیر با جدیت تمام، طرفداران باب را که در شهرهای بزرگی چون شیراز، اصفهان، زنجان، یزد، مازندران، قزوین و ... اقدام به آشوب و ناامنی کرده بودند،<sup>(4)</sup> سرکوب و دستور اعدام باب را صادر کرد.<sup>(5)</sup> از آنجا که این اقدام امیر کبیر، خوشایند دولت روس نبود، طرح عزل و قتل امیر کبیر را با توطئه عوامل نفوذی بایبان و روس ها به اجرا گذاشته و او را به قتل رساندند، اگرچه آنان نقش مستقیم خود را نمایان نکردند، اما در هر صورت در توطئه قتل امیر کبیر دست داشتند؛ حتی به این نیز بسنده نکرده و در کتاب های خود تحقیر و توهین به امیر کبیر را بیان می داشتند؛ نویسنده کتاب «نامه ای از سن پائولو» می گوید: «من هنوز در هیچ تاریخی، جز نوشته های بایبان و بهائیان ندیده ام که میرزاتقی خان را مردی بی کفایت معرفی کرده باشند، اما بهائیان، به خاطر اینکه امیر کبیر در سرکوب فتنه باب، سنگ تمام گذاشته است، با او دشمنی ورزیده و به او ناسزا

می گویند).<sup>(6)</sup>

ص: 103

- 1-1. انشعاب در بهائیت، ص 104.
- 2-2. نامه ای از سن پائولو، ص 244.
- 3-3. عزیز الله سلیمانی، مصابیح هدایت، ج 1، ص 189 و ص 287\_288.
- 4-4. فتنه باب، ص 15، 17، 20، 22، 49.
- 5-5. میرزاجانی کاشانی، نقطة الکاف، ص 233.
- 6-6. نامه ای از سن پائولو، ص 247.

## 6. گزارش هدف دار آشوبها

سفیر روس، تمام وقایع و حوادث مربوط به شورش بایبان در شهرهای مختلف را، به طور منظم و دقیق، با ذکر تمام جزئیات و با لحن و جهت گیری های جانب دارانه، به وزارت خارجه گزارش داده است که این گزارش ها بر اساس اسناد معتبری که در وزارت خارجه روس بوده، موجود است.<sup>(1)</sup> او به صورت ماهرانه ای، برای کم کردن رد دولت خود و مخفی کاری در اسناد، به طرفداری از امنیت عمومی تظاهر می نماید و از بایبان، با عنوان «اخلاالگران نظم اجتماعی و آشوبگران» یاد می کند. از جمله گزارش هایی که سفیر فرستاده، گزارش از وضع زنجان است که این گونه می نویسد:

«اغتشاشات زنجان هنوز ادامه دارد و با بیان زنجان که با جان خود بازی می کنند، در مقابل قوای شاهی مقاومت سختی نشان می دهند و از عهده دفع حملات محمد خان به خوبی بر می آیند. جای بسی تعجب است که این عده، با چه شهامتی وضعیت خطرناک خود را تحمل می کنند؛ رهبر آنان، محمدعلی به سفیر ترکیه [سمیع افندی و همچنین به کلنل شیل [سفیر انگلیس در ایران] مراجعه و از او خواهش وساطت کرده، همکار انگلیسی من [سفیر انگلیس معتقد است که بعید به نظر می رسد که دولت ایران حاضر شود که دول خارجی در این مورد به کمک این فرقه وارد مذاکره شوند].<sup>(2)</sup> وجود مولفه های ذیل در گزارش سفیر و کنسول، حاکی از دست های مرموز استعماری در جریان آشوب های اجتماعی بایبان است:

1-6: حمایت از آشوب ها با عنوان انقلاب

علاوه بر گزارش های مرتب از روند گسترش آشوبگران باب، از این آشوب و اختلاف داخلی، با تعبیر انقلاب اجتماعی، یاد کرده که لازمه جامعه ایران و روندی تکاملی است که به هر صورت، باید انجام پذیرد: «... باری به هر سو،

ص: 104

1-1. ر.ک: تاریخ جامع بهائیت، ص 274-272.

2-2. همان، ص 620.

نظر می‌اندازی نهضت انقلابی مشاهده می‌شود...» (1) در گزارش‌های سفیر روس، آشوب بایان، موفقیت آمیز نشان داده می‌شود تا بدین وسیله، دولت متبوع خود را حامی این گروه نشان دهد. از مجموع گزارش‌های این سفیر چنین بر می‌آید که او می‌کوشید، تا از آشوب‌ها حمایت و آشوبگران را ذی‌حق نشان دهد. (2)

براساس گزارش سفرای بیگانه، قضیه زنجان، بسیار اهمیت دارد و خونهای بی‌شماری در آن ریخته شده است. سفیر روس در نامه خود، به وزارت خارجه خبر می‌دهد که فردی را فرستاده است تا از نزدیک این قضایا را مشاهده و گزارش کند. (3)

از طرفی دولت روسیه از سفیر خود خواسته است که به طور دقیق از وضعیت بایان و پیشرفت کارشان به وزارت گزارش بدهد و دولت متبوع خود را از این قیام خبر دار نماید. (4)

2-6: تجهیز و تشویق هدف دار آشوبگران بایی

در گزارش‌های سفیر روس، مطالب ضد و نقیض فراوانی درباره شورش وجود دارد؛ گاهی آنها را انقلابگر و گاهی ضد امنیت معرفی می‌کند، از طرفی روسها، در مسلح کردن بایان زنجان، به رهبری ملا محمدعلی و رساندن تسلیحات به آنها، نقش داشته و از بایان در قبال نیروهای دولتی و مردمی که علیه آنها شوریده بودند، حمایت می‌کردند؛ روس‌ها، بایان را به جنگ و کشتار تشویق می‌کردند تا نیروهای دولتی از سرکوب آنها عاجز بمانند، نظم اجتماعی به کلی از هم گسسته و امنیت عمومی، شکسته شود. (5)

هدف استعمارگران روس و انگیس، در این آشوب‌ها، رسیدن به منافع خود

ص: 105

---

1-1. همان، ص 273-274.

2-2. همان، ص 277؛ نامه ای از سن پائولو، ص 234-242.

3-3. بهائیان، ص 121؛ نامه ای از سن پائولو، ص 244-246.

4-4. همان، ص 277.

5-5. همان، ص 263، خلاصه تاریخ نیل ص 590 می‌نویسد: «چیز دیگری که باعث تعجب بود، این بود که از راه غیر معلومی، پیوسته زاد و توشه به اصحاب می‌رسید.» برخی عقیده دارند که روس‌ها، توپ و تفنگ در اختیار شورشیان زنجان و مازندران و دیگر شهرها می‌گذاشتند و از آنها حمایت تسلیحاتی می‌کردند.

بود؛ انگلیس به دنبال تجزیه خاک ایران بود چنان که در افغانستان، سال ها از شورشیان افغان حمایت کرد و جنگهایی بین سپاه ایران و افغانستان و نیروهای انگلیسی واقع شد؛(1) روس ها نیز اهدافی در خاک ایران داشتند که به تجزیه و الحاق بخش هایی از قلمرو ایران به خاک روس منجر گردید.(2) 3\_6: صحنه گردانی کنسول روس از دیگر اسناد، درباره دخالت و نقش دولت استعماری روس تزاری در پیدایش فرقه انحرافی بهائیت، می توان به گزارشات کنسول روس (دالگورکی)"

(3) و صحنه گردانی های او اشاره کرد که جهت گیری فعالیت های او در ایران، علیه وحدت اسلامی و ایجاد اختلاف داخلی بود؛ این موضوع، در منابع معتبر گزارش شده است.(4) اعترافات او پس از پایان مأموریت در روسیه منتشر گردید که اسناد آن در برخی از آثار مورد استفاده قرار گرفته است.(5) از جمله گزارش های او می توان به این گزارش اشاره کرد:

به سناوین از تهران، مریم آباد، سوم ژوئیه 1850 شماره 53: «از موقعی که همکاری قوای انتظامی با اولیای دولت، صورت عمل به خود گرفته است... فعالیت آنان (بایبان) فوق العاده محدود شده است».(6)

## 7. کوشش برای نجات باب و بها از اعدام

پس از قطعی شدن حکم اعدام باب، دولت روسیه از طریق سفارت خود، سعی در وساطت و ممانعت از اعدام او داشت.(7) در صحنه اعدام باب، قضایای مشکوکی رخ داد که می توانست در فرار باب مؤثر باشد؛ چرا که سام خان ارمنی .

ص: 106

- 
- 1-1. بهائیان، ص 534.
  - 2-2. بر اساس عهدنامه ترکمن چای و گلستان بخش هایی از خاک ایران به روسیه ملحق شد.
  - 3-3. انشعاب در بهائیت، ص 112؛ قرن بدیع، ص 224.
  - 4-4. بهائیان، ص 119 به نقل از شورش بایبان در ایران، ص 1852\_1868؛ نشریه فرهنگستان علوم، ج 30، ص 143-159.
  - 5-5. مانند کتاب بهائیان.
  - 6-6. بهائیان، ص 619.
  - 7-7. همان، ص 618.

مأمور اعدام وی) نیز، میل باطنی به اعدام باب نداشت، او تیر اول را به طناب می زند تا باب فرار کند و تیر سربازان به او نخورد، آنگاه باب در بین گرد و غبار میدان اعدام، از صحنه خارج می شود و اعجازی را مقابل دیدگان و افکار مردم تبریز و سایر نقاط ایران به وجود می آورد، اما گروه تیراندازان متوجه فرار باب شدند و او را دوباره دستگیر و سرانجام اعدام کردند.<sup>(1)</sup> اگر باب از اعدام نجات می یافت و خبر عدم اصابت تیر به او و غایب شدنش، شایع می شد، حمایت از با بیان گسترش یافته و فتنه و شورش آنها مجدداً در سراسر کشور شعله ور می شد و دولت که صدارت آن با امیر کبیر بود، نمی توانست روسها و انگلیسی ها را از مداخله باز دارد؛ از این رو جنگ داخلی شکل می گرفت و قدرت امیر کبیر رو به ضعف می نهاد.<sup>(2)</sup> با برکناری امیر کبیر، بزرگ ترین مانع آنان، از سر راه برداشته می شد. در گزارش دالگورکی به سفارت روس در ایران، جانب داری او از بایان و ترغیب دولت متبوع خود به جلوگیری از کشتار بایان به دست دولت قاجار، نمایان می شود. چنان که در ادامه کار، دولت روس و سفیر این کشور، از اعدام دستگیر شدگان، خصوصاً مهره های اصلی باییت مانند میرزا حسینعلی و میرزا یحیی، جلوگیری و از آنها شفاعت می کند.<sup>(3)</sup> امان الله شفاء نوشته است: «این قضیه آزادی بهاء از اعدام و نجات جان او، با کمک سفارت روس بود و او تحت حمایت غلامان روس، از ایران خارج شد».<sup>(4)</sup>

(..... در ظاهر چون دولت بهیة روس، حمایت آن قائم بامر الله که ملقب به

بهاء الله است، نمود، نتوانستند شهید نمایند و به دارالسلام بغداد نفی نمودند».<sup>(5)</sup>

...کنسول روس از دور و نزدیک مراقب احوال بود و از گرفتاری حضرت بهاء الله خبر داشت. پیغامی شدید به صدراعظم فرستاد و از او خواست که با

ص: 107

---

1-1. فتنه باب، ص 108. تاریخ جامع بهائیت، ص 188-190؛ مفتاح باب و الأبواب، ص 162.

2-2. نامه ای از سن پائولو، ص 243-247.

3-3. همان، ص 245 و 303.

4-4. همان، ص 245.

5-5. بهائیان، ص 129.

به عمل آید... (1)

دکتر اسلمنت بهائی، در کتاب بهاء‌الله و عصر جدید که بنا بر تصویب محفل روحانی بهائیان، حیفا (اسرائیل) از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و چاپ شده است، می‌نویسد: «سفیر روس به برائت ایشان (بهاء‌الله) شهادت داد». (2)

## 8. اظهار خوشنودی از توهین بابی‌ها به علمای شیعه

دالگورکی، در گزارش خود به «نسلرو» (وزیر خارجه روسیه)، از درگیری با بیان با علمای شیعه تمجید می‌کند. از جمله گزارش‌های او به نسلرو، در پرونده شماره 133 تهران، دهم ژوئن 1850 میلادی، شماره 68 این چنین آمده است:

خیلی خوب است که فرقه بابیه، با علمای اسلام مخالفت و مبارزه شدید

شروع کرده و آنان را متهم به انحراف می‌کند». (3)

انتشار آثار و اعلامیه‌های بهائیت که متضمن توهین به علما می‌بود نیز، توسط سفارت روسیه انجام می‌گرفت و بهائیان با پشتیبانی مالی روس‌ها در ایران، به نشر افکار خود و جذب مردم سود می‌جستند. (4) طبق گزارش دالگورکی، یکی از کارهای روس در ایران، «تهیه همین نوشته‌ها و کارهای بابیت بود». (5)

## 9. جذب نیرو برای باب

یکی از کارها و اقدامات کنسول روس، کمک‌های مالی به جریان بابیت بود تا از این طریق بتوانند جوانان و افراد کم‌بضاعت را جذب این فرقه منحرف نمایند. او (کنسول) می‌گوید: «هر کس که آواره بود و در میان اقوام و وطن، شخصیتی نداشت، از ما طرفداری می‌نمود. من مبلغ زیادی به عنوان زیارت کربلا، برای

ص: 108

1-1. همان، ص 628؛ نامه ای از سن پائولو، ص 314.

2-2. بهائیان، ص 30.

3-3. همان، ص 19) به نقل از شورش بابیان در ایران، ج 20، ص 143\_159؛ حمایت دالگورکی از بهاء در منابع دیگری از جمله کتاب انشعاب در بهائیت، ص 106 و 112-113 و تاریخ اجتماعی ایران، ج 9، ص 50\_505 ذکر شده است.

4-4. کنیاز دالگورکی، خاطرات، ص 73.

5-5. همان، ص 70-75.

میرزا حسینعلی بهاء در بغداد می فرستادم، تا به آنها بدهد تا اینکه جمعی بی بضاعت به دور او جمع شوند و من ماهیانه برای او و اطرافیانش بین دو تا سه هزار تومان می فرستادم... (1) بی گمان دولت روسیه به هر روشی آنان را پیوسته تقویت می نمود و خانه و مسکن برای آنان می ساخت و قسمت عمده نوشته ها توسط وزارت خارجه تهیه می شد. همو می گوید: «... ما آنها را در پارچه های پاکیزه ای قرار می دادیم و به شهرها می فرستادیم. هر جوان عامی که پدرش فوت کرده بود، به او می گفتیم پدر تو بابی بود؛ تو چرا از پدرت پیروی نمی کنی و با همین نیرنگ و دسیسه ها، افراد ساده لوح را در سلک بابیت در می آوردیم و هرکس تصدیق به این مذهب نمی کرد، جمعیت بابی یعنی همان کسانی که دور حسینعلی بهاء جمع شده بودند، او را به بی دینی متهم می ساختند تا مجبور به داخل شدن در حزب آنها می شد... تا اینکه بین میرزا حسینعلی و برادرش میرزا یحیی، بر سر ریاست اختلاف شد..... من بعد فهمیدم که این اختلاف در اثر تحریک رقیب ما (انگلیس) بوده... میرزا یحیی

صبح ازل) به قبرس رفت... و میرزا حسینعلی و پیروانش به تحریک دولت ایران به عکا تبعید شدند). (2)

دالگورگی پس از اتمام مأموریت در عراق، دوباره به ایران آمد و عهده دار سفارت روسیه در ایران شد آنگاه از نزدیک به این واقعه دامن زد و از بایبان حمایت فراوان نمود. همین سفیر، اوضاع ایران را پس از حادثه ی بابیت، به وزارت خارجه روس گزارش داد که اسناد آن موجود است.

10. اقرار بهاء به حمایت روس تزار

میرزا حسینعلی سردسته بهائیان، از تبعیدگاه خود (عکا) به پادشاه روسیه تزاری نیکلایویچ الکساندر دوم)، نامه ای فرستاد و از او و دولت روس، به سبب

ص: 109

1-1. همان.

2-2. همان، تبعید میرزا حسینعلی به عکا از مسلمات تاریخی است که همه صاحب نظران، در این مسئله، اتفاق نظر دارند. بهائیان، ص 623\_624 به نقل از قرن بدیع، ص 318.

حمایت بی دریغ شان از شکل گیری بابت تشکر کرد و او را به بهشت بشارت داد. وی در این نامه، خود را در مقام خدایی قرار داده، می گوید:

به تحقیق، یکی از سفیرانت، هنگامی که در زندان، اسیر غل و زنجیر بودم، مرا یاری کرد. برای این کار، خداوند برای تو مقامی نوشته است که علم هیچ کس بدان احاطه ندارد؛ مبادا این مقام را از دست دهی». (1)

کسروی می نویسد: «چون دولت انگلیس از مشروطه خواهی حمایت می کرد،

دولت روس رقیب او بود و مخالفت می ورزید، لذا بایان نیز با مشروطه مخالف بودند و خود را به کنار کشیدند». (2) از محمدعلی شاه حمایت می کردند، چون دولت روس نیز از استبداد محمدعلی شاه حمایت می نمود و به دستور آنها، مجلس را به توپ بست. (3)

### 11. مجوز تأسیس مشرق الاذکار و آزادی تبلیغ در خاک روسیه

گواه دیگر بر حمایت و دخالت روسیه تزاری در شکل گیری و ترویج بهائیت، این است که به آنان اجازه تأسیس مشرق الاذکار را در قلمرو خود و عشق آباد داد تا آنان با آزادی تمام، زندگی و فعالیت کنند. مأموران سیاسی روسیه، با چنین مجوزی، قصد داشتند تا کانون بهائیان را خارج از ایران ایجاد کنند و در ترویج آن آزادی عمل داشته باشند. (4) دولت روس، از بهائیت، در هر جا که بودند، حمایت می کرد و آنها را در قلمرو خود، آزاد گذاشته بود. صبحی در این باره می گوید: «در این شهر (عشق آباد) و شهرهای دیگر مسلمان نشین، همه بهائیان آزاد بودند و فرمانروایی روس، دست آنها را در هر کاری باز گذاشته بود.

ص: 110

1-1. همان، ص 632.

2-2. مهدی ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص 291.

3-3. همان، ص 129، 277 و 304؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 424\_514. تاریخ اجتماعی ایران، ج 2، ص 591؛ تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، ص 544؛ محمدحسن خان اعتضادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ص 519؛ عبدالحسین نوائی، دولت های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، ص 272، 289. سید ابوالحسن علوی، رجال عصر مشروطه، ص 181 نامه ای از سن پائولو، ص 305.

4-4. بهائیان، ص 635\_636.



چنان که معابدی به نام مشرق‌الاذکار، ساخته بودند و از روز نخست که از گوشه و کنار کشور ایران، مردم در آن شهر گرد آمدند، زهر چشمی از مسلمانان گرفتند ... چون بازار دادوستد و کار بازرگانی عشق آباد گرم بود، بسیاری از مردم یزد و آذربایجان و خراسان، روی بدان شهر نهادند و پادشاهان و فرمانروایان روس، به بهائیان کمک شایانی می کردند و چون سازمان رو به راهی داشتند، انجمن هایی برای خواندن مردم به کیش بهائی، برپا نمودند»<sup>(1)</sup> حمایت دادگستری روس از بهائیان نیز بیانگر حمایت همه جانبه دولت استعماری روسیه از بهائیت و آزادی کامل آنها در قلمرو روسیه است.<sup>(2)</sup>

با آزادی عملی که دولت وقت روس به بهائیان داده بود، بهائیان از شهرهای ایران به شهرهای ترکمنستان، آذربایجان، ازبکستان و دیگر جمهوری های تابع روسیه، پراکنده شده و با آزادی کامل در آن شهرها برای خود زندگی تشکیل داده و با حمایت دولت روس، عبادتگاه های مخصوص، بنا کرده بودند. آنان، با حمایت دولت وقت روس، از مسلمانان سلب آسایش می کردند و آنها را در تنگنا قرار می دادند.

دولت وقت روس تزاری به عنوان یکی از دشمنان درجه یک اسلام و

مسلمانان، بسیاری از شهرهای ایران را طی چندین قرارداد استعماری، به تصرف خود در آورده و در پی آن بود تا ترکیب جمعیتی این شهرها را بر هم زده و شیعیان را که اکثریت بودند در اقلیت قرار داده و فرهنگ اسلام ناب را به واسطه بهائیان نابود سازد؛ از این رو شهرهایی چون بخارا، سمرقند، عشق آباد، تاشکند و مرو، جولانگاه و محل امن بهائیان شده بود. چنان که صبحی، خود پرده از حمایت های علنی و بی پایان دولت روس از بهائیان برمی دارد و این گونه می نویسد: «... در آن سرزمین فراخ، چون بهائیان آزادی داشتند و کیش و آئین

ص: 111

---

1-1. سید احمد کسروی، بهائی گری، ص 46\_48.

2-2. همان، ص 48.

خود را نهان نمی کردند، رفتارشان ستوده دیگران نبود. با آنکه فرمانروایان روس، کمک شایانی به آنها می کردند و دست آنها را در هر کار باز می گذاشتند، سخنگویان زبردست(1) آنها، به آنجا آمده بودند». (2)

## 12. استقبال روسها از بهائیان

وقتی بهائیان در ایران با مخالفت مردم روبرو بودند گاهی مقاومت و مخالفت مردم با آنها در حدی بود که مجبور به ترک ایران می شدند این مسئله در منابع بهائیان نیز آمده است از جمله «در قریه میلان جمعیتی کثیر از مؤمنین (بهائیان) که با مخالفت مردم مسلمان ایران روبه رو بودند روائح آباذهای حریت و سلامت از جانب ممالک روسی استشمام کرده پی در پی به عشق آباد و غیرها مهاجرت می کردند...». (3)

## 13. تلاش سفیر روس، برای آزادی بهاء از زندان

حمایت روس ها از فرقه بهائیت، وقتی بیشتر روشن شد که سفیر روس، با تمام توان، برای آزادی میرزا حسینعلی، تلاش می کرد «.. قنسول روس، در دادگاهی که برای محاکمه میرزا حسینعلی به اتهام طرح ترور شاه قاجار تشکیل شده بود، قیام نمود و برای تبرئه او سخن گفت و اظهار کرد: تصمیم دارم این شریف زاده

میرزا حسینعلی را تحت حمایت دولت روسیه در آورم. بنابراین، بر حذر باشید؛ زیرا اگر یک موی سر او کم شود، برای تنبیه شماها، نهرهای خون در این شهر جاری خواهد شد. امیدوارم به اخطار من کمال توجه را مبذول دارید و بدانید که در این موضوع، دولت مطبوع من، پشتیبان من است...» (4) از این رو، بهاء به عنوان مؤسس فرقه بهائیت، پس از انشعابات باییت و تفرقه میان پیروان باب،

ص: 112

---

1-1. منظور مبلغان بهائی است که تا حدی در ایران آزادی تبلیغ از آنها گرفته شد. ولی در عوض، در اقمار روسیه، با آزادی کامل تبلیغ می کردند. همان. ص 68\_69.

2-2. همان، ص 56.

3-3. میرزا اسدالله فاضل، تاریخ ظهور الحق، قسمت اول، ص 87.

4-4. نامه ای از سن پائولو، ص 312\_307؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 40.

تحت حمایت روس ها بود و روس ها به او نظر خاص و توجه ویژه ای داشتند. (1) چنان که پس از ماجرای ترور ناصر الدین شاه، سفیر روس با وساطت میرزا نوری

که همشهری او بود و با سفارت روس و انگلیس ارتباط داشت او را از زندان نجات داد. خود میرزا حسینعلی، درباره حمایت سفیر روس از وی، جهت آزادی از حبس، چنین نوشته است:

این مسئله خالی از اهمیت نیست که تمام زندانها و... زنجیرهای آن یگانه آفاق (بهاء الله)، طعمه قهر و غضب سلطانی شدند و خود آن حضرت، با همه شهرت و اهمیت، از حبس مستخلص گشت و اگرچه شاید، دست قنصل روس بر نجات آن حضرت مددی داده، ولی همین نطق و بیان... دخالت داشت». (2)

حمایت های میرزا آقاسی و میرزا آقاخان از بهائیان، خود نشان دیگری از حمایت روسیه از این فرقه است؛ چرا که این دو از سرسپردگان روسیه بودند که با اشاره و درخواست روس ها در جهت منافع بهائیان عمل می کردند. (3) میرزا آقاخان نوری، به عنوان صدراعظم، خدمات زیادی به رهبر بهائیان نمود، او برای رهایی میرزا حسینعلی از زندان تلاش بسیار کرد و حتی پس از تبعید بهاء الله به بغداد، دوباره او را به ایران دعوت و برای او بهترین امکانات را فراهم نمود. (4)

اسناد و مدارک، نشان می دهد که میرزا حسینعلی بهاء، حتی سالها قبل از ارتباط باب با روس ها، با آنها دوستی صمیمانه ای داشته و با دریافت مستمری و حقوق ماهیانه برای آنها جاسوسی می کرده است. (5) مخالفت سفیر روس با تحویل

ص: 113

- 
- 1-1. شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 436.
  - 2-2. مصطفی حسینی طباطبائی، ماجرای باب و بهاء، ص 138 به نقل از الکواکب الدریه، ج 1، ص 336 انشعاب در بهائیت، ص 103.
  - 3-3. ماجرای باب و بهاء، ص 33، انشعاب در بهائیت، ص 102-104.
  - 4-4. فتنه باب، ص 152.
  - 5-5. خاطرات دالگورکی، ص 46؛ قرن بدیع، ص 226، ص 198. این گزاره ها حاکی است که این سفیر ارتباط دیرین و معنادار با شخص میرزا حسینعلی داشت.

بهاء الله به ناصرالدین شاه،<sup>(1)</sup> سرسختی و دفاع قاطع از او در جلسه محاکمه و حتی تهدید قضات، همگی شواهدی دال بر همکاری نزدیک حسینعلی با روسها است. به گفته صاحب کواکب، «... در یکی از قرای مازندران ... مستخدمین و سرحداران دولت روس، ارادتی شایان به وی ورزیده بودند و می خواستند او را از دست مأمورین ایران رهایی بخشیده و به روسیه بفرستند؛ ولی او قبول نکرد.»<sup>(2)</sup> میرزا حسینعلی، از طرف سفارت روس، در تکیه نوروز خان، مراسم عزاداری و مجالس روضه برپا می کرد، ظاهراً این حرکات روسها، جهت اختلاف افکنی میان شیعه و سنی یا به جهت اینکه بعدها برای بهاء، سیاهی لشکر و مرید، جذب کنند، انجام می گرفته است. در ماجرای ادعای باب، با اشاره سفیر روس، حسینعلی بهاء و برادرش یحیی، از جمله اولین حامیان او بودند و پس از دستگیری او در تهران، اقدام به آشوبگری نموده و هیاهو بپا کردند، آنها ادعا می کردند که صاحب الامر را گرفته اند.<sup>(3)</sup>

#### 14. نام گذاری فرقه با پسوند بهیه (بهاء)

آن گونه که بررسی اسناد و تمبرهای مربوط به آن دوران نشان میدهد میرزا حسینعلی لقب «بهاء» را بدین جهت برای خود و مرام و مسلک خود انتخاب کرد تا ارادت و وابستگی خود به دولت روس را نشان دهد؛ چرا که در آن دوران دولت ها با عناوین و پسوندهای خاصی معرفی می شدند؛ مثلاً دولت ایران با پسوند «علیه» دولت انگلستان با پسوند «فخیمه» و دولت روس با پسوند «بهیه».<sup>(4)</sup> بر اساس برخی از گزارشات و شهرت بین اهل تحقیق، وقتی میرزا حسینعلی، به سفارت روس پناهنده شد، به آنان قول داد که نام آئینش بهائی باشد. او حتی نام دختر خود را نیز «بهائیه» نهاد.<sup>(5)</sup>

ص: 114

---

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 103؛ فتنه باب، ص 153.

2-2. فتنه باب، ص 155؛ انشعاب در بهائیت، ص 105.

3-3. همان.

4-4. سیری در کتاب های بهائیان، ص 58\_50.

5-5. همان، ص 86.

## 15. پناه دادن سفارت روس به بهاء و وابستگی خاندان بهاء به روس ها

قبل از هر چیز لازم به یادآوری است که پدر، برادر و داماد بهاء، از کارکنان و

حقوق بگیران سفارت روسیه بودند لذا بی جهت نبود که در قضیه ترور شاه پس از تعقیب میرزااحسینعلی توسط مأموران، او به سفارت روس پناه برد؛ وقتی شاه ایران مأموری را جهت برگرداندن او فرستاد، سفیر روس از تسلیم بهاء به مأمور شاه امتناع کرد و کاغذی به صدراعظم نوشت که باید میرزااحسینعلی را از طرف من پذیرایی کنی و در حفظ این امانت بسیار کوشش نمایی و اگر آسیبی به او برسد و حادثه ای رخ دهد، شخص تو در برابر سفارت روس پاسخگو خواهی بود.

(1) بهائیان در کتاب های خود به این مطلب، با عبارات مختلف تاکید کرده اند، شوقی در قرن بدیع، می گوید: «ایامی که این مظلوم، در سجن اسیر سلاسل و اغلال بود، سفیر دولت بهیه ایده الله تبارک و تعالی نهایت اهمیت در استخلاص این عبد، مبذول داشت و مکرر اجازه خروج از سجن صادر گردید. ولی پارهای از علمای مدینه (تهران)، در اجرای این منظور ممانعت نمودند، تا بالاخره در اثر پافشاری و مساعی حضرت سفیر، استخلاص حاصل گردید. اعلی حضرت، امپراطور دولت بهیه روس، حفظ و رعایت خویش را فی سبیل الله مبذول داشت و این معنی، علت حسد و بغص جاهلان ارض گردید». (2) در قسمتی دیگر از قرن بدیع آمده است: «در زرگنده میرزا مجید شوهر همشیره مبارکه که در خدمت سفیر روسی پرنس دالگورکی سمت منشیرگی داشت آن حضرت را ملاقات و ایشان را به منزل خود که متصل به خانه سفیر بود دعوت و هدایت نمود... سفیر روس از تسلیم حضرت بهاءالله به نمایندگان شاه امتناع ورزید و از هیکل مبارک استدعا نمود که به خانه صدراعظم تشریف ببرند؛ ضمناً از شخص وزیر به طور صریح و رسمی خواستار گردید و دیعه پربهائی را که دولت روس

ص: 115

---

1-1. خلاصه تاریخ نبیل، ص 648.

2-2. قرن بدیع، ص 76.

به وی می سپارد (منظور بهاء الله است) در حفظ آن بکوشد».

(1)

خود بهاء، پس از رهایی و نجات از مرگ، از دولت روس چنین تشکر کرد: ای پادشاه روس، یکی از سفیران تو مرا از زندان که اسیر زنجیرها و در بند بودم، مرا یاری کرد. برای این کار، خدا برای تو مقامی ثبت کرده که هیچ کس از آن خبر ندارد. مبادا تو این مقام بزرگ را تبدیل کنی و تغییر دهی». (2)

این تقدیر و تشکر، دارای چند نکته قابل توجه است؛ عدم ذکر نام سفیر که در برخی از آثار بهائیان به آن تصریح شده است، ولی خود بهاء، در این کتاب از ذکر نام او، خودداری نموده است بدین جهت است که نخواسته نام او و حمایتش آشکار شود، نکته دیگر، توصیه آخر بهاء به امپراطور روس است که به او متذکر می شود که تو به خاطر این یاری به مقامی بلند خواهی رسید که هیچ کس از آن خبردار نبوده و نخواهد بود و مبادا این حمایت از بهائیان را تغییر دهی. درخواست حسینعلی از دولت روس، حمایت از بهائیان بوده است که این حمایت، ادامه داشته و دارد.

## 16. جاسوسی بهاء برای دولت روس و همراهی سفیر با او در تبعید

قرائن و شواهد و حمایت های جهت دار و تمام قد دولت روس از بهاء، روشننگر این حقیقت است که او تا ظهور باب، مزدور روس ها بوده و برای آنها جاسوسی کرده است، پس از آن نیز وفاداری خود را به روسها اثبات نمود و روسها نیز در روز نیاز و خطر، او را تنها نگذاشتند و در سفارتخانه (زرگنده)، پناهِش داده و از او حمایت شایان نمودند، هنگامی که بهاء قصد ترک ایران را داشت، مأموران و سفیر روس تا مرز، او را تحت الحفظ، همراهی نمودند. (3) کنسول روس، قبل از ترک ایران، از او خواست تا به روسیه برود و دولت روس از او

ص: 116

1-1. قرن بدیع، ص 168-169 «سفیر روس از بهاء الله به ودیعه پر بهاء یاد کرده است».

2-2. میرزا حسینعلی نوری، کتاب مبین، ص 12؛ قرن بدیع، ص 58؛ سیری در کتاب های بهائیان، ص 89.

3-3. انشعاب در بهائیت، ص 110-112.

پذیرائی خواهد کرد، ولی بهاء نپذیرفت و ترجیح داد که در بغداد حضور یابد. (1)

حمایت های جدی سفارت روس و گزارش هایی که به دولت روس درباره وضع بهائیان و شخص میرزا حسینعلی بهاء داده شده است، حیرت هر خواننده ای را بر می انگیزاند که چرا یک دولت، تا بدین حد، به مسائل چنین فرقه ای اهمیت می دهد؟ (2) سر این حمایت ها چیست؟ چرا سفارت یک دولت، به فردی آشوبگر و کسانی که قصد کشتن شاه یک کشور را دارند چنین توجه می کند؟ و اصولاً آیا وظیفه یک سفیر، در یک کشور، به این مسئله محدود می شود که از یک آشوبگر فکری و فرهنگی که امنیت یک کشور را مدت ها به مخاطره انداخته است، حمایت کند؟ چه هدفی پشت این سناریوی حیرت آور است؟ چرا سفر یک کشور در امور داخلی دیگر کشورها دخالت می کند و حکومت و صدراعظم را درباره فرد تروریست و جانی، مورد تهدید قرار می دهد؟ آیا نگران جان انسان ها است؟ اگر چنین است، پس چرا به انسانهایی که در مناطق مختلف، به وضع فجیعی کشته می شوند؛ توجه نمی کنند؟ تمام این سؤالات، حکایت از طرح و برنامه ای می کند که از قبل توسط دولت تزاری و استعمارگر آماده سازی شده و سفارت این کشور در حال اجرای آن طرح است. اگر تمام اسناد، فاقد وجهت و اعتماد قلمداد شود، تنها، حمایت های سفارت روس برای حفظ جان بهاء، پس از شرکت وی در ترور ناصر الدین شاه، بهترین مدرک برای دخالت هدف دار دولت روس، از بهائیت در ایران است.

## 17. حفظ آثار بهاء

محیط طباطبائی در یکی از مقالات علمی خود آورده است: «... اما در باره میراث ظاهری؛ که شامل است از اموال منقول، غیر منقول و مخلفات طریقتی عرفا مانند تیجان یا تاج ها و سایر حلیه های درویشی و دوازده پرده تصویر از شخص بهاء و صدها کاغذ به خط میرزا حسینعلی و اصول کتاب های بهاء که میرزا آقاخان در

ص: 117

---

1-1. جمال ابهی، ص 115-123؛ نامه ای از سن پائولو، ص 310.

2-2. همان، ص 311؛ فتنه باب، ص 154\_155؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 40.

حیات او مأمور تصحیح و چاپ آنها شده بود و مقداری مکاتیب متبادله با دیگران که در نزد خادم او، میرزا آقاخان بود و پس از مرگ خادم، آنها را در خانه سیدعلی افغان، تبعه روسیه تزاری، درون چند صندوق، امانت گذاردند و بعدها در اختیار عبدالبهاء قرار گرفت.»

(1) این مسائل که تبعه روس، امانت دار آثار بهائیان و از افراد مورد اطمینان آنان باشد، نمی تواند امری اتفاقی و بدون دلیل باشد؛ چرا که روس ها، با مراقبت از آثار باب و بهاء، به دنبال زنده نگه داشتن و دادن سابقه قداست، به بهائیت بودند، تا در حفظ این مرام، برای همیشه دلایل و آثاری داشته باشند. اگر چه افغان خویشاوند باب بود اما با روسیه نیز مرتبط بود که نفس حفظ آثار و رساندن آنها به عبدالبهاء سوال انگیز است وگرنه آن آثار باید در دست وارثان باب قرار می گرفت نه عبدالبهاء که رئیس بهائیان است. حفظ این آثار در نزد بهائیان به عنوان اشیاء مقدس و منتسب به باب امری مشکوک بوده و دخالت روس را در پیدایش بابیت و انتقال آن به بهائیت روشن تر می سازد.

## ج) علت حمایت روس ها از بهائیت

### اشاره

طبیعی است روس ها در پی ریزی این جنبش ها بدون مقاصد سیاسی و اقتصادی نبودند، آنان در ازای حمایت های جدی از این فرقه که هزینه های زیادی نیز برای آنان متحمل شده بودند، درصدد سهم خواهی از دولت ایران در مقابل تحرک رقبای خود بودند که به چند نمونه اشاره می شود:

### 1. ایجاد خدشه در وحدت تشیع

با پیدایش اختلاف عقیدتی در اکثر شهرها و دو دستگی مردم و خونریزی و برادرکشی در این مناطق، امنیت داخلی مخدوش شد. این ضعف داخلی و تنش در کشور، هم دولت را گرفتار معضلات می کرد و هم مردم را باهم درگیر می نمود. اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سبب می شد که این کشور استعمارگر، ملت ایران را مستعمره خویش سازد. پس از این، دولت

ص: 118



استبدادی که حمایت شده استعمارگران بود، امتیازات بی حد و حصری به آنها داد. کتاب «عصر بی خبری از این امتیازها گزارش مفصلی می دهد. این شورش ها مقدمه ای شد تا استعمارگران به اهداف بی شماری در ایران دست یابند. (1)

## 2. حذف کارگزاران استعمارستیز

استعمارگران همواره یکی از موانع پیشبرد اهداف و دستیابی به خواسته های خود را وجود افراد لایق و کاردان در ساختار سیاسی و حکومت جامعه ایران می دیدند؛ از این رو با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی جامعه، اقدام به حذف افراد شایسته از اداره کشور نموده و موانع را برمی چیدند. در فتنه بابت برای گرفتن زهر چشم از مردم و علما، امیر کبیر، قهرمان مبارزه با استعمار، از صحنه سیاست و حیات حذف گردید، (2) بدون وجود امیر کبیر و امثال او، دربار ایران محل تبادل امتیازات بیگانگان و بنگاه اقتصادی آنها بود.

(3) دولت های استعماری در این مدت تا ظهور قدرت پهلوی که دست نشانده آنها بود، بسیاری از ذخایر نفتی، امتیازات بزرگ شیلات، معادن، آثار فرهنگی، نسخه های خطی کتابخانه ها، آثار باستانی مناطقی مانند تخت جمشید، تخت سلیمان و ... را به غارت بردند که اکنون در موزه های آن کشورها، این مدارک و اسناد موجود است.

## 3. محو فرهنگ امید

فرهنگ امید به آینده، فرهنگی است پویا، احیاگر و برانگیزاننده که در جوامع شیعه همواره الهام بخش مبارزات و قیام های استعمارستیز بوده است. بی گمان امید به پیروزی در فرهنگ تشیع، الهام گرفته از آیات قرآن و منابع دینی است. (4) از جمله اهداف مهم و نتایج بسیار خطرناک اقدام استعمارگران در ایجاد بابت و

ص: 119

---

1-1. ر.ک: نامه ای از سن پائولو، ص 208، 224 و 235.

2-2. بهائیان، ص 618.

3-3. در این باره ر.ک: عصر بی خبری، ص 180-233.

4-4. قصص، آیه . نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض وتجعلهم أمة ونجعلهم الوارثین).

بهنایت و حمایت از آن، مخدوش کردن امید به آینده و مهدویت بود. آنان با مطرح کردن، معرفی و حمایت از جریان باب و بهنایت، در اندیشه فریفتن شیعیان بودند تا شیعه پس از اعدام باب، گمان کند که امام منتظر را اعدام کرده و امید شیعه محقق و دوره‌های جدید از تاریخ شروع گردیده است. با این ترفند آرمان‌گرایی از بین می‌رفت و امیدها قطع و انگیزه و انتظار از فرهنگ شیعه حذف می‌شد؛ آنها در صدد بودند تا بدین وسیله فرهنگ انتظار و امید را از جامعه شیعه ریشه کن نمایند؛ چنان که از عراق به عنوان کانون بزرگ شیعی، این فتنه را آغاز و پی‌ریزی نمودند<sup>(1)</sup> و در ایران و سرزمین‌های شیعه نشین، این مسئله را پی‌گرفتند.

#### 4. وهن جایگاه مرجعیت

از طرفی، آنها در صدد تخریب قدرت مرجعیت نیز بودند. آنان بیرق شیخیه را برافراشته و با طرح مسائلی مانند رکن رابع، آن قسمت از اندیشه مهدویت و انتظار که بنا بر آن، فقهای شیعه، نایبان عام معرفی شده و در دوران غیبت به عنوان پناهگاه مردم به شمار می‌آمدند و از سوی امام زمان راه نجات از بحر آنها و حوادث معرفی شده بودند،<sup>(2)</sup> هدف تیرهای زهرآگین استعماری خود قرار دادند. آنان چون قدرت نفوذ علما و فقهای شیعه را که در جنگ‌های دوره قاجار با فتوای شورانگیز دینی مردم را به جهاد علیه کفار تحریک می‌کردند؛ دیده و درک کرده بودند،<sup>(3)</sup> از این رو دلخوشی از این نیروی معنوی بزرگ نداشتند، لذا با ترویج اندیشه‌هایی چون شیخیه، تخریب مرجعیت را مدنظر داشتند، تا شیعه هرگز مرکز قدرت و محور اقتدار نداشته باشد و رویدادهایی مانند فتوای تحریم تنباکو که در مقابل غارتگری‌های آنها صادر شد، دیگر به وجود نیامده و رخ ندهد.<sup>(4)</sup>

ص: 120

1-1. تأسیس مکتب شیخیه در عراق بود.

2-2. «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا»، شیخ صدوق، اکمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 484.

3-3. تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ص 324.

4-4. فرهنگ جامع تاریخ ایران؛ ج 2، ص 432.

## 5. قداست زدایی از معارف و ارزش های دینی

از اهداف اساسی استعمارگران این بود که با ترویج کتاب های ساختگی، ارزش ها، معارف و منابع دینی از جمله قرآنکه نقشه راه زندگی انسانها خصوصا مسلمانان بود پوچ و بی محتوا جلوه دهند.<sup>(1)</sup> باب و جانشینان او با طرح ادعاهایی چون دریافت وحی و دارا بودن مقام نبوت و حتی الوهیت، به همه ارزش های الهام بخش اسلام و شیعه دست اندازی کردند. از جمله اقدامات آنان، برای کاستن از عظمت واقعه و شهدای کربلا معادل سازی آن واقعه بود تا آن واقعه فراموش یا کم ارج شود.<sup>(2)</sup> مطرح کردن مکانی در مقابل کعبه نیز از همین روی بود تا مراسم حج مسلمانان آسیب ببیند و فرهنگ حج مخدوش شود.

البه تیز تهاجم استعمارگران، از مهدویت آغاز و به ادعای مقام الوهیت انجامید.

آنان باب را «هیكل مقدس» یاد کردند،<sup>(3)</sup> توحید را به تمسخر می گرفتند و در پی آن بودند که این مطالب در سطح جامعه مرسوم شود.<sup>(4)</sup> بهائیان تمام احکام فقهی حلال و حرام را به استهزا گرفتند و احکامی جدید را در افکندند که مخالف تمام ادیان و مذاهب به ویژه احکام اسلام و تشیع بود. به عقیده آنان، با آمدن دین جدید، تمام احکام دین اسلام نسخ می شود. به راستی اینان اگر ادعای نبوت دارند چرا به زبان قوم خود سخن نگفته و کتاب نوشته اند و به زبان عربی که زبان قرآن و پیامبر اسلام است کتاب های خود را می نویسند؟!<sup>(5)</sup> باید از آنها که مدعی دین جدید هستند و ادعای خدایی نیز می کنند، پرسید که چگونه دین اسلام و ادیان توحیدی پیش از اسلام از خدایی بی شریک سخن می گویند ولی

ص: 121

---

1-1. ر.ک: نامه ای از سن پائولو، ص 242؛ تاریخ جامع بهائیت، ص 290؛ ر.ک: فتنه باب، ص 13، آیاتی از زبان باب که مدعی بود که آنها را خدا به او نازل کرده است و در برابر قرآن نقل نموده است، تا بدین وسیله جسارت به آیات قرآن در جامعه رایج و قباحت این کارها برداشته شود و هر کس بتواند مدعی وحی و... گردد.

2-2. تاریخ جامع بهائیت، ص 82 «ملا حسین بشرویه لقب ساختگی سیدالشهدا داشت».

3-3. نامه ای از سن پائولو، ص 255.

4-4. سیری در کتاب های بهائیان، ص 19.

5-5. فتنه باب، ص 99.

شما دینی آورده اید که خدایش نیز خودتان هستید؟ بنابراین، باید پذیرفت که دین ادعا شده، دینی ساخته از روی هوا و هوس بوده و عقل سلیم حکم می کند که باید از این دروغ بزرگ دست کشید و جدا شد. (1)

## 6. توسعه ارضی و راهیابی به آبهای آزاد

روس ها برای رسیدن به آرمان های دیرین و منافع اقتصادی و الحاق بخش هایی از خاک ایران به قلمرو خود، اقداماتی انجام داده و ناکام مانده بودند؛ از این رو

طرحی نوریختند و به آشوب های فرهنگی دست زدند، تا به آمال سیاسی و اقتصادی خود نایل شوند که تا حدودی در این جریان موفق شدند. آشوب های داخلی در ایران و کاستن از اقتدار حکومت مرکزی و از میان برداشتن رجال برجسته و ایجاد گسل های فرقه ای طی جنگ هایی که منجر به انعقاد معاهداتی شد. منجر به جداسدن و تصرف بخش هایی از خاک ایران گردید (2). و یکی از پیامدهای این تصرفات، رسیدن به آبهای ایران بود. نتیجه و درس عبرت با توجه به گزارش های سفیر روس تزاری، دولت استعماری روس با ایجاد جنگ روانی در میان عوام و خواص، اقدام به آشوب فکری و اختلاف افکنی کرده بود تا به اهداف خود نائل شود. از این اقدامات دشمنان می توان چنین درس گرفت که هرگز با اختلاف افکنی دشمنان به خودی ها بدگمان نشویم و آنها را متهم به دشمنی با خود نکنیم. این حرکت دشمن پسند، به عنوان خودکشی و قلع و قمع دوستان است. پس از انقلاب اسلامی، بسیاری از دوستان انقلاب با همین شیوه ها، از انقلاب دل زده شدند و به صف دشمنان رفته اند که باید از این ریزش ها جلوگیری شود تا دشمنان خشنود نشوند؛ به عنوان مثال برخی با غفلت و ناآگاهی با مسائل روبرو شده اند و با طرفداری از برخی جناحها و احزاب، بسیاری را با اتهامات واهی، از جمع حامیان انقلاب اسلامی خارج کرده اند؛ اگر

ص: 122

---

1-1. نامه ای از سن پائولو، ص 265-267؛ تاریخ جامع بهائیت، ص 330.

2-2. عصر بی خبری، ص 180.

سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) مورد ملاحظه قرار گیرد، آن حضرات با دشمنان سرسخت دین و معاندین با نرمش برخورد می کردند. روش و رفتار مهر آمیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا با برخی از بت پرستان، آنها را دلباخته آئین اسلام نمود. این روش های پیشوایان، بهترین الگوی عملی برای عموم مردم به ویژه مسئولان است. گفتگوهای مهربانانه و مشفقانه امام رضا (علیه السلام) با رهبران ادیان دیگر و مردم، بهترین الگو جهت مدارا با تمام یاران انقلاب و احزاب است. اختلافات حزبی و سلاقی، نباید به جایی منجر شود که دشمن بتواند از بین خانواده انقلاب، برای خود یارگیری و عضوگیری کند و جاسوس های خود را از بین خودی ها انتخاب کند. این برآیند و برخورد بسیار تأسف آور است. در دوره قاجار با توجه به وضع نابسامان اجتماعی، این رفتارها از سوی برخی بروز کرد که عده ای را که اصلاً بابی و بهائی نبودند، با اتهامات واهی، بهائی و باب معرفی کرده و با آنها قطع رابطه نمودند؛ (1) از جمله این افراد میرزا ابوالفضل گلپایگانی است، او که در سال 1290 در تهران دستگیر شده بود اعترافاتی داشته که بیانگر طرز برخوردی است که او را به ناچار به سوی بهائیت کشانده است. او در پاسخ به این سؤال که «با توجه به اقراری که داری، اینها باطل اند. پس به چه جهت با آنها معاشرت می کنی؟» گفته است: «اصل معاشرت بنده از روی اجبار بوده است برای حفظ نفس که ناچار یک طلبه فقیر با دو طایفه بزرگ نمی تواند معاشرت کند ... به واسطه اینکه اهل اسلام و آشنایان سابق از معاشرت بنده اجتناب داشتند، ناچار با بعضی از طایفه بابیه معاشرت کردم. تاکنون که به همان حالت باقی هستم». او درباره باییت عقیده داشت که، تردید ندارم که اینها باطل اند ... خدا لعنت کند رئیس و مرئوس آنها را (بایان و بهائیان را)». (2) عبدالحسین آیتی نیز از جمله افرادی بود که به خاطر تکفیر بی اساس برخی متعصبان مقدس نما، به جامعه بهائی نزدیک شده بود؛ او خود علت گرایش به این فرقه را برخورد نامناسبی که با او شده بود، می دانست وگرنه کسی که تحصیل کرده و از علمای بزرگ و

ص: 123

---

1-1. ر.ک: تاریخ جامع بهائیت، ص 442.

2-2. بهائی گری، ص 50-52.

فرزند محمدرضا مجتهد بوده است، چه عواملی سبب شده است که به سرنوشت بدی دچار و متهم به باییت یا بهائیت شود و سرانجام، آواره شهرها و کشورها باشد. (1)

باید از سرگذشت این افراد، درس عبرت گرفت و راهکارهایی برای پرهیز از

این دشمن تراشی داشت:

1. علل پیدایش این حوادث باید مورد توجه قرار گیرد و درس عبرت دیگران گردد؛ چون امروز نیز کم نیستند افراد تحصیل کرده در حوزه ها و دانشگاه ها که به انحراف کشیده و دشمن نظام اسلامی شده اند و علیه دین، تشیع، نظام و انقلاب یاوه سرایی می کنند.

2. درس دیگری که می توان از آن گرفت، این است که نباید هر کس که باب گفتگو و یا معاشرت با گروهی را باز کرد، متهم به دلبستگی به آن گروه شود و حکم تکفیرش صادر و معاشرت با او تحریم گردد، تا او در بن بست قرار گرفته و از سر ناچاری به گروه های منحرف پناهنده شود.

3. تهمت و افترا، قضاوت ناصحیح و عجولانه و تجسس های بی مورد درباره اسرار افراد، از نظر منطق قرآن محکوم و مردود است؛ (2) چون پیامدهای ناروا و ناشایست اجتماعی داشته و احتمال دارد جان و آبروی کسی در معرض نابودی قرار بگیرد و با یک تهمت، حکم ارتداد کسی صادر و به اعدام محکوم شود؛ از این رو ضروری است که از قضاوت عجولانه درباره افراد به شدت پرهیز شود.

4. جوانان برومند ایران زمین باید با توجه به این خودآگاهی تاریخی دریابند که نباید به راحتی فریفته فرقه های گمراهی چون بهائیت شوند که از آغاز پیدایش، سنگ نوکری بیگانگان را بر سینه زده اند. باید سطح شعور و آگاهی جوانان و توانایی علمی آنها تا جایی پیشرفت داشته باشد که از حيله ها و شبهات فکری و فرهنگی دشمنان مطلع شوند و از هویت و استقلال ملی و

ص: 124

---

1-1. کشف الحیل، ص 643\_645.

2-2. حجرات، آیه 12، «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن إن بعض الظن إثم ولا تجوا ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتا فکرموه و اقوا الله إن الله تواب رحیم).

فرهنگی خود پاسداری نمایند و از دام توطئه گران جهان، خود را در امان نگاه دارند.

5. با توجه به تأییدات و استنادات فراوان که در کتاب های دوره قاجار و بعد از آن نوشته شده است، تردیدی باقی نمی ماند که تشکیل فرقه های انحرافی بابت و بهائیت، از آغاز با حمایت و طرح های دولت روس شکل گرفته و امتیازات سیاسی و اقتصادی بی شماری برای آنها در ایران داشته است.

6. تعامل خصمانه روس تزار، در تاریخ گذشته با ایران، سوالات بسیاری را در ذهن تاریخی ملت ایران خصوصاً جوانان آگاه ایجاد می کند که چه دشمنی بین ملت مسلمان ایران با آنها بوده است که آنها جنایت و ظلم و خیانتی بزرگ را در ایران هدایت نموده اند؟ آیا این خیانت ها اکنون نیز ادامه دارد و دولت وقت روس با ظاهر دوستی، با مردم ایران دشمنی می کند؟ باید مسئولان، از گذشته نه چندان دور تاریخ ایران، درس عبرت بگیرند و به چنین دولت هایی اعتماد کامل نداشته باشند و در استقلال فرهنگی، اقتصادی و صنعتی کشور مدبرانه عمل کنند و به خودکفایی بیندیشند.

## انگلیس و بهائیت

### اشاره

انگلیس، کشوری است در سواحل شمال غربی اروپا؛ این کشور با دریای شمال، از شبه جزیره اسکانندیناوی و هلند و با کانال مانش، از فرانسه جدا می گردد؛ این کشور از دو جزیره اصلی تشکیل شده است، جزیره بزرگ، بریتانیای کبیر نامیده شده و شامل اسکاتلند، ولز و انگلیس است و دیگری جزیره ایرلند است که دریای ایرلند آن را از بریتانیا جدا کرده است. ایرلند شمالی، جمهوری ایرلند نامیده می شود. (1) تاریخ بریتانیا و امپراطوری آن بر مبنای استثمار و برده فروشی و توهین به کرامت انسان نهاده شده است. (2). تجارب گذشته و صفحات تاریخ و

ص: 125

1-1. مینا محمدی، جغرافیای کامل کشورهای جهان، ص 14.

2-2. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج 10، ص 79؛ طی عهدنامه او ترشت (1713) انحصار تأمین برده های آفریقایی برای اسپانیا، اروپا و آمریکا به انگلیس داده شد. این برده ها در تولید محصولات چوبی و توتون و ... به زور به کار گرفته شدند. دسترنج آنها به تجار انگلیس رسید و آنها از این سودهای نامشروع، به تقویت دریاگردی و دریادزدی می پرداختند و به مستعمرات و تصرفات فرانسه در آمریکا دست یازیده و به تدریج به سوی آسیا و کشورهای اسلام با همین مینا و ثروت طلبی راه یافتند.

رویدادهای گذشته ایران، حاکی از دخالت های دولت استعمارگر انگلیس، در آشوب ها و اختلافات و فرقه گرایی ها است. پدیده صهیونیسم، بنیانی فکری است که از حلقوم انگلیس در عرصه جهانی پدیدار گشته است. کشور اشغالگر و غاصبی که امروز در فلسطین، اسرائیل نامیده می شود، مدیون تلاش های تجزیه طلبانه انگلیس، در جهان اسلام، علیه امپراطوری عثمانی است. بی تردید اهدافی دراز مدت در پشت پرده این معماری استعماری وجود داشته است.

## 1. سلطه جویی انگلیسی ها در ایران

منافع و اهداف استراتژیک استعمار پیر در مناطقی نظیر هندوستان

(1) ایجاب می کرد که در ایران نیز نفوذ داشته باشند. آنها در این راستا چندین رقیب داشتند: رقبای اروپایی مثل فرانسه، رقبای آسیایی مثل عثمانی و روسیه که طعمهای مثل ایران برای آنها بسیار شیرین تر و لذیذتر از آن بود که سهمی در آن نداشته باشند.

عثمانی از نظر فرهنگی و ایدئولوژی با ایران اختلاف و نزاع دیرین داشت. (2) دولت ایران، گاهی به جهت پیروزی در قبال عثمانی، از انگلیسی ها در عصر صفوی استمداد جسته (3) و به مقاصدی دست یافته بود. اهمیت ایران از جهات مختلف و تسلط به دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان، برای انگلیس بیشتر از هر جا بود. آنها به سواحل جنوبی ایران و آب های نیلگون خلیج فارس چشم دوخته بودند (4) و از راه نفوذ کمپانی هند شرقی، همیشه در این منطقه دخالت می کردند.

ص: 126

---

1-1. مهمترین اهداف دیرین انگلیس، تجزیه قلمرو عثمانی و پیشگیری از گسترش آن در اروپا، سلطه در کشورهای اسلامی، توسعه مستعمرات، جلوگیری از هجوم رقبای خود به مستعمره آنها (هند) از خاک ایران و اهداف اقتصادی ای بود که در آینده خلیج فارس می دیدند.

2-2. راجر سیبوری، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی، ص 99\_123.

3-3. همان، ص 120-123.

4-4. جورج کرزن می نویسد: «ما حافظ امنیت خلیج فارس هستیم، ولی روس ها دریای خزر را ناامن کرده اند و در آنجا ظلم و استبداد می نمایند.» ایران و قضیه ایرانی، ج 2، ص 554\_855.



انگلیسی ها از دوره زندیه و افشاریه، مناطق جنوبی ایران را پایگاه آینده استراتژیک خود می دانستند و بارها از حاکمان زندیه می خواستند تا قلمرو کنسولی شان را از بندرها و سواحل جنوبی، به داخل ایران گسترش دهند، اما زمینه مساعد نبود. (1) در دوره قاجاریه تنش های داخلی و رقابت های شدید کشورهای غربی در افزایش مستعمرات، دولت استعماری انگلیس را بر آن داشت تا در این مناطق نیروی نظامی نیز داشته باشد که از حد تجاری تجاوز می کردند. از طرفی با تحریک حاکمان افغان، افغانستان را نیز دستخوش ناآرامی و طغیان کرده و زمینه های تجزیه را هر چه بهتر فراهم کردند. سرانجام به کمک نیروی نظامی، موفق شدند سال ها در این منطقه مستقر شده و افغانستان و قسمت های دیگری از خاک ایران را تجزیه کنند و به اهداف استراتژیک و اقتصادی شوم خود دست یابند، لذا برای سلطه کامل، لازم بود اهداف فرهنگی نیز داشته باشند.

انگلیسی ها با مطالعه دقیقی که درباره همبستگی و علل انسجام فرهنگی ایرانیان داشتند، برنامه هایی برای گسستن آن در پیش گرفتند. اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران نیز مدنظر آنها بود تا براساس آن بستر تسلط بر ایران را فراهم سازند و به هر وجه ممکن، جهت کوتاه کردن دست روسها از ایران تلاش نمایند.

امتیازات فراوان اقتصادی که انگلیسی ها از پادشاهان قاجاریه، خصوصا در عهد ناصری از ایران گرفتند، (2) مقاومت ها و مبارزات علمای شیعه و لغو برخی از امتیازات، از عوامل مهمی بود که آنها را برای تهاجم فرهنگی و نشانه گرفتن اصول و ارزش های بنیادی تشیع مصمم نمود. نفوذ آنها در عهد قاجار به اوج خود رسید، به گونه ای که توانستند رقبای دیگر را از گردونه رقابت بیرون کرده و از هر فرصتی استفاده ابزاری نمایند. از جریان مشروطیت، با سرکوب کردن و

ص: 127

---

1-1. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 84-83.

2-2. عصر بی خبری، ص 180\_236.

منحرف ساختن آن، به سود خود بهره بردند.<sup>(1)</sup> سرانجام با نفوذ در بین نمایندگان مجلس مشروطه، حکومت قاجاریه را منقرض و حکومت کاملاً وابسته به خود را، در ایران حاکم نمودند و با تصویب قراردادی نظیر «1919»، توانستند ایران را از جمله مستعمرات خود به حساب آورند.<sup>(2)</sup>

فتنه مذهبی و اجتماعی بابت در ایران که به آشوب فرهنگی و اجتماعی فراگیر منجر شد، از مناطق جنوبی مثل بوشهر و شیراز که پایگاه انگلیسی ها بود آغاز و به استان های اصفهان، مازندران، خراسان،<sup>(3)</sup> مرکزی، زنجان، قزوین، آذربایجان و یزد کشیده شد<sup>(4)</sup> که کاملاً به سود انگلیسی ها بود؛ از این رو پس از سرکوب بابت آنها علاوه بر حمایت های بسیار پنهانی از این فرقه، در شکل گیری و رونق بهائیت، رسماً سرمایه گذاری کردند.<sup>(5)</sup>

تصرف مناطقی از خاک ایران، انگلیس را به حفظ مستعمره افسانه ای خود هندوستان حساس نمود و باعث شد که برای حفظ آن، نقشه تجزیه از شرق و

تسلط بر جنوب را در سر پیروانند.<sup>(6)</sup>

تا انقراض دولت قاجاریه، به ویژه دوره محمدعلی شاه، سیاست روسها دخالت در امور داخلی ایران بود. حمایت از استبداد و وابستگان روسیه در به قدرت رسیدن و صدارت آنان، برکنار شدن صدراعظم هایی همچون امیر کبیر و قتل قائم مقام نیز، از مسائلی است که منافع روس ها را حفظ می کرد؛ لذا دست داشتن آنها در این قضایا روشن است.<sup>(7)</sup> سرکوب علنی مشروطه و حمایت

ص: 128

- 
- 1-1. تاریخ سیاسی معاصر، ص 108، 133 و 136.
  - 2-2. همان، ص 143.
  - 3-3. ناسخ التواریخ قاجاریه، ج 3، ص 1010 و 1028.
  - 4-4. المآثر و الآثار، ج 1، ص 132، ص 135، ناسخ التواریخ قاجاریه، ج 3، ص 89-97 و 1060، سلطنت علم و دولت فقر، ص 27.
  - 5-5. تاریخ جامع بهائیت، ص 323.
  - 6-6. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 234 و 237.
  - 7-7. ابراهیم فائق، آشنایی با قائم مقام فراهانی بزرگ مرد تاریخ ایران، (نقل به تلخیص). خان ملک ساسانی، سیاست گران دوره قاجار، سیرجان کمپل (وزیر مختار انگلیس با او اختلاف داشت. گاهی به مشاجره هم می کشید. او از قائم مقام به عنوان آفت و طاعون نام می برد و می گوید: «ما احمقانه تصور می کردیم که در جنگ استدلال، بر قائم مقام فائق می آیم»). (نقل به تلخیص).

آشکار از آشوب های فتنه بابت، سیاست روس ها بود تا از رقیب خود سبقت بگیرند.

(1) آنها در سایه آشوب بر آمده از فتنه بابت و حمایت علنی از آن، عقاید مردم را هدف اصلی خود قرار دادند که در رأس آن تخریب و نابودی اندیشه مهدویت در ایران بود؛ (2) اندیشه ای که به شیعه برای مقاومت، پایداری و مبارزه امید میداد و تشیع را یک مکتب زنده سازش ناپذیر مطرح می کرد که با منافع استعمارگران در ستیز بود.

دولت بریتانیا برای آنکه در طرحهای استعمارگرانه و پیگیری اهدافش،

راهبردهای او در آینده علنی نشود روش محافظه کارانه و محرمانه ای را در پیش می گیرد. این روش، سیاست استعمارگر پیر است. سیاست دیگر انگلیس بردباری و صبر طولانی در چنین مسائلی جهت بهره گیری در آینده است. آنان در قضیه فرقه سازی ها، دست مرموزی در کشورهای اسلامی دارند و به این وسیله استقلال کشورهای اسلامی را از بین برده و بر آنها مسلط شده اند تا به غارت و استثمار منابع و ذخایر زیرزمینی و تخریب فرهنگشان پردازند. وقتی به شبه قاره راه یافتند، در میان امت اسلام فرقه «قادیانیه» را به وجود آوردند. از همین روی، رهبر قادیانیه آشکارا از آنها تقدیر کرده و ملکه انگلستان را «ظل الله» دانسته است. (3)

دولت انگلیس و روس گرچه در ظاهر باهم رقیب بودند، اما در خفا جهت دستیابی به اهداف مشترک، هماهنگ عمل می کرده اند، چنان که دالگورکی (سفیر و جاسوس روس) در اعترافات خود چنین می نویسد:

.. هنگامی که کشتی های انگلیس جزیره خارک را اشغال کردند و باعث

ص: 129

---

1-1. نامه ای از سن پائولو، ص 324\_303.

2-2. همان، ص 121 و 304.

3-3. شیخ احمد قادیانی، روحانی خزائن، ج 12، ص 299. چنان که رهبران بابت و بهائیت از دولت روس تشکر می کنند. ر.ک: بهائیان، ص 632.

اختلافاتی در ایران شدند، روسیه هیچ مساعدتی از دولت ایران نکرد و دولت ایران با کمال یأس، مجبور به ترک فتوحات شد و بدون گرفتن هیچ نتیجه‌ای ارتش خود را از سرزمین افغان عقب راند و در طی این مذاکرات، بر من معلوم گشت که اکثر مسئولان ما، رابطه سری با دولت انگلیس دارند...» (1) و نیز معترف است که، «ما با بریتانیا در نابودی قائم مقام، یکدل بوده ایم. چون مصالح مشترک اقتضا می کرد که چنین سیاستی را در پیش گیریم» (2).

از جمله منافع مشترک آنها، طمع به اراضی و مسائل اقتصادی بود. همان طور که انگلیس در هند، برای رسیدن به این مقصود، پس از کمپانی تجاری و دستیابی به امتیازات اقتصادی، به تدریج تمام آن کشور را مستعمره خود نمود (3) از طریق افغانستان و مرزهای هند، در ایران اهداف استعماری خود را دنبال نمود.

دیگر هدف مشترک آنان، تقسیم قلمرو امپراطوری عثمانی بود که به این هدف نیز دست یافتند. مدت ها کشورهای خاورمیانه، مستعمره این کشورها بودند و بعدها نیز دولت بریتانیا در دولت های این کشورها مداخله می کردند. اردن، عراق، مصر، سوریه، عربستان و... تحت استعمار کشورهایایی مثل انگلیس فرانسه و روسیه بودند.

این دو قدرت استعماری به دلیل رقابت، برای دستیابی به منافع بیشتر و

اهداف خاص خود، تلاش های جداگانه ای نیز انجام می دادند، لذا سیاست های استعماری خاص آنها، برای رسیدن به هدف های ویژه ای که در ایران داشتند، اقتضا می کرد تا علاوه بر نکات اشتراک، به مسائل ویژه خود نیز توجه کنند. برای مثال، معروف است که انگلیسی ها در جریان مشروطه از مشروطه خواهی حمایت و پشتیبانی می کردند، اما دولت روس مخالف بود و از برگشت استبداد

ص: 130

---

1-1. خاطرات دالگورکی، ص 45 و 46.

2-2. همان، ص 30 و 33.

3-3. نامه ای از سن پائولو، ص 304.

و برگشت محمدعلی شاه حمایت جدی می کرد.<sup>(1)</sup> منازعه بر سر تعیین حاکم بر ایران بین دو قدرت ادامه داشت، تا اینکه سرانجام انگلیس بر رقیبش پیشی گرفت و با همفکری بهائیان، حاکم مناسب مشخص شد و طی کودتایی به قدرت رسید.

وجه تفاوت اهداف و چهرهء استعماری و استکباری انگلیس با روس، وقتی روشن می شود که بابت پس از پایه ریزی در شکل و لباس دیگری به نام بهائیت استمرار می یابد و به طور علنی از حمایت های سیاسی و مالی انگلیس برخوردار می شود. انگلیس، مشروطه را منحرف کرد و با ایجاد زمینه های کودتا و به دست گرفتن امور مجلس ایران، دولت قاجاری را منقرض نمود و با انعقاد قرارداد 1919، ایران را به طور رسمی مستعمره خویش اعلام کرد.<sup>(2)</sup> و بخش هایی از این کشور را به تصرف خود در آورد. در جنوب کشور ایران و بنادر جنوبی و مناطق نفت خیز، جنگ به راه انداخت و به استخراج و غارت نفت ایران اقدام نمود.<sup>(3)</sup>

## 2. انگلیس و پیدایش بهائیت

اگرچه در جریان پیدایش باب، رد پای دولت انگلیس بسیار محرمانه بود، اما با سابقه ای که از انگلیسی ها در تاریخ و خصوصاً تاریخ ایران وجود دارد، نمی توان نقش آنها را پنهان داشت. براین اساس، استعمار پیر به سبب اهداف مشترک، با روسیه همکاری نزدیک داشته و مجری طرح های از پیش تهیه شده بوده و در

حفظ منافع همدیگر کوشا بوده اند. در ادامه به برخی از شواهدی که نشان از

نقش انگلیس در پیدایش بهائیت دارد، اشاره می شود:

.. حمایت آشکار انگلیس از این فرقه پس از انشعاب، بهترین دلیل بر وجود دست های پنهان این استعمارگر در پیدایش بابت است؛ انگلیس از بهاء الله و افرادی چون عباس افندی، بعد از انشعاب، حمایت سرسخت نمود، تا جایی که

ص: 131

---

1-1. تشیع و مشروطیت در ایران، ص 291؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج 7، ص 1382-1387

2-2. تاریخ سیاسی معاصر، ج 1، ص 143-147.

3-3. عصر بی خبری، ص 200.

آن شاخه از بابت که میرزا یحیی رهبری آن را به عهده داشت، به طور کلی متروک شد و نهال اصلی مورد توجه قرار گرفت، آنگاه شاخه های آن در فلسطین، عراق و نقاط دیگر بارور گردید. از این روند می توان نتیجه گرفت که اساسا انگلیسی ها این سناریوی از پیش تعیین شده را اداره می کرده اند؛ در این میان از دولت روس و عثمانی نیز به سود خود یا به سبب اهداف مشترک، استفاده ابزاری نموده اند. با توجه به گزارش ها و حمایت های آشکار(1) سفیر روس و انگلیس از میرزا حسینعلی بهاء و برادرش، می توان گمان برد که انگلیسیها و روس ها پیش تر با او مرتبط بوده اند؛(2) از همین روی می توان گفت بهاء توسط دولت استعماری انگلیس، به طور کامل مورد حمایت واقع شد؛ از این رو بعید نیست که در همان موقع برای انگلیسیها جاسوسی کرده باشد.(3) سفیر روس خود معترف است که، سیرجان ملکم، وزیر مختار انگلیس، تمام کارها، روابط و مسائل شخصی او را زمانی که در ایران بوده، می دانسته است.(4) در کتاب های نوشته شده توسط خود بهائیان اسناد و مدارکی وجود دارد که نشان دهنده ارتباط سران بهائیت با انگلیس بوده و گویای این نکته است که بهائیت در پیدایش خود، مورد توجه و حمایت انگلیس بوده است؛ شوقی افندی در این زمینه می گوید: «کلنل سر آرنولد باروز کمبل که در آن اوان، سمت جنرال قونسولی دولت انگلستان را در بغداد حائز بود. چون علو مقامات حضرت بهاء الله را احساس نمود، شرحی دوستانه به ساحت انور، تقدیم و به طوری که هیکل اطهر، بنفسه الاقدس شهادت داده، قبول حمایت و تبعیت دولت متبوعه خویش را به محضر مبارک پیشنهاد نمود، و در تشریف حضوری نیز متعهد گردید که هرگاه وجود اقدس، مایل به ارسال پیامی به "ملکه ویکتوریا" باشند، در

ص: 132

---

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 105.

2-2. خاطرات دالگورکی، ص 29.

3-3. بهائیان، ص 652-653.

4-4 همان، ص 43.

مخابره آن، به دربار انگلستان اقدام نماید. حتی معروض داشت حاضر است ترتیباتی فراهم سازد که محل استقرار وجه اقدام، به هندوستان یا هر نقطه دیگر که مورد نظر مبارک باشد تبدیل یابد»<sup>(1)</sup>.

2. علی محمد باب، چنان که پیش تر گفته شد، قبل از رفتن به عتبات، در بندر بوشهر به مدت پنج سال اقامت کرد و به تجارت مشغول شد. با توجه به سیاست انگلیس و شناختی که از آنها وجود دارد، گمان می رود که او در این مدت با انگلیسی ها مرتبط بوده و دوره های لازم را آموزش دیده است تا فرقه بابت شکل بگیرد. باب پس از مراجعت از بندر، برای زیارت به عتبات عازم شد و پس از حضور کوتاه مدت در کلاس درس شیخیه و آشنایی با افکار آنها پس از مرگ رشتی که مورد توجه او بود، برای آغاز دعوت به طرف ایران آمد و از بندر بوشهر وارد شیراز شد.<sup>(2)</sup> او از ترس جان خود و سرزنش اهالی شیراز و علمای آنجا، زیر چتر حمایتی روسها و منوچهر خان گرجی، حاکم اصفهان (تبعه روس)، قرار گرفت.<sup>(3)</sup> با تأمل در این قضایا، دست مرموز انگلیس نیز آشکار خواهد شد. آیا حضور علی محمد باب در بندر بوشهر، تصادفی بوده یا بر اساس برنامه های از پیش تعیین شده و به نقشه انگلیسی ها بوده است؛ که با همکاری روس ها فرقه ای را در میان شیعه برای ایجاد تفرقه به وجود آورده اند، تا بدین وسیله به آرزوهای اقتصادی و استعماری خود دست یابند. مطالبی که بعد از این می آید، قضیه را شفاف تر و چهره مرموز انگلیس را آشکارتر می کند.

3. بر اساس مدارک، از جمله اولین کسانی که باب را دید و به او ایمان آورد، سید بصیر هندی<sup>(4)</sup> است، او که از اتباع هندی وابسته به کمپانی انگلیس بوده، از

ص: 133

- 
- 1-1. قرن بدیع، ص 273.
  - 2-2. در این زمان جنوب ایران به ویژه بندر بوشهر محل حضور کمپانی های انگلیسی بود.
  - 3-3. فتنه باب، ص 94-95. تا منوچهر خان زنده بود کسی نتوانست بر باب دست یابد؛ همان، ص 97.
  - 4-4. سید بصیر هندی از پیروان فرقه روشنیه بود که در شبه قاره هند به وجود آمده بود و نام کتاب آنان «بیان» همنام کتاب باب بود. او از وابستگان کمپانی هند شرقی (متعلق به انگلستان بود. او پس از باب از مدعیان جانشینی باب بود. ماهنامه گوهر، سال چهارم شماره 7، مسلسل 43، ص 556.

4. مورخ و پژوهشگر تاریخ معاصر می نویسد:

پس از آنکه باب به بوشهر برگشت، عمال زیرک هند و انگلیس، باب را در ایران برای رسیدن به اهداف سیاسی خود علم کردند و در ایمان آوردن مردم ساده لوح به او کمک نمودند و هواداران او را با پول هایی که از طرف عمال کمپانی انگلیسی هند بود، مورد حمایت قرار دادند. (2)

آنان با این پولها عده ی فراوانی را به دور باب گرد آوردند که با توجه به فقر اقتصادی این دوره، مردم با دیدن این پولها مرید باب شدند. انگلیسی ها در پشت صحنه از او حمایت نمودند، تا اینکه قضیه باب در تمام ایران منتشر شد و اکثر شهرهای ایران ناامن گشت. شورش مردم زنجان به رهبری ملا محمدعلی زنجان، از شمار درگیری هایی بود که دولت مرکزی را ناتوان ساخت. (3)

.. به دنبال شورش بابیان زنجان به رهبری ملا محمدعلی، او نامه ای به سفیر انگلیس نوشته و درخواست می کند که با نفوذش در دولت ایران، حمایت دولت را از او در مقابل مخالفانش بطلبد. (4) آیا ارتباط زنجان با سفارت انگلیس بدون سابقه قبلی تصورشدنی است؟ در صورتی که سفیر روس، با آگاهی از این ارتباط، اظهار می کند که سفیر انگلیس، از مداخله در این مورد امتناع می نماید؛ امتناع انگلیس از مداخله برای خاموش شدن فتنه، بی هدف نمی تواند باشد:

.. رهبر آنان محمد علی، به سفیر ترکیه (سمیع افندی) و همچنین به کلنل شیل (سفیر انگلیس در ایران) مراجعه و از او خواهش وساطت کرده است، لیک همکار انگلیسی من معتقد است که بعید به نظر می رسد دولت ایران حاضر بشود

ص: 134

1-1. همان.

2-2. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 200-260.

3-3. سلطنت علم و دولت فقر، ص 27؛ ناسخ التواریخ قاجاریه، ج 3، ص 89؛ فتنه باب، ص 49.

4-4. بهائیان، ص 216؛ تاریخ جامع بهائیت، ص 336. در گزارش سفیر انگلیس به آرد، این نامه نگاری قید شده است. نامه ای از سن پائولو، ص 226.



که دول خارجی در این مورد، به کمک این فرقه وارد مذاکره شوند...» (1).

از این روی گزارش شورش ها در شهرهای آشوب زده، کار انگلیس و روس بوده است، محمدعلی زنجانی با دشوار شدن وضع و مداخله قوای دولتی به وحشت افتاد و برای نجات خود دست به دامن آنها (استعمارگران) شد. از آنجا که این جنگ با دسیسه انگلیس و روس به راه افتاده بود، بی گمان با مداخله آنان دولت به صلح روی می آورد و آشوب ها فروکش می کرد، اما چون دستیابی به منافع آنان در سایه ناامنی می بود تظاهر نمودند که دولت با دخالت ما حاضر به کناره گیری و صلح نخواهد شد و با این بهانه از میانجی گری خودداری کردند. با این تحلیل به خوبی روشن است که آنها بیشتر به جنگ و اختلاف و خونریزی و برادر کشی مایل بودند تا ایجاد صلح و آشتی، بنابر این دست مرموز روس و انگلیس در پیدایش اساس باییت و استمرار آن (بهائیت) به شکل جدید، کاملاً نمایان و قطعی است، چون وقایع بعدی این مداخله را بیش از پیش آشکار می کند. (2)

6. بر اساس اسناد به دست آمده، سفیر انگلیس، وقایع شورش باییان، عقاید باییت و سید علی محمد باب را با دقت به لندن گزارش داده است. او با ارسال گزارش هایی، چنین پیش بینی کرده بود که اگر باب اعدام شود، باب های دیگری در راه خواهند بود. (3) از گزارش های دقیق سفیر بریتانیا، چنین بر می آید که او دقیق تر از سفیر روس بوده و قضایا را از نزدیک پی می گرفته و از جلسات محاکمات باب در تبریز نیز اخباری به مرکز اعلام می کرده است. (4)

7. گزارش دیدار بهاء الله با کلنل سر آرنولد باروز کمبال، کنسول انگلیس در

ص: 135

1-1. بهائیان، ص 620؛ تاریخ جامع بهائیت، ص 336.

2-2. همان، ص 324\_325. حمایت های دولت انگلیس از بهائیت و پناه دادن به عبدالبهاء و حمایت از آنان در فلسطین و ... هزاران دلیلی است که انگلیس از آغاز تشکیل باییت خبر داشته است که آنها از این دولت قدردانی و ثناگویی کرده اند.

3-3. همان، ص 331.

4-4. همان.

بغداد که بهاء الله توسط او مورد لطف قرار گرفته، به خوبی گویای این مطلب است «... علو مقامات حضرت بهاء الله را احساس نمود شرحی دوستانه به ساحت انور تقدیم و به طوری که هیکل اطهر بنفسه الاقدس شهادت داده قبول حمایت متبوعه خویش را به محضر مبارک پیشنهاد نمود و در تشریف حضوری نیز متعهد گردید که هرگاه وجود اقدس مایل به ارسال پیامی به ملکه ویکتوریا باشند در مخابره آن به دربار انگلیس اقدام نمایند حتی معروض داشت حاضر است ترتیباتی فراهم سازد که محل استقرار وجه قدم به هندوستان و یا هر نقطه دیگر که مورد نظر مبارک باشد تبدیل یابد» (1) این سند که از آثار خود بهائیان ارائه می شود دقیقاً از ارتباط بهائیت با انگلیس پرده برمی دارد و نشان می دهد که از ابتدای شروع بهائیت، دولت انگلیس از بهائیت حمایت کامل نموده است.

8 دولت انگلیس نیز همچون دولت روس با اعدام باب مخالف بود. (2) از گزارش سفیر انگلیس چنین بر می آید که دولت متبوعش کاملاً با اعدام و نابودی بایان زنجان و دیگر شهرها مخالف بوده است و در این مورد به امیر کبیر نامه ای نوشته بود تا او را از اعدام چهار تن از بایان زنجان منصرف کند. او کوشید تا در گزارش های خود اوضاع ایران را بسیار نا آرام و باییت را در اوج گسترش، نشان دهد. بزرگ نمایی این ماجرا و گزارش ترور شاه، توسط بایان نیز در بین گزارش های او به چشم می خورد. (3)

9. دولت انگلیس در به قدرت رسیدن خاندان پهلوی و به آشوب کشانیدن

ایران نقش اول را ایفا کرد و با حمایت از چهره های بابی و بهائی منافع خویش را در ایران پی گرفت، آنان را به قدرت رساند و تا جایی از آنها حمایت کرد که قلب سرزمین اسلامی (فلسطین)، پایگاه امنی برای آنها شود. (4)

ص: 136

---

1-1. قرن بدیع، ص 273

2-2. همان، ص 336.

3-3. همان، ص 341.

4-4. امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، ص 282.

10. در دوره حکومت پهلوی، بهائیان در ایران به مهم ترین سازمان سیاسی و فرهنگی تبدیل شده و در بسیاری از نهادهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نفوذ کرده و مورد حمایت انگلیس بودند. (1)

11. عمال انگلیس، در حمایت از چهره های این فرقه منحرف، آنها را تا رسیدن به مراکز حساس و تصمیم گیرنده قدرت، برای حفظ منافع خویش در ایران حمایت کردند و افرادی چون هویدا، منصور و دیگر چهره های سیاسی

حامی بهائیان را در پست های کلیدی قرار دادند. (2)

12. تشکیل فراماسون نیز، از فعالیت های انگلیسی ها برای جذب نخبگان و

انحراف آنان و ایجاد فتنه در میان شیعه بود. (3) این تشکیلات در تمام کشورهای جهان اسلام به راه افتاد، تا افکار را استثمار کنند؛ (4) بنابراین انگلیس سابقه ای جز استثمار و غارت در کشورهای اسلامی به ویژه ایران ندارد.

13. محققان و پژوهشگران بزرگ، به این حقیقت در آثار خود اذعان نموده اند. (5) انگلیس، فراماسونری را نیز در راستای همان هدفی که در حمایت از شکل گیری بهائیت تعقیب می کرد، تأسیس نمود؛ ضربه زدن به روحانیت و مرجعیت شیعه، هدف اصلی انگلیس بود که با نقاب فراماسونی و بهائیت در پی آن بود. (6)

### 3. تعامل بهائیت با انگلیس

بی گمان دولت استعمارگر انگلیس، از جمله دولت هایی است که در نزد ملتها از جایگاه منفوری برخوردار است؛ اذهان تاریخی ملت ایران و مبارزات تاریخی

ص: 137

---

1-1. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 385؛ انشعاب در بهائیت، ص 144-130.

2-2. در این باره ر.ک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 272 و ج 2، ص 370-2 و انشعاب در بهائیت، ص 167-124.

3-3. سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج 3، ص 79\_75.

4-4. تاریخ سیاسی معاصر، ج 1، ص 77.

5-5. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ج 2، ص 213.

6-6. نهضت امام خمینی، ج 3، ص 100.

نشان می دهد که چهره مثبتی از این دولت در نزد ملت ایران نیز وجود ندارد؛ جنایات و خیانت های این دولت در کشور ایران کم نیست. استمرار رفتار خائنانه دولت استعماری انگلیس، هنوز نیز محسوس است؛ ملت ایران و منطقه، گرفتار دامنه همان توطئه هستند. جدایی قسمت هایی از خاک ایران (1) (افغانستان)، از نتایج دخالت های استعماری است که هنوز نیز آسیب های آن ملت مسلمان افغانستان را رنج می دهد. زمانی انگلیس و روس و مدتی نیز آمریکا و نوکران او مثل طالبان، امنیت این قسمت از خاک ایران را از بین بردند؛ بحرین جدا شده از پیکره ایران، در آتش توطئه ای می سوزد که انگلیس سال ها پیش تجزیه آن را از ایران برنامه ریزی کرده است.

انگلیس و روس دو رقیب مهم، برای تسلط به ذخایر معدنی و منابع نفت ایران بودند (2) و هر دو در تجزیه خاک ایران نقش داشته، سبب شدند قسمتهایی از خاک ایران جدا شده و ضمیمه روسیه شود. (3) برخی از این مناطق عبارتند از: منطقه قفقاز، گرجستان، ارمنستان، نخجوان، قره باغ (4) و بخش هایی از بلوچستان ایران که توسط انگلیس از ایران بریده شد و مدتها مستعمره انگلیس بود. (5)

در پیدایش بهائیت و شکل گیری آن، دولت انگلیس علی رغم پنهان کاری های حساب شده و دقیق و با آگاهی، حمایت های آشکاری از این فرقه کرده است. اگر وقایع سال های وقوع جنگ های ایران و روس، جدایی بخش هایی از ایران و الحاق آن به روسیه، محاصره هرات و اشغال شهرهای جنوبی ایران توسط قوای انگلیس ها را مورد ملاحظه قرار دهیم، در خلال این سال ها و آشفتگی های سیاسی و اجتماعی، جریانی به نام بابیت از دل سرزمین های مورد اشغال انگلیس

ص: 138

---

1-1. تاریخ معاصر ایران، کتاب اول، (مجموعه مقالات اسناد منتشر نشده از مسئله هرات و افغانستان، ص 208.

2-2. همان، کتاب پنجم، ایران و قدرت های بزرگ، ص 43.

3-3. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 108.

4-4. همان، ص 89\_109.

5-5. همان، ص 139-149، 177\_178.

(جنوب ایران) رویش می کند. در همان سال ها ادعاهای باب، شورش های بایان، شورش فرقه آقاخانیه (اسماعیلیه) و شورش فرقه نقشبندیه نیز در این میان با تحریک انگلیس صورت می گیرد.<sup>(1)</sup> از این رویدادهای پیوسته، بر می آید که روس و انگلیس، در ایجاد بحران های اجتماعی و فرهنگی ایران دخالت های سری داشته و انگلیس در این شورش های فرقه ای دست داشته است. حمایت های سفرا و کنسول های دو دولت از این جریانات، بهترین گواه خیانت پیشگی آنان به تاریخ ایران است.<sup>(2)</sup> سفیر روس درباره جاسوسی ها و پنهان کاری های انگلیسی ها چنین گفته است:

روزی سر جان ملکم، درخواست کرد تا با من و فرزندم «علی کنیاز» دیداری داشته باشد، تا با همدیگر قلیان بکشیم. معلوم شد که جناب سفیر انگلیس، یعنی سر جان ملکم، از تمام اوضاع سفارت روس باخبر است و حتی از کارهای شخصی و اوضاع داخلی من نیز باخبر است.<sup>(3)</sup>

علاوه بر این دو دولت روس و انگلیس علی رغم رقابت بر سر ایران، به خاطر داشتن هدف مشترک با همدیگر، در برخی از مسائل مشورت و تبادل نظر و هم گرایی داشتند. با توجه به نقل سفیر روس، بر اساس قراردادی که بین دولت ایران و روس وجود داشت، روسها متعهد بودند که در صورت اشغال مرزهای ایران و تصرف هرات، از ایران حمایت نظامی و دفاعی کنند؛ همچنین در اشغال جزیره خارک توسط کشتی های انگلیسی، روسیه هیچ مساعدتی بر اساس تعهد خود نکرد؛ از این رو ایران مجبور شد افغانستان را رها کند. او گفت: «در این مذاکرات بر من معلوم گشت، حداکثر مسئولان ما رابطه سری با دولت انگلیس دارند و اخبار سری را به او گزارش می دهند...»<sup>(4)</sup>

ص: 139

---

1-1. همان، ص 150-152.

2-2. بهائیان، ص 648.

3-3. خاطرات دالگورکی، ص 44.

4-4. همان، ص 45\_46.

دالگورکی سفیر و جاسوس روسی در ایران، این دو نفر (علی محمد و حسینعلی) را از طراحان و بنیان گذاران اولیه و اصلی باییت می داند(1)؛ روسها برای به ثمر نشستن علی محمد، به هر نوع نقشه و طرحی، دست می زدند تا کار علی محمد خوب پا بگیرد و صدای ظهور او به درستی در میان شیعه شهرت بیابد؛ پس از شهرت فراگیر در میان شیعه، نوبت به اجرای مراحل ایجاد آشوب بزرگ و تزلزل عقاید رسید. پس از این آشوب ها و اعلام اهداف باب و ادعای دروغین نبوت و نزول به اصطلاح- کتاب بیان، برای پایه های بهائیت، اعلام دین جدید و قیامت موعود در قرآن برنامه های دقیقی ریخته شد. این دو برادر، فعال ترین عناصری بودند که از طرف استعمارگران در میدان فتنه حمایت می شدند تا دین «بهائی» را در تمام جهان به گونه رسمی اعلان کنند و از حمایت آشکار استعمارگران برخوردار گردند.(2)

بر اساس اظهارات بسیاری از روشنفکران تاریخ معاصر و پژوهشگران، ارتباط متقابل دولت استعماری و سران بهائیت غیرقابل انکار است: «...برخی از سران بهائی گری ... با بیگانگان استعمارگر در پیوند بوده و با اظهار علاقه به سیاست های انگلیس خود را هم نوا با آنان دانسته اند. عبدالبهاء (عباس افندی) نامه ای به زبان عربی به ملکه انگلیس نوشت و در آن نامه ضمن تبلیغ مذهب بهائی گری و یادآوری مطالبی دیگر، ملکه انگلیس را در دو مورد سخت ستود:

ما به دست آورده ایم که شما فروش غلامان و کنیزان را ممنوع ساخته اید، این همان چیزی است که خدا در «ظهور البدیع» امر فرموده است و نیز شنیده ایم که شما نظارت بر مشورت را به عهده عموم قرار داده اید، آفرین».(3)

رهبران بهائی برای همسو کردن خود با جریانات سیاسی دنیا و افکار جهانی، جذب حمایت استعمارگران، روشنفکر جلوه دادن خود و جامع نشان دادن

ص: 140

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 155.

2-2. خاطرات دالگورکی، ص 45-50.

3-3. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، ص 90.

مذهباشان، با دموکراسی غربی و انگلیسی نیز هم نوا شده و آن را مورد تأیید قرار داده اند تا شاید بدین وسیله، جایی برای خود در دل های آلوده استعمارگران باز کنند. وقتی باب به دستور امیر کبیر اعدام شد، سفیر انگلیس، با تأسف این واقعه را گزارش و پیش بینی می کند که پس از اعدام باب، باب های دیگری در راهند...<sup>(1)</sup> آیا منظور و پیش داوری او، حکایت از نهران آگاه آنها از ادامه باییت در شکل بهائیت نمی تواند باشد؟ آنچه واقع شده و تحلیل روند، نشان می دهد که دولت انگلیس و سفیر کهنه کار او از شکل گیری بهائیت کاملاً آگاه و برای آن برنامه ریزی داشته اند تا از این داستان، اهداف استعماری خود را پیگیری نمایند.

ظهور مدعیان جانشینی باب و انشعاب باییت در شاخه های مختلف که محقق شد، پیشگویی سفر، با واقعیت مطابق می نماید. این فرضیه، در صورتی قابل قبول است که سفیر از ادامه باییت در قالب و شکل بهائیت خبر داشته و برای آن برنامه ریزی نموده است و گرنه هیچ امری قابل پیش بینی نبوده است و با قطعیت نمی توان گفت که برای باب، جانشینان فراوانی در راه است. اعدام باب بر اساس منطق و عرف باید مورد عبرت دیگران باشد، نه اینکه عده ای پس از او، همچنان مدعی باشند؛ بنابراین بدون برنامه ریزی دقیق، نمی توان با این قطعیت، از تحقق مسئله ای در آینده، خبر داد. انگلیسی ها جاسوسان فراوانی جهت اطلاع از اوضاع، در تمام مناطق ایران داشتند. بعید نیست با توجه به ارادت حسینعلی به دولت انگلیس، ارتباط و جاسوسی او برای این دولت قابل اثبات باشد. از آن روی او مرکز نشر عقاید خود را در عکا و حیفا قرار داد؛ این مناطق که قبلاً از اقمار دولت عثمانی بود، با تضعیف قدرت عثمانی به دست انگلیسی ها افتاد و میرزا حسینعلی تحت قیومیت آنها در آمد و برای ملکه انگلیس دعا و الواح فراوانی از ساحت خود صادر کرد. حسینعلی بهاء از سال 1285 تبعید شد و تا سال 1309 در آنجا تحت حمایت انگلیسی ها زندگی می کرد و در این منطقه

ص: 141

حسّاس، کاخ و قصر و قبله و معبد برای آئین خود ساخت،<sup>(1)</sup> برای خانواده اش زمین هایی خریده یا تصرف کرد، گندم برای ارتش انگلیسی تأمین نمود و خدمات شایسته ای به آنها انجام داد.<sup>(2)</sup> آیا همه این فعالیت ها، بدون حمایت انگلیس بوده است؟ دولت انگلیس نیز به پاس قدردانی از وی، حمایت های مالی همه جانبه از آنها را عهده دار شد و درجه «سر» را به عبدالبهاء داد که بالاترین نشان لیاقت در دولت انگلیس بود.

جنبش های اجتماعی و فرهنگی که در ایران و جهان اسلام به راه افتاد و منطقه خاورمیانه مبدل به مرکز آشوب ها و قیامها گردید، گاهی علیه امپراطور عثمانی و گاهی علیه حضور دولت های استعماری بود. کشورهای اسلامی در آفریقا نیز جزء مستعمرات فرانسه و ایتالیا و.. بود. با مطالعه و تأمل در این دوره از تاریخ جهان اسلام، می توان به سلطه گرایی استعمارگران، تسلط به قلمروی اسلامی با اشغال نظامی و ایجاد دولت دست نشانده و وابسته به غرب، پی برد. امروزه، بین کشورهای اسلامی مسائلی نظیر اختلافات مرزی (خاکی و آبی)، اختلاف در مورد مالکیت برخی جزایر در خلیج فارس و حتی بر سر نام خلیج فارس و حوزه دریای خزر بین کشورهای حاشیه آن، اختلاف های دائمی و منازعات مستمر و دنباله دار، پدیدار شده است که به آسانی پایان پذیر و قابل حل و فصل نیست.

از آنجا که ایران از نظر فرهنگی متمایز از کشورهای دیگر و برخوردار از حمایت علمای بزرگ شیعه و مرجعیت بود، کشوری غیر قابل نفوذ می نمود؛ از این رو آشوب ها در ایران، پس از فتنه باب و شروع بهائی گری با تشویق و حمایت روس، انگلیس و حتی فرانسه، رو به فزونی نهاد. وضع اقتصادی نیز در بحران قرار داشت. وضع بهداشت و فرهنگ نیز مناسب نبود و حتی شیوع

ص: 142

---

1-1. جمال ابهی (نقطه اولی)، ص 145.

2-2. بهائیان ص 670.



برخی از بیماری‌ها، امنیت کشور را مخدوش کرده بود. (1) وقتی این مسائل با آینده ایران و رویدادهای بعدی در نظر گرفته شود و تقسیم ایران بین دولت روس و انگلیس در خلال این سالها ملاحظه شود، به خوبی توطئه چینی مشترک دو قدرت استعمارگر در پیدایش بهائیت، آشکار می‌شود. چون دو قدرت در ایران در پی منافع مشترک بودند، برای رسیدن به این آرمان، طرحهای هم‌گرایانه فراوان داشته و در این راستا از همدیگر حمایت کردند. اگر بابت و بهائیت را توطئه روسها قلمداد کنیم، دست انگلیس نیز در این ماجرا، با همه پنهان‌کاری‌ها به وضوح دیده می‌شود. اقدامات حمایتی که در آینده از سوی دولت انگلیس نسبت به بهائیت و سران بهائی دیده می‌شود، بسیار برجسته‌تر از حمایت‌های روس‌ها است. فرانسه که رقیب دیگر انگلیس در ایران بود و با هدف دست‌یابی به مستعمره بزرگ انگلیس (هند)، قصد نفوذ در منطقه را از طریق ایران داشت، چندان نتوانست توجه رهبران بهائی را به خود جلب کند؛ چرا که در شکل‌گیری و پیدایش آن هزینه‌ای را متحمل نشده بودند و از آنجا که بهائیان، انگلیس را ارباب خود می‌دانستند (2) تبعیت از آنها را به همکاری با فرانسوی‌ها ترجیح دادند. (3) رابطه بهائیان با امپریالیسم جهانی بیشتر از ارتباط با روس‌ها بود؛ بنابراین، بهتر دیدند که در دامن صهیونیسم پناه گیرند و از شیر استعماری تغذیه کرده و بالنده شوند، گرایش بهائیان به انگلیس و میوه دادن این درخت، در سایه انگلیسی‌ها و امپریالیسم بهترین دلیل بر پیوند دیرین بهائیت و صهیونیسم است؛ چون صهیونیسم زائیده اندیشه امپریالیسم است؛ علت غائی هر دو فکر، مقابله با اسلام است و دلیل پیدایش بهائیت در سایه امپریالیسم،

حکایتگر این واقعیت است که مبنای بهائیت، برای رسیدن به آرمانهای استعماری امپریالیسم جهانی بوده است. البته حمایت‌های روسها نیز در

ص: 143

---

1-1. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 553\_594.

2-2. بهائیان، ص 652.

3-3. همان.

معماری بهائیت مؤثر بود، گرچه، اصل این نهال شوم، توسط انگلیسی ها کاشته شد و آب آن از سوی روس رسید و در خاکی (بستر اجتماعی ایران) که به خاطر سوء تدبیر سیاستمداران بایر بود، رشد کرد. همین نهال، در ایران جوانه زد، ریشه انداخت و نهال های فراوانی از آن روید که در کشورهای مختلف، این ویروس مسموم سرایت و به عنوان بهائیت کاشته شد و منتشر گردید و برای استعمارگران مدتها میوه داده و خواهد داد. به گفته راین، بدین ترتیب بهائیت به تدریج به عنوان حربه مؤثر، در دست قدرت های سیاسی بزرگ افتاد که صفحات تاریخ کشورهای مختلف، نتایج و ثمرات وضع جدید را در سینه خود محفوظ داشته است(1) کلام مستشار الدوله در اعتراض

به قرارداد 1919 به انگلیسی ها به خوبی گویای این مطلب است؛ او می گوید: «هر وقت خارجی ها یک خواب هایی برای اغفال مردم ایران می بینند، دستگاه دین سازی درست می شود». (2)

پس از اینکه روسیه، با انقلاب کمونیستی روبرو و جنگ جهانی به سود دشمنان عثمانی پایان پذیرفت و قلمرو عثمانی بین کشورهای اروپایی تقسیم گردید و فلسطین و شامات و حیف و عکا از آن انگلیس شد، بهائیت به صورت رسمی، مورد حمایت انگلیس ها قرار گرفت. (3) عبدالبهاء، فرزند میرزا حسینعلی، در برخی از نوشته هایش، سفارت انگلیس را دولت بهیه خواند، تا از این موقعیت بهره ببرد و ادعا کند: «... ای رهبران بزرگوار، رؤسای عادل و دادگستر قوم انگلیس! بدانید کلمه بهائیت مشتق از سفارت بهیه انگلیس است، نه از سفارت دولت بهیه روس، ...». او بدین ترتیب شناسنامه بهائیت را که پدرش به نام روس ها گرفته بود، تغییر داد و به نام انگلیسی ها ثبت کرد. (4) شاید پدرش

ص: 144

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 134.

2-2. همان، ص 136.

3-3. فتنه باب، ص 163.

4-4. سیری در کتابهای بهائیان، ص 90، تاریخ جامع بهائیت، ص 323.

مأموریت داشت به روس منتسب باشد، ولی پسر مأمور شد هویت واقعی بهائیت را علنی کند و شناسنامه بهائیت را دقیقاً به نام سفارت انگلیس برگرداند. گزارشات موثق حکایت از آن دارد که بهائیان ساکن در حیفا و در رأس آنها شخص میرزا حسینعلی، سال ها نقش جاسوس چند جانبه را عهده دار بودند.<sup>(1)</sup> از

طرفی ثناگوی عثمانی ها در حیفا بودند و سال هایی که در بغداد، ادرنه و شهرهای دیگر تابعه عثمانی مستقر بودند، موظف به چاپلوسی برای آنها بودند. از طرفی به تمجید و دعا برای دولت روس مداومت داشتند و از حمایت آنها نیز مدت ها استفاده کردند. از طرفی برای فرانسه نیز جاسوسی می کردند و به طور قطع، در حیفا، جاسوسی انگلیسی ها را علیه دولت عثمانی عهده دار بودند. عثمانی ها پی بردند و متوجه شدند که در خلال ایام بحرانی در اوج اختلافات سیاسی، وی جاسوس کامل انگلیس بوده است،<sup>(2)</sup> بر آن شدند که او را اعدام نمایند. شوقی افندی چنین می گوید: «فرمانده کل قوای عثمانی، تصمیم گرفت عباس افندی را به جرم جاسوسی اعدام کند».<sup>(3)</sup>

انگلیسی ها به همت جاسوسان خود از جنس بهائی ها و با تحریک احساسات وطن پرستانه جوانان عرب و به وسیله سلاح هایی که در اختیار ملت های عرب قرار دادند، خیلی زود به آرمان دیرین خود که تسلط بر خاورمیانه و مناطق نفت خیز آن بود، رسیدند. خوش خدمتی هایی که بهائیان به سرکردگی نوکر تمام عیار انگلیس (عبدالبهاء)، در فرآیند خلع ید عثمانی ها از کشورهای عربی انجام دادند، برای بهائیان نتیجه ای نه چندان دلچسب داشت، چون آنچه انگلیسی ها به او دادند، نشان لیاقت (سیر)، در واقع نشان نوکری حلقه به گوش

ص: 145

- 
- 1-1. بهائیان، ص 651. همکاری میرزا حسینعلی بهاء باشعب سفارتخانه های روس، انگلیس و فرانسه در ادرنه و ... .
  - 2-2. بهائیان، ص 652.
  - 3-3. همان، ص 669.

بودن، برای خدمت به استعمار بود. این نشان برای همیشه عنان اختیار او را به دست انگلیسی ها داد و از سویی حمایت های پنهانی انگلیس از بهائیت را آشکار کرد. سران بهائیت در راه وطن فروشی به آنها، به بهای اندک راضی شدند و عشق به وطن (ایران) و وفاداری به هویت اسلامی را به بهای کم ارزش فروختند. عبدالبهاء را نباید مقصر اصلی دانست؛ چون کسی که با لقمه های استعماری بزرگ شده و پدرش میرزا حسینعلی او را با لقمه های حرام تربیت کرده است، غیر از نوکر مآبی، انتظار دیگری از چنین موجودی نیست، چون بر سر سفره استعمار و دشمن اسلام بزرگ شده است؛ از این روی او درباره ارباب خود، چنین ابراز رضایت می کند:

از امت و دولت انگلیس راضی هستم. این آمدن من به اینجا، سبب آلفت بین ایران و انگلیس است. ارتباط تمام حاصل می شود. نتیجه به درجه ای می رسد که به زودی از افراد ایران جان خود را برای انگلیس

فدا می کنند. همین انگلیس خود را برای ایران فدا می کند»<sup>(1)</sup> قسمت اول گفته های افندی درست است چرا که برخی از ایرانیان اسرائیلی تبار و صهیونیسم زده، همچون بهاء و نسل او و برخی از هم مسلکان آنها، به خاطر استعمار خود را فدا می کنند، ولی انگلیس به خاطر نفت ایران، بسیاری از مردم ایران را به خاک و خون کشیده و فرهنگ و هویت ایرانیان را هدف تیرهای خود قرار می دهد.<sup>(2)</sup>

عبدالبهاء برای دولت استعمار پیر چنان اظهار وفاداری و دعاگویی می کند که گویی دولت انگلیس خدای این مدعی خدایی است؛ «خدایا براستی سرآورده داد بر خاور و باختر این زمین پاک میخس کوبیده شد؛ سپاس و درود می گویم تو را، به رسیدن این فرمانروایی دادگر و فرمانداری چیره که نیروی خود را.... خدایا کمک ده امپراطور بزرگ، ژورژ پنجم، پادشاه بزرگ انگلیس را به کامیابی های

ص: 146

---

1-1. بهائیان، ص 675.

2-2. احمدعلی سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص 77.

بجایش و پایدار کن سایه گسترده او را بر این کشور بزرگ...»(1)

این چاپلوس نامه عبدالبهاء، درست وقتی صادر شده است که نیروهای انگلیسی بر قوای عثمانی به خاطر خیانت اعراب غالب شد و حیف و فلسطین از قلمرو عثمانی جدا گشت. فرماندهان نیروی انگلیسی به حضور او رفتند و او هیجان زده شد و در حق آنها چنین ثناگویی کرد، در حالی که اندکی پیش از این، به دولت عثمانی دعاگویی می کرد و برای جلب نظر آنها تظاهر به اسلام می نمود و در نمازها و مراسم مسلمانان حضور می یافت؛ حتی از دولت عثمانی نیز، تقدیر می نمود. (2) «خدایا، خدایا، تو را به تأییدات غیبی و توفیقات صمدانی و فیوضات رحمانی خود که دولت عثمانی و خلافت محمدی را مؤید فرما و در زمین مستقر و مستدام دار» (3) اما پس از منفی بودن نتیجه جنگ جهانی برای عثمانی، این دولت را به ابرهای تیره و متلاشی شده، تشبیه و از دولت انگلیس به عنوان نور راحت و آسایش و دولت عادلانه یاد می کند. (4)

به راستی این تناقض و تعارضات به چه منظوری صورت می گیرد؟ در کدام مرام و مسلک و در کدام رهبر خردمند این نابخردی دیده می شود که هر روز در قبال رویدادها سیاستی متفاوت اتخاذ کند؟ اگر مسلک او دارای اصول ثابت و معیار بود، چه لزومی داشت که به تناسب حوادث جهان، با چرخش صد و هشتاد درجه، به دولت مردان اظهار چاپلوسی کند؟ در کدام دین آسمانی و در تاریخ کدام یک از پیامبران، چاپلوسی همچون بهاء، یافت می شود؟

دولت انگلیس پس از تصرف حیف، به فرمانده سپاه خود در فلسطین، دستور می دهد که با تمام توان و نیرو از عبدالبهاء (عباس افندی) و خانواده و دوستان او صیانت و حراست نماید. (5)

ص: 147

1-1. بهائی گری 137-138.

2-2. بهائیان، ص 665\_664\_656.

3-3. همان، ص 665؛ تاریخ جامع بهائیت، ص 298 و 301.

4-4. همان، ص 668\_667.

5-5. بهائیان، ص 669، خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری)، ص 58-55.

عباس افندی، دوستی بسیار نزدیکی با انگلیسی ها داشت. او برای خوش خدمتی،

به نمایندگانش در ایران دستور می داد، بر اساس برنامه های ویژه، از سیاست های دولت انگلیس، تبعیت و در ترویج آنها کوشش نمایند. چنان که آیتی، تمام اسرار آنها را در این گونه تعاملات فاش کرد و چهره واقعی دو طرف را به روشنی در معرض قضاوت چشمان تیزبین، قرار می دهد.<sup>(1)</sup>

سیاستمداران و سفیران انگلیس، در هر نقطه از جهان با بهائیان پیوند و ارتباط داشتند و از آنها برای نفوذ خود در دولت ها حمایت می کردند. رهبران بهائی، پیروان خود را از دخالت در سیاست بر حذر می کردند، ولی عملاً سران بهائیت در ایران و سایر نقاط، در امور سیاسی مشارکت داشتند و به تصدی پست های مهم فرهنگی و دولتی علاقه نشان می دادند و به مراتب بلند اجرایی، در کشورها دست می یافتند؛ وقتی به خاطر این تناقض گفتاری و رفتاری، در برابر این سؤال واقع می شدند که چرا دخالت می کنید؟ مگر در فرقه بهائیت، این امور نهی نشده است؟ آنها در پاسخ به دوستان خود اظهار می کردند، این عین سیاست انگلیسی هاست.<sup>(2)</sup> از این روی روشن می شود که بهائیت هیچ اختیاری و برنامه ای مستقل از خود نداشته، بلکه آینه تمام نمای سیاست های دولت استعماری در کشورهای اسلامی بودند؛ بهائیت با لباس جدایی از اسلام و آوردن مذهب جدیدی که قوانین اسلام و تمام ادیان گذشته را باطل اعلام می کرد و با رواج پوچ گرای و ترویج نهیلسیم در میان جوانان مسلمان، نوعی جنگ روانی برای از بین بردن هویت دینی در جهان اسلام ایجاد کرد؛ به همین جهت بود که آنها، با رفتار خود به ترویج ارتباط های نامشروع جنسی و ضداخلاقی<sup>(3)</sup> پرداخته و قوانین خودساخته ای درباره امور خانواده و احکام زناشویی و سایر مسائل

ص: 148

---

1-1. بیان الحق، ص 66-67.

2-2. همان، ص 67.

3-3. سید علی محمد باب، بیان عربی، ص 35، مانند جواز استمناء.

مذهبی ارائه کردند(1) تا بدین وسیله، تمام جوانان را در دوره ای که کشورهای اسلامی در اشغال استعمارگران بود، تخدیر و با اهداف استعماری همساز کنند؛ چنان که در پیام عبدالبهاء، نسبت به حضور انگلیس در فلسطین، این ذهنیت القا می شود که مسلمانان از ظلم نجات یافتند و به دولت عدالت گستر رسیدند.(2).

#### 4. گسترش بهائیت و استعمار پیر

همان گونه که استعمار پیر، در استقرار و تثبیت بهائیت نقش آفرید؛ برای ترویج بهائیت نیز برنامه ریزی و سرمایه گذاری های حساب شده داشت و در این راستا اقدامات اساسی انجام داده و می دهد؛(3) چرا که هر میزان این فرقه توسعه و رواج یابد به سود امپریالیسم و به زیان اسلام است؛ هدف استعمار امپریالیسم، نابودی شیعه به قصد محو اسلام است، در حقیقت از مغز اسلام شروع کرده و به سوی پوسته اسلام (دیگر فرقه های اسلامی) در حرکت تدریجی هستند؛ در واقع برنامه آنها، از کار انداختن قلب اسلام و حیات آن بوده است؛ از این رو با ترویج بهائیت، این اندیشه را هنوز در سر دارند.

ارتباط و تعامل نزدیک و صمیمانه بهائیان با انگلیس پس از مرگ عبدالبهاء افندی، در زمان شوقی استمرار داشت و فعالیت های آنها، با حمایت انگلیس، به فراتر از مرزهای خاورمیانه رسید؛ انگلیسی ها به دنبال جایگزین کردن بهائیت یا مسیحیت به جای اسلام در کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی بودند؛ از این رو بهائیان با حمایت مالی انگلیس در آفریقا نیز، فعالیت های خود را آغاز کرده بودند و همسو با سیاست انگلیس فعالیت های خزننده فرهنگی و سیاسی گسترده انجام می دادند.(4) اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 258. مقامات عالی رتبه انگلیس، با حمایت از گسترش بهائیت و دادن آزادی کامل به آنها در لندن و ایجاد زمینه در کشورهای دیگر که دولت مردان

ص: 149

---

1-1. بیان فارسی، ص 298، بیان عربی، ص 37.

2-2. بهائیان، ص 673-678.

3- . تاریخ جامع بهائیت، ص 323.

4-4. بهائیان، ص 656، 679، 691.

انگلیسی در آنجا نفوذ داشتند، جهت تأسیس مراکز موسوم به «امراللهی» و محافل بهائی، کوتاهی نکردند؛ در این باره، سندهای ذیل قابل توجه است:

مطلبی که بسیار اهمیت دارد، این است که جمع ارتباطات با مراجع امور آفریقا، باید از طریق انجمن آفریقای انگلستان صورت بگیرد و این مطلب بسیار مهم را باید مهاجرین و محافل مکیه (ملّی)، در همه جا منظور داشته باشند». (1)

. به هر حال، ما از ذکر این نکته بسیار مشعوفیم که از اول کار لجنه آفریقا که با صراحت به مراجع رسمی حکومت، راجع به تبلیغ امرالله در آن قاره مذاکره کرده، نتایج مطلوبی گرفته است. درباره جواز ورودی مهاجرینی که کار یافته باشند و یا آنکه در صدد باشند که در آنجا کار آزاد و مشخصی بنمایند، می توانند به آسانی جواز ورود را به دست آورند و اگر هم مهاجری بخواهد از صندوق انجمن استفاده کند، می تواند اطلاع دهد تا انجمن، امور مربوطه را در نزد حکومت به انجام رساند». (2)

از روش هایی که انگلیس، برای ترویج بهائیت در آفریقا به کار گرفت، تأسیس مدارس بود. بنای معابد بهائی در کامپالا (مرکز اوگاندا)، در دوره تسلط شدید انگلیس بر اوضاع آفریقا، به عنوان مشرق الاذکار، نیز نقش مهمی در ترویج و تبلیغ بهائیت در آفریقا داشت. (3) هدف بریتانیا از این اقدامات، متوقف کردن رشد اسلام و تشیع و مبارزه با اسلام در آفریقا بود؛ با وجود اینکه اکثر مردم آفریقا، مسلمان بودند، ولی به علت محرومیت و فقر حاکم بر این مناطق، به محافل بهائی روی آوردند.

از جمله راه ها و ابزارهای حمایتی انگلیس، برای ترویج بهائیت، تأسیس مراکز تجاری بزرگ در نقاط مختلف جهان بود که توسط بهائیان اداره می شد. در این مراکز که گاهی در اختیار آنها قرار می گرفت، فعالیت های تبلیغی و فرهنگی نیز

ص: 150

---

1-1. بهائیان، ص 682.

2-2. همان.

3-3. همان، ص 684؛ اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، ص 258؛ سایه روشن بهائیت، ص 84-88.



وجود داشت. وجود چنین مراکزی علاوه بر تأمین نیازهای مادی حزب بهائی، وسیله و محفلی برای توسعه فعالیت های فرهنگی و تبلیغی، از راه تطمیع طبقات محروم و اقشار جوان در کشورهای مختلف بود.

روش دیگر، برگزاری کنفرانس های بین المللی و محافل بزرگ بهائی با حمایت و اقدامات انگلیس، در تمام نقاط اروپا، قاره آمریکا و آسیا، جهت ترویج و تحکیم پایه های بهائیت بود که با همدستی صهیونیسم ها و دیگر دشمنان اسلام انجام می گرفت. 1. بهائیان، ص 983-186.

ساختمان های بزرگی در حیفا و برخی از مناطق دنیا، توسط بهائیان، با حمایت های دولت استعماری و صهیونیست ها تأسیس می شد که در این بناها، از معماری و هنر، در جهت ترویج بهائیت استفاده می شد. (1) بنای مشرق الاذکار و حظیره القدس در فلسطین اشغالی و در کوه کرمل، با حمایت صهیونیست های جهان و بهائیان و به ویژه با حمایت مالی دولت های انگلیس و آمریکا صورت می گرفت. (2)

تبلیغ بهائیت در جراید و مطبوعات، به زبانهای مختلف عبری، انگلیسی و فارسی و انتشار گسترده آثار آنها، از طرف دولت های استعماری، به منظور ترویج عقاید بهائیت با مقاصد از پیش تعیین شده، انجام می گرفت. (3)

با توجه به اینکه فلسطین قلب جهان اسلام است و اولین قبله مسلمانان در آن قرار دارد، برای تمام مسلمانان حائز اهمیت است. در این منطقه پیروان چهار دین بزرگ سکونت داشتند که دارای جراید بودند و این جراید و مطبوعات، ناخود آگاه، اسباب ترویج این فرقه ضاله را فراهم می آوردند.

اسناد و مدارک مورد تأیید خود بهائیان حاکی از آن است که دولت انگلیس،

ص: 151

---

1-2. همان، ص 715\_742.

2-3. همان، ص 729720؛ انشعاب در بهائیت، ص 167.

3-4. همان، ص 208-227، ص 236\_238.

از دیرباز و از آغاز شکل‌گیری بهائیت در آن نقش داشته است؛ اگر چه تا مدت‌ها، این نقش آفرینی به صورت پنهانی و غیر قابل مشاهده بوده است؛ چرا که سیاست آنها چنین اقتضائات و راه‌گم کردن‌هایی را دارد. حال، باید پرسید که دولت مذکور، در این فرآیند چه نتیجه‌ای از پیدایش بهائیت می‌گرفت که تا این حد از این حزب حمایت می‌کرد؟ چه منافعی برای دولت انگلیس وجود داشت که با استقرار بهائیت در حیفا و اعطای نشان لیاقت به رهبر بهائیان از آنها قدردانی کرد؟

هم‌زمان با استقرار بهائیان در حیفا تحت حمایت انگلیس، زمزمه‌های تشکیل دولت اسرائیل و اجتماع یهودیان در سرزمین مقدس فلسطین، شنیده می‌شود. بهائیان، در مناطقی از فلسطین پراکنده شده بودند و برای مسلمانان مشکلات فراوانی پدید آوردند؛ از طرفی یهودیان نیز از نقاط مختلف، به این نقطه فراخوان شدند؛ دولت استعمارگر انگلیس از هر دو جریان حمایت کامل می‌نمود و با برنامه‌های هدف‌دار، آنها را برای رسیدن به مقصد اصلی راهنمایی می‌کرد. بلافاصله پس از اعلان موجودیت کشوری به نام اسرائیل در قلب جهان اسلام و قبله‌گاه نخستین مسلمانان، بهائیان اولین حامیان و تأییدکنندگان این طرح بودند که همکاری خود را با صهیونیست‌ها، برای نابودی و اخراج ساکنان اصلی فلسطین و مسلمانان از این منطقه، آغاز کردند. بدین ترتیب، پیوند مثلث شوم در این منطقه، بر علیه جهان اسلام و مسلمانان، شکل گرفت.

### **5. بهائیسیم و صهیونیسم، دست ساخته انگلیس**

مشترکاتی که بین بهائیت و صهیونیسم دیده می‌شود، کافی است که این دو بینش برخاسته از امپریالیسم را به مبانی و نقطه پیوند آغازین متصل کند؛ اگرچه در کنش‌های مختلف و اهداف غایی، مشترکات بارزتری دارند که همگرایی آن‌ها را بیشتر نمایان می‌کند. مهم‌ترین هدف تعریف شده در پیش‌روی آنها، تخریب بنیان‌های پایدارکننده اندیشه تشیع است؛ مشترکات اقتصادی و سیاسی

آنان نیز بر اساس همین محور استوار است. در جلسات مشترکی که اینها داشتند، کلیمیان (یهودیان صهیونیسم) در کنار بهائیان، به عنوان قطب اقتصادی مطرح می شوند. (1) مرکز بهائیت و صهیونیسم، در سرزمین فلسطین قرار گرفته است. عملاً این دو حزب، در پی تخریب چهره دو دین بزرگ اسلام و یهود بوده اند؛ دین موسی، انسانها را دارای کرامت می داند؛ تقوا، زهد و توجه به آرمان های الهی، اساس یهودیت است؛ رفتار صهیونیسم جهانی، هرگز با روح این دین بزرگ الهی سازگاری ندارد؛ صهیونیسم اندیشه ای سرمایه داری بود که از طرفی برای سلطه بر خاورمیانه و منابع آن و از سوی دیگر، جهت ایجاد تنش بین پیروان ادیان بزرگ و فرقه ها و مذاهب اسلامی جعل شده است؛ پشتوانه فکری و طراح همه این تنش ها، امپریالیسم و استعمار انگلیس است، چنانکه اعتراف دارند: «روابط حکومت (اسرائیل)، با حضرت ولی امرالله و هیئت بین المللی بهائی، دوستانه و صمیمانه است و در واقع جای بسی خوشوقتی است که راجع به شناسایی امر، در ارض اقدس، موفقیت هایی حاصل گردیده است...» (2) اسناد و اظهاراتی درباره هم گرایی اسرائیل و بهائیت وجود دارد که از جمله آن، می توان به مقاله «بهائیت» اشاره کرد که در مجله ای فرانسوی به نام

زمین بازیافته» وابسته به صهیونیسم و اسرائیل (شماره 22 مورخه 2 سپتامبر 1952) توسط یکی از نویسندگان یهود، چاپ و منتشر گردیده است؛ در این مقاله نویسنده به تطبیق اهداف یهودیان با عقاید بهائیان در خصوص پیدایش کشوری مقتدر به نام «اسرائیل» پرداخته و اظهار داشته است که حضرت بهاءالله بشاراتی را اعلام نموده است که با بشارت ما در اصحاب دانیال، حزقیل، پرمیا و اسحاق مطابقت دارد و ایشان خود را موعود کل ملل می دانند. چنانچه در کتب مقدسه قبل، مذکور است. از جمله دقایقی که باید در یوم ظهور غصن، ظاهر گردد آن است که پرچم خدا، به وسیله تمام ملل، مرتفع خواهد شد و تمام

ص: 153

---

1-1. جنبش مقاومت اسلامی حماس، فروش زمین، واقعیت یا شایعه، ص 26-30.

2-2. بهائیان، ص 672.

مذاهب و ملل مختلفه در ظل لوای الهی قرار خواهند گرفت و غصن الهی را احاطه خواهند کرد. در آن روز، اختلافات و منازعات به کلی مرتفع خواهد شد و غصن الهی، ملت اسرائیل را به اراضی مقدسه می خواند و آنها را از شرق و غرب و شمال و جنوب به دور خود جمع می کند. (1)

بهائیت در جهان اسلام، اندیشه ای همچون صهیونیسم غربی بود که کشورهای استعماری، آنها را برای ایجاد بحران های فکری، سیاسی و اقتصادی پی ریزی کردند. ماکسول، از رهبران بهائیت گفته است: «من ترجیح می دهم که جوان ترین ادیان (بهائیت) از تازه ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو و نمو نماید. در حقیقت باید گفت آینده بهائیت و اسرائیل، مثل زنجیر به هم متصل است». (2) با این برنامه ریزی بود که مرکز حیات فعلی آن دو اندیشه، در قلب جهان اسلام و خاورمیانه قرار گرفت. فلسطین از نظر جغرافیایی، بهترین منطقه از جهان اسلام است که استعمارگران، بهائیت و صهیونیسم را در آن بنا نهاده و گفته اند که اینجا مرکز چهار دین بزرگ است نه سه دین. (3) بهائیت پس از ساخته شدن در کانون تشیع، برای استمرار حیات، در عکا و حیفا فلسطین مرکزیت یافت و شوقی اظهار کرد که فلسطین مرکز و زیارتگاه چهار دین بزرگ و عامل وحدت بین المللی است. (4)

امام خمینی مقاله در مقابل استبداد طاغوت، به مبارزه برخاست؛ در حالی که رژیم پهلوی از هواداران بزرگ رژیم اشغالگر بود؛ امام در گفتار خود تصریح نمود که چرا شاه همواره بر سخن نگفتن از اسرائیل تأکید می ورزد! این بیان امام، اشاره به پیوند دو رژیم و حمایت های بی دریغ پهلوی از صهیونیسم بوده است. امام با هوشیاری، از پیوند بهائیت و صهیونیسم آگاه بود و خطاب به دولت گفت:

ص: 154

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 169.

2-2. مجله اخبار آمری، دی ماه 1340، ش 10.

3-2. مجله اخبار آمری، دی ماه 1360، ش 10.

4-4. همان.

دولت، خوب است وظیفه خود را بدانند؛ ما را زیر دست یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهائی در آورده اند پایمال ننماید»<sup>(1)</sup> در سخنانی دیگر فرمود: «ما حاضر نیستیم استان های این کشور، تحت تصرف بهائی نماهای یهود در آید»<sup>(2)</sup>.

یکی از بهائی های توبه کرده و به دامن اهل بیت باز آمده، عامل اصلی برگشت خود از این فرقه را، تناقض گویی شدید بهائیان و رهبران آن یاد می کند و متذکر می شود که آنان، هرگز پیروان بهائیت را از نظر ایدئولوژیکی، قانع نمی کنند. این آئین، هرگز نتوانسته است، تشنگان حقایق را اقناع کند؛ چون اساسا مبنا و ریشه ندارد. آنان برای جذب جوانان به این کیش، ابتدا از طریق عشق مجازی وارد می شوند و آنان را اغفال می نمایند؛ آنگاه برای رهبران بهائیت، قداست ظاهری و دروغین ایجاد می کنند و جوانان را گمراه می کنند. او با مطالعه کتاب «جمال ابهی» و کتاب های فضل الله صبحی و عبدالحسین آیتی (آواره) که هر دو از بهائیت برگشته اند، به پوشالی بودن بهائیت پی برده است. خانم مهناز رئوفی، اظهار می دارد: «بهائیت منشأ سیاسی و کارکردهای استعماری دارد. اسرائیل، انگلیس و قدرت های استعماری دیگر، تشکیلات بهائیت را در ایران حمایت می کنند. اسرائیل با تمام توان از این فرقه انحرافی حمایت می نماید»<sup>(3)</sup>.

صبحی که از پیشگامان، مبلغان و پیروان سرسخت و منشی عبدالبهاء بود، درباره پیدایش و پیوند بهائیت با صهیونیسم، معتقد است که بیشتر بهائیان جهود یهودی هستند؛ از این رو حامیان سرسخت بهائیت که سیاهی لشکر شده و در ترویج این آئین از ثروت و چیزهای دیگر، مایه گذاشته اند، صهیونیستها بوده اند؛ صهیونیستی که ساخته دست امپریالیسم است. با اجتماع صهیونیستها در پیرامون بهائیان، برای آنان هیمنه و شکوهی حاصل شد که خود در ترویج کار آنان بسیار تأثیر گذاشت و برخی از افراد ساده دل را به بهائیت جذب و

ص: 155

---

1-1. صحیفه نور، ج 1، ص 94.

2-2. همان، ص 110.

3-3. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، خبرنامه فرهنگی اجتماعی، مورخه 86/6/22 ش 949، ص 30.

اغفال نمود. رژیم اشغالگر قدس، اولین حکومتی بود که مسلک بهائی را، به گونه جهانی، در اسرائیل به رسمیت شناخت. (1) این وفاداری صهیونیسم ها، پاسخی در برابر استقبال و حمایت رهبر بهائیان (شوقی افندی) از تشکیل حکومت غاصب اسرائیل در قلب جهان اسلام بود. عباس افندی، حکومت اسرائیل را از امور الهی و پیش بینی شده قلمداد کرده و بر حقانیت آن صحه گذاشت. او به شورای بین المللی بهائیان که خود به وجود آورده است، سه وظیفه مهم را توصیه نموده است: اولین وظیفه پس از تأسیس دولت اسرائیل، برقراری روابط حسنه و دوستانه با اسرائیل است که آینده بهائیت را به آن مرتبط می کند. (2) وی همچنین طی نقشه ده ساله خود، ضمن هدف بیست و چهارم، حمایت از دولت اسرائیل را بر همه دولت های جهانی ترجیح می دهد و به بهائیان سفارش می کند که محافل روحانی بهائیان را تنها در اسرائیل و ارض اقدس و با توجه به قوانین این حکومت جدید، به وجود آورند؛ ولی در کشورهایی نظیر ایران، رعایت قوانین این کشورها را لازم نمی داند. نرمان نیویچ، دادستان وقت اسرائیل، در پاسخ وفاداری شوقی افندی، بهائیت را در ردیف سه دین مهم بزرگ جهان (یهود، مسیحیت و اسلام قرار می دهد و فلسطین را مرکز چهار دین بزرگ می شمارد. (3)

از مشترکات و پیوندهای دیگر بهائیت و صهیونیسم، این است که هر دو در ترویج آئین خود با خشونت و تندی برخورد نمی کنند؛ مگر با اهل اسلام و شیعه. بهائیان با دیگر ملت ها، به نرمی برخورد کرده و از راه تزویر و تدلیس، به معرفی آئین خود اقدام می کنند، اما در برخورد با مسلمانان، علاوه بر تخریب ارزش های اسلامی و مقدسات، از تخریب، ترور و غارت اموال مسلمانان نیز دریغ نمی کنند؛ چنان که صهیونیست ها در اشغال و تخریب خانه ها و غارت و دزدی اموال مسلمانان در فلسطین و غارت و دزدی وسایل و آثار باستانی و

ص: 156

---

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 171-168 به نقل از پیام پدر، ص 224.

2-2. مجله اخبار امری، سال 1329، ش 8 و 9.

3-3. قرن بدیع، قسمت چهارم، ص 162؛ انشعاب در بهائیت، ص 170.

عتیقه دیگر کشورهای اسلامی، خصوصا ایران، هیچ گونه کوتاهی نداشته اند. گفته شده است که صهیونیست ها، در دوران تاریک پهلوی و قاجار، در لباس و حرفه پیمانکاران و مهندسان راه، با شناسایی مراکز آثار تاریخی مهم مانند سلطانیه (1)، زیویه (2)، همدان، شیراز و... به غارت (3) آثار تاریخی ایران اقدام کرده اند و آنها را جهت تشکیل دولت غاصب اسرائیل، به فلسطین فرستاده اند. در این راستا، از بهائیان ایران و سایر کشورها نیز خواسته اند که در آینده، ثروتهای کلان و زمین های مرغوب را تصرف کنند و از این راه، بر تسلط خود در جهان اسلام بیفزایند؛ این درسی است که آنها از استعمار پیر آموخته اند؛ تدفین رهبران بهائی در سرزمین های در تصرف دولت غاصب اسرائیل، دیگر سرنخی برای برداشتن

ص: 157

1-1. گنبد سلطانیه، مقبره الجایتو است که در 1302 تا 1312 در شهر سلطانیه زنجان (پایتخت ایلخانان) ساخته شد و از آثار مهم معماری ایرانی و اسلامی به شمار می رود.

2-2. زیویه، یکی از بخش های شهرستان سقز در استان کردستان در غرب ایران است. ر.ک: محمدحسن گنجی، اطلس گیتاشناسی استانهای ایران.

3-3. ایرج وامقی، گنجینه غارت شده، شماره 29، مرداد و شهریور 1396. در میان غارتگران آثار، نام این افراد به چشم می خورد: 1. مهندس محسن فروغی فرزند محمدعلی فروغی ذکالملك، یهودی نومسلمان، دست اندرکار قاجاق عتیقه جات ایرانی 2. ایوب ربنو، غارتگر میراث باستانی ایران در طی دهها سال 3. شکر الله حی، مهدی محبوبیان، از صهیونیست های مشاور دفتر فرح 4. اشرف پهلوی و پسرش شهرام پهلوی نیا، این دو از درون دربار، باند بین المللی غارت آثار باستانی را هدایت و رهبری می کردند. در دوران پهلوی، دست صهیونیست ها در غارت آثار باستانی ایران باز بود و آنان در این خیانت بزرگ به ملت ایران سهمی داشتند. ابتدا صهیونیست های فرانسوی همچون «آندره گدار» رسماً هدایت این امر را در ایران به عهده گرفتند. رشید کیخسروی درباره باند ایوب ربنو مشاور امور عتیقه فرح پهلوی و اقدامات ویرانگرانه او می نویسد: باند مافیایی و مخوف ایوب ربنو مانند غده سرطانی به جان آثار باستانی ما افتاد و بالغ بر پنجاه سال شیره جان این ملت زجر کشیده را مکیده و هیچ اثری را از تعرض خود مصون نداشت و نوک کلنگ این باند به تمامی آثار باستانی ما فرو رفت... مدارک موجود نشان می دهد که باند صهیونیستی ایوب ربنو روزانه با استفاده از حداقل 1500 نفر کارگر و کلیه تجهیزات امکانات حفاری و با نظارت صوری و ظاهری وزارت فرهنگ وقت، سالهای متمادی و مستمر در تخت جمشید و مرودشت، شهری گنبد کاووس و ترکمن صحرا و سیلک کاشان، زیویه کردستان،... و بیشتر قبور متبرکه حفاری نموده و آنچه را یافته است به موزه های خارج و اندکی از آن را به موزه ایران باستان فروخته است و در سالهای بعد از 1369 که کلیه حفاری های تجاری ممنوع بوده و تحت هیچ شرایطی دولت مجاز به صدور جواز حفاری تجاری نبود اما باند صهیونیستی ایوب ربنو همچنان به حفاری های تجاری اشتغال داشته و از تعقیب و مجازات و بازخواست مصون بوده است.» عصر بی خبری، ص 1812 ماهنامه گزارش تاریخ، ش 167.

پرده، از پیوند مبنایی این دو فرقه است. ترور و جاسوسی بر ضد شخصیت های اسلامی، جهان اسلام و نظام جمهوری اسلامی نیز، از دیگر ویژگی های پیونددهنده صهیونها و بهائی ها به شمار می رود. جاسوسان اسرائیل، در کشورهای مختلف با ایجاد تش و ترور، آنها را به نظام اسلامی نسبت می دهند و در تخریب وجهه نظام اسلامی در سطح بین الملل می کوشند؛ بهائیان نیز، بیشتر چهره جاسوسی دارند و بدون اظهار مرام خود، جاسوسی می کنند؛ شخص میرزا حسینعلی نوری و عبدالبهاء، سال ها جاسوس انگلیس و روس بوده اند. (1) و در ایران، به خیانت به وطن معروفند؛ از دیگر مصادیق پیوند آنان، می توان به حمایت آنها از گروه های ضد اسلامی اشاره کرد که هر جا گروهی به مخالفت از جهان اسلام شکل گرفت، مورد حمایت این دو فرقه قرار دارد و این نکته خود نشانگر دشمنی سرسخت آنان با مسلمانان است. (2)

از آنجا که صهیونیسم و بهائیت، بر اساس طرحی از پیش تعیین شده، توسط امپریالیسم شکل گرفته اند؛ پیوند ایدئولوژیکی آن دو بسیار مستحکم است؛ بهائیت بر بنیان اندیشه های پوسیده و خرافاتی بابت که دست ساخته استعمار گران بود جهت رسیدن به اهدافی، بنیان نهاده شد. (3) برخی از مولفه هایی که نمایانگر هم گرایی است، عبارتند از:

1. ایجاد اختلاف جغرافیایی و ادعای سرزمینی: صهیونیسم ها در ایران، حجاز و مناطق دیگر خاورمیانه، ادعای سرزمینی دارند. بهائیان نیز چون آنان، در برخی از شهرهای ایران مثل شیراز و... ادعاهایی دارند و آن را ارض اقدس و... می نامند. افکاری چون تجزیه ایران و ایجاد کشور بزرگی به نام آذربایجان، کردستان در خاورمیانه و... نیز، از جمله مسائلی است که به آن دامن می زنند.

ص: 158

1-1. بهائیان، ص 669.

2-2. انشعاب در بهائیت، ص 168.

3-3. رجال ایران، ص 434؛ ر.ک: خاطرات کنیاز دالگورکی، بنابر اعتراف او آنها از سفارت روس، حقوق و مستمری ماهانه داشتند. فتنه باب، ص 155، ص 156.



2. ایجاد تزلزل در عقاید و مبانی تشیع. 3. ضربه زدن به مرجعیت شیعه. . غارت ثروت‌های منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی. 5. از بین بردن اندیشه موعودگرایی در تشیع و جهان اسلام و مخدوش کردن

باورهای شیعه اثناعشری، از جمله امامت.

6. محو و نابودی ارزش‌های اسلام و خرافی جلوه دادن احکام دین و

کتاب‌های آسمانی

7. ایجاد درگیری میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف؛ در ایران بین مسلمانان، زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان؛ در هندوستان بین هندوها، سیکها و مسلمانان؛ در چین بین بودائیان و مسلمانان؛ در آفریقا بین مسلمانان و مسیحیان؛ در مصر بین قبطیان، اعراب و مسلمانان؛ در جوامع اسلامی تحریک وهابیان جهت درگیری با همه مسلمانان شیعه و سنی، در پاکستان و افغانستان ایجاد نزاع فرقه‌ای شدید بین اهل اسلام.

18. ایجاد تش‌های نژادی و قومی مانند عرب، فارس، ترک، گُرد، بلوچ،

اقلیت‌های مذهبی کشورهای اسلامی و....

این راهبردهای جدید گروه‌های امپریالیسم جهانی، آنان را در سایه چتری واحد، گرد آورده است که همواره در رسیدن به این آرمان‌ها در حال توطئه چینی هستند؛ بهائیت، مورد توجه ویژه و از مشترکات اعضای جامعه جهانی امپریالیسم است که با صهیونیسم، هم پیمانی دیرین و عمیق دارد. (1)

## فرانسه و بهائیت

کشور فرانسه، یکی از کشورهای اروپای مرکزی است که در درون خود، تجارب انقلابی مهمی دارد؛ از آن رو به کشوری انقلابی معروف است که

ص: 159

انقلاب آنان، اندیشه های رهبران و نظریه پردازان و شخصیت های علمی آن مانند رسو(1) و... در انقلاب های دیگر جهان، تأثیر داشته است؛ فرانسه، از جمله کشورهای است که پس از، به اصطلاح رنسانس علمی (2) در غرب و انقلاب بزرگی که در آن علیه فئودالیت (نظام ارباب رعیتی) روی داد، مردم توانستند در امور سیاسی، نقش آفرین بوده و در تحولات اجتماعی و سیاسی مؤثر باشند؛ پس از انقلاب صنعتی، کشورهای اروپایی، با تلاش برای مقابله با رشد اسلام از نظر جغرافیایی که غرب را در می نوردید، به فکر مقابله افتادند و اندیشه ها و نظرات مختلفی را برای ایجاد سد در مقابل اسلام، اندیشیدند. اسلام در آغاز راه، به دروازه اروپای مرکزی که فرانسه بود، رسید؛ مورخان غیر مسلمان نوشته اند اگر سپاه عبدالرحمان غافقی، در جنگ پواتیه (3) پیروز می شد، اسلام تمام اروپا را فرا می گرفت و سرزمین اروپا، زیر پرچم اسلام در می آمد. مورخان، از شارل مارتل، به خاطر شجاعتی که در مقابل مسلمانان از خود نشان داد و مانع فتح کامل فرانسه و اروپا شد، ستایش بی حد و حصر نموده و او را به عنوان اسطوره و قهرمان ستوده اند (4)؛ گوستاولوبون نوشته است: مسلمانان بعد از فتح اندلس، چندین بار به فرانسه حمله بردند و نصف این کشور به تصرف سپاه اسلام در آمد، اما مسلمانان

ص: 160

1-1. ر.ک: تاریخ تمدن؛ ج 10، روسو و انقلاب.

2-2. به نظر نویسنده، اصطلاح رنسانس، در کشورهای اروپایی، به منظور سرپوش گذاشتن بر تأثیر تمدن اسلامی در تمدن غرب، جعل گردیده است. به گمان آنها انقلاب صنعتی غرب، حاصل برگشت به تمدن های غربی و اندیشه و افکار دانشمندان غرب (دانشمندان روم و یونان باستان است. این مسئله، با دورویکرد صورت گرفت و دو هدف دارد: 1. انکار تأثیر تمدن و علوم اسلامی و اندیشه و آثار دانشمندان بزرگ اسلامی همچون ابن سینا، فارابی، کندی و... بر تمدن غرب 2. اسلام ستیزی و القای آن به فکر و اندیشه دانشمندان اسلامی مانند ایرانیان که از اسلام دست بردارند و به باستان گرایی بپردازند تا مثل غرب، به توسعه و رشد صنعتی برسند.

3-3. پواتیه (Poitiers) نام شهری است بر کرانه رود کلن و در غرب کشور فرانسه؛ پواتیه مرکز ناحیه پواتوشارنت و بخش وین است که جنگی تاریخی در سال 116 هجری بین مسلمانان و اروپایی ها در این منطقه روی داد.

4-4. شکیب ارسلان، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ص 40.

تنها، اردوی سپاه خود را در آن کشور، مستقر نمودند(1) مورخان فرانسه، شکست نبرد تور(2) را، عامل مهم نجات اروپا و مسیحیت از دست مسلمانان نامیده اند. بی گمان، فرانسه منطقه استراتژیک اروپا بود و باب فتح تمام اروپا محسوب می گردید. مسلمانان، پس از فتح مناطقی از فرانسه، در آن حکومت کردند و مناطقی چون پروونس(3) Provence، دوفینه، پی مون، ساوویا(4) و سوئیس، محل استقرار مسلمانان بود و حاکمیت اسلام، در مناطقی از جنوب فرانسه، مستقر بود. سیاست های دینی که مسلمانان در اروپا اجرا کردند، در گزارش های مورخان آمده که حاکی از استیلای مسلمانان، بر بخش هایی از فرانسه است.(5) مسلمانان در فرانسه به زراعت و کشاورزی نیز پرداختند و آثاری از تمدن مسلمانان، در فرانسه و مناطق دیگر اروپا، غیر از اسپانیا، برجای مانده است.(6) از این روی، ندای اسلام در اروپا، از دروازه های فرانسه به گوش اروپای مرکزی رسید و صدای سم اسبان فاتحان مسلمان، در قرن هشت و بعد از آن در عصر اقتدار عثمانی، آنان را به هراس و اندیشه رویارویی با اسلام و مسلمانان انداخت. اروپائیان، پس از انقراض عثمانی، برای تقسیم و تصرف قلمرو امپراطوری عثمانی و کشورهای اسلامی اقدام کرده و کشورهای اسلامی، بین فاتحان جنگ جهانی، مانند پرتغال، ایتالیا، انگلیس، فرانسه، آلمان و... تقسیم شد. در دوره ناپلئون، کشورهای زیادی مانند الجزایر در آفریقا، سوریه، لبنان و مصر در خاورمیانه به تصرف فرانسویان در آمده و

ص: 161

1-1. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ص 390-395.

2-2. نبرد تور (Battle of Tours)، یا معركة بلاط الشهداء، جنگی است که در ناحیه ای میان شهرهای پواتیه و تور در شمال مرکزی فرانسه روی داده است. در این جنگ از یک سو نیروهای فرانک به رهبری شارل مارتل و در سوی دیگر نیروهای خلیفه اموی به فرماندهی عبدالرحمن غافقی بود. فرانک ها در این جنگ پیروز شده و غافقی کشته شد.

3-3.

4-4. Savoie.

5-5. تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ص 293-294.

6-6. همان، ص 303.

مستعمره آنان شد. ناپلئون به فکر گستردن مستعمرات خود در شبه قاره، از طریق ایران بود؛ از این روی رقابت بین انگلیس و فرانسه، آغاز شد این دو کشور، از دیرباز در جنگ های هفت ساله (1) اروپا، با یکدیگر، اختلاف داشتند و کینه ای دیرین، بین دو کشور، بر سر تصرف اقمار عثمانی، وجود داشت و این اختلاف، به ایران نیز کشیده شد؛ قدرت ناپلئون در اروپا، برای دولت های اروپایی به ویژه انگلیس، قابل تحمل نبود. فتوحات او در اروپا، فتحعلی شاه را بر آن داشت تا برای دفع روسیه، از او کمک بگیرد؛ وی طی نامه ای از ناپلئون درخواست اتحاد کرد و برای این منظور، سفیرانی بین دو کشور، تبادل گردید و عهدنامه ای موسوم به «فین کین اشتاین»، با مفادی که برای طرفین تأمین کننده منافع بود، منعقد گردید؛ بدین صورت روابط ایران و فرانسه، در دوره قاجار شروع شد. این روابط، برای انگلیس با توجه به مفاد ماده پنجم (2) مخاطره آمیز و سنگین بود (3)؛ اما به علی، روابط ایران با فرانسه به زودی به سردی گرایید. (4) فرانسه نیز مانند رقبای خود در ایران، در پی منافع مادی و گسترش سلطه و مستعمرات خود بود؛ طبیعی است که هدف مشترک دولتهای غرب در این قرن، رویارویی با اسلام و محو یکپارچگی و هیمنه جهان اسلام بود. سیاستمداران فرانسوی نیز، در قبال آشوب های ایجاد شده در ایران، در رویدادهای بابت و بهائیت و آشفتگی های اجتماعی، به جانب داری از این آشوب ها پرداختند. بایان که مردمی فاسد، شرور و فاسق، در استانبول و ادرنه بودند، با سفارت فرانسه روابط پنهانی علیه عثمانی و مسلمانان داشتند و برای این سفارتخانه، اطلاعاتی از وضع مسلمانان و کشورهای اسلامی جمع می کردند. عبد الحمید عثمانی، با مشاهده چنین رفتاری، آنان را از

ص: 162

- 
- 1-1. همان؛ تاریخ تمدن، ج 10، ص 76.
  - 2-2. بخش تعهدات ایران که دولت ایران متعهد گردیده بود، راهی برای عبور قوای فرانسه از ایران، در صورت حمله به هندوستان باز کند.
  - 3-3. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص 61-63.
  - 4-4. همان، ص 64-65.

اتفاقی نیست که بخشی از آثار بهائیان در میان میراث برجای مانده از وزیر مختار فرانسه پیدا می شود؛ مرحوم محیط در این باره نوشته است: «..تا آنکه هنگام مراجعه به کتاب های خریداری کتابخانه ملی پاریس از ترکه

کونت گوینو» (وزیر مختار فرانسه، بین سال های 1271-127 در طهران)، به دو نسخه ی خطی برخورد کرد که یکی مشتمل بر بیان فارسی به ضمیمه رساله ای بود که نویسنده مجموعه، در آخرش نوشته بود که به دستور وزیری، در 1279 هجری نوشته است...». (2)

با توجه به رفتار و عملکرد بهائیان در سطح دنیا به ویژه در کشورهای اسلامی از جمله جاسوسی در سطوح گسترده با نفوذ در مراکز مختلف کشورهای اسلامی و ارتکاب جرایم و مفاسد، با نیت تخریب ارزش های اسلامی و ناامن کردن شهرهای اسلامی جهت سودجویی استعمارگران در سایه این ناامنی ها و آشوب های اجتماعی، می توان باور کرد که اساس شکل گیری این فرقه، با حمایت کشورهای استعماری و به منظور بهره برداری های سیاسی صورت گرفته است. فرانسوی ها نیز، از پیروان این مسلک، بهره گرفته اند؛ چرا که برخی از مهره های اصلی بهائیت، اساساً وابسته به فرانسه و آموزش دیده جامعه فراماسونی فرانسه بوده اند؛ بهاء، مؤسس بهائیت، در زمانی که در مرکز قلمرو عثمانی بود، با نایب کنسول فرانسه دوستی دیرینی داشت و به شکل بسیار محرمانه ای، به سفارت فرانسه می رفت و با آنان دیدار می کرد. کنسول فرانسه در مورد حبس بهاء الله، به دولت عثمانی وساطت کرد تا او از تحت نظر بودن خارج شود. پس از همین وساطت ها بود که دو برادر (میرزا یحیی و میرزا حسینعلی) هر یک به منطقه ای

ص: 163

---

1-1. بهائیان، ص 652.

2-2. ماهنامه گوهر، شماره 23، ص 954.

در قلمرو عثمانی تبعید شدند.<sup>(1)</sup> آواره می نویسد: «مدتی که بهاء الله در استانبول بود، مورد تمجید و مورد توجه و تأیید قنصل‌های کشورهای اروپایی که قنصل فرانسه یکی از آنها بود. قرار گرفت»؛<sup>(2)</sup> بنابراین، می توان گفت که فرانسوی‌ها، در حمایت از بهائیان، دست کمی از دیگر کشورها نداشتند؛ چون از وجود آنها به عنوان ابزار و جاسوس، در امور کشورهای اسلامی سود می بردند و آنان را تحت حمایت داشتند.

هم زمان مردم مسلمان الجزایر الجزایر از مستعمرات فرانسه بود و دیگر

مناطق، در صدد جنگ و مقابله با اشغالگران فرانسوی بر آمدند و قیامهایی علیه آنها صورت گرفت. چون فرانسوی‌ها در فکر تغییر زبان، دین، خط، ملیت و هویت آنان بودند. فرانسوی‌ها، تهاجم فرهنگی را برای دگرگون ساختن فرهنگ این کشور، به کار می بردند و از طرفی به غارت منابع مادی و معنوی مردم الجزایر مشغول بودند. برای رویارویی با مسلمانان و پیشبرد اهداف خود، جهت تخریب فرهنگ اسلامی، دست به دامن بهائیان شدند و آنان را برای رسیدن به مقصود خود، به نوکری فراخوانده و به کشورهای اسلامی، مانند تونس، الجزایر و... فرستادند. رد پای بهائیان و حضور آنان در آفریقا، با این دعوت شروع می شود که برای تخریب دین و فرهنگ اسلامی در آفریقا، مبلغان بهائی، به آفریقا سفر کردند. شوقی افندی، برای یاری فرانسویان، در سرکوب نهضت‌های اسلامی مبارز به آفریقا دعوت شد؛ از این رو می بینیم که بهائیان در مصر و کشورهای دیگر آفریقایی، حضور یافتند و به فریب و جذب مردم ساده پرداختند. افندی، در اجابت از دعوت دولت فرانسه، به میرزا ابوالفضل گلپایگانی که مبلغ زبده و زبردست بهائیان بود، چنین نوشت:

از طهران چند مکتوب رسید که اولیای 3. استفاده از این گونه واژه‌ها درباره ی بیگانگان جهت جلب حمایت بوده است. سفارت فرانسه، اصرار دارند که

ص: 164

1-1. بهائیان، ص 651.

2-2. همان، ص 651.

بعضی از مبلغین، به صفحات آفریقا، تونس و الجزایر توجه نمایند و از اولیای دولت فرانسه، نهایت رعایت خواهد شد تا جماعت آن سامان را تبلیغ نمایند. آنچه در این خصوص فکر شد، نفسی که از عهده این کار برآید، ندیدم جز تو...» (1) با تأمل در نامه افندی به گلپایگانی، این نکته روشن است که وی از دولت فرانسه به دوستی یاد کرده و از پافشاری فرانسوی ها جهت حضور در آفریقا سخن گفته است. این اظهارات، نشان می دهد که ارتباط دیرین دوستانه، بین فرانسوی ها و بهائیان، بوده است؛ از طرفی می توان از این متن استنباط کرد که دولت فرانسه نیز، از مأموریت فرقه بهائیت که ضربه زدن به کشورهای اسلامی است، به خوبی آگاه بوده است. همچنین می توان دریافت که بهائیان و آموزه های آنان، به عنوان شکاف بزرگ دین اسلام، مورد توجه فرانسوی ها بوده است. وقتی هویدا که یکی از مهره های بهائیت بود، توسط نیروهای انقلاب دستگیر شد، برای نجات خود، درخواست کرد که «دوستان فرانسویم را با خبر کنید». (2) دوستی افرادی چون هویدا با فرانسوی ها و شرکت در مهمانی های آنان، اتفاقی نبود؛ بلکه او نیز مانند سران بهائیت، بازیگر و عامل فرانسه بود که خدمت شایانی به بهائیت کرد؛ بنابراین می توان گفت، هدف بزرگ استعمارگران در ساماندهی و ساخت مرام بهائیت و حمایت از به قدرت رسیدن چنین مهره هایی، مخدوش نمودن اسلام و مقابله با توسعه روزافزون قلمرو جهان اسلام و ایجاد تردید در دل مسلمانان و اعلام پایان دین اسلام و آغاز دوره دیگری از دیانت، به نام بهائیت بوده است. استعمارگران، در این راستا شعارهایی مانند مخالفت با وطن دوستی، (3) وحدت ادیان و صلح جهانی را مطرح می کردند. (4) اگرچه بهاء الله، پیش از اینها، در

ص: 165

---

1-1. مائده آسمانی، ص 43\_44.

2-2. یک مهره کوچک، ص 204.

3-3. بهائیان، ص 747.

4-4. همان.

دشت بدشت، به همراه جمعی از بایبان، مانند قرة العین، اعلام کردند که ای اصحاب، این روزگار، دوره سقوط تکلیف است. (1) این شعارها، همه برای خدشه در اسلام و احکام اسلام بود. در همین اجتماع، قرة العین کشف حجاب و کارهای خلاف عفت و حیا مرتکب شد که قلم از نوشتن آن، شرم دارد. (2)

فرانسوی ها، در عصر پهلوی دوم، با اختیار تأسیس شرکت های تجاری در ایران، عضو این شرکت ها را از بهائیان انتخاب کرده و از سرشناسان آنان بهره های سیاسی و اقتصادی می بردند و در سود تجاری، آنان را سهام می کردند و بدین وسیله، با پشتیبانی مالی و انباشت ثروت، به پایداری و رونق بهائیت در ایران، خدمت می کردند. (3) تأسیس مدارس مختلط و جذب جوانان، روش دیگری بود که در ایران برای نابودی فرهنگ اسلامی، توسط بیگانگان و نیروهای مرموز فراماسونی و بهائی (4) انجام می شد و فرانسوی ها نیز در این امور، دست فعال و مرموزی داشتند.

5. تاریخ معاصر ایران همان.

## آمریکا و بهائیت

### اشاره

آمریکا یکی از کشورهای تأثیر گذار در بسیاری از مسائل و اتفاقات جهان به ویژه رویدادهای به وقوع پیوسته در گذشته و حال کشورهای اسلامی است که از جمله این رویدادها جریان بهائیت است، برای روشن شدن برخورد این کشور با این جریان به مباحث مربوط به پیدایش این کشور و رابطه آن با ایران پرداخته، سپس به گونه های تعامل این کشور با بهائیت اشاره می شود:

ص: 166

---

1-1. فتنه باب، ص 140، مقاله عبدالحسین نوائی.

2-2. همان، ص 141.

3-3. ر.ک: تاریخ معاصر ایران، شمارگان 47-50.

4-4. نهضت امام خمینی، ص 69\_72.



### اشاره

آمریکا که در عصر حاضر مرکز استکبار و سلطه جویی است و در بیشتر جنایات و جنگ های خون بار جهان دست دارد؛ کشوری دیرین و برخوردار از تمدن کهن نیست؛ بلکه کشوری است که در قرون جدید و با استعمار و تصرف زمین های سرخ پوستان این قاره و قتل و کشتار آنان شکل گرفته و در عرصه بین الملل حضور یافته است؛ در مقابل جمهوری اسلامی ایران کشوری است با سابقه فرهنگی و تمدنی بیش از پنج هزار سال که آثار فرهنگی و علمی دانشمندان ایرانی در پیشبرد علم و تمدن جهانی تأثیر درخشان و برجسته ای داشته است. در اینجا به چگونگی کشف و پیدایش آمریکا، روابط دولت های آمریکا با ایران و نقش و حمایت آنان از بهائیت پرداخته می شود.

### 1. پیدایش آمریکا

از شکل گیری کشوری به نام آمریکا، دیر زمانی نگذشته است، ساکنان اولیه و مالکان اصلی این سرزمین، سرخ پوستان بومی بودند که به طور طبیعی در این سرزمین زندگی کرده و شغل و حرفه آنها غالباً کشاورزی و کشت ذرت، بود. (1) «کریستف کلمب»، (2) اولین فردی از اروپائیان بود که به این سرزمین پا نهاد،

(3) پس از او، اروپائیان به این قاره راه یافتند. اسپانیایی ها، در سال 1513 میلادی اولین اروپائیان بودند که در این قاره حضور یافتند و بعد از آنها فرانسوی ها پا در این قاره نهادند. حضور این استعمارگران در این قاره تازه کشف شده، به رقابت بین این مهاجران، جهت تصرف خاک بیشتر و قتل ساکنان اولیه منجر گردید (4) هلندی ها نیز، با کشتی های پرتغالی ها، به این قاره

ص: 167

---

1-1. فرانک ال. شوئل، آمریکا چگونه آمریکا شد (تاریخ ایالات متحده آمریکا)، ص 6\_14.

2-2. Christopher Columbus.

3-3. همان، ص 15.

4-4. همان، ص 18\_19.

اعجاب انگیز راه یافتند. انگلیسی ها جهت آسان نمودن افزایش جمعیت خود، دختران زیادی را به این منطقه هجرت دادند که با ازدواج آنان با دیگر مهاجران، نسل انگلیسی ها و بذر آنان در این سرزمین پراکنده شد. (1) انگلیسی ها با این شیوه مرموز و به ظاهر جذاب، به تأسیس تشکیلات مختلف در آمریکا اقدام کرده و به صورت نهاده و بنیادین، به توسعه و نفوذ خود افزودند و سرزمین «نیوانگلند» (2) را، در این قاره تشکیل دادند. مستعمرات انگلیس، از همه ملیت ها بیشتر بود. (3) بدین ترتیب، مهاجران هیچ یک از ساکنان را دارای حق نمی دانستند و معتقد بودند که وحشی ها، (4) واجد هیچ نوع حقوقی از نظر مالکیت نیستند؛ از این رو در صدد برآمدند تا مالکیت را تحت نظام قانونی در آورند و وجدان خویش را، با تنظیم معاملاتی دروغی، مبنی بر فروش اراضی و ثبت آنها بر روی پوست آهو، آسوده کنند. سرخ پوستان نیز به جای امضاء، علامت یا انگشت زدند؛ اما آنان به هیچ وجه، معامله را در نمی یافتند و اندیشه مالکیت و فروش دارایی غیر منقول، در تصورشان نمی گنجید؛ آنها تصور می کردند که مهاجران در صدد استفاده از این زمینها هستند، نه تصرف آنها.

(5)

بدین ترتیب، سرزمینی اشغال و نسلی کشته شد و نسل غارتگر و متجاوز

به حقوق انسانها جایگزین آن گردید و زمین های آنان و اموالشان تصرف شد؛ از این روی بنیان ایالات متحده، بر چنین حقوقی استوار است که استعمارگران اروپایی بدین وصف در این قاره مستقر گردیده و پس از قتل و خون ریزی فراوان، آمریکایی به وجود آوردند که امروزه از این آمریکا، در هر

ص: 168

---

1-1. همان، ص 25. انگلیسی ها از این سیاست، در خاورمیانه نیز استفاده کردند و به شاه اردن و برخی امیران عرب نیز دخترانی را دادند تا نسل انگلیسی در منطقه به قدرت برسد و وارث کشورهای اسلامی شود.

2-2. Newangland.

3-3. همان، ص 25-41.

4-4. منظور همان سرخ پوستان بودند که استعمارگران آنها را وحشی می نامیدند.

5-5. آمریکا چگونه آمریکا شد (تاریخ ایالات متحده آمریکا)، ص 47.

جای جهان، ستم و ظلم دیده می شود. در واقع، مهاجرانی که از انگلیس، فرانسه، اسپانیا و... به آمریکا آمدند و آنجا را تشکیل دادند، دزدان و غارتگران اروپا بودند که هر جنایتی را مرتکب می شدند. نقطه آغازین آمریکا، با این هویت شکل گرفت.

با توجه به شکل گیری ایالات متحده باید این سؤال را از تاریخ پرسید که آیا بر اساس آموزه ها و سنت های الهی حاکم بر تاریخ، چنین بنیانی می تواند استوار باشد و در آینده جهان، در فکر گستردن قلمرو و سلطه خود باشد؟ آیا کشوری که شکل گیری آن از نظر سنت های الهی، نامشروع است برای همیشه پابرجا و استوار خواهد ماند؟ آیا ظلمی که بر انسانها در شکل گیری این کشور شده است، پابرجا خواهد ماند؟ سردمداران چنین کشوری، با ادعاهای بزرگی، در اندیشه اداره جهان بر آمده اند، در حالی که آمریکا، بنیان مشروعی نداشته و با این سابقه استعماری، در صدد توسعه دموکراسی در جهان بر آمده است و خون های بسیاری را در خاورمیانه و کشورهای دیگر ریخته است. از جهت گیری های خصمانه آمریکا علیه ادیان الهی، می توان به دشمنی سردمداران این کشور، علیه اسلام و تشیع اشاره کرد؛ اساسا بنیان و اساس سیستم حکومتی آمریکا، با تجاوز، قتل و تعدی به حقوق انسانها و غصب سرزمین مردمان اصلی در این قاره، شکل گرفته است؛ بنابراین انتظاری که از این سیستم می رود غیر از ظلم و تعدی نیست!

سیاستمداران آمریکا برای توسعه قلمرو خود و دین زدایی از جوامع اسلامی، در اجرای برنامه هایی نظیر از بین بردن مبانی و ادیان الهی، مصمم گردیده و تمام مقدسات دینی را به سخره گرفته اند. حمایت این دولت از بهائیت، در همین راستا بوده است تا تسلط بر دنیا، با تخریب دین اسلام و شیعه محقق شود. از طرفی آمریکا قصد دارد با حمایت از اندیشه بهائیت،

دین اسلام و تشیع را محو کند،<sup>(1)</sup> که در این راستا اندیشه سلفی گری، در بین اهل سنت و بهائیت در میان شیعه، مورد حمایت قرار می گیرد. از دیگر سو، ایجاد اختلاف بین دو فرقه بزرگ اسلامی، نیز یکی از راهبردهای اصلی این کشور استعمارگر است.

## 2. سلطه جویی آمریکا

در ایران آمریکا به خاطر عدم مداخله در جنگ جهانی، از نظر اقتصادی توانمند بوده و با همین توان وارد عرصه بین الملل شد؛ از این رو آمریکا در ایران، پس از جنگ جهانی که هم زمان با آغاز سلطنت محمدرضا پهلوی بود، حضوری فعال داشت. این دوره، با نفوذ وسیع آمریکا و کاهش نفوذ دیگر رقبای تجاری، مانند انگلیس مشهود است.<sup>(2)</sup> آمریکا، در ابتدا ورودش به صحنه سیاسی و روابط با ایران، با چهره مردم دوستی، حمایت از فعالیت های فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی و... حضور خود را آغاز کرد و نسبتاً چهره قابل قبولی در میان مردم در عهد قاجار یافت. آمریکا، با این حضور، برای آینده سیاسی ایران، برنامه ریزی و تدابیر مهمی آماده کرد.<sup>(3)</sup> چهره واقعی آمریکا برای مردم ایران ناشناخته بود؛ اما روس و انگلیس، به جهت سوابق استعماری، وجهه مثبت نداشتند؛ چرا که مردم ایران، بر اثر دخالتهای استعماری آنان و بی کفایتی دولت های زمان به سختی، قحطی، فقر و بیماری

گرفتار بودند<sup>(4)</sup>

در حالی که قلمرو عثمانی در بیماری تجزیه گرفتار بود، انگلیس با چهره استعماری، غارتگری و چپاول، در خاورمیانه حضور یافت و دیگر دولت های غربی، در غرب جهان اسلام، به توسعه مستعمرات خود پرداختند. این

ص: 170

1-1. «یریدون لیطفؤوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون»، صف، آیه 8.

2-2. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج 2، ص 239.

3-3. همان، ج 1، ص 322.

4-4. ر.ک: حسین مکی، تاریخ بیست ساله، ج 3، ص 101-110.

فزون طلبی های استعماری، مبارزان و مخالفانی داشت که علمای بزرگ شیعه، در مبارزات علیه استعمارگران پیشگام بودند، (1) چنان که در رهبری مشروطه ایران و کاستن از قدرت استبداد نیز پیشگام شدند. (2) انگلیس و روس، در ابتدای کار مشروطه، با اعمال نفوذ و جاسوسی، در بین مشروطه خواهان ایجاد اختلاف کردند؛ چرا که با مشروطه خواهی، پایه های نفوذ استبداد سست می گردید و دولت های دست نشانده از بین می رفتند. در این برهه از زمان، انگلیس مایل به استمرار استبداد قاجاری وابسته به روس نبود؛ از این رو تصمیم گرفت تا وابستگی دولت ایران به انگلیس را، بیشتر از وابستگی ایران به روس کند. در گیرودار مبارزات، آمریکا در ایران حضور یافت و با دو رقیب قدرتمند، ذی نفوذ و باتجربه روبرو شد، او باید سیاستی اتخاذ می کرد که جای پای مناسبی در میان مردم باز کرده و برای خود، پایگاه مردمی مناسبی فراهم نماید. دخالت های سیاسی روس ها و انگلیسی ها، مردم را خسته و این زمینه را برای آنان مناسب تر کرد.

### 3. رابطه ایران و آمریکا

آغاز روابط ایران و آمریکا، از سال 1268 هجری قمری بوده، اما با اعزام وزیر مختار آمریکا، ویلیام بنجامین، در سال 1291 هجری شمسی، به دربار ناصرالدین شاه، روابط دیپلماتیک این دو کشور شروع شد. این رابطه، گرچه با نوسان و سلطه یک جانبه آمریکا، جهت دستیابی به منافع خود، تا تاریخ 1359/1/19

استمرار داشت، اما با تسخیر سفارت آمریکا، توسط دانشجویان پیرو خط امام، خاتمه یافت. (3) این پیروزی دیگری پس از انقلاب اسلامی بود که در سایه رهبری امام خمینی مختلف، ملت ایران بدان دست یافت.

ص: 171

---

1-1. عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص 38.

2-2. همان، ص 132.

3-3. مجموعه نویسندگان، تحولات روابط ایران و آمریکا، «ویژه نامه یاد، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی»، سال سیزدهم، شماره های 51-52، پائیز و زمستان 1377، ص 176.

قبل از شروع روابط رسمی آمریکایی ها با ایران، آنها نیز مثل اروپائیان، در پی جای پای خود بودند که در پوشش مذهبی و با حضور هیأت مذهبی، این هدف را دنبال می کردند. بدین ترتیب، اولین گروه، با نام «جمعیت مبشرین پروتستانی آمریکا»، با هدف مطالعه در احوال مسیحیان آذربایجان، به ایران قدم گذاشتند، آنها در سال 1206 هجری شمسی، به غرب ایران آمدند و طی مطالعاتی جامع درباره ایران، به آمریکا برگشتند، پس از آن، کشیشی آمریکای به نام پرکینز(1) با اطلاعات و اختیارات بیشتری به ایران گسیل شد و به دنبال او، تعداد کثیفشان در ایران زیاد شد و با پوشش تأمین مدرسه و تدریس زبان و فنون نوین، نفوذ خود را آغاز کردند.(2) بسترهای فرهنگی و زمینه های تعلیم و تربیت، اساسی ترین رفتار استعماری آمریکا بود.

فعالیت گروه های مذهبی»، با واقعه ظهور باب و قلع و قمع بایان، در زمان ناصرالدین شاه، برای مدتی متوقف شد و پس از مدتی کوتاه فعالیت آنها مجدداً شروع گردید. در جریان مشروطه، کشیش آمریکایی هوراد باسکرویل(3) که معلم مدرسه آمریکایی بود به قتل رسید... (4)

چنان که از این گزارشات بر می آید آنها کار خود را در قالب فعالیت های مذهبی، تحقیقی، فرهنگی و تأسیس مدرسه شروع کردند و در کنار مشروطه خواهان قرار گرفتند؛ از این رو پیشینه رابطه ایران و آمریکا، به دوره قاجار می رسد. در اواخر دولت قاجار، پس از اینکه دولت های روس و انگلیس به ایران و اقتدار سیاسی آن، صدمات جبران ناپذیری وارد کردند سیاستمداران مصمم شدند دست به دامن آمریکا شوند. ملک الشعراى بهار در این باره می نویسد:

ص: 172

1- Perkins.

2- همان، ص 18 و ص 175، ر.ک: فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره 9، پاییز 1384.

3- Howard Baskerville.

4- تحولات روابط ایران و آمریکا، ص 171.

«...ایرانی دریافته است که باید گلیم خود را، به توسط سرمایه دولت آمریکای شمالی، از آب بیرون کشد و مصلحت خود را در آن دیده است که با همدستی دولت «اتازونی»،<sup>(1)</sup>

(2) در آن دوره، آمریکایی ها در ایران و جهان، سیاستی در پیش گرفتند تا وانمود کنند که در فکر اصلاح و نجات ملتها و جامعه ایرانی هستند؛ از آن رو مرحوم بهار که در این دوره میزیست، این جهت گیری را مثبت تلقی می کند؛ غافل از اینکه ایرانیان، برای نجات از سلطه انگلیس، به دام آمریکا گرفتار شدند و رقابت بین دولت روس و انگلیس به تدریج جای خود را به رقابت و تنش سیاسی بین آمریکا و انگلیس داد. با احساس نیازی که از سوی سیاستمداران ایران، به سوی آمریکا وجود داشت، آمریکا نیز با اقدامات به ظاهر مثبت در ایران، اعتمادسازی مطمئنی ایجاد کرده بود.

### 3-2 هیئت های اقتصادی و امتیازات

مسئله استقراض از آمریکا و قبل از آن، واگذاری امتیاز نفت شمال ایران و استخراج آن توسط شرکت های آمریکایی، می تواند آغاز حرکت های اقتصادی، در روابط ایران و آمریکا تلقی شود. این روند، ابتدا برای انگلیس قابل تحمل نبود. این تعامل، در زمان نخست وزیری قوام السلطنه بود که آمریکا توانست امتیاز استخراج تمام معادن نفت شمال ایران را، با تصویب مجلس به دست آورد.<sup>(3)</sup> در این عرصه، آمریکا دقیقا در جایگاه روسیه قرار گرفت و از طرف روسیه مورد اعتراض واقع شد؛<sup>(4)</sup>. بنابراین برای ایجاد روابط بین آمریکا و ایران، در ابتدای راه، دو معترض و رقیب جدی وجود داشت

ص: 173

- 
- 1-1. نامی است که آن زمان بر آمریکا نهاده بودند. خود را از گرداب فقر که پیاپی او را در آن هُل می دهند، نجات دهد».
  - 2-2. محمدتقی بهار، تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج 1، ص 194.
  - 3-3. همان، ج 1، ص 195؛ سرپرسی سایکسن، تاریخ ایران، ص 13.
  - 4-4. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ص 196

که کار آمریکا را مشکل می کرد، هر دو دولت متبوع، به اعتراض علنی روی آوردند، چون منافع هر دو، توسط رقیب جدید، به چالش کشیده شده بود.<sup>(1)</sup> در سال 1300 شمسی، ملت ایران با جهت گیری مثبت حزب دموکرات، از این پیمان نفتی با آمریکا، حمایت کرد.<sup>(2)</sup>

با این تحولات، به خوبی روشن است که ایران چون طعمهای چرب بود که توسط چند اشغالگر، مورد منازعه و مخاصمه قرار گرفت و ملت و دولت ایران نیز، تحت ظلم و سیطره استعمار انگلیس و روس، به دولتی چون آمریکا پناه بردند. این فرصت برای آمریکا فرصت مناسبی جهت گسترش سلطه و توسعه سیاست ها بود.

مرحله دیگری از روابط ایران و آمریکا، موضعی منفعلانه بود. استقراض ایران از بانک های آمریکایی، در 31 خرداد 1302 هـ.ش، در مجلس مطرح شد و طی مواد و لوایحی قانونی، تصویب گردید.<sup>(3)</sup> حضور دکتر آرتور میلسپو<sup>(4)</sup> در رأس امور داریائی ایران و سوابق به ظاهر پسندیده او در میان مردم ایران، دولت آمریکا را دولتی دوستدار و دلسوز مردم ایران، شناسانده بود. وی توانسته بود در امور مالی ایران، نظم خاصی ایجاد کند و به هرج و مرج خاتمه دهد.<sup>(5)</sup> عده ای در مجلس ایران، به همراهی رضاخان به وی اعتراض می کردند؛ زیرا آنان بر انگلیسی ها تکیه داشتند. چنان که ملک الشعراء می نویسد: «... دکتر را تضعیف کند و هم از ترس افکار عمومی که کاملاً حامی دکتر (میلسپو) بود...»<sup>(6)</sup> در این دوره، عده ای از مردم، تصور می کردند که آمریکا منجی ملت ها است، چنان که مصری ها، خیال می کردند ناپلئون

ص: 174

---

1-1. همان، ص 199؛ تاریخ ایران، ج 2، ص 743.

2-2. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ص 199.

3-3. همان، ص 342.

4-4. Arthur Millspaugh.

5-5. تاریخ ایران، ج 2، ص 187.

6-6. همان، ج 1، ص 188.



منجی آنها است؛ به همین خاطر گرایش به سوی آمریکا در ایران نسبتاً عمومی بود.<sup>(1)</sup> اما روابط ایران و آمریکا، با کشته شدن کنسول آمریکا در ایران (رابرت ایمبر)،<sup>(2)</sup> به سردی گرایید و شرکت آمریکایی میلسپو، به علت فقدان امنیت لازم، تعطیل شد.

اما در دوره پهلوی دوم، دخالت های آمریکا در امور سیاسی ایران، روزبه روز فزونی یافت و به دخالت در تمام امور سیاسی و اجتماعی منجر گردید. آمریکایی ها، لوایحی چون کاپیتولاسیون

<sup>(3)</sup> را به مردم ایران تحمیل کردند و امتیازات نفتی بزرگی گرفتند، آنها به تأسیس شرکت های چندملیتی اقدام کردند. همان، ص 241. و در امور سیاسی، از طریق ساواک که خود مؤسس آن بودند، دخالت کردند؛ در این زمان، مبارزه علمای شیعه، به خصوص امام خمینی (ره) بنخال، با نفوذ بیگانگان، به ویژه دخالت های آمریکا شروع شد.<sup>(4)</sup> مبارزه امام با آمریکا ادامه داشت و امام توانست مردم ایران را علیه آمریکا بسیج و عامل استعمار

پهلوی) و حامیانش را از ایران بیرون کند و با پیروزی بر آمریکای جهان خوار و استعمارگر، این دولت را شیطان بزرگ بنامد.<sup>(5)</sup> این نام گذاری، برای مستضعفان جهان و انسانهای آزاده مطلوب بود و تمام مواضع سیاسی و فرهنگی این دولت مستکبر را به مخاطره انداخت. آمریکایی ها، پس از شکست تلخ در مقابل اراده ملت ایران که با رهبری امام خمینی (ره) به حرکت درآمد، پایگاه مهم خود را در خاورمیانه از دست دادند و به دنبال مهره هایی بودند که بتوانند در موقعیت های مختلف، از آنان برای ضربه زدن به ملت ایران سود ببرند. مناسب ترین مهره که زاده استعمار و از نهاد و ریشه

ص: 175

---

1-1. تاریخ سیاسی معاصر، ج 1، ص 105.

2-2. Robert Imbrie.

3-3. همان، ص 104\_106.

4-5. همان، ص 109-115.

5-6. صحیفه نور، ج 10، ص 489-493.

## ب) گونه های تعامل آمریکا با بهائیت

### اشاره

در مباحث پیشین، نقش دولتهای استعماری روس، انگلیس و...، در پدیدار ساختن بابت و بهائیت، مورد بررسی قرار گرفت. در این فصل، به نقش آمریکا در رشد و توسعه تشکیلاتی و جغرافیایی بهائیت به اختصار پرداخته می شود تا گوشه ای از توطئه های خصمانه دشمنان اسلام، به ویژه استکبار و سردمدار امپریالیسم جهانی، روشن گردد.

حمایت همه جانبه ای که آمریکا از بهائیت کرد، شبیه رویکرد سیاسی این دولت، درباره صهیونیسم بین المللی، در سرزمین اشغالی (فلسطین) است. این سیاست همسو، تداعی گر توطئه بزرگ آمریکا، ذیل حمایت از بهائیت و صهیونیسم، علیه اسلام اصیل است. با توجه به این حمایت همه جانبه و بی حساب، باید پرسید آیا بهائیان همان صهیونیست های سرزمین اسلامی اند؟ آیا بهائیسیم و صهیونیسم یهود، غاصبان فلسطین اند که هر دو در نقطه ای مشترک و زیر چتر حمایت استعمارگران به وجود آمده اند؟ چرا آمریکا از اسرائیل و بهائیت، با تمام وجود حمایت می کند؟ انگیزه سیاستمداران کاخ سفید، در حمایت از این آشوبگران چیست؟ گاهی شبکه های رسانه ای و زنجیره ای ضد مبانی اسلامی سامان داده می شود و گاهی حزبی مانند القاعده و شبه نظامی طالبان، از دل جهان اسلام می روید و به مقتضای زمان، عناصری را در گستره جهان اسلام، پروراند و مورد حمایت قرار می دهد. چرا آمریکا از بهائیت حمایت می کند و برای رسمیت یافتن آن در جهان، می کوشد؟ بی گمان، همسویی هایی بین بهائیت و آمریکا وجود دارد که مورد حمایت

ص: 176

---

1-1. کشور آمریکا و بهائیت که هر دو زاده خون تجاوز و تعدی استعمارگران هستند در واقع مبنای مشترک دارند؛ از این رو در بسیاری از اهداف هم گرایی دارند.

آمریکا و هم پیمانان او است؛ رویکرد بهائیت در این دوره، بیشتر به چند موضوع متمرکز شد و این حرکت خزننده، با پشتیبانی آمریکا، از سوی رهبران بهائی و هم پیمانان سیاسی آنها پیگیری می شود.

اهداف مهم در هم گرایی بهائیت و آمریکا:

.. تشکل دادن به فرقه و ایجاد تشکیلات نوین و پایدار برای مسلک

بهائی.

2. گسترش جمعیت و نفوذ در ارکان سیاسی و فرهنگی ایران و دیگر

کشورها و آزادی تبلیغ افکار بهائیت

3. جاسوسی بهائیان، در قبال حمایت های آمریکا از این گروه. 4. توسعه تشکیلات با ساختار جدید سیاسی اقتصادی. (1). 5. دستیابی به قدرت اقتصادی برتر و رسیدن به ثروت

گرایش به فزونی ثروت، در بیشتر فرقه های انحرافی که مورد حمایت استعمار هستند، وجود دارد. بهائیت با الهام از آمریکا با گرایش به ثروت و تجارت، به راهی رفت که امپریالیسم جهانی، دیگر فرقه های معاند با شیعه را به آن هدایت کرده است؛ علاقه به ثروت و فعالیت اقتصادی با چند هدف انجام می شود

.. حمایت از محرومان و فقرا جهت جذب به مرام بهائیت (2) حفظ قدرت اقتصادی و تصاحب شرکت های تولیدی که حیات هر

جامعه، گروه و حزبی به این رگ حیاتی وابسته است. (3)

3. استمرار، ترویج و گسترش مرام بهائیت با چاپ و نشر آثار و حمایت از اعضای بهائی که وضع مالی آنها نامطلوب است. این فعالیت ها، برای حفظ اساس بهائیت، ضروری بود.

ص: 177

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 10

2-2. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 376.2.

3-3. همان، ص 401-462.

4. سران بهائیت، در برنامه های راهبردی جدید، به توسعه جغرافیای این

فرقه در جهان نیز اهمیت داده اند. این مرام، تنها مرامی است که پراکندگی جمعیت گسترده دارد؛ به ویژه در کشورهای اروپایی، آمریکایی، آسیایی و آفریقایی، دارای پیروانی است که با بیت العدل ارتباط منظم دارند. آنان دارای برنامه های ماهانه و هفتگی خاص از پیش تهیه شده هستند. یکی از فرامین سران بهائی، ارتباط مستمر تمام بهائیان با مرکز و پیروی کامل آنها از تصمیمات مرکزی است. وحدت و انسجام آنها پس از مرگ شوقی، بسیار نهادینه و رو به رشد بوده است؛ تا جایی که در سازمان ملل و جوامع بین المللی نیز نفوذ دارند و از این طریق خواسته های مرام خود را پیگیری می کنند، برای مثال، بارها آنها از طریق کشورهای عضو شورای امنیت، از دولت ایران خواسته اند که در ایران، بهائیت را به رسمیت بشناسد و حقوق آنها را رعایت کند. (1)

## 1. پیدایش بهائیت و آمریکا

اولین حضور رسمی نماینده آمریکا در ایران، در زمان مورگان شوستر (2)

آمریکایی رخ داد، اما پیش از آن بین آمریکا و ایران روابط تجاری برقرار بود. جکسون (3) درباره علاقه دولت آمریکا به بنیان بهائیت (باب)، چنین اظهار می دارد:

... هنوز از بازار تبریز ... دور نشده ایم که به میدان بزرگی می رسیم و این میدان از نظر ما اهمیت خاصی دارد؛ اما نه به سبب دکان های اسلحه سازی و تفنگ سازی و قورخانه دولتی و زندان و اصطبل های سلطنتی و بیوتات ولیعهد؛ بلکه به جهت آنکه، این میدان محل اعدام باب، در 9 ژوئیه 1850

مطابق 27 شعبان 1299 [بوده است]. (4)

ص: 178

---

1-1. عالمان شیعه رویاروی استعمار، ص 56 و 73.

2-2. Morgan Shuster.

3-3. Abraham Williams Jackson.

4-4. سفرنامه جکسون (ایران در گذشته و حال)، ص 65.

او، باب را با تجلیل توصیف کرده و می نویسد: «... وی [باب] از مصلحان مذهبی ایران است. این داعی مذهبی گرم رو و معلم اخلاق که نام اصلیش میرزا علی محمد است، در حدود 1820 میلادی (1235 یا 1236 قمری) در شیراز متولد شد. نخست، راه و رسم سوداگری به وی آموختند، اما پس از آنکه به زیارت کربلا- و سپس مکه رفت، آئین تازه آورد و آتش دین جدید، چنان جان و دلش را برافروخت که از آن پس، حیات خود را وقف ترویج کیش خود کرد. در حدود سال 1866 میلادی (1290 قمری) که به زادگاه خویش بازگشت، لقب «باب» بر خود نهاد. یعنی دری که به جهان گشوده می گردد. آراء دینی او، تا حدی التقاطی است. همچنین، متمایل به وحدت وجود و عرفان است و عواملی از مذهب

غنوسیه یا گنوستیسم» (از ادیان قرون اول و دوم قبل از میلاد) و اعتقاد به دو مبدأ خیر و شر در آن مشاهده می شود. در این آئین، حکمت عملی و اخلاق را مقامی والا است و آزادی خواهی در این کیش به حدی است که متضمن مراحل برای نیل به آزادی زنان می باشد «...»(1)

در ادامه، وی از گسترش فراوان بابی گری سخن گفته که ظاهراً مقصودش از بابی گری در این دوره، همان بهائی گری است؛ چون گسترش بهائیت بیشتر از بابت بود، «در واقع بابی گری، منحصر به ایران نیست، بلکه باب، در بین النهرین، روسیه، مصر و هندوستان نیز پیروانی دارد. حتی در آمریکا، بایانی هستند که برخی از آنان به تبلیغ مراسم خود کوشیده اند».(2) وی در کتاب خود، بارها از باب به عنوان مصلح دینی یاد می کند(3) که مایه شگفتی است، اما تعریف وی از «اصلاح» و «مصلح» چیست؟ آیا آتش های فتنه در

ص: 179

1-1. همان.

2-2. همان، ص 67.

3-3. همان، ص 139.

سراسر ایران (1) که در دوره بابیت ایجاد شد، اصلاح طلبی بود؟ جکسون از آشوب های دوره قاجار و فتنه هایی که شهرهای ایران از شرق تا غرب و شمال و مرکز ایران را فرا گرفت، با نام اصلاح یاد کرده است، بی تردید، او از آثار این انحراف به وجود آمده، برادر کشی و خونریزی در ایران، بی خبر نیست؛ اما این آشوب اجتماعی را صلح و مسبب آن را مصلح می نامد، دیدن میدان اعدام باب در تبریز، برایش اهمیت ویژه ای دارد و از آموزه های انحرافی او، به عنوان اصلاحات یاد می کند. رویکرد و موضع این محقق آمریکایی که بی ارتباط با مواضع حکومت آمریکا نیست، نشان می دهد که آمریکا دید مثبتی، نسبت به باب داشت، البته آمریکایی ها، در این دوره، فعالیت خود را به خاطر بحرانی شدن وضع ایران، متوقف کرده بودند و آن گونه که روس ها و انگلیس از نزدیک پیگیر قضایای باب بودند، چنین کنشی درباره باب، به ظاهر از خود نشان ندادند.

جکسون که در کتاب خود دین «باب» را جهانی و دارای پیروان بسیار اعلام می کند، این اعلام جهانی شدن بهائیت از زبان جکسون، اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه با انگیزه جانب دارانه و حمایتی، صورت می گیرد. 1.

بر اساس گزارش دیگری در سال 1318 هجری قمری، بایان (بهائیان) در ایالت شیکاگو، فعالیت خود را آغاز کرده اند و در همین دوران، دهها هزار بابی یا بهائی در آمریکا حضور داشتند و با حمایت خاص دولت آمریکا و در پناه آنان، به ترویج اساس بهائیت می پرداختند. (2)

بهائیان آمریکا که تحت حمایت دولت آمریکا بودند، به دستور

میرزا حسینعلی، در امر وقف املاک و بناهای خود به نام بهائیت، تلاش فراوانی داشتند و هدایایی جهت تشویق مردم و جذب آنان به بهائیت و گسترش بهائیت، وقف و در اختیار رهبران بهائی می گذاشتند، تا محافل

ص: 180

---

1- 1. ر. ک: فتنه باب، ص 49.

2- 2. انشعاب در بهائیت، ص 130.

بهائی‌ها در سراسر دنیا، با پول و ثروت‌های هنگفت معرفی‌شود. نمایندگان بهاء، تمام زمینه‌ها و مقدمات این حرکت امپریالیسمی را پیگیری می‌کردند. همان‌طور که شناسایی و ثبت بهائیت به عنوان مذهب رسمی، ابتدا از آمریکا آغاز شد، در به رسمیت شناختن موقوفات بهائی نیز، آمریکا پیش قدم شده بود؛<sup>(1)</sup> از این روی آمریکا در تأمین نیازهای مالی این فرقه، در این برهه از زمان

که آغاز فعالیت آنها بود) پیش دستی کرد؛ بر همین اساس بهائیان آمریکا، موفق شدند در مدت کوتاهی، عوارض و مالیات‌های موقوفات بهائیان را لغو کنند و حتی تسهیلات و مساعدت‌های عمده‌ای در اختیار آنان بگذارند. با این کار، آنها توانستند صرفاً به امور بهائیت رسیدگی کنند و در نشر آن در قاره آمریکا، یاری و مساعدت کرده باشند.

## 2. ستیز با همبستگی اسلامی

رهبران بیدار و آگاه جوامع اسلامی، با الهام از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بیدارتر، پیشگام‌تر و موفق‌تر عمل می‌کردند و در استعمارستیزی، پیشرو و آگاه بودند.<sup>(2)</sup> از عوامل سردمداران استعمار علیه روحانیت اسلام، حرکت‌های ضد استعماری مانند نهضت عراق، نهضت‌های شیعی لبنان به رهبری شرف‌الدین و امام موسی صدر و جنبش‌های علمای شیعی در نقاط دیگر بود که در برابر فزون‌خواهی استعمارگران ایستادند؛ چه زمینه‌ای برای ایجاد تنش و چالش در میان شیعه، از فرقه‌سازی توسط روس و انگلیس بهتر بود؛ این بهائیت بود که می‌توانست برای آمریکا همان نقشی را ایفا کند که سالها برای روس و انگلیس بازی کرده بود. برای رهبران بهائیت تفاوتی نداشت که بر سر سفره چه کسی باشند؛ آمریکا، انگلیس، روس و یا دیگران. آنچه برای آنها مهم بود پشت پا زدن به وطن و نوکری اجانب بود. چنان که بهاء، با هم‌گرایی

ص: 181

---

1- همان، ص 212.

2- همان، ص 38 و 46. نظیر قیام و جنگ عمر مختار در لیبی.

و به اشتباهی استعمار، صریحاً برای مبارزه با احساسات ملی و وحدت بخش، با امپریالیسم هم نوا شد و مظاهر همبستگی ملی و دینی را هدف قرار داد و درباره اظهار عشق به وطن که در مبانی اسلامی به آن سفارش شده است،<sup>(1)</sup> نظریه پردازی کرد و آن را این گونه مخدوش نمود: «نباید کسی افتخار کند که وطن خود را دوست دارد، بلکه باید جهان را دوست داشته باشد».<sup>(2)</sup>

هم نوابی او با بیگانگان از اهداف مشترکی بود که به هر قیمتی، باید عملی می شد؛ به قیمت تخریب تمدن دیرین و غارت سرمایه های ملی و یا به قیمت خون هزاران جوان و از بین بردن عقاید مذهبی میلیونها مسلمان. آنها در این قرن، برای امپریالیسم، مبدل به تز و دکترین مبارزه با اسلام شده بودند. بهائیان، این شعار استعمار را که دل بستگی به وطن را ضدارزش تلقی کرده و آن را نمی پسندیدند- از کودکی به فرزندان خود القا می کردند؛ آیتی، معتقد است که عبدالبهاء، بیشتر به غریبان و استعمارگران متمایل و با اندیشه های آنان سازگار بود و این اندیشه (دل کندن از وطن) را به نام بهاء ترویج می داد؛ در حالی که این نوع افکار او، تزریق استعماری بود. در روایات اسلامی آمده است که وطن دوستی و عشق به وطن از اجزاء و ارکان ایمان است. آنها با طرح چنین شعاری، می خواستند با تمام ارزش های دینی و اندیشه های ناب اسلامی به مبارزه برخیزند و تمام زمینه های علاقه به حفظ میهن و سایر مسائل فطری را از انسانها و مسلمانان بازگیرند.<sup>(3)</sup> هدف از طرح این شعار عبارت بود از: 1. مبارزه با شعار وطن دوستی مسلمانان که از فرهنگ اسلام اقتباس شده بود. 2. مبارزه با ملی گرایی و انسجام ملی که از حس درونی برمی خیزد؛ وجود

ص: 182

- 
- 1-1. «حب الوطن من الإيمان» الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج 3، ص 333.
  - 2-2. كشف الحیل، ص 687: بهائیان، ص 748، به نقل از مقدمه کتاب نقطه الكاف.
  - 3-3. انشعاب در بهائیت، ص 139، نطق حائری زاده در مجلس شورای ملی: «آقایان بهائیان به اصول وطن معتقد نیستند.



این حس در انسان، می تواند حس غرور و دفاع از میهن و همبستگی و هویت واحد، ایجاد کند تا در مقابل فزون خواهی استعمارگران ستیز کنند.

3. مبارزه و مقابله با جنبش های دینی و جهادی نیز، از جمله اهداف مشترک بود. استعمارگران، در مقابله با جنبش های اسلامی و ملی با مشکل روبرو شدند، این جنبش ها، از عوامل انسجام بین ملتها و برخاسته از حس مقدس وطن دوستی و علاقه به آب و خاک بود، این حس، قومیت ها و نژادها را در کنار هم، جهت مبارزه و حفظ منافع ملی متحد می کرد؛ از این روی برای برچیدن چنین عواطف و احساسات ملی، برنامه ریزی و بر روی آن کار کردند تا به نتیجه مطلوب برسند؛ استعمار، از زبان بهائیت، این شعارها را در جامعه ترویج می داد، تا به عنوان یک فرهنگ تلقی شده و جایگزین ارزش های دینی و ملی شود.<sup>(1)</sup> استعمارگران، با این برنامه ها، اهداف و سیاست های خود را پیگیری می کردند. عواطف، احساسات و وابستگی به میهن، یکی از عوامل و مؤلفه های روانی است که انسان را برای دفاع از خاک و وطن به جوشش و خروش فرا می خواند و روح جمعی را احیا می کند.

استعمارگران، با جنبش های آزادی خواه و جنبش های بزرگ دفاعی و ضد استعماری، در کشورهای جهان سوم، به ویژه در کشورهای اسلامی روبرو گردیدند؛<sup>(2)</sup> از این رو احزاب سیاسی - فرهنگی وابسته به خود را که از آموزه های سرمایه داری بنیان می گرفت و رنگ و لعاب دینی نیز داشتند، تأسیس کردند تا این جنبش ها، اساس و مبانی مذهبی این کشورها را به چالش بکشند.<sup>(3)</sup> ادیان نوظهور و مذاهب و فرقه های نوساخته از این دست،

ص: 183

---

1-1. همان، ص 749-751.

2-2. اسلام در انقلاب، جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص 93-110؛ جنبش های اسلامی معاصر، ص 95.

3-3. آنچه امروز در برخی سایت ها از زبان نمایندگان سرخورده استعمار در ایران، درباره قرآن، تشیع، غدیر، دین و عصمت ائمه اطهار می شود، مصداق روشن فعالیت این افراد در پایگاه های فرهنگی دشمن است.

در آسیا و کشورهای آفریقایی مستعمره شده کم نبود، نظیر جنبش فکری سلفی و وهابیت که از برخی وجوه، با جنبش بهائیت مشترکات فراوانی دارد. جریان وهابیت تمام مسلمانان را تکفیر و راه درست را در چهارچوب اندیشه های وهابیت منحصر می داند، بهائیت نیز تمام ادیان را منسوخ می داند خصوصا دین اسلام را خاتمه یافته و بهائیت را جایگزین آن اعلام کرد. رهبران بهائیت، ستیز خاصی با مسلمانان و علی الخصوص شیعیان، شروع کردند؛ از این رو بهائیت با برنامه های هدفدار بسیار گسترده، توسط

استعمارگران بنیان گرفت و مورد حمایت جدی کشورهای مختلف استعماری بوده است؛ حمایتی که استعمار کهنه از آن داشت با حمایت استعمار نو، تناقض و تباین ندارد؛ بلکه حمایت های استعمار نوین، با توجه به تغییرات زمانی، جغرافیایی و سیاسی کشورهای مورد نظر، متغیر و متناسب با آنها است؛ از این رو با رویش مسلک های منشعب از ادیان، به ویژه اسلام، می توانست همبستگی ملی مذهبی را در جهان اسلام، با چالش جدی روبرو نماید.

تلاش هایی که استعمار به سرکردگی آمریکا درباره بهائیت در این دوره انجام می دهد، در قالب رسمیت دادن و تلاش برای رسمی کردن این فرقه انحرافی، در کشورهای نظیر انگلیس، آمریکا و... بوده است. حمایت از بهائیت تا حدی برای آنان مهم است که در سطوح مختلف بین الملل، خواستار رسمیت بخشیدن به این حزب سیاسی و فکری شده اند.<sup>(1)</sup> این حمایت استعماری، جهت نهادینه کردن بهائیت در سراسر دنیا، حکایت از آن دارد که بهائیت به همان میزان برای آنان حائز اهمیت است که صهیونیست ها برای آنان اهمیت دارند؛ آمریکا به هیچ قیمتی، ولو به قیمت متلاشی شدن و انحطاط ایالات متحده، حاضر به ترک حمایت از دولت غاصب اسرائیل

ص: 184

نیست؛ به یقین سیاستمداران آمریکا و مردم آمریکا که ناآگاهانه از سیاست های دولت حمایت می کنند، ضربه سهمگینی در قبال حمایت از صهیونیسم، خواهند خورد! بی گمان وجود و حضور صهیونیسم در منطقه، به همبستگی اسلامی، صدمه جدی وارد کرد و اختلاف نظر در میان کشورهای اسلامی، بر سر این مسئله، به بحران های بزرگی منجر گردیده است؛ بر همین اساس استعمارگران هر دوی این طرز تفکر را در یک اقلیم و جغرافیای خاص، جای داده اند. امروز، آنچه آمریکا درباره صهیونیسم و دفاع از او سرمایه گذاری می کند، برای بهائیت نیز، همین همت را دارد. از لحاظ سود بردن و استفاده اهرمی نیز از هر دوی این ایدئولوژیها، در ضربه زدن به ماهیت اسلام بهره مند می شود. آمریکایی ها، امروز به صراحت از توطئه های خود، جهت ضربه زدن و نابودی تشیع پرده برداشته اند و از بودجه هایی که در این راه تصویب کرده اند، سخن می گویند.

### 3. هم گرایی در شعارها

بی تردید، بهائیت با طرح شعارهای امپریالیستی، با آمریکا کاملاً هم نوا شده و از دیرباز ترویج دهنده و بلندگوی شعارهای استعماری است؛ علاوه بر تخریب بنیان خانواده، به تحریم و تخریب شعارهای ملی گرایانه که از عناصر مهم وحدت و انسجام ملی است دست می زند، از جمله این شعارها، وطن دوستی و علاقه به خاک و وطن است که در اسلام نیز از علائم ایمان شمرده شده است.<sup>(1)</sup> بهاء، در اظهار وفاداری به امپریالیسم، مردم را دعوت به ترک تعصبات در خصوص آب و خاک و ملیت فرا می خواند و با این هدف، مقدمه ساز حذف ملیت از ملت ها می شود که مساوی با حذف احساسات پاکی است که انسان را به دفاع از میهن فرا می خواند.

ص: 185

---

1-1. «حب الوطن من الإيمان» علی نمازی، مستدرک سفینه البحار، ج 10، ص 375؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح بخاری، ج 3، ص 494؛ الصحیح من السیره النبوی الأعظم، ج 3، ص 333.

امروز، با توجه به شعارهای امپریالیستی که در جهانی سازی و طرح دهکده جهانی از سوی آمریکا مطرح می شود، این اهداف استعماری به راحتی قابل درک است؛ غرب به رهبری آمریکا، با این ابزار گسترده فرهنگی، در مقام رواج فرهنگ یکدست غرب به جهان و برچیدن فرهنگ های دیگر، از جمله اسلام است و برای این منظور از حربه ها و اهرم های فراوانی بهره می برد. سران بهائیت، از دیرباز با آنان هم نوا بوده اند؛ جهان وطنی، شعاری است که به آنها القا شده است. بهائیت از پیشگامان پذیرش شعارهای امپریالیسم است. راین به نقل از کسروی می گوید: «می گویند جمال مبارک فرموده، بعد از جنگ جهانی، دین ها یکی می شود و جنگ را حرام کرده و... مانند سخن بهاء (میرزا حسینعلی) را، ما امروز از وزیر خارجه آمریکا می شنویم. این وزیر

خارجه می گوید، پس از جنگ باید همه دین ها یکی باشد».(1)

ساموئل هانتینگتون،(2) در ارائه نظریه برخورد تمدن ها، به برخی از شعارهای دهکده جهانی که بی ارتباط با افکار بهائیان نیست، اشاره کرده که معلوم می شود این سخنان از حلقوم امپریالیسم به بهائیان دیکته شده است.(3)

پس از ناکامی سفیران و فرستادگان افندی که برای تبلیغ و ترویج بهائیت به آمریکا سفر کرده بودند، خود به آمریکا سفر کرده و در سخنرانی نسبتا مهمی در میهمانی آمریکایی ها، چنین گفت: «امشب من نهایت سرور را دارم که در همچو مجمع و محفلی وارد شدم. من شرقی هستم. الحمدلله در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی می بینم که در روی آنان نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است و این مجلس را دایر بر امن می گویم که ممکن است ملت شرق و غرب متحد شوند و ارتباط تام به میان آمریکا و ایران حاصل گردد»(4)

ص: 186

---

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 210.

2-2. از اساتید دانشگاه هاروارد آمریکا که نظریه برخورد تمدن ها را مطرح کرد.

3-3. ساموئل هانتینگتون، تمدن ها و بازسازی نظام جهانی، ص 136.

4-4. انشعاب در بهائیت، ص 124.

او در سفر دیگری که در سال 1911 به آمریکا داشت، خود را در جایگاه نماینده شرق که مفتخر به حضور در غرب شده می بیند و در این حال، گویی صاحب ایران و مالک شرق یا نماینده دولت ایران با مردم مشرق زمین است که آمریکاییان را تشویق به حضور در ایران می نماید. این وقایع، زمانی روی می داد که پایگاه و جایگاه و امید آنها، کاملاً از روسیه قطع شد و فعالیت آنها در شوروی سابق منع شد و مشرق الاذکارشان تعطیل گردید. آنها، به سرعت خود را به دامن امپریالیسم بزرگ و قدرتمندی رساندند که رقیبی برای روسیه از لحاظ ایدئولوژی، تسلیحات نظامی و ... بود و می توانست برای بهائیت، آشیانه خوب باشد؛ از این رو آفندی به هر قیمتی که بود خود را به آمریکا رساند و وطن فروشی خود را به شکل رسمی به آنها اعلام کرد. وی برای آمریکاییان چاپلوسی جالبی کرده و ایران را کشوری سرشار از معادن غنی که برای غارت آمریکا بسیار مناسب است، معرفی می کند. او ثروت های ایران را برای آمریکاییان رو می کند. وی در این سفر، مقدمات حضور بهائیان در آمریکا و پیوند ناگسستنی بهائیت با آمریکا را رقم می زند.

(1) رفتار او در قبال ایران، شبیه رفتار منافقان گریخته از ایران است که دولت آمریکا را به گمان واهی خود، ترغیب به حمله به ایران می کردند. چنان که همین آرزوها و انتظارات را، صهیونیست ها نیز از آمریکا دارند، تا آمریکا به ایران حمله کند و ایران نیز مانند عراق، فلسطین و افغانستان، جولانگاه صهیونیست ها شود و زمین های ایران را تملک و مردم را قتل عام کنند و مزارع آنها را تصرف نمایند. چنان که در عراق نیز مثل فلسطین، رخنه کرده اند و اکنون در فکر تصرف زمین های حاصلخیز و بی نظیر این کشور هستند و از این لحاظ، کشتار مردم عراق، خصوصاً شیعیان، با حساب و برنامه ریزی انجام می گیرد. مردم عراق، به جهت گرفتاری در دام آشوب ها

ص: 187

نامنی ها، از این توطئه های پشت پرده ناآگاه هستند و روزانه، ده ها نفر از مردم مسلمان منطقه، در افغانستان، عراق، فلسطین و سایر کشورها، قتل عام می شوند.

بهایان در وطن فروشی و امپریالیسم، همچون منافقان ایران، پس از انقلاب اسلامی کم نگذاشتند؛ حتی در ترور برخی از شخصیت ها و ایجاد آشوب های قومی نیز، دخالت داشتند. آنان، اکنون به عنوان بهترین حربه برای استعمارگران، مبدل شده اند که در انحرافات فرهنگی، ابتدال جوانان و همکاری با شرکتهای تولید محصولات فرهنگی منحرف، همکاری نزدیکی دارند.

حمایت آمریکا از موجودیت این منطقه، در قلب جهان اسلام، بی حساب و کتاب نیست؛ این منطقه، مرکز تمام آشوب های جهانی و توطئه های بین المللی شده است. پایگاه استعمار از دیرباز، از این منطقه شروع شده و به مناطق دیگر نفوذ کرده است. امروز، صهیونیسم و بهائیت، در چتر حمایتی آمریکا، در پوشش و لباسی مدرن، با شیوه های نوین، هر روز دام های جدیدی علیه مسلمانان و جهان اسلام می چینند و در اکثر کشورهای جهان، برای بهائیت، امکانات مادی فراهم نموده و در جذب جوانان، تلاش می کنند.

#### **4. راه اندازی تشکیلات بهائیت در آمریکا**

آنچه درباره بهائیت تأمل برانگیز است برخورداری از تشکیلات گسترده است که بر اساس حمایت مالی و فکری بیگانگان، به ویژه آمریکا، روز به روز در حال گسترش و انجام بوده است. بنای مشرق الاذکار و حظیرة القدس در فلسطین اشغالی و در کوه کرمل، با حمایت صهیونیست های جهان، بهائیان و به ویژه دولت آمریکا، بنا گردید. (1) مهم ترین مرکز تشکیلات سازمان یافته بهائیت، از آمریکا سر بر آورده و در این کشور با اجازه سیاستمداران آن، فعالیت جهانی و بین المللی دارد. مرکز آنان موسوم به «مهد امرالله» است.

ص: 188

دومین مشرق الاذکار وسیع و مجهز آنان نیز، در شهر شیکاگوی آمریکا، توسط عباس افندی، تأسیس شده است. جمعیت بهائیان در آمریکا، بر اساس بزرگنمایی خودشان، حدود دویست هزار نفر آمریکایی است در حالی که یک سوم جمعیت بهائیان در آمریکا ساکن اند، اکثر اعضای بیت العدل(1) از آمریکا انتخاب و از سوی آنها اداره می شود و تمام سیاست های کلان فرهنگی و تشکیلاتی بهائیت و برنامه های آنها در میان کشورها از سوی این مرکز انجام می گیرد. این تشکیلات، یک تشکیلات کاملاً امپریالیسمی است که در خدمت سیاست های آمریکا است، در این تشکیلات وابسته، کارهای جاسوسی برای دولت آمریکا برنامه ریزی و به نام مرام بهائیت در کشورهای دیگر اجرا می شود، سازمانهای مثل سیا، موساد و ... جاسوس های خود را از این تشکیلات به خدمت می گیرند و این مراکز به آموزش آنها می پردازند و به کشورهای دیگر ارسال می کنند.

عباس افندی رهبر بهائیان کاملاً مطیع سیاست های آمریکا بود و آنها را تقدیس می کرد، او در نطق های خود به صراحت آمریکا را که مرکز تشکیلات بهائیت است مرکز حق و مرکز تابش انوار میدانند و ایران را که در گذشته پایگاه بهائیت بود از بهترین اقدار آمریکا می شمرد. او دولت آمریکا را بهترین اسباب کشف ثروتهای معدنی ایرانی برشمرده و وابستگی خود را به این دولت امپریالیسمی با وفاداری خاص اعلام می دارد.(2) در دوران ارتباط ایران با آمریکا، شوستر آمریکایی توسط یکی از بزرگان محفل بهائیت به ایران معرفی شد و در ایران حضور یافت، این معارفه حاکی از پیوند بسیار

ص: 189

---

1-1. بیت العدل، از شعارهای اسلامی و شیعی گرفته شده است و جهت تخریب وجهه عدالت مهدوی، با اهداف خاص به کار می رود. در روایات مربوط به امام زمان که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است، تکیه بر عدالت گستری آن حضرت، به عنوان یک ویژگی بزرگ شمرده شده است؛ از این رو بهائیت نام مؤسسات خود را از این شعارها می گیرد. آنها با این کار، وهن عدالت نموده و از نام هایی که بار ارزشی دارند، سودجویی می کنند و از طرفی ارزش های دینی را تخریب می نمایند.

2-2. احسان طبری، ویژگی ها و دگرگونی های جامعه ایرانی در بوته تاریخ، ص 116\_118.

دیرین بهائیت با دولت آمریکا است و کارهای جاسوسی بهائیان برای امپریالیسم از این زمان به بعد واضح تر و نمایان تر دیده می شود، عباس افندی کسی است که پای شرکت های نفتی آمریکا را به ایران باز کرد و فردی به نام شوستر را در ایران به منصب تصدی اداره گمرک، راهنمایی و مشغول نمود، هنگام ورود وی به ایران استقبال شایانی توسط بهائیان از او صورت گرفت و دلبستگی این فرقه به آمریکا آشکارتر شد. (1)

آمریکاییان به مسخره بودن ادعاهای بهائیان و بطلان آن واقف بودند؛ اما این مسئله را حربه قدرتمندی برای شکست ایران می دانستند؛ آنها بهائیان را انسان های زبون و پستی دیده بودند که به وسیله آنها، به هر جنایتی می توان دست زد؛ از این رو از ترویج بهائیت در آمریکا نیز استقبال می کردند. چنان که پیش تر اشاره شد، دولت آمریکا، ضمن اجازه تأسیس مشرق الاذکار و دیگر تشکیلات بهائی در آمریکا، موقوفاتی نیز در اختیار بهائیان قرار داد. (2) عبدالبهاء در این باره گفته است: «... از جمله ... عجیبه ... این است که مشرق الاذکار در قلب آمریکا بنیان می گردد. ملاحظه کنید که امر الله، چه قدر قوت یافته است که خانمی فرنگی، گیس خویش را فدای مشرق الاذکار می نماید...»

(3)

بدین ترتیب، دست آمریکا در حمایت از بهائیت، با تأمل در اسناد، بیشتر نمایان می گردد. مجموعه موقوفات بهائیان در آمریکا، تا سال 1950 به این ترتیب بوده است که پس از آن، تا سال 2000 چندین برابر افزایش یافت و درآمد حاصل از آن، در نشر بهائیت و حمایت از بهائیان جدیدالورود و سایر امور بهائیت (از مسائل فرهنگی تا مسائل ریز اقتصادی) به کار گرفته شد.

ص: 190

---

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 209-208.

2-2. همان، ص 211.

3-3. بهائی گری، ص 98-100؛ قرن بدیع، ص 580\_582.



آمار مراکز مربوط به بهائیت در آمریکا، با قیمت های تقریبی تا سال 1950: - مشرق الاذکار 2381512/91  
دلار.

- حظيرة القدس

250397/62

دلار.

- گرین عکا

12671873 دلار.

- املاک ویلهلم

79000 دلار.

- مدرسه کایزویل

48500 دلار.

- مدرسه بین الملل

51500 دلار. - مدرسه ایالات مرکزی 64700 دلار. - خانه ویلسن

7000 دلار (1) مراکز دیگری نیز در آمریکا وجود دارد که قیمت گذاری نشده است و در

آنها، انواع فعالیت ها انجام می شود. برخی از این مراکز به شرح زیر است:

1. مشرق الاذکار در ایالات مختلف. 2. معبد. 3. منازل متولی مشرق الاذکارها و باغ های اطراف حظيرة القدس.

. دفاتر محفل رهبران محلی بهائیت و دفاتر و تشکیلات مربوط به امور

اداری آنها.

5. دفاتر نشر آثار

6. مدارس زیادی که در ایالات مختلف تأسیس کرده و تملک نموده اند و

از سطوح ابتدایی تا حد دبیرستان، در آنها تعلیمات می دهند.

بدین ترتیب، آمار و ارقام آن مراکز تا سال 2008 رو به افزایش بوده است و فعالیت های آنها نیز، به شکل گسترده و پیچیده و با توجه به فناوری های روز، در آمریکا ایجاد شده است. این مراکز، فراتر از مرزهای آمریکا، خصوصاً در

ص: 191

---

1-1. انشعاب در بهائیت، 248ص\_252.

2-2. همان.

کشورهای اسلامی نیز، در حال افزایش است. (1)

همسر شوقی، آمریکایی و یکی از رهبران بهائیت در آمریکا بود. او از بدنه تشکیلاتی دولت آمریکا محسوب می شد و در خدمت بهائیان قرار داشت و در پیشبرد اهداف بهائیت، با رهبران آمریکایی مرتبط بود. اکنون نیز، تشکیلات بهائی ها، وابستگی ناگسستی با دولت آمریکا دارد و بیشتر اعضای بیت العدل (بیت الفسق)، از آمریکاییان یا صهیونیست های آمریکا هستند.

شوقی افندی، چگونگی سفر نخست وزیر اسرائیل، در رابطه با منافع بهائیان را، ضمن ارسال تلگرافی محرمانه در تاریخ 19 آوریل 1952 خطاب به محفل بهائیان آمریکا، چنین اعلام داشت: «برای تأسیس و استقرار مرکز جهانی امرالله در اسرائیل اقدامات وسیعه، به کمال سرعت به عمل آمده است. هیئت های ایادی امرالله، از هر یک از قطعات عالم، متوالی تعیین گشته و پنج نفر از آنها، اکنون به ایفای وظائف در ارض اقدس مشغولند. هیئت بین المللی بهائی، توسعه یافته و اعضای عامله آن، تعیین گردیده اند. هنگام مسافرت رئیس الوزرای دولت اسرائیل به آمریکا، نمایندگان محفل ملی آمریکا، با او ملاقات و مصاحبه نموده و آثار امری به او تقدیم داشته اند. هجده قطعه اراضی، به مساحت بیست و دو هزار متر مربع، بر وسعت اوقاف بین المللی بهائی در دامنه جبل کرمل اضافه گردیده است. به منظور تملک، متجاوز از یکصد و چهل هزار متر مربع از اراضی واقعه، در حول روضه مبارکه بهجی، عملیات مساحی از طرف دولت انجام یافته است. نقشه مشرق الاذکار کرمل که ابتکار رئیس هیئت بین المللی بهائی است، تکمیل و اتمام پذیرفته است».

(2)

معافیت اعتبار مقدسه از رسوم دولتی و سایر مزایایی که از طرف وزارت دارایی دولت اسرائیل اعطا شده بود، اکنون شامل بیت مبارک حضرت

ص: 192

---

1-1. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 258.

2-2. مجله «اخبار امری»، ارگان رسمی بهائیان، ایران، شماره 98.

عبدالبهاء و مسافرخانه شرقی و غربی نیز گردیده است؛ متعاقب مخاصمات خارجی و اغتشاشات داخلی که مدت ده سال ارض اقدس را دچار انقلاب و اضطراب نموده بود، دوباره باب زیارت ارض اقدس مفتوح گردید. ساختمان پایه های هشت گانه که باید طبقه فوقانی مقام اعلی، به وزن هزار تن بر آن قرار گیرد، به پایان رسیده است. قراردادهای متوالی که مجموع آن تقریباً به چهل و هفت هزار دلار بالغ می شود، جهت ساختمان طبقه هشت ضلعی مقام مقدسی، به امضاء رسیده که در نتیجه، اولین قسمت طبقه فوقانی تکمیل و هشت مناره که عبارت از تاج دوم این بنای مقدس است، مرتفع خواهد شد. مقدمات ساختمان طبقه مدور که قبه ذهبی بر آن قرار خواهد گرفت آغاز گردیده است... (1)

توافق دولت اسرائیل، مبنی بر گسترش موقعیت، اراضی و اماکن بهائیان در اسرائیل، معلول سیاست آمریکا و صهیونیسم، برای تقویت بهائیان و تأسیسات مرکز جهانی آنان، گسترش اقدامات بهائیت در دیگر کشورها و حفظ منافع اسرائیل، به ویژه در کشورهای اسلامی بوده است. طرح نقشه های جهانی بهائیان برای ازدیاد مراکز بهائی در کشورهای مختلف، توسط محفل بهائیان آمریکا، طرح ریزی و با برنامه های اطلاعاتی رژیم اشغالگر فلسطین، تطبیق و هماهنگ شده بود. ضرورت چنین مساعدتهایی، از جانب آمریکا و اسرائیل، سازمان و رهبران آمریکا و صهیونیسم را به اتخاذ هر نوع همکاری لازم، در قبال سرسپردگی بهائیان برای آمریکا و اسرائیل وا

می دارد. (2)

5. همکاری در سرقت آثار تاریخی

آمریکا، از بهائیان ایران و افراد با نفوذ آنان که ابزار دست آمریکا بودند، سود بسیاری می برد. غارت آثار تاریخی باستانی ارزشمند و انتقال آنها به آمریکا،

ص: 193

---

1-1. بهائیان، ص 975 به نقل از مجله «اخبار امری»، ارگان محفل بهائیان ایران، شماره 1.

2-2. بهائیان، ص 674.

توسط افرادی که برای آمریکا نوکری می کردند، از برنامه های آمریکایی ها بود. به گفته تقی زاده، علیقلی خان نبیل الدوله: «به این و آن بنوشت که عتیقه جات را، به اینجا (آمریکا) بیاورند».<sup>(1)</sup> سرقت و دزدی، چیزی است که بهائیت با راهنمایی سران خود، به آن اقدام می کرد. آیتی، در کشف الحیل در این باره نوشته است: «بهاء، عباس افندی را به سرقت جعبه جواهر حاج شعبان، دلالت کرد و در استانبول، کمر بند قیمتی از حجره یک تاجر ایرانی را به سرقت برد».<sup>(2)</sup>

از این رو، آمریکا برای سرقت آثار باستانی و تاریخی و انتقال آنها به آمریکا، از بهائیت که در سرقت مهارت داشتند، استفاده می کرد و در غارت این آثار تاریخی و باستانی از آنان حمایت می نمود. آمریکا، بهائیت را به عنوان یک سلسله تشکیلات منظم در سراسر دنیا (از شبه قاره هند، آسیا، آفریقا، قاره آمریکا و اقصی نقاط اروپا و ماوراء النهر (آسیای میانه) تا روستاهای دورافتاده و محروم نقاط مختلف دنیا)، مورد پشتیبانی مادی قرار می دهد. در ایران، با استفاده از حضور آنان، اشیای عتیقه، مستقیم و یا غیر مستقیم، با همکاری افراد بهائی و یهودی،<sup>(3)</sup> شناسایی و سرقت می گردید. هر جا نیاز بود، افراد بهائی این موارد را شناسایی می کردند و با پول یهودیان مستقر در ایران، اقدام به خرید این اشیاء می کردند. بر اساس اسناد، افراد وابسته به بهائیان ایران، به سرقت اشیاء عتیقه و انتقال آن به آمریکا، دست داشته اند. صبحی که از برگشتگان و از عناصر کلیدی بهائیان بود، از این سرقت ها با اسناد سخن گفته است و این سخنان، هیچ تردیدی را برای اندیشه ورن، باقی نمی گذارد. او می نویسد:

خوب یادم هست که از روزگار پیش، یکی از جهودان بهائی، با یکدیگر

ص: 194

---

1-1. بررسی مناسبات ایران و آمریکا، ص 156؛ سید حسن تقی زاده، خاطرات، ص 173 و 177.

2-2. کشف الحیل، ص 220.

3-3. قهرمان میرزاسالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج 7، ص 4968.

همدست شدند و به راه افتادند و در هر جا که نشانه ای از روزگار باستانی بود، یا می دزدیدند یا به بهای ارزان می خریدند. یکی در میان آنها بود که کار نخستینش درزی گری بود و در خیابان لاله زار دکان داشت که هنوز برادر و فرزندش هستند. این مرد، چنان در این کار (دزدی اشیاء عتیقه) بی باک شد که روزی در بی بی زبیده (امامزاده)، دری دید که از چند صد سال پیش بود. او شبانه در را کند همین آدم از ایران متواری شد و من در این ایام، در حیفا و فلسطین پیش عبدالبهاء بودم. دیدم خود را به پیش عبدالبهاء رساند و خود را به روی پای عبدالبهاء انداخت و خاک پایش را بوسید»

### (1)

وی گزارش می دهد که تقی زاده (2) می گفت: «یکی از دفترهای باستانی دیوان های بزرگ را که در دست دوسه تن بود، به بیرون کشور برده اند. یک بخش از آن در ایران است. از نخست وزیر، در این باره کمک خواستیم که آن (قسمت سرقت شده) را بخرند. پس از بررسی، روشن شد که آن را هم به در برده اند و در آمریکا به بهای هفتاد هزار دلار فروخته اند. همه این کارهای ناستوده، با دست اینها است (بهایان). ولی در بررسی ها و گزارش ها نمی نویسند که این کار از کی سر زده که بهائی و پیرو شوقی است؛ اگر می نوشتند، می دیدید که نود درصد (90٪) این پلیدی ها، از آن گروه است». (3)

این سرقتها طبق گفته صبحی، دقیق گزارش و ضبط نشده است؛ بر همین اساس، در سال 1930 م، در نیویورک، جمعیتی به اسم «مؤسسه آمریکایی، برای صنایع و آثار عتیقه ایران» تأسیس شد و ریاست افتخاری آن، به پروفیسور جکسن و ریاست حقیقی، به فرانکلین م. گونتر (وزیر مختار سابق آمریکا در ایران) تفویض گردید. در همان وقت «ارثر پوپ» نیز، مدیر مؤسسه مزبور شد؛ به تشویق این جمعیت، رکفلر (ثروتمند معروف آمریکا)،

ص: 195

1-1. بهائی گری، ص 239.

2-2. سیدحسن تقی زاده، یکی از رجال مهم فکری و سیاسی عصر پهلوی و از وزرای این دوره است.

3-3. بهائی گری، ص 240.

حاضر گردید، مبلغی برای حفريات پردازد و 9 ميليون دلار، در اختيار پروفيسور برستيد (استاد دارالعلوم شیکاگو) گذارد، تا در ايران و مصر خرج کند؛<sup>(1)</sup> بر اساس اين گزارش های متنوع، تشكيل چنین موسسه ای، نشان می دهد، آمریکاییان، علاوه بر اینکه خودشان با حفاری در آثار باستانی ایران، آنها را به آمریکا منتقل می کردند، از عناصر بهائی نیز، به هر نحو ممکن، در شناسایی، سرقت و انتقال آثار، بهره می بردند.

## 6. جاسوسی بهائیان برای آمریکا

در گذشته، اگر بابت برای روس و انگلیس، به عنوان جاسوس و ابزاری برای توسعه سلطه آنها بود و آنها برای تأمین منافع خود، گرفتن امتیازات، اشغال و تجزیه خاک ایران، غارت نفت، شیلات و سایر معادن ایران، از افراد این فرقه گمراه استفاده می کردند، اما امروز، بهائیت حربه ای است علیه منافع ملی، در دست آمریکا و امپریالیسم جهانی؛ افراد نفوذی و جاسوس های پرورش یافته، در دامن این اندیشه، در حساس ترین نهادها و مراکز اسلامی نفوذ کرده اند و فعالیت فرهنگی حساب شده ای را در تمام ابعاد زندگی مسلمانان، از لحاظ تخریبی انجام می دهند؛<sup>(2)</sup> سیاست ثابت دولت آمریکا، در قبال بهائیان، حمایت همه جانبه و مستمر از آنان، در تمام موقعیت های بین المللی و جهانی بوده است. بهائیان نیز در واکنش به این پدر خواندگی، در راستای منافع آمریکا، به هر اقدام و جنایتی در ایران دست زده اند، از جمله این اقدامات، جاسوسی عناصر بهائی، برای آمریکایی ها است؛ جاسوسی بهائیان، برای دولت های غربی و استعمارگران، امری مسلم است؛ در شهریور ماه سال 1387، جمعی از بهائیان، به جرم جاسوسی دستگیر و به جرم خود اعتراف نمودند.<sup>(3)</sup>

ص: 196

---

1-1. حسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان تا امروز، ج 2، ص 1620.

2-2. جامعة المصطفی العالمیه، پژوهش های منطقه ای، ص 85.

3-3. «گزیده اخبار جامعه مدرسین» شماره 2258.

بهائیت با جریان استعمار، در اشکال نوین و کهنه، هم‌گرایی داشته است؛ رهبران بهائیت در آغاز پیدایش، وابسته به روس‌ها بودند و در ادامه، مدتها برای انگلیسی‌ها جاسوسی کردند. پس از اینکه جایگاه آمریکا در جهان به عنوان قدرت استعماری و حامی بزرگ امپریالیسم شناخته شد، سران بهائی به سوی آمریکا متمایل شدند و با این دولت، پیمان دوستی بستند و در خدمت اهداف آنها قرار گرفتند. (1) در سال 1319، ده سال پس از قرار گرفتن عباس افندی در جایگاه رهبری بهائیان، او به دنبال جای پای در آمریکا بود تا به ثروت آمریکا نزدیک شود؛ آمریکا نیز وی را همسو با اهداف خود تشخیص داد و از او در جاهای مختلف بهره‌برداری سیاسی کرد؛ از این روی شوقی، از حفظان منافع بهائیت در آمریکا درخواست نمود به هر نحوی که ممکن است کوششی برای جلب موافقت همه جانبه بن‌گوریون (2)

نخست وزیر کشور اسرائیل به عمل آورند؛ این فرصت برای او، هنگامی دست داد که نخست وزیر اسرائیل، برای تبادل نظر با مقامات آمریکایی، عازم آمریکا گردیده بود. (3)

آمریکا، از هر فرصت، برای رسمیت دادن به این مرام و حزب، به عنوان دین آسمانی و یک مذهب، استفاده کرده است؛ دوستان آمریکا، مانند رژیم پهلوی، به اشاره آمریکا، از این مسلک حمایت می‌کردند؛ آمریکایی‌ها، از پهلوی رسماً درخواست حقوق برای آنان به عنوان اقلیت مذهبی داشتند و از رسمیت یافتن این فرقه، به شدت پشتیبانی می‌کردند. البته این رفتار آمریکا از دید، علما و بزرگان دینی پنهان نبود و آنها بطور دقیق این مسئله را رصد می‌کردند؛ در جلسه‌ای که علامه امینی، به همراه مرحوم شیخ عباسعلی اسلامی و چند نفر دیگر از علما و وعاظ تهران، در محضر امام بودند بعد از

ص: 197

---

1-1. حسن فراهانی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج 1، ص 425.

2-2. Ben-Gurion.

3-3. بهائیان، ص 674.



صحبت های افراد، حضرت امام بر ضرورت تشکیل جلسات علما، عدم تعهد به ساواک، تکیه روی حادثه فیضیه، حفظ وحدت و.. تأکید کردند، علامه امینی که با همه وجود به سخنان امام گوش سپرده بود، پس از بیان مطالبی گفت: «کندی در ملاقات با شاه گفت: امیدوارم اقلیت های مذهبی را در آنجا منظور بشهائیت بود- به رسمیت بشناسید و در روزنامه چاپ شد.»<sup>(1)</sup>

رابطه پنهانی آمریکا با بهائیت، بر اساس اسناد به دست آمده از لانه

جاسوسی، تأمل برانگیز است؛ از آن رو که بهائیان، مورد حمایت جاسوس های آمریکا نیز بوده اند، یکی از سفیران آمریکا درباره جلب رضایت بهائیان، چنین می نویسد: «ما از پرایور خواسته ایم که از رهبران بهائی پرسد که در صورت امکان، چه اقدامات حفاظتی می توانیم برای آنها به انجام برسانیم و...»

جاسوسان) همه، درباره مسئله بهائیت، فعالیت خوبی کرده اند که قابل تقدیر است. به همکاران ایرانی (جاسوسان) اطلاع بدهید که ما از آنها (بهائیان) حمایت می کنیم.»<sup>(2)</sup>

پرایور به ظاهر از کشیش های کلیسا و وابسته به صهیونیست های آمریکا بوده است. وی نقش مهمی در برقراری رابطه بین بهائیان ایران و دولت آمریکا داشته است. سفیران آمریکا در ایران، در گزارشات خود تأکید کرده اند که نقش وی (جاسوسی)، بایستی مخفی باشد.<sup>(3)</sup>

جاسوسی بهائیان برای امپریالیسم و آمریکا، نه تنها تازگی ندارد، بلکه در مطبوعات بهائیان نیز، شواهد و گواهی های معتبری بر این امر وجود دارد.

<sup>(4)</sup> امام خمینی (ره)، پرده از این چهره آنها برداشته و فرموده است: «بهائی ها یک مذهب نیستند؛ یک حزب هستند. یک حزبی که در سابق... اینها هم

ص: 198

---

1-1. عبدالحسین امینی، آداب کوی جانان (آداب زیارت حسینی)، ص 54.

2-2. موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، اسناد لانه جاسوسی، شماره 377.

3-3. همان.

4-4. همان، شماره 5، ص 151؛ شماره های 15 و 16، ص 165.

جاسوسند...» (1) امام، بهائیت را با توده ای ها مقایسه می کرد و آنها را مورد حمایت شوروی سابق و مورد حمایت شدید آمریکا می دانست. (2) این گفتار امام راحل، بسیار درست و واقع گرایانه است؛ زیرا بهائیت با امپریالیسم پیوند خورده است.

عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص محمدرضا پهلوی، از جاسوسان سیا در ایران بود. بر اساس اظهارات عده ای از بهائیان پشیمان (که آنها خود را احرار نامیدند)، ایادی، جاسوس سیا بوده که شاه را با توجه به خواسته های آمریکا، به هر طرف که بنا بود می راند. ایادی، مأمور آمریکا بر سر شاه بود تا در صورت تخطی شاه از دستورات آمریکا، او را به قتل برساند. (3)

## 7. ترویج بهائیت با ترویج مفاسد اخلاقی

همسویی بهائیت با آمریکا، در ترویج و القای طرح ها و برنامه های امپریالیسمی، بسیار روشن است و نیازی به شواهد دیگر ندارد؛ بهائیان از هر روشی، از جمله ترویج مفاسد اخلاقی، جهت تبلیغ و ترویج بهائیت بهره می برند، (4) از آنجا که در آمریکا و جهان غرب، این مسائل پذیرفته است، آمریکا به آنها چراغ سبز نشان داده و اعلام همکاری و پشتیبانی نمود؛ در این شرایط و فرصت، میرزا عباس افندی، به دنبال فردی بود که با زبان آمریکایی ها آشنا باشد؛ از این رو فردی به نام ابراهیم خیرالله را برای این منظور انتخاب کرد که به وسیله مفاسد، به ترویج بهائیت پردازد؛ ابراهیم خیرالله، اهل شام بود که زبان انگلیسی را به خوبی می دانست و تحصیلات غربی نیز داشت، چون او

ص: 199

---

1-1. صحیفه نور، ج 17، ص 59؛ فردوست در خاطرات خود می گوید: «این افراد، جاسوس های بالفطره بودند»، خاطرات، ص 375. در غائله بمب گذاری در حسینیه شهدای شیراز، عده ای از بهائیان پس از دستگیری، از جاسوسی خود برای بیگانگان پرده برداشته و اعتراف نمودند.

2-2. صحیفه نور، ج 17، ص 460-461؛ روحانیت بهائیان، ص 123.

3-3. بهائیت در ایران، ص 276 به نقل از نشریه «احرار»، شماره 1، تیر ماه 58، ص 6.

4-4. از آغاز پیدایش بهائیت، نماینده سیاسی انگلیس در گزارش خود درباره انحرافات اخلاقی و جنسی این گروه می نویسد: هرج و مرج جنسی از ویژگی های این گروه است. انشعاب در بهائیت، ص 44.

از نظر مالی به شدت نیازمند بود و از آنجا که بهائیان در کمین این گونه افراد بودند او را به مرام بهائیت دعوت کردند، او نیز از پیشنهاد استقبال نمود و بهائی شد و به پیشنهاد میرزاعباس افندی، به آمریکا سفر کرد. مأموریت او تبلیغ آئین بهائیت در آمریکا بود که مردمش پایبندی چندانی به آموزه های مسیحیت نداشتند، چنان که در آغاز نوشته اشاره شد، اکثر شکل دهندگان و بنیانگذاران آمریکا، سارقان و لالابالی های اروپا بودند که هیچ گونه تعهدی در قبال دین نداشتند. (1) بنابراین میرزاعباس، با فرستادن خیر الله، منتظر بود که مرام او در آمریکا از استقبال شایانی برخوردار باشد؛ ابراهیم خیرالله نیز، چون عقیده راستین به بهائیت نداشت و تنها از شدت فقر، به این فرقه پناه برده بود، در آمریکا در پی خوشگذرانی بود؛ همسر خیر الله نیز در این سفر همراه او بود. او تعهد داشت با همکاری همسرش که زنی زیبا بود، در جلب جوانان به بهائیت و با استفاده از احکام بهائیت، به ترویج این فرقه پردازد. خیرالله که برای گرفتن پول راضی به این کار شده بود هرگز درباره اطاعت از آنها و دادن اختیار و آزادی ارتباط به همسرش، برای جلب جوانان، عمل نکرد. بهائیان از این کار مطلع شدند و در فکر قطع حقوق و مستمری او بر آمدند و از عمل او پرده برداشتند که خیرالله از زنش به سود تبلیغ جریان بهائیت استفاده نکرده است؛ مشخص شدن این قضیه، بیشتر به زیان میرزاعباس و هوادارانش شد. بر تمام مردم پیرامون و ادیان دیگر روشن شد که سران بهائیت، چه قدر رفتارهای ضد اخلاقی دارند و شئون خانوادگی را رعایت نمی کنند و ناموس فروشی و ازدواج با محارم را ترویج می کنند؛ (2) آری، این است مرامی که امپریالیسم از

ص: 200

---

1-1. ر.ک: آمریکا چگونه آمریکا شد، ص 40-50.

2-2. ر.ک: جمال ابهی، ص 155-158؛ کشف الحیل، ص 198\_198، 541، 201، 54. آیتی، گوشه هایی از روابط نامشروع و انحرافات اخلاقی و ترویج اباهی گری را گزارش نموده است، در صفحه 198 به نقل از کتاب علی محمد (مدعی باییت) نوشته است: «خواهر و برادری که همدیگر را ندیده اند، اگر ازدواج کنند ضرری ندارد». در صفحه 178 کشف الحیل می نویسد: «کسر حدود و شکستن حدود اسلامی در دستور کار اینان قرار داشت که با طرح و عملی کردن اشتراک فراش و تجویز شرب خمر... که از بدشت آغاز شد».

آن حمایت می کند و بدین وسیله، در صدد حریم شکنی و عفت زدایی اخلاقی از خانواده است.<sup>(1)</sup> بر همین اساس طیفی از جامعه و دولت آمریکا که حامی بهائیت و مرام بهائیان است، دچار بحران خانواده شده اند و بسیاری از

جوانان آمریکایی، نمی دانند پدر آنها کیست و همین افرادند که در نسل کشی ها و قتل و غارت در عراق، افغانستان و... شرکت می کنند. چون انسان با خانواده و دارای اصالت، به آسانی به خونریزی و قتل کودکان بی گناه رضایت نمی دهد. بهائیت با این افکار انحرافی، در مقام مبارزه با حریم خانواده ای است که در اسلام مورد تأکید فراوان است. بسیاری از آیات قرآنی اطاعت و احترام پدر و مادر را جهت حفظ حریم خانواده ها تقدیس نموده و هم ردیف با توحید شمرده است و پس از نفی شرک از خداوند، به احترام والدین سفارش کرده است.<sup>(2)</sup> از این رو، می توان گفت که تمام شعارهای بهائیان در مقابل ارزش ها و هنجارهای اسلامی و برای نابودی فرهنگ اسلام مطرح شده است.<sup>(3)</sup>

با تأمل در احکام و شعارهای بهائیت و اندیشه امپریالیسم که اصالت را به سودمحوری و نفی ابعاد روحی و معنوی انسان که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، قرار داده است، به خوبی می توان فهمید که آنها، در راستای نفی ارزش های اسلام و در جایگاه مبارزه با آن هستند. آنها برای محو حریم خانواده، غیرت به ناموس و دفاع از آبرو، برنامه هایی از پیش طراحی کرده اند و این برنامه ها را به نام آداب و رسوم و احکام بهائیت، در قالب آموزه های خود، به اجرا می گذارند، در مرام امپریالیسم، هیچ حریمی برای خانواده و حفظ اساس و اصالت آن وجود ندارد؛ آزادی همجنس بازی از جمله

ص: 201

---

1-1. بهائی گری، ص 4.

2-2. لقمان، آیه 13 و 14.

3-3. پژوهش های منطقه ای، ص 86.

شعارهای این اندیشه است(1) که آن را به صورت قانون در آورده و از آن حمایت می کنند؛ این قانون، کاملاً مغایر با اصول انسانی است؛ اما در کشورهای غربی، ترویج می شود. بهائیت نیز با ارتکاب این رفتارهای ضد ارزشی موافق است؛ این گونه اعمال، در منش، بسیاری از بهائیان، مثل هویدا،(2) اسدالله قمی، فردی به نام غنی(3) و... گزارش شده است. این اعمال، در اسلام حرام و مجازات و کیفری بسیار سخت، برای این ناهنجاری های اخلاقی در نظر گرفته شده است.

آمریکا، حامی بهائیتی است که انحرافات اخلاقی ضداسلامی در آن به وضوح وجود دارد

(4) و هنجارهای دینی در آن، متزلزل شده است. پس از عدم همکاری خیرالله با میرزا عباس، وی برای تبلیغ بهائیت در آمریکا، فرد دیگری را در نظر گرفت که وفادار به او و بهائیت بود؛ این فرد، میرزا اسدالله اصفهانی بود که همراه خاندان بهائیش، عزم سفر به آمریکا نمود و به محض رسیدن به آمریکا، در پی کسب منافع خود از طرق دیگر بود و به جای تبلیغ بهائیت، به کارهای دیگری پرداخت؛ عدم پای بندی میرزا اسدالله و امثال او به بهائیت، در حدی که رغبت تبلیغ آن را نداشتند، از پوچی این فرقه حکایت دارد که این افراد، با هدف دستیابی به منافع مادی، در این راه قدم برداشتند؛ میرزا اسدالله نیز، در آمریکا به پرده برداشتن از رسوایی های اخلاقی بزرگان بهائیت پرداخت(5) میرزا حسینعلی به برادرش میرزا یحیی، نسبت همجنس بازی با شاگرد قصاب می داد. کشف الحیل، ص 202. و با این گروه قطع ارتباط کرد. آنچه رهبران بهائی به دنبال آن بودند، از عهده افرادی که کمترین تعصب و غیرتی نسبت به ناموس و خانواده داشتند، برنمی آمد؛ از این رو آنها همواره به دنبال بی بندوبار ترین افراد بودند که از ناموس

ص: 202

---

1-1. اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، ص 327.

2-2. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 374 و ج 2، ص 395-397.

3-3. کشف الحیل، ص 540.

4-4. همان، ص 199 و 541-560.

5-5. جمال ابهی، ص 158 و 195.

خود نیز در راه اهداف بهائیت بگذرند و بی غیرتی آشکار و لابلالی گری شدید داشته باشد. برخی از سران بهائی چنین بودند(1) و ذکر این مسائل، از شأن این ساحت بیرون است.

میرزاعباس، پس از او (میرزا اسدالله) از نفوذ در میان مردم آمریکا دلسرد نشد و افراد دیگر را برای تبلیغ مرام خود به آمریکا فرستاد. میرزا حسن خراسانی و میرزا عبدالکریم تهرانی، دو تن از پیروان او بودند که مأموریت یافتند به آمریکا بروند. او خودش نیز، پس از آنها، عازم آمریکا شد. در این زمان، امید بهائیان از روسیه کاملاً قطع شده بود.(2)

چنان که مطبوعات و گزارشات رسیده در ایران حاکی است، در شهرهای مختلف، فعالیت شان افزایش یافته است؛ عمده فعالیت های آنان، بر محور جاذبه هایی دروغین و تبهکارانه بود که برای جوانان در نظر گرفته بودند؛ در تعدادی از شهرها، مبلغان فرقه ضاله بهائیت، با سوء استفاده از مشکلات اقتصادی، برخی از جوانان را در شرکتها و بنگاه های اقتصادی متعلق به خود، به کار مشغول می کنند؛ در این بنگاه ها، علاوه بر اینکه از توان این جوانان در رسیدن به اهداف مالی خود استفاده می کنند، به تبلیغ عقاید انحرافی پرداخته و از این افراد، برای حضور در کلاس های طرح روحی خود دعوت می نمایند؛ گفتنی است، به دنبال پیام های مکرر بیت العدل و تأکید مصرانه سران تشکیلات بهائی در ایران، در خصوص ضرورت تبلیغ این فرقه، عناصر بهائی، تلاش گسترده ای برای جذب جوانان ایرانی آغاز کرده اند و در این راستا، از هیچ اقدامی فروگذار نیستند.(3) با تأمل و مطالعه در احوال مبلغان بهائی و سران این حزب، با توجه به اعترافات

ص: 203

---

1-1. جمال ابهی، ص 158؛ کشف الحیل، ص 198-199.

2-2. همان، ص 108-159.

3-3. روزنامه «ایران»، 86/9/10 به نقل از سایت جهان آینده (خلاصه). اخیراً در شیراز، بهائیان اقدام به تبلیغ ازدواج خواهر و برادر کرده اند.

که از لابه لای کتاب های وابستگان، پیوستگان و گسستگان آنان به دست آمده است، می توان به چهره واقعی سران این فرقه، پی برد و به اهداف آنان آگاه شد.

(1) همه این مسائل، نشان می دهد که بهائیت، نه تنها دین نیست، بلکه با نیت نابودی اساس و بنیان مذاهب جهان و شرایع و ادیان الهی، شکل گرفته است و بر اساس همین برنامه، مورد حمایت سلطه گران بوده است.

با توجه به این اقدامات، آمریکایی ها، در توسعه و ترویج بهائیت نیز، قدم های اساسی، جمعی و رسمی برداشته اند. پس از این مرحله، در سطح جهانی به روشنی می بینیم که بعد از شوقی، پیوند بهائیت با آمریکا، بسیار جدی شد و بسیاری از سران بهائیت و اعضای بیت العدل، آمریکایی بودند، پیش از این، افرادی مانند ماکسول، به همراه عده ای، به تبلیغ بهائیت پرداختند و به تعبیر خودشان، پرچم الهی را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز برآوردند! (2) اخیرا در فلسطین اشغالی، فیلمی توسط دو یهودی ساکن فلسطین، به نام «بهائیان در حیاط خلوت من» ساخته شد که یک مستند افشاگرانه از روابط پنهان بهائیان است، در این مستند، نشان داده می شود که بهائیان در پوشش مذهبی و انسان دوستانه مدرن، نقش پنهان و کاملا

حساب شده ای در سیستم سیاسی و نظامی جهان ایفا می کنند. (3)

## 8. حمایت های سیاسی آمریکا در مجامع بین المللی

حمایت های آمریکا از تشکیلات و تبلیغات فرقه بهائیت، چیزی نیست که از انظار پوشیده باشد؛ (4) مهم ترین مرکز تشکیلات بهائی، از حیث سرمایه، ابزارهای ارتباطی و تکنولوژی، در آمریکا مستقر است و از آمریکا پشتیبانی می شود، اگر چه از نظر فکری و بنیانی، محل استقرار این حزب امپریالیستی مذهب نما، در فلسطین اشغالی است، اما از جهت ثروت اندوزی، کسب در آمد و توسعه

ص: 204

---

1-1. ر.ک: کشف الحیل.

2-2. فروغ ارباب، اختران تابناک، ص 309.

3-3. روزنامه «ایران»، 89/10/10.

4-4. پژوهش های منطقه ای، ص 85.

قلمروی سرمایه داری، نیرو و توان لازم را از آمریکا کسب می کند. اکنون شرکت ها، املاک، مراکز تولیدی، کارخانجات، باغات و مزارع بزرگ بهائیت، به عنوان یکی از شاخه های امپریالیسم، از سوی آمریکا و اندیشه حاکم بر سیاست آمریکا و کاخ سفید، مدیریت می شود. (1)

تداوم حمایت های آمریکا از بهائیت، در اشکال مختلف، همچنان در صدر برنامه ها و سیاست های آمریکا است. قبول رسمیت و شناسایی اوقاف بهائیان و موقوفات آنان در اسناد و اوراق رسمی سال های 1928 تا 1962، به تصویب ایالات متحده رسید و عملی گردید. به موجب موافقت نامه و قراردادهایی که در سال های فوق، به تصویب فرمانداران محلی ایالت رسید، موقوفات بهائیان، متعلق به «محفل مرکزی بهائیان آمریکا» و یا به نام های دیگر مثل «رفقای جامعه بهائیت» ثبت شد.

شوقی افندی، در این باره می نویسد: «در سنین [سال های اخیر، بر توسعه موقوفات ملیه و برافراشتن ارکان جوامع امریه، کمک شایان نموده است. در رتبه ثانی، اوقاف محلی است که مکمل اوقاف ملیه محسوب و آن نیز حائز اهمیت می باشد... در نتیجه، تسجیل محافل روحانیه محلیه، به صورت شرعی و قانونی تأسیس و در ممالک مختلف شرق و غرب، به احسن وجه محفوظ شده است.

(2)

روزولت (3) از مسئولان بلندپایه آمریکایی، از سران بهائیت به عنوان پیامبر!

یاد کرده است و ضمن گرامیداشت حضور افندی در آمریکا، حمایت ضمنی خود را از این تشکیلات اعلام می کند. وزیر دارایی وقت، درباره افندی گفت: «احساس کردم در حضور یکی از انبیاء هستم، در حضور مسیح یا پدر آسمانیم».

(4)

ص: 205

---

1-1. انشعاب در بهائیت، ص 120.

2-2. انشعاب در بهائیت، ص 239، نقل از قرن بدیع، ج 4، ص 53.

3-3. Roosevelt.

4-4. «آهنگ بدیع»، سال 1317، شماره 9، ص 25\_26.



حمایت رسمی آمریکا از مال اندوزی و ثروت افزایی بهائیان، به منظور توسعه این فرقه در تمام دنیا انجام می گرفت. این حمایت، جهت بنیان اساسی و شکل گیری اولیه، از سوی آمریکا برنامه ریزی شده بود. مهره های بهائیت، با حمایت آمریکا، در مراکز و مجامعی که منافع صهیونیسم و استکبار حضور دارند، به فعالیت مشغول اند.<sup>(1)</sup> سیاستمداران آمریکا، هر یک به نوبه خود، از بهائیان و سران آنها، تا آن حد حمایت کرده اند که به تصدی مسئولیت های بزرگ راه یابند. سابقه خاندان هویدا در بهائیت و ریشه او در وابستگی به این فرقه، بر اساس اسناد معتبر، به اثبات رسیده است. وی سال ها در مهم ترین ارکان سیاسی ایران، تا پیروزی انقلاب اسلامی نقش کلیدی داشت و از ترویج این فرقه در ایران، با ابزارهای متعدد حمایت می کرد.<sup>(2)</sup>

استکبار جهانی به ویژه آمریکا در پوشش دفاع از حقوق بشر و آزادی بیان و عقیده، همواره به حمایت رسمی از تشکیلات بهائیت ایران پرداخته است. در فاصله سال های 1361 تا 1373؛ یعنی در طول دوازده سال نمایندگان آمریکا، شش قطعنامه به تصویب رساندند که در آنها به جانب داری و حمایت از بهائیت پرداخته و بنا به اعتراف بیل کلینتون<sup>(3)</sup> رئیس جمهور وقت آمریکا ایالات متحده می کوشد یک همکاری بین المللی برای زیر فشار قراردادن حکومت اسلامی ایران به منظور رعایت حقوق اقلیت های مذهبی به وجود آورد.<sup>(4)</sup>

در سال های بعد نیز کشورهای غربی با حمایت قاطع خود از بهائیت در پیش نویس قطعنامه حقوق بشر سازمان ملل علیه ایران ه. همان بار دیگر به منافع حاصل از وجود جاسوسان خود در کسوت بهائی اعتراف کردند. در

ص: 206

---

1-1. روزنامه جمهوری اسلامی، «1389/2/7».

2-2. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 375.

3-3. Bill Clinton.

4-4. روزنامه جمهوری اسلامی، 1376/9/17 به نقل از رادیو اسرائیل، مورخه 1373/7/21.

قطعه‌نامه ای که مجلس نمایندگان آمریکا در سال 1375 تصویب کرد از دولت ایران خواست که از اعمال تبعیض علیه بهائیان ایران خودداری کند. در نامه نمایندگان آمریکا تأکید شده بود «بهائیان ایران عاملی مهم در هر گونه روابط آینده آن کشور با ایالات متحده است»<sup>(1)</sup>. همچنین بر این کسیدی،

<sup>(2)</sup> نماینده انگلیسی پارلمان اروپا پس از بازدید از ایران و بازگشت به لندن از رفتار با بهائیان انتقاد کرد و حمایت بین‌المللی از بهائیان جاسوس در ایران را خواستار شد.

<sup>(3)</sup> علاوه بر آن موريس کاپیتورن

<sup>(4)</sup> نماینده کمیسیون حقوق بشر نیز در جریان بازدید از ایران مدعی نقض حقوق بهائیان در ایران شد.<sup>(5)</sup> آمریکا در حقیقت تلاش می‌کند در راستای فشارهای سیاسی و نظامی خویش همپای شرایطی چون صلح خاورمیانه و پرونده هسته ای ایران، آزادی بهائیت را به عنوان یک اقلیت دینی مطرح سازد. جالب این است که برخی روشنفکران داخلی هم به بهانه دفاع از حقوق بشر، از جامعه بهائی و گروه‌های انحرافی ضاله حمایت می‌کنند. شبکه‌های خبری وابسته به صهیونیسم و رسانه‌های گروهی آمریکا نیز به حمایت‌های گسترده تبلیغی برای بهائیت می‌پردازند تا در کنار اقدامات دولت و مجلس نمایندگان آمریکا، زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای تحقق اهداف سلطه جویانه خود توسط بهائیان فراهم آورند. تشکیلات بهائیت در ایران نیز از این فرصت،

جهت پیشبرد اهداف خود بهره می‌برد.

بی‌گمان امروز، آمریکا پاتوق و تفرجگاه امن بهائیان و سران بهائیت است؛ سرزمینی که به نام اسرائیل در قلب عالم اسلام جعل گردیده، پایگاه اول بهائیان و در شهر مقدس آنها و مورد حمایت آمریکا است؛ آمریکا با تمام

ص: 207

---

1-1. همان، 1375/3/30.

2-2. Brian Cassidy.

3-3. همان، به نقل از بخش فارسی رادیو آمریکا، مورخه 1375/1/10.

4-4. Maurice Copithorne.

5-5. همان، 1375/8/19.

توان، از این منطقه حفاظت و صهیونیسم ها را به انواع سلاح های نوین و ابزارهای مختلف رسانه ای و فرهنگی مجهز می کند، تا این رژیم، از حریم بهائیت و آرمان های جهان امپریالیسم دفاع کند؛ آنچه امروز آمریکا را در سازمانهای بین الملل بر استفاده از حق و توتو و تحریم و تصویب قوانین بین الملل علیه برخی از کشورها از جمله ایران بر می انگیزد، تنها دفاع از موجودیت صهیونیسم نیست، بلکه در کنار آن، دفاع از بهائیسیم که صهیونیسمی دیگر است. انگیزه مهم تری برای آمریکا به شمار می رود؛ هدف و انگیزه حمایت آمریکا از تشکیل کشور اسرائیل و رسمیت دادن به آن، مرکزیت دادن به بهائیت بود؛ چنان که قبل از تشکیل اسرائیل و حضور و مهاجرت یهودیان به فلسطین، بهائیان ایران و دیگر نقاط جهان و رهبران بهائی به این سرزمین منتقل شده و مورد حمایت انگلیس و آمریکا قرار گرفتند. قلب تپنده خاورمیانه، مقر معابد جعلی و مقدس نمایی بهائیان شد؛ این حرکت آمریکا، برای دفاع از حقوق بهائیان ایران، جهت دار بود؛ چه در دوره پهلوی و چه پس از انقلاب، این حمایت ها استمرار داشت؛ عجیب نیست که یهودیان و زردشتیان ایران، بیشتر به بهائیت روی آوردند و قبل از آن، در خراسان و نواحی دیگر، تظاهر به اسلام نمودند و مسلمان شدند و پس از تظاهر به مسلمانی، به بهائیسیم گراییدند؛ از این رو در شهرهایی از ایران که ردپای یهودی ها دیده می شود، بهائیان فعالیت گسترده ای داشته و دارند. (1) این نوعی ترفند و حيله، جهت تخریب روحیه مسلمانان و شیعیان بود؛ بزرگنمایی و تخریب دین توسط غرب و آمریکا، این گونه در کشورهای اسلامی خود را نشان داده؛ پشت این دسیسه ها، دست امپریالیسم دیده می شود؛ علاوه بر آن، حمایت های مادی کلانی نیز انجام گرفت و هزینه های گزاف بی شماری در حساب آنان وجود داشت که از موقوفات

ص: 208

با توسعه نفوذ سیاسی بهائیت در ایران، فعالیت‌های نرم فرهنگی، برای تشکیک در باورهای دینی، با پشتیبانی مالی آمریکا، به منظور توسعه مداخله‌گری و رواج فرهنگ مادی، جهت بی‌هویت کردن جوانان و در قالب‌های ضد دینی خزنده، فعال شدند. خالی کردن ایران از نیروهای کارآمد، جوان، متعهد و مبارز، از اهداف مشترک بود. آمریکا نیز، اکنون با حربه قرارداد بهائیت، جوانان را جذب فراموش‌خانه و فراماسونری می‌کند. اما ابزارهای آنها، پیشرفته‌تر و مجهزتر از گذشته است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به نفوذ آمریکا در ایران، برخی افراد بهائی با حمایت آمریکا، به مناصب مهم سیاسی و فرهنگی، تا حد وزارت و مشاور مخصوص پهلوی دوم دست یافته و با استفاده از این فرصت‌ها، به توسعه و ترویج بهائیت پرداختند. امام خمینی (ره)، درباره بهائی‌نمایی یهودیان، جهت نفوذ در دربار پهلوی و ارکان دولت، قبل از انقلاب که مورد حمایت آمریکا نیز بودند، بارها هشدار و بیانیه صادر کرد. ایشان در این زمینه فرمودند: «جریان کار ما را دولت‌های خارج، حتی آمریکا هم سابقه دارد. ما به گوش دنیا می‌رسانیم. دولت، خوب است وظیفه خود را بداند؛ ما را زیر دست یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهائی درآورده اند پایمال ننماید. ما به همان نحو که در روزنامه‌ها تصویب لایحه را نوشتند، می‌خواهیم لغو آن را هم درج کنند. ما باز هم با مسالمت حرف‌های خودمان را می‌زنیم؛ خدا نیاورد روزی را که به مردم بگوییم که خود می‌دانید. ان شاء الله دولت متوجه می‌شود و جواب صریح می‌دهد».

## (2)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، بسیاری از معادلات و برنامه‌ها و طرح‌های امپریالیسم جهانی و بلوک غرب و شرق با

ص: 209

---

1-1. ر.ک: انشعاب در بهائیت.

2-2. هشدار شدید به اسدالله علم، صحیفه نور، ج 1، ص 94.

چالش جدی روبرو شد. خاورمیانه و ثروت های انبوه و خیره کننده آن از جمله نفت و دیگر معادن و ذخایر مادی و معنوی که قرن‌ها به یغمای استعمارگران می رفت، با بیداری ملت ایران، از چپاول و دست یازی آنان خارج شده و منافع امپریالیسم در دیگر نقاط جهان نیز به چالش افتاد. پس از دستیابی ایران به استقلال سیاسی و رهایی از سلطه بیگانگان، همچنان آمریکا، بزرگترین حامی مسلک بهائیت شناخته می شود، چنان که از رژیم اشغالگر قدس با حمایت تمام قد و همه جانبه برای حفظ آن، حاضر است

خون همه مسلمانان را بریزد و با همه مردم دنیا ستیز کند. جنگ های عراق، افغانستان، آشوب ها، بهانه جویها، بحران سوریه و حمایت از سرکوب قیام های مردمی در کشورهای اسلامی، همه برای حمایت از موجودیت رژیم صهیونیستی است که در دل خود، فرقه ای به نام بهائیت را جای داده است. آمریکا، به عنوان های مختلف از جمله حقوق بشر، دفاع از حقوق اقلیت ها، آزادی عقیده و ... به دفاع و حمایت از بهائیت پرداخته است. (1)

از آنجا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت آمریکا، منافع خود را در ایران که قدرتمندترین و استراتژی ترین نقطه خاورمیانه برای آنها بود، از دست رفته دید؛ سیاست های خود را در قبال اسلام و انقلاب اسلامی تغییر داد و به فکر براندازی و شکست دادن انقلاب اسلامی افتاد. رژیم آمریکا، با شعارهای فریب کارانه و بشردوستانه، به ادعاهای واهی علیه ایران پرداخت. از جمله مهم ترین مؤلفه های سیاسی آمریکا در سطح بین المللی، حمایت آشکار از فرقه بهائیت در ایران بود که با عنوان تضييع حقوق اقلیت های دینی و حمایت از حقوق بشر، از بهائیان که مزدوران وابسته به آمریکا بودند، حمایت جدی نمود. (2) حمایت دولت و سیاستمداران کاخ سفید از این فرقه، تا جایی برای آمریکا مهم شد که در سخنرانی های بین المللی در سطح سازمان

ص: 210

---

1-1. بهائیان، ص 725\_726؛ آداب کوی جانان (آداب زیارت حسینی)، ص 54.

2-2. انشعاب در بهائیت، ص 299.

ملل و شورای امنیت، این پشتیبانی را مطرح کردند و هر جا دولت ایران به قصد استفاده از امکانات جهانی و... روابط دیپلماتیکی برقرار کرد، آمریکا با عنوان «تضییع حقوق بهائیان» در ایران، از پیشرفت کار جمهوری اسلامی ممانعت به عمل آورد و کارشکنی کرد. اگرچه در ایران، بسیاری از بهائیان به اسلام برگشته و از این مرام بریده شدند،<sup>(1)</sup> اما آمریکا با حمایت های فریبنده و گسترده مادی و سیاسی، روند رو به رش! برگشت بهائیان به دامن اسلام و پیوستن به انقلاب اسلامی را متوقف نمود و عده ای را به خارج از ایران فراخواند و از فروپاشی کامل این فریب خوردگان و نهاد بهائیت جلوگیری کرد. از دیگر طرح های آمریکا برای حمایت از بهائیت، طرح رسمیت دادن به فرقه بهائیت در ایران، به عنوان یکی از مذاهب رسمی بود که با حمایت گسترده و مستمر مراکز صهیونیستی در اروپا پیگیری می شد، کشورهای عضو دائم سازمان امنیت نیز، از این طرح آمریکایی حمایت کردند.<sup>(2)</sup> در همین راستا، کنگره آمریکا، بارها مصوباتی در حمایت از فرقه بهائیت ایران، تصویب نموده است و این حمایت های امپریالیستی، با پشتوانه مالی، در ماندگاری این فرقه، تأثیر فراوان دارد.<sup>(3)</sup>

اگر چه از نظر فکری، این فرقه گرفتار معضلات و مشکلات عدیده ای است و برخی از افراد جدا شده از این فرقه، به این مرام به عنوان یک مرام سیاسی عاری از هرگونه معنویت و عقاید استوار می نگرند و به این حقیقت رسیده اند که فرقه بهائیت و سران آن، به عنوان سوداگران ثروت اندوزی هستند، همکاری بهائیت با آمریکا و مجامع صهیونیستی مسلم شده است؛ از این رو به این جریان به عنوان یک دین نمی نگرند؛ بلکه به این فرقه، به عنوان یک جریان ضدانسانی می نگرند که چهره واقعی آن، بر همگان

ص: 211

---

1-1. بهائیت در ایران، ص 273 به نقل نشریه «احرار»، شماره 58، ص 6.

2-2. همان، ص 279-282. از جمله حمایت گران مهم، کشورهای نظیر کانادا، آلمان و... .

3-3. همان.

روشن گشته است و با همه فعالیتشان و ثروت ها و سرمایه های کلانی که دارند، پوچی مدعاهای سران بهائیت و انحرافات اخلاقی شان روشن گردیده است. بعید نیست که امپریالیسم نیز، به همین نتیجه رسیده باشد و به همین لحاظ از فرقه های به ظاهر اسلامی چون وهابیت که در مرکز و در ام القرای اسلام قرار دارند، حمایت می کند و جهت گیری و سرمایه گذاری خود را به تدریج به این سو کشیده و با این حربه، به مصاف اسلام و شیعه آمده است. (1) آنان به خوبی واقفند که هر روش و ابزاری، در بهره وری و کارآمدی، در مقطعی از زمان، بازدهی دارد؛ چنان که بابت، پس از مدتی، تبدیل به بهائیت شد و هر فرقه ای که ساخته آنها بود، در منطقه خاص و زمان خاص نتیجه داد و پس از انقضای آن و پایان تاریخ مصرفش، دیگر کاربرد ندارد، یا الاقل کاربرد وسیع و نتیجه گسترده ندارد که در سایه آن بتوان به هدفها رسید؛ از این رو در دامن استعمارگران، همیشه فرقه سازی های نوین علیه اسلام و سایر ادیان وجود دارد. (2) آری، استعمارگران این گونه به فرقه سازی ها دامن می زنند و با حمایت های تشکیلاتی در ترویج و توسعه آنها تلاش می کنند.

با این همه، آمریکا امروز با سیاست سلطه جویانه، خود را در مقام ریاست جهان تصور می کند و سیاستهای امپریالیستی خود را با انواع برنامه ها و

ص: 212

---

1-1. روزنامه قدس، 1389/6/3 به نقل از سایت رجانیوز می نویسد: یکی از مقامات سابق سیا (مایکل برانت) با افشاگری، اعتراف کرده است که سازمان سیا 900 میلیون دلار برای سازمان دهی جریانهای تخریب و نابودی تشیع اختصاص داده است... آنان به این نتیجه رسیده اند که مرجعیت شیعه، سرچشمه اصلی قدرت شیعه است... از جمله تخریب کنندگان شیعه، بهائیت و وهابیت در عربستان است.

2-2. به گزارش برخی از مطبوعات، نهادی با عنوان «شورای مسلمانان سابق بریتانیا»، روز پنجشنبه توسط تعدادی از کمونیست های ایرانی تبار، در لندن آغاز به کار کرد. به گزارش ایرنا، در نشست اعلام راه اندازی این تشکیلات که در ساختمان پورتیکولیس هاوس، متعلق به پارلمان انگلیس برگزار شد، چند نفر از مؤسسان این شورا، به همراه نمایندگان چند سازمان اومانیستی و سکولار انگلیسی شرکت داشتند. در این نشست، چند تن از فعالان کمونیستی و فمنیستی مقیم کشورهای اسکانندیناوی حضور داشتند... و فردی به نام مریم نمازی (حامی سلمان رشدی، در این انجمن سخنرانی کرد... روزنامه قدس، 1389/4/3.

حربه ها به اجرا می گذارد. روزی با شعار دفاع از حقوق بشر، گاهی با حربه مقابله با تروریسم و زمانی با ادعای مبارزه با گسترش تسلیحات کشتار جمعی، به نقاط مختلف جهان، لشگرکشی می کند. این کشور با هر یک از این شعارها، توانست قسمتی از خاک خاورمیانه را به آشوب بکشاند، با طرح مبارزه با تروریسم، به افغانستان حمله کرد و این کشور را به اشغال خود در آورد، با طرح شعار مبارزه با سلاح های کشتار جمعی، به عراق حمله کرد و این کشور را به ویرانه ای مبدل ساخت که روزانه صدها نفر از انسان های بی گناه، در خون خود می غلطند و قتل عام می شوند. آمریکا با حضور در این کشورها، به پایداری بحران از طریق اختلاف بین قومیت ها و فرقه ها دامن می زند و در این منطقه استراتژیک، به غارت و چپاول نفت و سایر منابع فرهنگی عراق که سرزمینی کهن و دیرین است، می پردازد. اکنون، سال ها است به بهانه مبارزه با گسترش تسلیحات هسته ای، شعار نوین دیگری علیه جمهوری اسلامی سر داده و در صدد همراه کردن کشورهای جهان با اهداف خود، جهت آشوب نظامی دیگری در خاورمیانه است.

براین اساس و با توجه به سوابق سوء و ناپسند سران فرقه بهائیت؛ کشوری چون آمریکا، در حمایت از این حزب سیاسی، چه اهدافی را دنبال می کند که با نقاب دفاع از حقوق بشر و حق اقلیت های دینی، از آن یاد می کنند؟

فعالیت های اقتصادی و تملک مراکز اقتصادی و املاک کلان، در شهرهای مختلف از جمله تهران نیز از دیگر تلاش های بهائیان در ایران بوده است که در حیات این مسلک، تأثیر فراوان دارد. فعالیت ها روحی روانی در بالا بردن انگیزه بهائیان ساکن در ایران و ثبات حزبی آنان، مؤثر است. این فعالیت های از جمله تلاش های خزننده بهائیت در ایران است که از سوی اربابان آنها به آنان القا می شود. در این راستا، آنان پس از انقلاب اسلامی، همواره سعی دارند از طریق رسانه های غربی، آمار خود را در ایران رو به افزایش نشان دهند. هدف حامیان بهائیت، جلوگیری از انقراض جمعیتی بهائیان، در ایران



از دیگر ابعاد فعالیتی بهائیان در ایران، با تداوم حمایت آمریکا و بودجه های مصوب سنای آمریکا پس از انقلاب، شرکت در آشوب های ساختگی و تجمعات سیاسی است که به هر بهانه ای، در ایران شکل می گیرد. آنان به همان سان که در جریان مشروطه، خود را پنهان کرده و در انحراف مشروطه و ترور برخی از شخصیت ها، مشارکت سری داشتند، اکنون نیز، با پنهان شدن در پشت دیوار برخی از جریان ها و احزاب وابسته به نظام، در انحراف آرمان های انقلاب، بدنام کردن و درگیر کردن احزاب انقلابی و افزودن به تنش های فردی و حزبی در میان نیروهای انقلاب، نقش دارند. بهائیت در راستای تضعیف نظام و کاهش جایگاه مردمی آن، کوشش های فراوانی کرده و می کند؛ آنان در آشوب های سال 1388 و برهم زدن هیئت های عزاداری امام حسین (علیه السلام)، توهین به امام خمینی (ره) و دیگر شخصیت های نظام و ایجاد تنش های سیاسی بین مسئولان، نقش داشت اند.

### (1)

از جمله فعالیت های عناصر بهائی در ایران، همکاری گسترده با رسانه های غربی، از جمله بی بی سی، سی.ان.ان. و...، علیه نظام اسلامی است که در تولید فیلم های مستند و سایر برنامه ها، این نقش آفرینی محسوس و غیر قابل انکار است.

دیگر تلاش تخریبی بهائیت پس از انقلاب، در ایران، همکاری با سایت های ضدشیعی و ضددینی است؛ آنها در این سایت ها، به شبهه پراکنی علیه اسلام، تشیع، پیشوایان دینی و شخصیت های معنوی تشیع می پردازند. همکاری با گروه های ملی گرا، زرتشتیان، صهیونیسم و جریان های تبشیری نیز در این راستا است. در جنگ نرمی که از سوی استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی، راه اندازی شده است، بهائیت به عنوان بازوی مهم و نیروی بومی آنان

ص: 214

محسوب می شود که در حوادث تلخ و انفجارهای خون بار دست داشته است. (1) بی گمان، بهائیت، در بحران های مقطعی اقتصادی و اجتماعی و ایجاد تورم های مصنوعی و بالا بردن قیمت ارز و سکه، بی نقش نبوده است. (2)

با توجه به آسیب های اجتماعی و اخلاقی ناشی از تبلیغات رسانه های غربی و با توجه به سوابق گرایش شدید به ابتدال در این فرقه، باید در نظر داشت که روند رشد آسیب های اخلاقی، مانند رواج فحشا، بی حجابی و بی قیدی به ارزش های دینی، بی تاثیر از برنامه ها و همکاری های عناصر بهائی نیست؛ بدون شک، ابتدال فرهنگی، زمینه جذب و گرایش به فرقه های انحرافی را بالا می برد؛ به نظر می رسد، پس از انقلاب اسلامی، برخی جوانان سایر مذاهب نیز، با وجود زمینه های انحرافات اجتماعی و عدم کنترل، به این فرقه جذب شده اند و علیه شیعه و نظام اسلامی فعالیت دارند؛ بی گمان، برخی افراد که فاقد آگاهی های لازم از اهداف این مسلک هستند با ایجاد جاذبه های دروغین و شهوانی، مجذوب آنان می شوند؛ شایسته است مراکز امنیتی و فرهنگی کشور، درباره این مسائل که موجب نگرانی مسئولان فرهنگی است، جدیت داشته باشند؛ علاوه بر این، نهادهای آموزشی و مراکز تبلیغی نیز، در این راستا مسئولیت سنگینی دارند. به اعتقاد جامعه شناسان دوران نوجوانی و جوانی، موقعیتی است که لغزش در آن فراوان و برخی از غرایز ذاتی انسان در غلیان است و احتمال کج روی و اغفال در این شرایط سنی، بیش از دیگر دوره های سنی است. (3)

سعی بهائیان بر بالا بردن جمعیت بدان سبب است که در آینده جهان، جمعیت از عناصر مهم تعیین کننده است؛ چنان که غریبهها، از روند رشد جمعیت

ص: 215

---

1-1. انفجار حسینه شیراز در تاریخ 26 فروردین 1387 از جمله این اقدامات است.

2-2. نقش بهائیت در فتنه 88.

3-3. جعفر سخاوت، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی ص 8592، گسن ریموند، جرم شناسی نظری، ص 91، ژان میشل بست، جامعه شناسی جنایت، ص 33.

مسلمانان در غرب و اروپا نگران هستند و برای پیشگیری از آن، در فکر برنامه ریزی و چاره اندیشی هستند. (1) بی گمان، بحرانهای حاکم بر مناطق اسلامی، حضور ناتو در افغانستان، بحران سازی در سوریه، کشتار مسلمانان میانمار و...، در شمار چاره اندیشی های مقابله جویانه غرب است که جهان اسلام را فرا گرفته است. این ادبیات و نوع نگاه به اسلام و مسلمانان، بخشی از شعار اسلام هراسی است که غربیان از دیرباز به آن پرداخته اند و اقدام به مبارزه همه جانبه با اسلام نموده اند؛ دولت جمهوری اسلامی ایران نیز باید به این مقوله توجه نموده و درباره مصون سازی فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جوانان، تلاش های مستمر و پیگیر داشته و در این باره به رهنمودهای رهبری معظم و هشدارهای ایشان توجه بیشتری داشته و زمینه فعالیت فرقه های منحرف را برچیند.

## توصیه ها و راهکارها

امروز، جوانان جهان اسلام، در معرض دام امپریالیسم و جاذبه های مختلفی چون مسائل شهوت انگیز و غریزی قرار دارند. آمریکا، با تمام ابزارها، به نبرد نرم و سخت آمده است. او با این ابزارهای به ظاهر قانونی و بشر دوستانه (از سازمان ملل گرفته تا بانک جهانی)، به فریب جوانان و افکار آنان می پردازد و علیه اسلام، به ویژه کشور ایران و انقلاب اسلامی، توطئه های پی در پی می چیند.

برای هر خردمندی این سؤال مطرح است که چرا آمریکا، این گونه از دولت اشغالگر صهیونیسم و بهائیت حمایت می کند و نسبت به حفظ آنها تعهد دارد؟ به طوری که تمام طرح ها، نیرنگها، ابزارهای توسعه طلبی،

ص: 216

---

1-1. آنچه تحت عنوان نظریه برخورد تمدن ها توسط هانتینگتون در آمریکا مطرح گردید، ناظر به همین مسائل است. وی در این نظریه، از افزایش جمعیت مسلمانان در غرب، به شدت ابراز نگرانی نموده و آن را خطری جدی قلمداد کرده است. امروز، آنچه درباره کشتار مسلمانان، توسط آمریکا و غرب در نقاط مختلف دیده می شود، به سبب رویارویی با رشد جمعیت مسلمانان است.

فزون خواهی آمریکا و دیگر شرکای او، در دل این دو حزب جاگرفته است، صهیونیسم نماینده امپریالیسم در غرب و بهائیسیم و وهابیسیم، نماینده امپریالیسم، در جهان اسلام هستند. وهابیسیم، با آزادی و حمایتی که از جانب آمریکا دارد و مدت ها است در کشورهای اسلامی، جولان می دهد. بهائیسیم، در سایه اعضای تشکیلات بیت العدل (که در واقع بیت الفسق است)،<sup>(1)</sup> در آمریکا و مقر مرکزی آن (اسرائیل)، اداره می شود. از این فرآیند می توان نتیجه گرفت که امروز دولت آمریکا با بهائیت، صهیونیسم و وهابیسیم، هم پیمان است تا با تمام توان، علیه ارزش های اسلامی بتازند و از گسترش اسلام، به ویژه مکتب اهل بیت، به هر نحو ممکن جلوگیری نموده و به محو اسلام پردازد؛ بنابراین باید راهکارهایی داشت:

1. جوانان مسلمان جهان، به ویژه ایران و دیگر کشورهای اسلامی که روزی بخشی از یک قلمرو پهناور بودند که با توطئه استعمارگران از هم جدا شدند؛ اکنون باید از این گذشته درس بگیرند و با هوشیاری، خود را در معرض این غارتگران هویت قرار ندهند.

2. امپریالیسم اکنون به شیوه های نوین، از جمله دین سازی و مسلک های روحی نما و عرفان گرا، با ترویج عرفانهای کاذب و سرگرم نمودن مسلمانان و دیگر مستضعفان جهان، به چپاول فرهنگ و غیرت جوانان و هویت بالقوه آنان آمده است؛ بایسته است در این برهه جوانان با سلاح معرفت به رویارویی برخیزند.

3. غارت و چپاول ملت ها توسط امپریالیسم، از هویت تاریخی و مادی آنان شروع شده و اکنون مرحله نوین آن، یعنی غارت هویت درونی و فرهنگی آغاز گردیده است. جوانان کشورهای اسلامی باید با هوشیاری، در مقابل این نغمه های شوم بیدار باشند و مسئولان در برابر این حرکت آنان

ص: 217

---

1-1. استعمارگران برای محو شعار عدالت در مهدویت، نام مرکز اصلی بهائیان را که محل توطئه چینی علیه اسلام و مسلمانان است، «بیت العدل» نامیده اند. اما تناسب واقعی آن «بیت الفسق» یا «بیت الشطان» است.

4. چپاولگران از طریق سایت ها و شبکه های ماهواره ای گسترده، برای این منظور دام گسترانیده اند؛ بنابراین در مقابل دام هایشان باید غیرت دینی داشت و از حالت تدافعی و انفعالی خارج و در حالت تهاجمی، سنگر گرفت.

5. آشنایی به زبان های مهم دنیا، مکالمه با این زبان ها و ترجمه آثار بزرگان به زبان های دیگر یکی از راهکارهای اساسی جلوگیری از ایجاد انحراف است.

6. شناخت دقیق مکتب اهل بیت (ع)

و آشنایی با شیوه تحلیل عقلی و معرفی روزآمد مکتب اهل بیت (علیهم السلام) که تنها راه نجات بشریت از این گرداب ها، این پناهگاه است.

7. سلاح دیگر که در این کار مؤثرترین عنصر است، سلاح تهذیب نفس،

تقوا، پاکدامنی و دوری جستن از گرایش به اشرافی گری و ثروت اندوزی است.

8 دوری از روحیه رفاه طلبی و انس با مادیات که علاقه مندی و وابستگی به این مسائل با سیره نبوی (صلی الله علیه و آله) و مکتب اهل بیت (علیه السلام) در منافات است؛ به ویژه زندگی حوزویان و اهل علم و معنویت، باید به سوی سیره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هدایت و با آن همسان سازی شود؛ و گرنه با روحیه امپریالیستی و عشق به مادیات، نمی توان با امپریالیسم مبارزه کرد. امروزه مهم ترین عامل و عنصر انتظار و گسترش فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و مهدوی بودن، حرکت به سوی زندگی بی آلاش و ساده است که زندگی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنان خواهد بود؛ از این رو وقتی خواسته های مادی تنزل یافت، زمینه های عدالت فراهم خواهد شد و امپریالیسم نیز با این گرایش عمیق، شکست خواهد خورد، البته منظور از نفی ثروت گرایی و رفاه، نابودی سرمایه ها و مقابله با تولید و صنعت و تکنولوژی نیست که این خلاف آموزه های اسلام است؛ بلکه منظور، دوری از افراط در ثروت اندوزی است که دیگران را از حداقل زندگی نیز محروم

می‌کند؛ انباشت ثروت، به منزله جمع خون حیات جامعه در یک رگ و خشکاندن رگ‌های دیگر است که اسلام و سیره اهل بیت (علیهم السلام) با این اندیشه در تضاد است و این همان اندیشه امپریالیستی و سرمایه‌داری است؛ بنابراین شایسته است دولت‌های اسلامی با مدیریت و سازماندهی، بهره‌مندی از ثروت‌های ملی را برای همه افراد جوامع اسلامی فراهم نموده و از قرار گرفتن آن در طبقه، گروه و افراد خاص جلوگیری نماید.

ص: 219



1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه .
3. آبادیان، حسین، امپریالیسم روس و انگلیس و مسأله ایران و عثمانی، تهران: نشریه کتاب ماه، [بی تا].
4. آبراهم، ویلیامز جکسن، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره ای، چاپ سوم، تهران: خوارزمی، 1369.
5. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، چاپ پنجم، تهران: شرکت افست، 1355.
6. آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین یهود، چاپ دوم، تهران: نگارش، 1368.
7. آقابخشی، علی و مینو افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران: چاپار، 1386، ص 176.
8. آیتی، عبدالحسین، کشف الحیل، به کوشش علی امیر مستوفیان، تهران: راه نیکان، 1389.
9. آیتی، عبدالحسین، الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه، قاهره: سعادت، 1342.



10. ال. شوئل، فرانک، آمریکا چگونه آمریکا شد (تاریخ ایالات متحده آمریکا)، ترجمه ابراهیم صدقیانی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، 1363
11. ا.ج.ش.س، مسکو، شورش بایان در ایران، تهران: نشریه فرهنگستان علوم، 1939م.
12. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، بیروت: دار الضواء، 1410 ق.
13. ابن مسکویه، احمد بن علی، تجارب الأمم، تصحیح: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، 1379
14. ابن واضح، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی تا]
15. ابوالحسنی (منذر)، علی، سلطنت علم و دولت فقر، چاپ اول، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374.
16. ارباب، فروغ، اختران تابناک، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع 122.
17. ارداقی، علی اکبر، اسراری از کمیته مجازات  
خاطرات علی اکبر ارداقی تبریزی، تهران: علمی، [بی تا].
18. ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ترجمه علی دوانی، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1370.
19. استانفورد، جی شاو، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، 1370.
20. اسحاقی، سید حسین، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، چاپ اول، مشعر، تهران: 1386
21. اشراق خاوری، عبدالحمید، خلاصه تاریخ نبیل، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، 1352.

22. اشراق خاوری، عبدالحمید، مجموعه الواح بهاء الله، آبی جا، [بی نا]، [بی تا].
23. اعتضادالسلطنه، فتنه باب، با توضیحات عبدالحسین نوائی، چاپ اول، تهران: علمی، 1377.
24. اعتضادالسلطنه، محمد حسن خان، المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: اساطیر، 1374.
25. اعتضادالسلطنه، محمد حسن خان، چهل سال تاریخ ایران، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: اساطیر، 1374.
26. افراسیابی، بهرام، تاریخ جامع بهائیت، چاپ دهم، تهران: مهرفام، 1381.
27. افشار فر، ناصر و دیگران، بررسی دو کتاب القاب رجال دوره قاجاریه و سفرنامه اصفهان، چاپ اول، تهران: نشریه رشد آموزش تاریخ، 1381.
28. افندی، عباس، مقاله شخصی سیاح، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، 1341.
29. اقبال آشتیانی، عباس، میرزا تقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران: 1385
30. امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1386
31. امام خمینی، سیدروح الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1423 ق.
32. امینی، عبدالحسین، آداب کوی جانان (آداب زیارت حسینی)، ترجمه محسن رجبی، چاپ اول، تهران: مشعر، 1387
33. انصاری، فرشته، فتنه باب در زنجان، زنجان: نیکان کتاب، 1382.

34. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران: سخن، 1381.

35. باب، سید علی محمد، بیان عربی، چاپ سنگی، آبی جا، [بی نا]، [بی تا].

36. باب، سید علی محمد، بیان فارسی، چاپ سنگی، آبی جا، [بی نا]،

[آبی تا]

37. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، چاپ ششم، تهران: زوار، 1387

38. بخاری راد، نقی، ساواک، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379.

39. بدوی، عبدالرحمان، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکر الله

خاکرند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1375.

40. برنجانینوف، نیکلای، تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب کبیر، ترجمه خان بابا بیانی، تهران: دانشگاه تهران، 1352.

41. بست، ژان میشل، جامعه شناسی جنایت، ترجمه فریدون وحید، مشهد: آستان قدس رضوی، 1372.

42. بشارتی، علی محمد، از انقلاب مشروطه تا کودتای رضاخان، چاپ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، 1381. 43.

بهار، محمد تقی ملک الشعراء، تاریخ احزاب سیاسی ایران، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر، 1380.

44. بهائیت آن گونه که هست، ویژه نامه ایام، ضمیمه جام جم، شهریور 1386.

45. بهنود، مسعود، از سید ضیاء تا بختیار، چاپ سوم، تهران: جاویدان، 1369.

46. بیات، عزیزالله، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، 1384.

47. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب،

1375.

48. تقی زاده، سید حسن، خاطرات، به کوشش ایرج افشار، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].

49. تنکابنی، میرزاحمد، قصص العلماء، تهران: اسلامیه، 1388. 50. تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری، تهران: اقبال، 1322.

51. جامعه المصطفی العالمیه، فصلنامه پژوهشهای منطقه ای، پائیز 1391.

52. جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، چاپ پنجم، تهران: مرکز اسناد و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1383.

53. جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، چاپ دوم، قم: دلیل ما، 1428 ق.

54. جمعی از مستشرقین، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، چاپ اول، تهران: پوشیل، 1359.

55. جنبش مقاومت اسلامی حماس، فروش

زمین واقعیت یا شایعه،

چاپ اول، تهران: خرسندی، 1389.

56. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، 1381.

57. حبیبی، حسن و محمدباقر وثوقی، بررسی اسناد تاریخی بندرعباس، تهران: بنیاد ایران شناسی، 1387.

58. حسن بیگی، ابراهیم، یک مهره کوچک، تهران: مدرسه، 1386. 59. حسنی، سلیم، عالمان شیعه رویاروی استعمار، ترجمه محمدهادی باسخواه، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، 1378.

60. حسینی طباطبائی، سید مصطفی، ماجرای باب و بهاء، چاپ سوم، تهران: روزنه، 1379.

ص: 225

61. حصری، ساطع، البلاد العربیة و الدولة العثمانیة، بیروت: دار العلم، 1990م.
62. حقّی، اسماعیل، اوزون چارش لی، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: مؤسسه کیهان، 1369.
63. حکیم الهی، نصرت الله، در راه تمدن بزرگ، چاپ اول، تهران: چاپخانه اقبال، 1350.
64. حکیمی، محمدرضا، داستان هایی از زندگی امیرکبیر، چاپ اول، تهران: امیر کبیر، 1372.
65. خادمی، محمدعلی، بهائیان دیگر چه می گویند، تبریز: کتاب فروشی صابری، 1341.
66. خالصی، شیخ محمد، علماء الشیعه و الصرایع مع البدع و الخرافات، چاپ اول، تهران: دفتر نشریات دینی، 1418 ق.
67. خلیلی خو، محمدرضا، توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه، تهران: جهاد دانشگاهی، 1373.
68. دالگورکی، کنیاز، خاطرات، ترجمه حیدر بهرمن، چاپ سیزدهم، قم: مجتمع فرهنگی میثاق، 1422 ق.
69. دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، سایه روشن بهائیت، تهران: کیهان، 1385.
70. دکمجیان، هرایر، اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، چاپ دوم، تهران: کیهان، 1372.
71. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، چاپ چهارم، تهران: انقلاب اسلامی، 1372.

72. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ضیاء الدین علانی طباطبائی،

چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی، 1374.

73. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، 1377. 76. رادولف، پیترز، اسلام و استعمار، چاپ اول، مشهد: آستان قدس،

1365

75. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، 1412 ق.

76. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ اول، تهران: نگاه، 1374.

77. رائین، اسماعیل، اشعاب بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، تهران: مؤسسه تحقیقی رائین، چاپ مرو، [بی تا].

78. رائین، اسماعیل، فراموش خانه و فراماسونری در ایران، تهران: امیر کبیر، 1357.

79. رحمانی نوش آبادی، حسین، بیان الحق، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع 118.

80. رحیمی کاشانی، احمد، پنجه خونین استعمار در آستین باب، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، [بی تا].

81. رنجبر، مقصود، ایران و آمریکا، چاپ اول، قم: انجمن معارف اسلامی ایران، 1380.

82. رنسیمان، استیون، جنگ های صلیبی، ترجمه زهرا مهشاد طباطبایی، تهران: حسینیه ارشاد، [بی تا].

83. روحانی، سید ضیاء الدین، مزدوران استعمار در لباس مذهب،

چاپ سوم، آبی جا)، مجمع علمی نجات نسل جوان، 1345.

ص: 227

84. روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد، 1374.
85. روحانی، فخر، اهرمهای سقوط شاه، چاپ اول، تهران: بلیغ، 1370.
86. روحانی، محمدرضا، فرهنگ نامه زنجان، چاپ اول، زنجان: ستاره، 1347.
87. ریموند، گسن، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کینیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، 1374.
88. ریورو، اوسوالدود، افسانه توسعه، ترجمه محمود عبدالله زاده، چاپ اول، تهران: اختران، 1383.
89. زاهدانی، سعید و محمدعلی سلامی، بهائیت در ایران، چاپ دهم تهران: مرکز اسناد، 1381.
90. زعیم الدوله، مهدی، مفتاح باب و الأبواب، ترجمه حسن فرید گلپایگانی، تهران: فرخی، 1333.
91. زنجانی، سیداحمد، الکلام یجر الکلام، چاپ دوم، قم: حق بین، 1351.
92. زیباکلام، صادق، ما چگونه ما شدیم؟، چاپ چهارم، تهران: روزنه، 1377.
93. ساروی، محمد تقی، احسن التواریخ، چاپ اول، تهران: امیر کبیر، 1371.
94. سالور، قهرمان میرزا (عین السلطنه)، روزنامه خاطرات  
عین السلطنه،  
مصصح: مسعود سالور و ایرج افشار، چاپ اول، تهران: اساطیر، 1374.
95. سامعی، احمد، انقلاب اسلامی و نهضت های ملی - مذهبی معاصر  
ایران، تهران: امیر بهادر، چکاد، 1380.
96. سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، چاپ هفتم، تهران: افسون، 1380.

97. سپهر، احمد علی، ایران در جنگ بزرگ، تهران: چاپخانه بانک ملی

ایران، 1366.

98. سپهر، عبدالحسین خان، مرآت الوقایع مظفری، تهران: میراث مکتوب، 1386.

99. سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ قاجاریه، تصحیح: جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیر کبیر، 1337

100. سخاوت، جعفر، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: پیام نور، 1374.

101. سروش، احمد، مدعیان مهدویت، چاپ دوم، تهران: افشاری، 1348.

102. سلامی، غلامرضا، اسناد مطبوعات ایران، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، 1350.

103. سلطان زاده، رضا، سیری در کتاب های بهائیان، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1336

104. سلیمانی، عزیزالله، مصابیح هدایت، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، [بی تا].

105. سیبوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ هشتم، تهران: مرکز، 1379.

106. سیبوری، راجر، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ هشتم، تهران: مرکز، 1379.

107. شبلنجی، شیخ مومن، نورالابصار فی مناقب آل النبی المختار، قم: ذوی القربی، 1384.

108. شعبانی، رضا، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران در دوره های افشاریه و زندیه، چاپ اول، تهران: سمت، 1377.

ص: 229



109. شفا، امان الله، نامه ای از سن پائولو، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1350.

110. شکوری، ابوالفضل، خط سوم در انقلاب مشروطه، چاپ اول، زنجان: ارشاد اسلامی، 1373.

111. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ هفتم، تهران: مدبر، 1375.

112. شوقی ربانی، عباس، قرن بدیع، ترجمة نصرت الله مودت، چاپ دوم، بیجا، مؤسسه معارف بهائی، 1992م.

113. شهبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1383.

114. شهرستانی، عبدالکریم، ملل و نحل، بیروت: دار الفکر، [بی تا].

115. شهسواری، ثریا، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضاشاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1387

116. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1416ق.

117. شیخ طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، بیروت: دارالاضواء، آبی تا].

118. شیخ طوسی، محمدبن حسن، کتاب الغیبة، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1423 ق.

119. شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، الارشاد، چاپ اول، قم: آل البيت، 1413 ق.

120. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المزار، قم: کنگره شیخ مفید،

1413ق.

ص: 230

121. صبحی مهتدی، فضل الله، خاطرات و اسناد (خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایبی گری و بهائی گری)، تهران: [بی نا]، 1357.
122. صفار قمی، محمدمبن حسن، بصائر الدرجات، قم: منشورات مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، 1404ق.
123. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: مرتضی، 1403 ق.
124. طبری، احسان و دیگران، پنجاه سال تبهکاری و خیانت سلسله پهلوی، آبی جا]، [بی نا]، [بی تا].
125. طبری، احسان و دیگران، جامعه ایران در دوران رضاشاه، تهران: حزب توده، 1390
126. طبری، احسان، ویژگی ها و دگرگونی های جامعه ایرانی در پویه تاریخ، تهران: حزب توده، [بی تا]
127. طبری، نجم الدین، فرقه ای برای تفرقه، چاپ اول، تهران: مشعر، 1386.
128. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، 1375.
129. طقوش، محمد سهیل، دولت ایوبیان، ترجمه عبدالله طاهری ناصری، قم: پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه، 1380.
130. طیرانی، بهروز، روز شمار روابط ایران و آمریکا، چاپ اول، تهران: وزارت خارجه، 1379.
131. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من السیره النبوی الأعظم، چاپ چهارم، بیروت: دار الهادی، دارالسیره، 1415ق.

132. عاملی، سید جعفر مرتضی، الغدير و المعارضون، بیروت: دار السیره، 1430 ق.
133. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح بخاری، بیروت: آبی نا، [بی تا].
134. علوی، سید ابوالحسن، رجال عصر مشروطه، مصحح: حبیب یغمایی و ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: اساطیر، 1385.
135. علیقلی، میرزا، اکسیر التواریخ، چاپ اول، تهران: سیمن، 1370.
136. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر، 1369.
137. غروی محلاتی، محمد، گفتار خوش یارقلی، تهران: مؤسسه انتشاراتی فراهانی، [بی تا].
138. فاضل مازندرانی، میرزا اسدالله، تاریخ ظهور الحق، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، بدیع 132.
139. فائق، ابراهیم، آشنایی با قائم مقام فراهانی، بزرگ مرد تاریخ ایران، چاپ اول، تبریز: زر قلم، 1373.
140. فراهانی، حسن، روزشمار تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1385.
141. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، چاپ سوم، تهران: اطلاعات، 1370.
162. فضایی، یوسف، شیخی گری، بابی گری، چاپ دوم، تهران: آشیانه کتاب، 1384.
143. فیلی، اسدالله، روابط ایران و آمریکا، بررسی دیدگاه نخبگان، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران، 1381.

144. قادیانی، شیخ احمد، روحانی خزائن، پاکستان: [بی نا]، [بی تا]. 145. قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجار بانیان و پیشروان، چاپ اول، تهران: دانشگاه، 1377.
146. قادیانی، عباس، فرهنگ جامع تاریخ ایران، چاپ ششم، تهران: آرون، 1387
147. قرشی، باقر شریف، نظام سیاسی در اسلام، چاپ دوم، بیروت: دارالتعارف، 1398ق.
148. قزوینی، یحیی بن عبدالطیف، لب التواریخ، چاپ اول، تهران: بنیاد و گویا، 1363.
149. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، تهران: اسلامیه، 1342
150. کاشانی، میرزاجانی، نقطه الکاف، تحقیق: براون ادوارد، لیدن هلند: بریل 1910م.
151. کاشف الغطاء، محمدحسین، نامه ای از امام، تهران: توحید، [بی تا].
152. کاشف الغطاء، محمد حسین، المثل العلیاء فی الاسلام، تهران: سازمان تبلیغات، 1360.
153. کاشف الغطاء، محمد حسین، این است آئین ما، ترجمه ف. ج، تهران: توحید، [بی تا].
154. کاظم زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران 1864-1914، پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: کتاب های جیبی، 1354.
155. کرزن، جرج، ایران و قضیه ایرانی، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی، 1373.
156. کریستین، دلانوا، ساواک، ترجمه نیک گوهر، چاپ اول، تهران: طرح نو، 1371.

157. کسروی، سید احمد، بابی گری، تهران: کتاب فروشی پایدار، [بی تا].

108. کسروی، سید احمد، بهائی گری، چاپ دوم، تهران: بنگاه مطبوعاتی فرخی، 1344.

159. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت: دارالاضواء، 1408 ق. 160. کوهستانی نژاد، مسعود، روحانیت بهائیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1389.

161. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، چاپ دوم، تهران: توس، 1369

162. گروه تاریخ دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، تاریخ 4 (ایران در دوره معاصر)، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، 1374.

163. گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، روحانیت و اسرار فاش نشده، قم: دار الفکر، 1358.

164. گنجی، محمد حسن، اطلس کامل گیتاشناسی، چاپ نهم، تهران:

گیتاشناسی، 1368.

165. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه مطبوعات علی اکبر علمی،

166 1334. لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل

دولت‌شاهی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی، 1383.

167. لوی، حبیب، تاریخ جامعه یهودیان ایران، تهران: کتاب فروشی یهود ابروخیم، 1376.

168. اللهیاری، احمد، بهائیان در عصر پهلوی، تهران: کیهان، 1387 169. م، ع، جمال ابهی، تهران: جهان، چاپ حکمت، 1348.

170. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب، قم: علامه، 1379.

171. متقی، ابراهیم، مداخله گرایی و گسترش تحولات سیاست خارجی آمریکا)، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد، 1376.

172. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحارالأنوار، چاپ سوم، بیروت: دار الوفا، 1403 ق.

173. مجموعه نویسندگان، تحولات روابط ایران و آمریکا، «ویژه نامه یاد نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی»، سال سیزدهم، شماره های 51-52، پائیز و زمستان 1377.

174. محمدی اشتهاردی، محمد، ارمغان استعمار، قم: چاپخانه حکمت،

1354.

175. محمدی اشتهاردی، محمد، بابی گری و بهائی گری، چاپ دوم، قم: گلستان ادب، 1383.

176. محمدی، مینا، جغرافیای کامل کشورهای جهان، تهران: [بی نا]،

1372.

177. محیط طباطبائی، سید محمد، ماهنامه گوهر، سال چهارم شماره 7، مسلسل 63،

178. مدرس تبریزی (خیابانی)، میرزا محمد علی، ریحانة الادب، تهران: خیام، 1326.

179. مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1360

180. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نقش بهائیت در فتنه 88، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1391

ص: 235

181. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، عالم جاودان، یاران امام به روایت اسناد ساواک (استاد شهید مرتضی مطهری، کتاب سی و یکم) چاپ اول، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382.
182. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، میلانی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380.
183. مسیری، عبدالوهاب محمد، گفتمان صهیونیستی (پژوهشی نظری مقایسه ای)، ترجمه سید مرتضی حسینی فاضل، قم: زمزم هدایت، 1386.
184. مشکور، محمدجواد، تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه، تهران: اشراقی، 1363.
185. مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق و مذاهب اسلامی، چاپ ششم، مشهد: آستان قدس رضوی، 1387.
186. مصور رحمانی، غلامرضا، کهنه سرباز، تهران: رسا، 1366. 187. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ ششم، تهران: صدرا، 1370.
188. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1362.
189. مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، تهران: صدرا، 1398ق.
190. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر 39، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1379.
191. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، 1364. 192. مگی، حسین، تاریخ بیست ساله، چاپ چهارم، تهران: علمی، 1374.
- ص: 236

193. ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، چاپ سوم، تهران: علمی، 1371.

194. ملکی تبریزی، میرزا جواد، ترجمة المراقبات، چاپ سوم، قم: موسسه

الاعتصام، 1416ق.

195. منصوری، جواد، 25 سال حاکمیت آمریکا بر ایران، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1364

196. موثقی، سیداحمد، استراتژی وحدت، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1373.

197. موثقی، سیداحمد، جنبش های اسلامی معاصر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1371.

198. موثقی، سید احمد، سید جمال الدین اسدآبادی، مصلحی متفکر و سیاست مدار، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم،

1380. 199. موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، تاریخ معاصر ایران، کتاب اول (مجموعه

مقالات)، اسناد منتشر نشده از مسئله هرات و افغانستان، چاپ دوم، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و

جانبازان انقلاب اسلامی، 1372.

200. موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، اسناد لانه جاسوسی، شماره 377، تهران: دانشگاه امیرکبیر، 1386

201. موسوی بجنوردی، سید کاظم، اسلام، پژوهش

تاریخی و فرهنگی

تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1383.

202. موسوی بجنوردی، سید کاظم، دائرة المعارف

بزرگ اسلامی، تهران:

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، 1369.

ص: 237



203. مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، چاپ هفتم، تهران: اطلاعات، 1374.

204. میلانی، عباس، تجدد و تجدد ستیزی در ایران، تهران: آینه، 1374.

205. نجفی، سید محمد باقر، بهائیان، چاپ اول، تهران: کتابخانه ظهوری،

1399ق.

206. نصیری، محمدرضا، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره افشاریه، گیلان: جهاد دانشگاهی، 1396.

207. نفیسی، سعید، ایران در دوره معاصر، تهران: امیر کبیر، 1383.

208. نمازی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، تهران: بنیاد بعثت، 1409 ق.

209. نوائی، عبدالحسین، دولت های ایران از آغاز مشروطیت

تا

اولتیماتوم، تهران: بابک، پهلوی 2535

210. نوائی، عبدالحسین، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی، چاپ اول، تهران: سمت، 1377.

211. نوری، میرزا حسینعلی، کتاب مبین، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع 12، 1308 ق.

212. نوری، میرزا حسینعلی،

مائده آسمانی، تألیف: عبدالحمید

اشراق خاوری، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، بدیع 129. 213. نوری، محمد تقی، اشرف التواریخ، تحقیق: سوسن اصیلی، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب، 1386.

214. والی زاده معجزی، محمدرضا، تاریخ لرستان روزگار قاجار، چاپ اول، تهران: حروفیه، 1380.

ص: 238

215. وامقی، ایرج، مجله نشر دانش، گنجینه غارت شده، سال پنجم، شماره هو 29، تهران: نشر دانشگاهی، 1394
216. الویری، محسن، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت، 1381.
217. هاردینگ، سر آرتور، خاطرات سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1363
218. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، چاپ دوازدهم، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1373. 219. هانتینگتون، سامنول، تمدن ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمدسرتیب، تهران: کتابسرا، 1380.
220. همایون کاتوزیان، محمد علی، مصدق و نبرد قدرت در ایران، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران: رسا، 1372. نشریات و سایت
227. آهنگ بدیع، شماره 9، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، 1317.
228. خبرنامه فرهنگی اجتماعی، جامعه مدرسین  
حوزه علمیه قم،  
شماره 969، سال 1389.
229. روزنامه «ایران».
230. روزنامه جمهوری اسلامی».
231. روزنامه «قدس».
232. سایت جهان امروز  
www.jahannews.com
233. سایت رجا نیوز www.rajanews.com
234. سایت مهر نیوز www.mehrnews.com
235. فصلنامه اسناد مطبوعات ایران، شماره 23-26، پائیز 1381.

236. فصلنامه پژوهش های منطقه ای، جامعه المصطفی العالمیه، پائیز 1391
237. فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال هفتم، شماره 27، 1382.
238. فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره 2، تابستان 1374
239. فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره 9، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، پاییز 1386.
240. گنجینه اسناد، تهران: شماره 23 و 26، پائیز 1375.
241. مجله اخبار امری، شماره 10، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری، دی ماه 1360.
242. نشریه فرهنگستان علوم، فرهنگستان علوم و معارف اسلامی، تهران.

ص: 240

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

